

# شعائر حسین

عزیز اللہ  
ابا

## مراسم عزائر آر حضرت

فرمایشات و استفتائات

مرجع مسلمین و شیعیان جهان فقیہ اہل بیت  
عصمت و طہارت حضرت آیت اللہ العظمی  
الشیخ الحافظ بشیر حسین النجفی (دام ظلہ العالی)



عظیم الشان

و

مراسم عزای آن حضرت

فرمایشات و استفتائات

مرجع مسلمین و شیعیان جهان فقیہ اہل بیت عصمت و طہارت

مفرت آیہ اللہ العظمی الشیخ

المافظ بشیر مسین النجفی (دام ظلہ الوارف)





## مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد للبارئ بعد اذ هدانا لدينه و الصلاة و السلام على المبعوث رحمة و عزة للمؤمنين، و على آله الغر الميامين، و اللعنة الدائمة على شائئهم الى يوم الدين. «من برای سرکشی، عداوت، فساد کردن و ظلم نمودن از مدینه خارج نشدم. بلکه، جز این نیست که من به منظور ایجاد صلح و سازش در میان امت جدم خارج شدم، من در نظر دارم امر به معروف و نهی از منکر نمایم. من می خواهم مطابق سیره جدم رسول خدا ﷺ و پدرم علی بن ابی طالب عليه السلام رفتار نمایم. کسی که مرا به جهت اینکه حق می گویم قبول کند او بحق سزاوارتر است و کسی که دست رد بسینه من بگذارد، صبر می کنم تا خدا که بهترین حکم کنندگان است بین من و او داوری نماید.»<sup>۱</sup>

سبط نبی رحمت، کشتی نجات، سرور آزادگان امام حسین عليه السلام با این شعار، دائمی و ابدی ماند. بر خداوند توکل و اعتماد می کنیم و از آفریدگار آسمان ها و زمین درخواست می نمائیم که ما را از شفاعتش محروم نگرداند، و از مشهد مقدسش دور نگرداند که او شنوا و اجابت کننده است.

بعد از آنکه مؤسسه «انوار النجفیه» افتخار این را پیدا کرد که شعائر حسینی را کامل کرده و تحولی در آن ایجاد کند که خداوند به دفتر حضرت آیت الله العظمی شیخ بشیر حسین نجفی دام ظلّه خیر و برکت دهد، و در خواست های فراوان از

جانب مؤمنین برای کتاب «الشعائر الحسینیة و مراسم العزاء» که اولین بار توسط دفتر حضرت آقا دام ظلّه در سال‌های گذشته به شکل جزوه‌ای چاپ شده بود، بعد از آنکه تعدادی از استفتائات که از جانب دوستداران شده بود بر آن اضافه گردید که با این اضافات - در مؤسسه انوار النجفی و تحت نظارت دفتر حضرت آقا - و با نظارت دوباره حضرت آقا بر جواب‌ها به شکل کتاب در آمده و چاپ شد. بعضی از استفتائاتی که برای افراد حاضر در واقعه کربلا و بعضی از اماکن و با رعایت کردن سند و متن بعضی از روایات بر آن اضافه شد. و مهم‌تر اینکه وقف‌ها و نذورات و ... که برای مراسم‌ها می‌شود که ارتباط با شعائر حسینی داشت نیز را آوردیم. و آنها را جدا جدا در موضوعاتی گوناگون دسته‌بندی کردیم تا برای خوانندگان و دست‌رسی به آنها سهل و آسان باشد.

برای کامل شدن فائده سخنانی از حضرت آقا را درباره اهمیت شعائر حسینی و موضع بعضی از دشمنان با آن؛ و علاوه بر آن سخنان مهمی که با خطباء و مبلغین کرده را آوردیم. همچنین تعدادی از بیانه‌های حضرت آقا را که اولی درباره «مناسبت فرارسیدن ماه محرم الحرام»، بیانیه دوم درباره «از برای خطباء»، بیانیه سوم درباره «هیئت‌های حسینی»، و بیانیه آخری درباره «تشویق به داشتن حجاب» و ... را در آن آورده‌ایم که از خداوند متعال امید داریم که از آن به ما نفع رساند و این کم را از ما قبول بفرماید، و ما را در زمره زنده کنندگان شعائر حسینی قرار بدهد و شفاعت امام حسین علیه السلام را روزی ما بفرماید. همه توفیق ما از جانب خداوند متعال است که به او توکل می‌کنیم و به سوی او بر می‌گردیم. حمد و سپاس برای پروردگار عالمیان است. درود و صلوات خداوند بر سرور و آقایمان محمد و آل پاکش باد.

مؤسسه انوار الجنفیة

قسمت تالیف و تحقیق

## تقریظ

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خير خلقه خاتم الانبياء و المرسلين  
ابي القاسم محمد و آله الطاهرين المظلومين، و اللعنة الدائمة على اعدائهم و ظالميهم  
الى يوم الدين.

«احيوا امرنا، رَحِمَ اللهُ مَنْ احيا امرنا و دعا الى ذكرنا ؛ امر ما را زنده كنيد، كه هر  
كس امر ما را زنده كند و به سوى ذكر ما بخواند خداوند او را رحمت كند».<sup>۱</sup>  
شعائر حسيني با تعبيرات گوناگوني كه دارد رمز انقلاب حسيني است كه امام  
سيد الشهداء عليه السلام است كه با آن بر سلطه كافر و گمراه كه متمثل بر بنى اميه و  
يزيد (لعنهم الله) شده بودند به پا خواست، بعد از آنكه به فسق و فجور تظاهر  
كردند و كفر و الحادشان را علني ساختند و خواستند كه اسلام را نابود كنند و آن  
را از بين ببرند. در اين هنگام امام عليه السلام با نهضت مبارکش براي اصلاح در امت  
رسول اعظم صلوات الله عليه و امر به معروف و نهی از منكر، گرفتن دست مردم و راهنمائي  
آنها به سوى سعادت و سربلندي قيام نمود.

پس شعائر حسيني باعث استمرار انقلاب امام حسين عليه السلام هست. براي همين  
در روايات شريفه بر اقامه و زنده نگه داشتن آن شعائر تاكيد فراوان شده است.  
درباره آن فضيلتي بزرگ و ثوابي عظيم وارد شده است. امام صادق عليه السلام مي فرمايد:  
«كسى كه نام ما نزد او برده شود و از چشمانش اشگ بيايد اگر چه به قدر بال

پشه باشد گناهانش آمرزیده شود و لو به اندازه کف روی دریاها باشد.<sup>۱</sup> امام باقر علیه السلام می فرماید: «حضرت علی بن الحسین علیهم السلام می فرمود: هر گاه چشم شخص مؤمنی برای شهادت امام حسین به قدری پر از اشک شود که به گونه‌های صورتش بچکد خدا او را دائما در غرفه‌های بهشتی جای خواهد داد. هر شخص مؤمنی که چشمش برای آن اذیت‌هایی که در دنیا به ما رسیده به قدری پر از اشک شود که به گونه‌های صورت وی برسد خدا او را در جایگاه صداقت در بهشت جای خواهد داد، هر شخص مؤمنی که در راه ما دچار اذیت و آزاری شود و چشمانش برای آن اذیت‌ها پر از اشک شود و به گونه‌های صورتش بریزد خدا اذیت و آزارها را از او دور می کند و روز قیامت وی را از غضب خود و آتش جهنم در امان خواهد داشت.»<sup>۲</sup>

ریان بن شیبب از امام رضا علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «ای پسر شیبب! محرّم ماهی است که اهل جاهلیت به احترام آن، ظلم و جنگ را حرام کرده بودند ولی این امت، احترام آن و احترام پیغمبر خود را حفظ نکردند، در این ماه اولاد او را کشتند و زنانش را اسیر کردند و وسائلش را غارت نمودند، خداوند هرگز این کارشان را نبخشد!

ای پسر شیبب! اگر می‌خواهی گریه کنی، بر حسین بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام گریه کن، زیرا او را همچون گوسفند ذبح کردند و از بستگانش، هیجده نفر به همراهش شهید شدند که در روی زمین نظیر نداشتند، آسمانهای هفتگانه و زمین‌ها به خاطر شهادتش گریستند، چهار هزار فرشته برای یاری او به زمین آمدند، ولی تقدیر الهی نبود، و آنها تا قیام قائم علیه السلام در نزد قبرش با حال نزار و ژولیده باقی هستند و از یاوران قائم علیه السلام هستند و شعارشان «یا لثارات الحسین» است.

ای پسر شیبب! پدرم از پدرش از جدش علیه السلام به من خبر داد که: وقتی جدم

۱ - لهوف، ص ۱۰

۲ - وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۲



حسین - صلوات الله علیه - شهید شد، از آسمان خون و خاک قرمز بارید. ای پسر شیبب! اگر به گونه‌ای بر حسین گریه کنی که اشکهایت بر گونه‌هایت جاری شود، خداوند هر گناهی که مرتکب شده باشی - چه کوچک، چه بزرگ، چه کم و چه زیاد - خواهد بخشید.

ای پسر شیبب! اگر دوست داری پاک و بدون گناه به ملاقات خدا بروی، به زیارت حسین برو.

ای پسر شیبب! اگر دوست داری با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در غرفه‌های بهشت همراه باشی، قاتلان حسین را لعنت کن.

ای پسر شیبب! اگر دوست داری ثوابی مانند ثواب کسانی که همراه حسین بن علی عَلَيْهِ السَّلَامُ شهید شدند داشته باشی، هر گاه به یاد او افتادی بگو: «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَوْزُ فَوْزاً عَظِيماً» (ای کاش با آنان می‌بودم و به فوز عظیم می‌رسیدم).

ای پسر شیبب! اگر دوست داری با ما در درجات عالی بهشت همراه باشی، در اندوه ما اندوهگین و در خوشحالی ما، خوشحال باش، و بر تو باد به ولایت ما، زیرا اگر کسی سنگی را دوست داشته باشد، خداوند در روز قیامت او را با آن سنگ محشور خواهد کرد.<sup>۱</sup>

و غیر این، روایات زیادی که مجال بیان آنها نیست، کشف از عظمت این شعائر و اهمیت آن در تقرب به سوی خداوند تبارک و تعالی و نگهدارنده اسلام حقیقی بنا بر مذهب اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ می‌کند. برای همین زنده نگه‌داشتن این شعائر و دفاع کردن از آن و تنزل نکردن از آن و دفاع نمودن از آن به هر قیمتی که باشد واجب است.

شعائر حسینی به مرور زمان و تعدد راه‌ها و مسیرها به گونه‌های مختلفی در آمده که در اینجا موضع شرعی این مسائل مستحدثه را بیان می‌کنیم. حرکت‌هایی به اسم دین ظاهر می‌شود که باعث از بین رفتن این شعائر یا کم تاثیر دادن آن

می‌شود. مردمان زیادی سؤال‌هایی درباره این قضایا و غیر آن از حضرت آیت‌الله العظمی شیخ بشیر حسین نجفی دام ظلّه پرسیده و خواستار جواب هستند. از سوئی دیگر نیاز ضروری ایجاد شد که کتابی از جمله سؤال‌ها و استفتائات و سخنانی که برای ارشاد مردم و توجیه آنها درباره این شعائر بزرگ از طرف دفتر حضرت آقا شد که چاپ شود، که این کتاب به نام «شعائر حسینی و مراسم عزا» نام گرفت و بارها چاپ شد. قسمت تالیف و تحقیق دفتر حضرت آقا با کمک قسمت استفتاءات و قسمت اعلام و شعائر حسینی در مؤسسه انوار نجفی برای تهیه کتابی جامع که شامل فتوا و فرمایشات و سخنان حضرت آقا را در بر بگیرد را ضروری دید و برای همین دفتر حضرت آقا به این امر مبارک دست زد که **﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾**<sup>۱</sup> بگو: «عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند! و به زودی، به سوی دانای نهان و آشکار، بازگردانده می‌شوید؛ و شما را به آنچه عمل می‌کردید، خبر می‌دهد!»

از پروردگار عالم خواستاریم که این کوشش ما را در صدد زنده نگه‌داشتن شعائر آل بیت عصمت و طهارت به نحو عام و شعائر سرور آزادگان امام حسین علیه السلام قرار بدهد که خداوند عزوجل می‌فرماید: **﴿ذٰلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللّٰهِ فَاِنَّهَا مِنْ تَقْوٰى الْقُلُوْبِ﴾**<sup>۲</sup> این است (مناسک حج)! و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست.

دفتر مرکزی حضرت آیت‌العظمی

شیخ بشیر حسین نجفی

۵ / محرم الحرام / ۱۴۳۳ هـ

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۵

۲. سوره حج، آیه ۳۲

## فصل اول

سخنرانی‌های حضرت آقا دام ظلّه



## زنده نگه داشتن شعائر حسینی علیهم السلام

بسم الله الرحمن الرحيم<sup>۱</sup>

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خير خلقه خاتم الانبياء و المرسلين  
ابي القاسم محمد و آله الطاهرين المنتجبين و اللعنة الدائمة على اعدائهم و ظالميهم و  
غاصبي حقوقهم الى يوم الدين.

خداوند تبارک و تعالی می فرماید: ﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمَ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى  
الْقُلُوبِ﴾<sup>۲</sup> این است (مناسک حج)! و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار  
نشانه تقوای دلهاست.

خداوند علی و عظیم راست فرمود و رسول راستگو و امینش آن را رساند و ما  
نیز شاهد و شکرگذار بر آن هستیم، که حمد و سپاس پروردگار عالمین است.  
بر ما رواست که در این ایام دردناک، مصیبت بزرگ، پیشامد جانگداز عظیم و  
بلائی که مصیبتش جهانیان را در برگرفت و بلیه‌ای که به خاطر آن سر بچه  
شیرخوار سفید شد و هر مصیبت بزرگی در برابر آن کوچک است. مصیبتی که  
چشم‌ها را شعله‌ور می‌سازد و بلایش تا روز قیامت باقی می‌ماند. و بر آن  
اشک‌های بسیاری جاری شد. خورشید به خاطرش در روز گرفت. چگونه چنین  
نباشد که محمد صلی الله علیه و آله در آن تنها گردید، کتاب الهی مهجور ماند چرا که آن

۱. این سخنرانی را حضرت آقا به مناسبت ماه محرم در سال ۱۴۲۹ هـ ایراد فرموده است.

۲. سوره حج، آیه ۳۲

مصیبت امام ما حسین علیه السلام و فرزندان و یاران و اهل بیت گرامی اش است که به دامنه آسمان رسید، آسمان و زمین به خاطر این مصیبت خون گریه کردند. حیوانات بیابان و دریاها بر آن نوحه نمودند. فرشتگان بالاتر از آسمان هفتم بر آن اقامه ماتم نمودند. به خاطر این مصیبت آب‌های دریاها و رودها عزا بر پا داشتند. به سبب آن ستارگان از حرکت باز ایستادند. چگونه چنین نباشد که گوشت رسول خدا پاره پاره بر روی خاک افتاد، اعضایش به وسیله شمشیرهای اهل ستم و نفاق تکه تکه گردید، دخترانش در اسارت قرار گرفتند. وای از واقعه‌ای که آتش قتل و اسارت را بر اهل عبا شعله‌ور نمود و بازماندگان رسول خدا غارت گردیدند، پس کدام جگر هست که به درد نیاید، و کدام قلبی است که محزون دردناک نگردد، کدام دلی هست که پاره نشود، کدام نفسی است که شکسته نشود، آن روز روز کربلا است، روز گرفتاری بزرگ و بلا است، یا ابا عبدالله کور شود چشمی که اشک بر تو جاری نکند بعد از مصیبت‌هایی که بر تو جاری شد، ای کسی که کشته شدی در حالی که تنها و غریب و دور از وطن که یاری کننده‌ای نبود تو را یاری کند و فریاد رسی نداشته‌ای که به فریادت برسد، اطرافت خواهران و فرزندان و کمی از شیعیان و دوستانت بودند، بدن مطهرت به وسیله سم اسبان فرزندان آزاد شده جدت پایمال گردید.

به تحقیق امام سید الشهداء علیه السلام با نهضت مبارکش برای امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح آنچه که حکام ظالم و گمراه به فساد کشانده بودند، تحریف در دین کرده و اشاعه فساد در زمین نموده و تظاهر به فسق و فجور را بر پا کرده بودند را اقامه نمود. چنانکه امام علیه السلام قبل از خروج از مدینه در وصیتش نوشت:

«من برای سرکشی، عداوت، فساد کردن و ظلم نمودن از مدینه خارج نشدم. بلکه، جز این نیست که من به منظور ایجاد صلح و سازش در میان امت جدم خارج شدم، من در نظر دارم امر به معروف و نهی از منکر نمایم. من می‌خواهم

مطابق سیره جدم رسول خدا و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام رفتار نمایم. کسی که مرا به جهت اینکه حق می گویم قبول کند او بحق سزاوارتر است و کسی که دست رد بسینه من بگذارد من صبر می کنم تا خدا که بهترین حکم کنندگان است بین من و او داوری نماید.»<sup>۱</sup>

امام علیه السلام روشن نمود یزید که لعنت الهی بر او باد صلاحیت خلافت بر مسلمانان را ندارد و به خاطر اهلیت نداشتن امام علیه السلام با او بیعت نخواهد کرد. برای همین والی مدینه را مخاطب قرار داد و فرمود:

«أَيُّهَا الْأَمِيرُ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَعْدِنِ الرَّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَبِنَا فَتَحَ اللَّهُ وَبِنَا خَتَمَ اللَّهُ وَيَزِيدُ رَجُلٌ فَاسِقٌ شَارِبُ الْخَمْرِ قَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحَرَّمَةِ مُعْلِنٌ بِالْفُسْقِ وَمِثْلِي لَا يُبَاعِ مِثْلَهُ وَ لَكِنْ نُصْبِحُ وَ تَصْبِحُونَ وَ نَنْظُرُ وَ تَنْظُرُونَ أَيُّنَا أَحَقُّ بِالْبَيْعَةِ وَ الْخِلَافَةِ ؛ ايها الامير! ما اهل بيت نبوت و معدن رسالت می باشیم، مائیم که ملائکه بر خاندانمان نازل می شدند، خدا دنیا را به ما افتتاح نمود و به ما ختم خواهد کرد. یزید مردی است فاسق و شراب خوار، قاتل مردم بی گناه و شخصی است که به طور علنی فسق و فجور می کند. شخصیتی مثل من ابدًا با یزید بیعت نخواهد کرد. ولی در عین حال ما و شما تا فردا صبح تجدید نظر می کنیم تا معلوم شود کدام یک از ما برای مقام بیعت و خلافت اهلیت خواهیم داشت.»<sup>۲</sup>

و فرمود: «فَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ الدَّائِنُ بِدِينِ الْحَقِّ الْحَاسِبُ نَفْسَهُ عَلَى ذَلِكَ لِلَّهِ ؛ بجان خودم که امام طبق دستور قرآن و عدالت قضاوت خواهد نمود. امام کسی است که دین حق را پذیرفته و جان خود را برای دین زندانی کند.»<sup>۳</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹

۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۵

۳. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۴؛ روضه الواعظین، ص ۱۷۳؛ ارشاد، ج ۲، ص ۳۹

و امام علیهم السلام فرمود: «إِنِّي أَدْعُوكُمْ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى نَبِيِّهِ فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أَمِيَّتْ فَإِنْ تَجِيبُوا دَعْوَتِي وَتَطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ؛ من شما را به سوی خدا و رسول دعوت می‌نمایم، زیرا سنت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله از بین رفته، اگر شما دعوت مرا بپذیرید و امر مرا اطاعت کنید من شما را به راه هدایت راهنمایی می‌کنم».<sup>۱</sup>

معلوم این است که یزید اصلاً ایمان نیاورده بود، نشانه آن این است که آشکارا تظاهر به الحاد و کفر و فسق و فجور می‌کرد، هنگامی که در مجلس سر مبارک سید الشهداء علیهم السلام را حاضر کردند باطن فاسدش را آشکار ساخت و با خواندن این ابیات درون پستش را بر اسلام کشف نمود که گفت: «قبیله هاشم حکومت را بازیچه نیل به مقاصد خود قرار دادند، و گر نه نه خبری از آسمان آمد و نه وحی نازل شد».<sup>۲</sup>

و در ابیات دیگری گفت: «یعنی هنگامی که آن سرها ظاهر شدند و آن خورشیدهای درخشنده بر بالای دروازه جیرون (که یکی از دروازه‌های دمشق

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۴۰

۲. علامه عسکری فصلی کامل تحت عنوان «خلیفه المسلمین یتمثل بأبیات ابن الزبیری» و اشاره می‌کند: سپس یزید در آن اشعار شعری از خودش اضافه کرده و می‌گوید: «من از نسل عتبه نیستم اگر انتقام نگیرم از فرزندان پیغمبر از آن اعمالی که انجام داد.» به کتاب معالم المدرستین، ج ۳، ص ۱۶۱ و ۱۶۵ رجوع کن. چنانکه طبری در تاریخ خود ج ۸، ص ۱۸۸ - ۱۸۹ یزید را توصیف کرده و می‌گوید: «این گفته کسی است که از دین، خارج است و به خدا و پیغمبر و کتاب خدا و دین او، ایمان ندارد. و از بزرگ‌ترین و سخت‌ترین پرده دری او است از دین، ریختن خون حسین بن علی علیهم السلام، فرزند فاطمه علیها السلام دختر پیغمبر صلی الله علیه و آله، با مقامی که نزد پیغمبر، و منزلتی که در دین و فضل داشت، که پیغمبر درباره او و برادرش به سیادت اهل بهشت شهادت داد، همه اینها از راه جرأت بر خدا و کفر بدین و عداوت با پیغمبر و بی‌احترامی به او و معاندت با عترت بوده که گویی گروهی از کفار ترک و دیلم را می‌کشند، نه از انتقام خدا پروا کرد و نه سطوت و قدرت الهی را به حساب آورد ... تا آخر. و خواننده گرامی خود به تواتر به کفر یزید ملعون به دین رسول اعظم صلی الله علیه و آله و آتش می‌رسد. مصادر دیگری که به آن اشاره کرده ابن کثیر در تاریخ خود، ج ۸، ص ۲۰۴ از تاریخ ابن عساکر؛ ابوالفرج در مقاتل الطالبیین، ص ۱۲۰؛ تذکره الخواص، ص ۱۴۸؛ طبقات فحول الشعراء، ص ۲۰۰؛ سمط النجوم العوالی، ج ۳، ص ۱۹۹؛ و ... است.



بوده) درخشیدند؛ کلاغ فریاد زد. من گفتم: چه فریاد بزنی و چه فریاد نرنی حقا که من حق خود را از پیامبر اسلام گرفتم».

این مطالب و گفتار تصریح در کفر یزید می کند پس چگونه او می تواند خلیفه مسلمین باشد.

برای همین نهضت امام حسین علیه السلام برای آشکار شدن حقیقت و کشف کردن قلبی بودن پیشوای مردم بود تا دین اسلام را از تحریف و دگرگونی نگه دارد. این انقلاب مبارک و نهضت پربرکت برای زنده داشتن دین و شریعت سرور پیامبران صلی الله علیه و آله بود.

همانا انقلاب عاشورا کشف کرد که بین رسالت محمدی صلی الله علیه و آله و انقلاب حسینی وحدت و یگانگی برقرار هست. رسول اعظم صلی الله علیه و آله بر ضد جاهلیت انقلاب کرد امام حسین علیه السلام بر ضد انحرافات که با حرکت نفاق و دو روئی آغاز شد و نشانه های آن در سقیفه تا مسلط شدن یزید که لعنت الهی بر او باد روشن گردید. همچنین است که انقلاب مبارک امام علیه السلام در مواجهه با او و انقلاب بر ضد او و ضد هر کسی است که روش و راه او می روند بود، بزای همین ستمکاران را می بینیم که از زیارت امام حسین علیه السلام و ماتم و عزا داشتن بر آن حضرت ترس و واهمه دارند.

پس شعائر حسینی علیهم السلام لایه های فراوانی دارد، برای همین ائمه علیهم السلام در روایات شریفه تاکید فراوان بر اقامه عزا کرده اند که بعضی از آنها را ذکر می کنیم:

امام باقر علیه السلام می فرماید: علی بن الحسین علیهما السلام می فرمود: «هر گاه چشم شخص مؤمنی برای شهادت امام حسین به قدری پر از اشک شود که به گونه های صورتش بچکد خدا او را دائما در غرفه های بهشتی جای خواهد داد. هر شخص مؤمنی که چشمش برای آن اذیتهائی که در دنیا به ما رسیده به قدری پر از اشک شود که به گونه های صورت وی برسد خدا او را در جایگاه صداقت در

بهشت جای خواهد داد، هر شخص مؤمنی که در راه ما دچار اذیت و آزاری شود و چشمانش برای آن اذیت‌ها پر از اشک شود و به گونه‌های صورتش بریزد خدا اذیت و آزارها را از او دور می‌کند و روز قیامت وی را از غضب خود و آتش جهنم در امان خواهد داشت»<sup>۱</sup>.

سمع بن کردین مبصر گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

«ای مسمع تو از اهل عراق هستی، آیا به زیارت قبر حسین علیه السلام می‌روی؟ عرض کردم: خیر، من نزد اهل بصره مردی مشهور هستم و نزد ما کسانی هستند که خواسته این خلیفه را طالب بوده و دشمنان ما از گروه ناصبی‌ها و غیر ایشان بسیار بوده و من در امان نیستم از اینکه حال من را نزد پسر سلیمان گزارش کنند. در نتیجه او با من کاری کند که عبرت دیگران گردد لذا احتیاط کرده و به زیارت آن حضرت نمی‌روم.

حضرت به من فرمودند: آیا یاد می‌کنی مصائبی را که برای آن جناب فراهم کرده و آزار و اذیت‌هایی که به حضرتش روا داشتند؟ عرض کردم: بلی.

حضرت علیه السلام فرمودند: آیا به جزع و فزع می‌آئی؟

عرض کردم: بلی به خدا قسم، به خاطر یاد کردن مصائب آن بزرگوار چنان غمگین و حزین می‌شوم که اهل و عیالم اثر آن را در من مشاهده می‌کنند و چنان حالم دگرگون می‌شود که از خوردن طعام و غذا امتناع نموده و به وضوح علائم حزن و اندوه در صورتم نمایان می‌گردد.

حضرت علیه السلام فرمودند: خدا رحمت کند اشک‌های تو را (یعنی خدا به واسطه این اشک‌ها تو را رحمت نماید)، بدان قطعا تو از کسانی محسوب می‌شوی که به

۱. کامل الزیارات، باب ۳۲، (ثواب کسی که بر حسین علیه السلام گریه کند) ح ۱

خاطر ما جزع نموده و به واسطه سرور و فرح ما مسرور گشته و به خاطر حزن ما محزون گردیده و به جهت خوف ما خائف بوده و هنگام مأمون بودن ما در امان هستند، توجه داشته باش حتما و عنقریب هنگام مرگ اجداد ما را بالای سرت خواهی دید که ملک الموت سفارش تو را خواهند نمود و بشارتی که به تو خواهند داد برتر و بالاتر از هر چیزی است و خواهی دید که ملک الموت از مادر مهربان به فرزندش به تو مهربان تر و رحیم تر خواهد بود.

مسمع می گوید: سپس حضرت گریستند و اشکهای مبارکشان جاری شد و من نیز با آن جناب اشک ریختم، پس از آن حضرت فرمودند: حمد و سپاس خداوندی که ما را بر خلقش با رحمت خود فضیلت بخشید و ما اهل بیت را مخصوص گردانید. ای مسمع از هنگامی که امیر المؤمنین علیه السلام شهید شدند زمین و آسمان بر ما ترحم نموده و می گیرند و موجودی بیشتر از فرشتگان بر ما گریه نکرده است، ایشان اشکهایشان لا ینقطع جاری بوده و هرگز قطع نمی شود.

توجه داشته باش احدی به خاطر ترحم به ما و به جهت مصائبی که بر ما وارد شده گریه نمی کند مگر آنکه قبل از آمدن اشک از چشمش حقتعالی او را رحمت خواهد نمود و وقتی اشکها بر گونه هایش جاری گشت در صورتی که یک قطره از آنها در جهنم بیفتند حرارت و آتش آن را خاموش و آرام می کند که دیگر برای آن حرارتی پیدا نمی شود.

دانسته باش کسی که به خاطر ما قلبش دردناک شود در روزی که موت و مرگش فرا برسد ما را مشاهده نماید، سرور و نشاطی برایش پیدا شود که پیوسته این سرور در او بوده تا در کنار حوض بر ما وارد گردد و هنگامی که محب و دوست دار ما اهل بیت بر حوض کوثر وارد شود سرور و فرح خاصی در کوثر پیدا شود به حدی که انواع و اقسام اطعمه ای را به او چشانده که وی مایل نیست

طعم آن غذاها زائد گردد ...»<sup>۱</sup>

ابوهارون مکفوف گفت: «بر حضرت ابی عبد الله علیه السلام وارد شدم، حضرت به من فرمودند: برایم شعر بخوان، برای آن حضرت شعر خواندم. حضرت فرمودند: نه، آن طور که در جمع خودتان می خوانی و به همان نحو که در کنار قبر آن حضرت مرثیه می خوانی، بخوان.

ابو هارون می گوید: پس شعر ذیل را برای آن حضرت خواندم:

أَمْرٌ عَلَى جَدَّتِ الْحُسَيْنِ      يَا أَعْظَمًا لَا زَلَّتْ مِنْ  
فَقُلْ لِأَعْظَمِهِ الزُّكْيَةُ      وَطَفَاءَ سَاكِبَةٍ رَوِيَهُ

یعنی: گذر کن بر قبر حسین بن علی علیه السلام، پس به استخوان های پاک و مطهرش بگو. هان ای استخوان هایی که همواره از باران اشک عاشقان و سوگواران سیراب می گردید!

ابو هارون می گوید: وقتی حضرت گریستند، من خودداری کرده و خواندن را متوقف نمودم، حضرت فرمودند: بگذر، پس من گذشتم، سپس فرمودند: بیشتر برایم بخوان، بیشتر برایم بخوان.

ابو هارون می گوید: پس این بیت را خواندم:

يَا مَرْيَمُ قُومِي فَأَنْدُبِي مَوْلَاكَ      وَ عَلَى الْحُسَيْنِ فَأَسْعِدِي بَيْكَآكَ

ای مریم (مادر حضرت عیسی علیه السلام) بایست و بر سرور خود ندبه و زاری نما، زاری کن بر حضرت حسین علیه السلام و با این زاری و گریه خود او را نصرت و یاری نما.

ابوهارون می گوید: پس از خواندن این بیت، حضرت گریست و مخدّرات شیون و زاری کردند.

۱. کامل الزیارات، باب ۳۲، (ثواب کسی که بر حسین علیه السلام گریه کند) ح ۷

وی می گوید: وقتی بانوان آرام گرفتند حضرت به من فرمودند: ای ابا هارون: کسی که در مرثیه حضرت امام حسین علیهم السلام شعر بخواند و ده نفر را بگریاند بهشت برای او است، سپس حضرت نفرات گریه کنندگان را یکی یکی کاهش داده تا به «واحد» رسیده و فرمودند: کسی که در رثاء حضرت حسین علیهم السلام شعر خوانده و یک نفر را بگریاند بهشت برای او است.

سپس فرمودند: کسی که یاد امام حسین علیهم السلام نموده و برای آن حضرت بگرید بهشت برای او است»<sup>۱</sup>.

ریان بن شیبب از امام رضا علیهم السلام روایت می کند که فرمود: «... ای پسر شیبب! اگر می خواهی گریه کنی، بر حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام گریه کن، زیرا او را همچون گوسفند ذبح کردند و از بستگانش، هیجده نفر به همراهش شهید شدند که در روی زمین نظیر نداشتند، آسمانهای هفتگانه و زمین ها به خاطر شهادتش گریستند، - تا اینکه فرمود: - ای ابن شیبب! اگر به گونه ای بر حسین گریه کنی که اشکهایت بر گونه هایت جاری شود، خداوند هر گناهی که مرتکب شده باشی - چه کوچک، چه بزرگ، چه کم و چه زیاد- خواهد بخشید. ای پسر شیبب! اگر دوست داری پاک و بدون گناه به ملاقات خدا بروی، به زیارت حسین برو.

ای پسر شیبب! اگر دوست داری با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غرفه های بهشت همراه باشی، قاتلان حسین را لعنت کن.

ای پسر شیبب! اگر دوست داری ثوابی مانند ثواب کسانی که همراه حسین بن علی علیهم السلام شهید شدند داشته باشی، هر گاه به یاد او افتادی بگو: «**يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا**» (ای کاش با آنان می بودم و به فوز عظیم می رسیدم).

۱. کامل الزیارات، ص ۲۰۸، باب ۳۳، ح ۲۹۷، (کسی که درباره حسین علیهم السلام شعری بگوید بگرید و بگریاند)، نگاه شود به بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۷، ح ۲۵

ای پسر شیبب! اگر دوست داری با ما در درجات عالی بهشت همراه باشی، در اندوه ما اندوهگین و در خوشحالی ما، خوشحال باش، و بر تو باد به ولایت ما، زیرا اگر کسی سنگی را دوست داشته باشد، خداوند در روز قیامت او را با آن سنگ محشور خواهد کرد.<sup>۱</sup>

امام رضا علیه السلام فرمود: ماه محرم ماهی است که مردم زمان جاهلیت جنگ و جدال را در آن حرام می دانستند. ولی در این ماه ریختن خونهای ما حلال شد! احترام ما از بین رفت! فرزندان و زنان ما اسیر شدند! خیمه‌های ما طعمه آتش‌ها قرار گرفتند! اموال ما به یغما رفت! در امور ما احترام رسول خدا صلی الله علیه و آله را مراعات نکردند! حقا که مصیبت امام حسین پلک چشم ما را زخم و اشکهای ما را جاری کرد، عزیز ما را در ارض کرب و بلا ذلیل و غم اندوه را تا روز قیامت دچار ما کرد.

پس گریه‌کنندگان باید بر شخصی مثل حسین گریه کنند، زیرا گریه برای آن حضرت باعث آمرزش گناهان بزرگ خواهد شد.

سپس حضرت رضا علیه السلام فرمود: هر گاه ماه محرم فرا می‌رسید پدرم خندان نبود تا ده روز از محرم نگذشته بود غم و اندوه بر پدرم غالب بود. هنگامی که روز عاشورا فرا می‌رسید روز مصیبت و محزون‌ی و گریه پدرم بود و می‌فرمود: این همان روزی است که امام حسین علیه السلام در آن شهید شد!!<sup>۲</sup>

این گوشه‌ای از روایات فراوان هست که اهمیت شعائر و برپا داشتن و مکانت آن فضلاً بر مشروعیت و جائز بودنش را آشکار می‌سازد. مگر اینکه در اینجا کسی با اقامه این شعائر روبه‌رو شود و در کم ارزش جلوه دادن آن بکوشد یا با آن به محاربه و ستیز برخیزد که اینها سه گروه و طائفه هستند:

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۸ - ۲۶۹؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶

۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۳ - ۲۸۴، ح ۱۸

## گروه اول:

کسانی هستند که به اسلام و پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله ایمان نیاورده‌اند، یا در دین دیگری هستند یا اصلاً دینی ندارند و به اعتقادات و حرکات دینی تمسک نمی‌جویند. اینها اعتقاد دارند که حسین علیه السلام رهبر یک حرکت سیاسی است و با انقلابش خواست در حکومت اصلاح ایجاد کند و حاکمان ظلم و ستم را از بین ببرد. پس حکام و صاحبان قدرت و مانند آنها می‌دانند که امام حسین علیه السلام در انقلاب خود بر ضد بنی امیه تخت پادشاهی آنها را تهدید و سلطه‌شان را سست و لرزان کرد. چرا که امام علیه السلام هم اگر الآن نتوانست حکومت بنی امیه را که لعنت الهی بر آنها باد از بین ببرد توان این را پیدا کرد که حکومتشان را در معرض تهدید قرار دهد و فتح بابی شود برای دیگر آزادگان و مستضعفین و ستم‌دیدگان در جاهای مختلف زمین تا قیام نمایند. پس امام حسین علیه السلام همچنانکه که اعتقاد دارند انقلابش در برابر آنها و متزلزل کننده ملکشان را متزلزل بود، این موضع امام علیه السلام هنگام مواجه شدن بنی امیه با امام علیه السلام شروع شد پس آن حضرت و اهل بیت و اصحابش را شهید کردند و زن و بچه‌هایش را به اسارت بردند تا از حکومتشان محافظت کنند.

## گروه دوم:

گروه دوم کسانی هستند که در صف دشمنان امام حسین علیه السلام قرار دارند، آن حضرت را دشمن می‌دارند، و به بغض کینه می‌پردازند، اینها شرعی بودن انقلاب حسینی را انکار می‌کنند و گمان می‌کنند که بر علیه حکومت الهی و بر خلیفه مسلمانان یزید خروج کرده است. اینها تظاهر به اسلام و ایمان به پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله می‌کنند و می‌گویند که امام حسین علیه السلام بر امام زمانش خروج کرده

است. آلوسی در تفسیر<sup>۱</sup> خود در ضمن آیه **﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ﴾**<sup>۲</sup> اگر (از این دستورها) روی گردان شوید... به آن اشاره کرده است.

این طائفه - علاوه بر حاکمان و سیاستمداران و ادعا کنندگان به دین اسلام - شامل امثال ابن تیمیه است علی رغم اینکه مقام امام علیهم السلام را در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می شناسد باز حکم بر علیه امام حسین علیهم السلام می دهد.

از جمله این طائفه قاضی ابن شریح است که لعنت الهی بر او باد که نوشت نعوذ بالله حسین علیهم السلام از دین جدش خارج شد و یزید صاحب شریعت هست. الآن بر عقیده این طائفه زیاد هستند مانند وهابیت.

این طائفه با انقلاب حسینی به محاربه برخاسته و مانع زنده نگه داشتن آن و برپا داشتن شعائر برای عبرت گرفتن یا یادآوری آن به هر نحو و راهی که باشد می شوند.

انتظار این گونه رفتار کردن از آنها می رود و از آنها دور نیست چرا از ظرف آن چیز طراود که در آن است. چرا که اینها از پیروان و فرزندان مدرسه سقیفه هستند که حرکت انحراف و گمراهی از مسیر حق و اسلام اصیل که متمثل به غدیر بود را آغاز کردند.

۱. آلوسی در تفسیر آیه **﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ﴾** \* أولئك الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ می گوید: آن مبنی بر جواز لعن گنهکاری است که جماعتی را که با وصیت لعن می کنند را کمک کند. و آن خلاف جمهور است. چرا که لعن معین فاسق باشد یا ذمی، زنده باشد یا مرده و نمی داند که مرگش در حال کفر بوده است لعنش جایز نیست چرا که احتمال این هست که مرگش در حال اسلام بوده باشد به خلاف کسی که مرگش در حال جهل بوده است مانند ابوجهل. به تفسیر آلوسی، ج ۲۶، ص ۷۲ - ۷۲ مراجعه کن.

می گویم: آنچه را که آلوسی نظری را خلاف صریح آیه کریمه را بنا گذاشته ملاحظه کن، بلکه با ادعای اجماع بر صریح آیه مخالفت می کند، نمی دانم او چگونه به این مطلب رسیده و جرات این را پیدا کرده مقابل خشم امت در برابر قاتلین امام حسین علیهم السلام بایستد و از مسیر وصیت رسول اعظم صلی الله علیه و آله منحرف شود.

۲. سوره محمد صلی الله علیه و آله، آیه ۲۲



این طائفه شرشان از طائفه اولی شدیدتر است چرا که گروه اول اعتقاد به حقانیت اسلام ندارند، طبیعتاً از ریشه به امامت آن حضرت علیهم السلام نیز ایمان ندارند؛ اما این طائفه اعتقاد به امامت آن حضرت علیهم السلام را دارند و از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می کنند که فرمود: «حسن و حسین دو امام و پیشوا هستند قیام کنند یا نکنند». و «حسن و حسین دو سید و سرور اهل بهشت هستند»<sup>۱</sup> و دیگر روایات که امامت آن حضرت علیهم السلام را اثبات می کنند و اعتقاد به آن دارند. و لکن با توجه به آن بعد از انقلاب و نهضت مبارکش بر علیه یزید که لعنت الهی بر او باد حکم به کفر آن حضرت علیهم السلام دادند.

همچنانکه طائفه اولی اعتقاد دارند که امام علیهم السلام بر ضد بنی امیه قیام نمود چرا که بنی امیه دست به غارت و چپاول اموال و آبروی مردم دراز کرده و به ظلم و ستم می پرداختند، امام علیهم السلام قصد کرد که امور سلطنت را اصلاح نماید اگر چه با او و شعائرش به محاربه بپردازند. اما طائفه دوم این امر را منکر می شوند. و به نحو اختصار می توان بیان کرد که هر کس بر ضد سید الشهداء علیهم السلام و انقلاب آن به پا خیزد و در مقابل آن حضرت بایستد جزء این طائفه دوم قرار می گیرد.

### گروه سوم:

این طائفه کسانی هستند که اهل بیت علیهم السلام را دوست دارند همچنانکه ادعا می کنند. اینکه نهضت امام علیهم السلام درست و به حق بود و اینکه یزید لعنة الله علیه

۱. ابن شهر آشوب در مناقب خود می گوید: اهل قبله اجتماع دارند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «حسن و حسین دو امام و پیشوا هستند قیام کنند یا نکنند». و همچنین اجتماع دارند که آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «حسن و حسین دو سید و سرور اهل بهشت هستند» این روایات و روایات زیادی که هیچ شک و شبهه ای ندارند و شکی نیست که حسن و حسین پدر این امت هستند. به مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۶۳ رجوع شود.

گمراه و کافر بود و امام و پیشوای مسلمانان نبود. و لکن با توجه به این در صورت شعائر حسینی ایراد دارند و با وسائل گوناگون با آن به محاربه برمی‌خیزند. گریه کردن و برپا داشتن عزا یا انفاق کردن بر آن و خدمت نمودن در آن، بر سر و صورت زدن، قمه زنی، زنجیرهای تیغ‌دار بر پشت زدن، زیارت امام حسین علیه السلام و لعن کردن بر دشمنان و ظالمین آن حضرت به محاربه برخواسته‌اند. این طائفه بر حسبی که مشاهده کرده‌ام شدیدتر از دو طائفه گذشته است. اینکه شدیدتر از طائفه اولی است که روشن است، و اینکه از طائفه دوم شدیدتر است به خاطر آن است که العیاذ بالله به خطا و اشتباه بودن امام حسین علیه السلام و به عدم حقانیت انقلاب مبارک حکم می‌دهند. این طائفه همچنانکه گذشت بر امام حسین علیه السلام و حقانیت انقلاب مبارکش و به کفر یزید و بنی امیه ایمان دارند و با توجه به آن مانع برپا داشتن شعائر می‌شوند یا می‌خواهند آن را کم کنند و در روش آن تغییر ایجاد نمایند.

همچنانکه طائفه دوم با اسلام و امام حسین علیه السلام علنی به محاربه برمی‌خیزد و خودش را در برابر امام علیه السلام قرار می‌دهد، اما این طائفه بینی اسلام و مسلمانان و شیعه را از داخل می‌فشارند که اینها از منافقان هستند.

به بعضی از گفته‌ها و نقطه‌هایی که برای محاربه با شعائر در پیش گرفته‌اند اشاره می‌کنم:

### ۱- گریه کردن

اینها می‌گویند گریه بر حسین علیه السلام بس است. ما نزدیک به هزار و چهار صد سال هست که بر آن حضرت گریه می‌کنیم. فائده گریه کردن چیست؟ لازم است که گریه کردن را ترک کنیم و به توحید که کلمه مسلمانان و با اهمیت‌تر از آن است بپردازیم و مسلمانان را در یک صف واحد بر ضد کافران و ملحدان قرار

دهیم. خداوند سبحان در کتابش می فرماید: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾<sup>۱</sup> همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت)، چنگ زنید، و پراکنده نشوید!

آیا اینها به روایات شریفی که درباره تشویق بر گریه کردن و اقامه عزا و مقدم داشتن بعضی از آنها را بر بعضی دیگر نمی بینند؟ اینکه انقلاب حسینی محافظ دین از گمراهی و انحراف است. با انقلاب حسینی است که اسلام پایدار مانده است. و از آن تعبیر به امر به معروف و انقلاب بر ضد منکر می کنند.

و بر شما - یعنی ای کسی که به این روش به وحدت مسلمانان فرا می خوانی - می گوئیم اگر از تو سؤال شود با آن کسانی که می خواهی وحدت ایجاد کنی و به خاطر آنها از بعضی از اعتقادات خود تنزل نمائی و از آنها دست برداری - اگر از آنها بپرسی - آیا اعتراف می کنید که شیعه ها مسلمان هستند؟! آیا اینها یکتا پرستند؟! جوابی از آنها به تو نمی رسد آن طور که تو هستی، بلکه آنها ما را از کافرین و گمراهان می دانند و اگر با ما خوب تعامل کنند و ادب داشته باشند می گویند که ما رافضی هستیم.

بر تو جائز نیست به خاطر راضی نگه داشتن گروهی یا جماعتی یا اشخاصی از اعتقادات چشم پوشی کنی. اسلام حقیقی بدون این شعائر و مانند آن از اعتقادات تمام نیست. اسلام اصیل همان است که خداوند تبارک و تعالی بر رسول امینش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل فرمود و آن را در روز غدیر خم با نصب امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ ولی و امام همه مسلمانان اتمام کرد و این دین مستقیم با ائمه طاهرین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ادامه یافت. بلی اینجا دو طریق مختلف است که جمع بین آن دو و وحدت بین آنها امکان پذیر نیست:

طریق اول: همان طریق و راه اهل بیت علیهم السلام است. طریق غدیری است که از امیرالمؤمنین علیه السلام آغاز شد و بزودی به وسیله امام عصر و زمان استمرار پیدا خواهد کرد.

طریق دوم: همان طریق و راه سقیفه است که از راه اهل بیت علیهم السلام جدا شد و از اسلام جدا گردید، که همان طریق نفاق است که امروز به روش ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب در آمده است.

پس شما ای اصحاب طائفه سوم اگر از پیروان ابن تیمیه و در مسیر سقیفه هستید آن را آشکارا بیان کنید، برای چه بر تربت حسینی علیه السلام سجده می‌کنید؟ بگوئید که ما شیعه نیستیم.

هرگاه اعتقاد دارید که اسلام حقیقی همان طریق غدیر است پس چگونه به سقیفه چنگ می‌زنید؟

چگونه اعتقاد دارید کفری که متمثل به سقیفه شد همان دین خداست با اینکه از جانب خداوند نیامده است.

هرگاه که تو ندای وحدت سر می‌دهی پس چگونه در برابر کسی که می‌گوید مسلمان است کوتاه می‌آئی، برای چه منادی وحدت بین همه انسان‌ها نمی‌دهی.

اصحاب این طائفه - آن طور که به ما رسیده است - اموال فراوانی برای تفرقه میان شیعه و جدائی بین آنها و تضعیف‌شان مصرف می‌کنند پس واجب است که از آن آگاه شوند.

## ۲- انفاق

اینها می‌گویند هیچ داعی برای انفاق کردن بر مجالس عزاء و هیئت‌ها و باقی شعائر حسینی و زوار حسین علیه السلام نیست و واجب است که این اموال بر فقراء داده

شود. اینها با این سخنانشان می خواهند حرکت شعائر را متوقف کنند و اصلاً غم و غصه فقراء را ندارند.

### ۳- زیارت عاشورا

اینها می گویند واجب است که زیارت عاشورا خوانده نشود چرا که سند آن ضعیف و غیر موثق است.

می گویم: شماها معنی روایت ضعیف و قوی و ضابطه بین آن را نمی دانید چرا که متخصص نیستید، علم داریت، رجال، فقه، اصول و غیر آن را نخوانده اید تا توان این را داشته باشید که بین روایت ضعیف از غیر ضعیف را تمیز بدهید، در کلماتی خودنمائی می کنید که در معنایش هیچ تفقهی نکرده اید. و به وسیله آن امام معصوم علیه السلام را رد می کنید که از آن حضرت این زیارت و غیر آن وارد شده است.

### ۴- لعن در زیارت عاشورا

می گویند که زیارت عاشورا شامل لعن است و این روش مناسبت با امام علیه السلام ندارد که اینچنین سخن بگوید اگر چه طرف مقابل کافر ملعون یا ناصبی باشد، واجب است که زیارت عاشورا را ملغی کنیم یا لعن را از آن حذف کنیم.

می گویم: لعن و برائت در دین و اعتقادات هست طوری که اصل توحید و کلمه آن (لا اله الا الله) بر آن بناء شده است، جائز نیست که به قسمت اول آن تمسک جوئیم و قسمت دیگرش را ترک کنیم چرا که آن موجب می شود که بگوئیم و اعتقاد داشته باشیم (لا اله) که آن نفی آلهیت است که کفر می باشد با فرض اینکه آن کلمه توحید است، توحید تمام نمی شود مگر با جمع بین تولی و برائت پس بگو: (لا اله) و بعد از آن فوراً بگو: (الا الله) و همچنین است تولی به ائمه از اهل بیت علیهم السلام که تمام نمی شود مگر به ضمیمه کردن برائت از دشمنان آنها

و ستمکاران‌شان. پس لعن و برائتی که در زیارت عاشورا و غیر آن وارد شده ممکن نیست که خودمان را به مجرد هوس‌ها یا راضی نگه‌داشتن دشمنان آل محمد علیهم السلام و پیروان آنها از آن دور کنیم.

### ۵- قمه‌زنی و زنجیرزنی

گفته‌اند این افعال باعث ضرر در نفس می‌شود و ضرر زدن به نفس هم جائز نیست پس قمه زدن و زنجیر زدن جائز نیست بلکه لطمه شدید زدن بر سر و صورت و گریه نیز چنین است، که حرام است.

بر تو واجب است که در حوزه علمیه در نجف اشرف و دیگر حوزه‌های علمیه درس بخوانی و بفهمی که چه چیزی ضرر و حرام است، آیا ضرر بسیط است یا بلیغ. آیا ضرری که از آن به نفس می‌رسد به خاطر تحقق پیدان کردن نجات و سعادت برای نفسش یا برای اهلش یا برای مردمانش است؟ و برای غرض عقلائی می‌باشد یا نه؟!

آیا سیاست‌مداران این چنین عمل نمی‌کنند؟ خودشان را به خطر می‌اندازند و با هواپیما و غیر آن با وجود احتمال سقوط و هلاکت مسافرت می‌کنند با وجود این از آن مسافرت منع نمی‌گردند و عقلاء نیز بر این رفتارشان مذمت نمی‌کنند چرا که این مسافرت آنها با غرض عقلائی است.

علاوه بر آن روایت معتبری است که معاویه بن وهب از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که در آن فضیلت پیاده‌روی برای زیارت امام حسین علیه السلام بیان شده و حضرت علیه السلام از خداوند می‌خواهد که به این زوار رحمت نماید با توجه به اینکه در این زیارت اذیت و آزار می‌بینند و می‌گوید: «... پروردگارا بر آن

صورت‌هایی که خورشید آن را تغیر داده رحم نما<sup>۱</sup>. آیا تغیر یافتن صورت ضرر بر نفس نیست؟

بلی نهضت امام حسین علیهم السلام به خاطر اصلاح و هدایت مردم به سوی اسلام است پس هرگاه در اینجا منطقه‌ای دور هست که به نهضت امام حسین علیهم السلام و اهداف آن معرفت کمی دارند و اجرا کردن شعائر قمه زنی و مانند آن در نزد آنها صورت انقلاب حسینی را تشویش می‌کند و گمان بد به آن پیدا می‌کنند، و حکم آنها مانند رفتاری ستمگرانه با دین و مانند آن است، که این به خاطر اسلام آنهاست، پس در اینجا مانند این شعائر را فقط در آن منطقه انجام ندهید.

و اما ادعای اینکه قمه زنی و زنجیرزنی و مانند آن موجب تمسخر دیگران می‌شود و برای همین واجب است مانند این شعائر را ترک کنیم. در اینجا هر طائفه و قومی برای زنده نگه داشتن مناسبات و یادآوری بزرگان و سرورانشان اسلوب و روشی دارند، و آن موجب انتقاد از جانب دیگران یا تمسخر و استهزاء نمی‌شود، همچنین برای ما در زنده نگه داشتن شعائر اسلوب و طریقه‌ای هست.

بلکه شعائر حسینی در مکانی نسبت به مکانی دیگر بر حسب عادات اهالی آن مکان گوناگون است، پس هر عملی که موجب زنده نگه داشتن شعائر حسین علیهم السلام باشد اگر چه موجب ضرر شود آن ارجحیت دارد.

و لکن سزاوار است که ملتفت شوند زنده نگه داشتن شعائر واجب است اما به گونه‌ای باشد که منافات با اسلام نداشته باشد بلکه تحریک کننده به سوی آن باشد که بدان تمسک جویند. هیئت‌هایی که برای عزا یا زیارت بیرون می‌آیند هرگاه وقت نماز رسید و مثلاً در خیابان بودند سزاوار است که نماز را از وقتش به عقب نیندازند. بلکه یکی از افراد هیئت اقدام به اذان گفتن کند و در حد امکان

۱. کامل الزیارات، باب ۴۰، (دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه و ائمه علیهم السلام برای زوار حسین علیهم السلام)، این روایت به طور کامل در آخر این سخنرانی می‌آید.

نماز را به جماعت بخوانند و الا افرادی بخوانند. چرا که برای آنها الگوئی مانند صاحب عزاء حضرت سید الشهداء علیه السلام هست که نماز را از وقتش به تاخیر نینداخت حتی در روز عاشورا و قائمه جنگ بر پا بود.

بلکه این چنین است حال سرور حوریه‌ها حضرت زینب علیها السلام که حتی در شب یازدهم محرم هم نماز شبش را ترک نکرد با اینکه مصیبت‌ها و سختی‌ها دیده بود.

بلکه شاید امام حسین علیه السلام می‌دانست که آن حضرت علیها السلام نماز شب را ترک نمی‌کند که در بعضی از روایات آمده است که به آن بی‌بی فرمود: مرا در نماز شبت یاد کن.<sup>۱</sup>

بدانید که برای زائر امام حسین علیه السلام و اقامه کننده عزاء و گریه کننده بر آن حضرت اجری عظیم هست. برای شما روایتی که معاویه بن وهب از امام صادق علیه السلام نقل کرده می‌آورم.

معاویه بن وهب گوید: اذن خواستم که بر امام صادق علیه السلام وارد شوم، به من گفته شد که داخل شو، پس داخل شده آن جناب را در نمازخانه منزلشان یافتم، نشستم تا حضرت نمازشان را تمام کردند، شنیدم که با پروردگارشان مناجات نموده و می‌گفتند:

«بار خدایا، ای کسی که ما را اختصاص به کرامت داده و وعده شفاعت دادی

۱. از امام سجاد علیه السلام روایت شده که فرمود: «عمه‌ام زینب با آن همه مصیبت و سختی‌ها که در راه به سوی شام می‌دید اما نوافل شبش را ترک نکرد». و روایت شده که امام حسین علیه السلام هنگامی که با خواهرش زینب علیها السلام وداع آخر کرد به او فرمود: «ای خواهرم در نماز شبت مرا فراموش مکن». و در مثیر الاحزان است که فاطمه دختر حسین علیه السلام فرمود: و اما عمه‌ام زینب، در شب دهم از محرم در محرابش به سوی پروردگارش استغاثه می‌کرد، چشم ما آرام نمی‌گرفت، و صداهای ما آرام نمی‌گرفت. به کتاب رجال ترکوا بصمات علی قسمتات التاریخ، ص ۱۶۹، برای سید لطیف قزوینی؛ مثیر الاحزان، ص ۵۶؛ زینب الکبری نقدی، ص ۸۱-۸۲ و ص ۱۷۳



و مختص به وصیت نمودی (یعنی ما را وصی پیامبرت قرار دادی) و علم به گذشته و آینده را به ما اعطاء فرمودی، و قلوب مردم را به سوی ما متمایل نمودی، من و برادران و زائرین قبر پدرم حسین علیهم السلام را بیامرز، آنان که اموالشان را انفاق کرده<sup>۱</sup> و ابدانشان را به تعب انداخته به جهت میل و رغبت در احسان به ما و به امید آنچه در نزد توست به خاطر صله و احسان به ما و به منظور ادخال سرور بر پیغمبرت»<sup>۲</sup>.

۱. روایات زیادی در فضیلت انفاق مال در زیارت امام حسین علیهم السلام وارد شده است که از آن جمله روایت است که از امام صادق علیهم السلام در کتاب کامل الزیارات، باب ۶، ح ۳ آورده است که امام علیهم السلام فرمود: «... و کسی که آن حضرت را زیارت کند: خداوند متعال حوائجش را برآورده نماید و آنچه از دنیا مقصود او است را کفایت فرماید. و نیز زیارت آن حضرت موجب جلب رزق برای زائر می‌باشد. و آنچه در این راه انفاق کرده بر او باقی مانده و جانشین و یادگارش خواهد بود و همچنین زیارت آن حضرت موجب می‌شود گناهان پنجاه ساله او آمرزیده شده و وی به اهلش بازگردد در حالی که بر عهده‌اش نه وزر و وبالی بوده و نه لغزشی و آنچه از گناه در صحیفه اعمالش ثبت شده جملگی محو و پاک می‌گردد. اگر زائر در سفر زیارت فوت شود فرشتگان نازل گشته و او را غسل می‌دهند و نیز درب‌هایی از بهشت به روی او گشوده می‌شود و نسیم خوش آن در قبر بر او وزیده و در قبر پراکنده و منتشر می‌گردد. و اگر وی در سفر زیارت سالم و از گزند مرگ در امان ماند دربی به روی او گشوده می‌شود که رزق و روزی وی از آن نازل می‌گردد و در مقابل هر درهمی که انفاق کرده ده هزار درهم قرار داده می‌شود و آن را برای وی ذخیره کرده و هنگامی که محشور شد و از قبر بیرون آمد به او گفته می‌شود، در مقابل هر درهمی که در سفر زیارت خرج کردی ده هزار درهم مال تو است و خداوند به تو نظر نموده و آنها را نزد خودش برای او ذخیره کرد.

و باز در همان کتاب و در همان باب ح ۵ از ابن سنان روایت می‌کند که گفت: محضر مبارک حضرت ابی‌عبدالله علیهم السلام عرض کردم: فدایت شوم پدر بزرگوارتان راجع به حج می‌فرمودند: در مقابل هر درهمی که شخص انفاق می‌کند هزار درهم منظور می‌شود. اکنون بفرمائید: چه اجر و ثوابی است برای کسی که در سفر زیارت پدرتان حضرت امام حسین علیهم السلام انفاق نماید؟ حضرت فرمودند: ای ابن سنان در مقابل هر درهمی که شخص انفاق کند هزار و هزار ... و همین طور شمرند تا به ده هزار رسید، منظور می‌گردد و به همین مقدار درجه‌اش را بالا می‌برند و رضایت و خشنودی حق تعالی از وی و دعا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و حضرات ائمه علیهم السلام برای او بهتر از آن می‌باشد.

۲. دربارهٔ وارد کردن شادی و سرور بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل پاکش علیهم السلام در خلال زیارت امام حسین علیهم السلام روایات بی‌شماری وارد شده که از جمله آن روایات روایتی است که در بحارالانوار، ج

بین امام علیهم السلام چه می فرماید، می فرماید همانا این عملی که زائر به آن اقدام کرده ادخال سرور و خوشحالی بر قلب پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است و چه عملی بزرگ تر از این که پیامبر صلی الله علیه و آله را خوشحال کند.

سپس فرمود: «و به جهت اجابت کردنشان فرمان ما را و به قصد وارد نمودن غیظ بر دشمنان ما».

یعنی از آثار این عمل ادخال سرور بر قلب رسول خدا صلی الله علیه و آله و یاری کردن آن حضرت است که استحقاق ثواب عظیم را دارد، همچنین از آثار این عمل این است که موجب می شود غیظ بر قلب دشمن وارد شود که برای آن اجر و ثواب است.

سپس امام علیهم السلام فرمود: «اینان اراده و نیتشان از این ایثار تحصیل رضا و خشنودی تو است پس تو هم از طرف ما این ایثار را جبران کن و بواسطه رضوان احسانشان را جواب گو باش و در شب و روز حافظ و نگاهدارشان بوده و اهل و اولادی که از ایشان باقی مانده اند را بهترین جانشینان قرار بده و مراقب و حافظشان باش و شر و بدی هر ستمگر عنود و منحرفی را از ایشان و از هر

۹۸، ص ۱۴ - ۱۵ نقل شده که صفوان جمال گفت: از امام صادق علیهم السلام سؤال کردم: ... عرض کردم: کسی که به زیارت آن حضرت بیاید و بعد برگردد چه زمانی باز برای زیارت برگردد؟ و ظرف چند روز بعد دوباره محضر امام علیهم السلام برگردد و اساسا مردم تا چند وقت می توانند زیارت حضرتش را ترک کنند؟

حضرت فرمودند: اما کسانی که قریب و نزدیک قبر مطهر هستند لا اقل ماهی یک بار به زیارت روند و آنان که دور می باشند در هر سه سال یک مرتبه و اگر سه سال گذشت و به زیارت آن جناب نرفتند عاق رسول خدا صلی الله علیه و آله شده و قطع رحم آن حضرت را نموده اند مگر علت و سببی داشته باشد. و اساسا زائر حسین علیهم السلام اگر بداند که با زیارتش چه سرور و فرحی به رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیهم السلام و فاطمه علیها السلام و ائمه علیهم السلام و شهداء از ما اهل بیت وارد شده و او نیز مطلع باشد که از ناحیه دعا ایشان برایش چه حاصل شده و همچنین واقف باشد از اجر و ثواب دنیوی و اخروی و آنچه برای وی نزد خدا ذخیره گشته هر آینه دوست می دارد که منزلش نزد آن جناب بوده و از آنجا هیچ گاه مفارقت نکرده و پیوسته در حال زیارت حضرتش باشد.

مخلوق ضعیف و قوی خود کفایت نما و ایشان را از شر شیاطین انسی و جنّی محفوظ فرما و اعطاء کن به ایشان برترین چیزی را که در دور بودنشان از اوطان خویش از تو آرزو کرده‌اند و نیز به ایشان ببخش برتر و بالاتر از آنچه را که بواسطه‌اش ما را بر فرزندان و اهل و نزدیکانشان اختیار کردند»<sup>۱</sup>.

یعنی امام علیهم السلام از خداوند می‌خواهد که به زائرین امام حسین علیهم السلام جمیع آنچه از خداوند آرزو دارند کم و زیاد به نحو احسن عطا فرماید، و فرمایش امام علیهم السلام که «در دور بودن از وطن‌هایشان» چرا که آنها اهل و خانواده‌شان را ترک کرده‌اند، روزها و ماه‌ها از آنها دور شده‌اند که همه اینها به خاطر حب و دوستی به حسین علیهم السلام است.

سپس فرمود: «بار خدایا دشمنان ما بواسطه خروج بر ایشان آنان را مورد ملامت و سرزنش قرار دادند ولی این حرکت اعداء ایشان را از تمایل به ما باز نداشت و این ثبات آنان از باب مخالفتشان است با مخالفین ما، پس تو این صورت‌هایی که حرارت آفتاب آنها را در راه محبت ما تغییر داده مورد ترحم خودت قرار بده و نیز صورت‌هایی را که روی قبر ابی‌عبدالله الحسین علیهم السلام می‌گذارند و بر می‌دارند مشمول لطف و رحمت قرار بده»<sup>۲</sup>.

ای فرزند زائریم اگر توان این را داشتی که گونه‌های راست و چپ صورتت را

۱. کامل الزیارات، ص ۲۸۸

۲. در بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۵ از امام صادق علیهم السلام روایت شده که فرمود: «... و زائر حسین علیهم السلام وقتی به قصد زیارت از خانه‌اش خارج شد سایه‌اش به چیزی نمی‌افتد مگر آن چیز برایش دعا می‌نماید، و هنگامی که آفتاب بر او تابید گناهانش را می‌خورد همان طوری که آتش هیزم را می‌خورد، و آفتاب هیچ گناهی را بر او باقی نمی‌گذارد، بنا بر این از زیارت بر می‌گردد در حالی که هیچ گناهی بر او نیست و حق تعالی درجه‌اش را آن قدر مرتفع و عالی می‌گرداند که آنان که در راه خدا به خون خویش آغشته شده‌اند به آن دسترسی نداشته و مقام و منزلتشان در حد او نمی‌باشد و خداوند منان فرشته‌ای را قائم مقام وی نموده که تا بار دیگر وی به زیارت حضرت می‌آید برایش طلب آمرزش کند یا سه سال از این زیارت بگذرد یا فوت شود».

بر خاک قبر حسین علیه السلام بگذاری این کار را انجام بده تا گونه‌ها و صورتت مشمول دعای امام صادق علیه السلام گردد.

سپس فرمود: «و همچنین به چشم‌هائی که از باب ترحم بر ما اشک ریخته‌اند نظر عنایت فرما».<sup>۱</sup>

بین این گریه مورد پسند و مطلوب است حتی در اثناء زیارت و تو بیرون از خانه‌ات هستی، فرقی نمی‌کند که در خیابان باشی یا کنار قبر امام حسین علیه السلام، در هر مکانی که باشی، این چنین نیست که طائفه سوم می‌گویند که فقط در خانه‌ات گریه کن.

سپس امام علیه السلام فرمود: «و دل‌هائی که برای ما به جزع آمده و به خاطر ما سوخته‌اند را ترحم فرما».<sup>۲</sup> یعنی قلب‌هایی که به خاطر مصیبت امام حسین علیه السلام

۱. دربارهٔ فضیلت گریه بر امام حسین علیه السلام روایات زیادی وارد شده است که بعضی از آنها را ذکر می‌کنیم، و بعضی را نیز قبلاً ذکر کرده‌ایم، از آن روایت است که مسمع از امام صادق علیه السلام روایتی طولانی نقل می‌کند که فرمود: «... مسمع می‌گوید: سپس حضرت گریستند و اشک‌های مبارکشان جاری شد و من نیز با آن جناب اشک ریختم، پس از آن حضرت فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى خَلْقِهِ بِالرَّحْمَةِ وَ حَصَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بِالرَّحْمَةِ». ای مسمع از هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام شهید شدند زمین و آسمان بر ما ترحم نموده و می‌گریند و موجودی بیشتر از فرشتگان بر ما گریه نکرده است، ایشان اشک‌هایشان لا یقطع جاری بوده و هرگز قطع نمی‌شود. توجه داشته باش احدی بخاطر ترحم بما و بجهت مصائبی که بر ما وارد شده گریه نمی‌کند مگر آنکه قبل از آمدن اشک از چشمش حق تعالی او را رحمت خواهد نمود و وقتی اشک‌ها بر گونه‌هایش جاری گشت در صورتی که یک قطره از آنها در جهنم بیفتد حرارت و آتش آن را خاموش و آرام می‌کند که دیگر برای آن حرارتی پیدا نمی‌شود. کامل‌الزیارات، باب ۳۲، ح ۷.

از امام سجاد روایت شده که فرمود: «کسی که از دو چشمش قطره‌ای اشک در راه ما بیاید خداوند متعال در بهشت غرفه‌ای به او عطاء فرماید که روزگارا در آن سکنا گزیند». کامل‌الزیارات، باب ۳۲، ح ۳

۲ - در کامل‌الزیارات، باب ۳۲، ح ۷ در روایتی طولانی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: «... کسی که دلش برای ما بسوزد در موقع جان دادن بقدری خوشحال می‌شوند که تا وقتی نزد حوض کوثر بر ما وارد شود آن خوشحالی در قلبش خواهد بود حوض کوثر از ورود او برای محبتی که بما دارد فرحمند می‌شود و بقدری از انواع و اقسام غذا به وی می‌دهد که دوست ندارد از آنجا خارج شود...».

سوخته و شعله‌ور شده است.

سپس امام علیهم السلام فرمود: «بار خدایا به فریادهائی که به خاطر ما بلند شده برس». امام علیهم السلام از خداوند عزوجل می‌خواهد به ناله‌هایی که به خاطر اهل بیت علیهم السلام و مصیبت آنها بلند شده رحم نماید، هر ناله‌ای که باشد فرقی نمی‌کند، در خانه باشد یا در خیابان، در حسینیه باشد یا در مسجد، یا در هر مکان دیگری امام علیهم السلام برای آن ناله از خداوند طلب رحمت می‌کند.

مشخص است که ناله در لغت همان گریه کردن با صدای بلند است، که در اینجا بر بپا داشتن عزا و گریه کردن و نوحه نمودن در هر مکانی است که صدا و ناله بلند شود و امام علیهم السلام تشویق به آن کرده است.

سپس امام علیهم السلام فرمود: «خداوندا من این ابدان و این ارواح را نزد تو امانت قرار دادم تا در روز عطش اکبر که بر حوض کوثر وارد می‌شوند آنها را سیراب نمائی». معاویه بن وهب گوید: پیوسته امام علیهم السلام در سجده این دعا را می‌خواندند و هنگامی که از آن فارغ شدند عرض کردم: فدایت شوم این فقرات و مضامین ادعیه‌ای که من از شما شنیدم اگر شامل کسی شود که خداوند عزّ و جلّ را نمی‌شناسد گمانم این است که آتش دوزخ هرگز به آن فائق نیاید!!! به خدا سوگند آرزو دارم آن حضرت (حضرت امام حسین علیهم السلام) را زیارت کنم ولی به حج نروم.

امام علیهم السلام به من فرمودند: چقدر تو به قبر آن جناب نزدیک هستی، پس چه چیز تو را از زیارتش باز می‌دارد؟

سپس فرمودند: ای معاویه زیارت آن حضرت را ترک مکن.

عرض کردم: فدایت شوم نمی‌دانستم که امر چنین بوده و اجر و ثواب آن این مقدار است.

در اینجا معاویه از این عمل از امام علیهم السلام دربارهٔ حق زوار امام حسین علیهم السلام زیاد

پرسید، حضرت علیه السلام فرمودند: ای معاویه کسانی که برای زائرین امام حسین علیه السلام در آسمان دعا می‌کنند به مراتب بیشتر هستند از آنان که در زمین برای ایشان دعا و ثناء می‌نمایند.<sup>۱</sup>

ای عزیزانم بدانید که در اینجا قاعده‌ای هست که می‌گوید: برای هر فعلی ردی هست که یا با آن مساوی هست یا قوی‌تر از آن می‌باشد، اینکه محاربین و معارضین با شعائر حسینی علیه السلام طوائف و گروه‌های بسیاری هستند که وسائل زیادی را به کار گرفته‌اند و با تمام قدرت هجوم آورده‌اند، پس باید عمل ردی ما قوی‌تر از عمل آنها باشد و بیشتر بر شعائر حسینی محافظت نمائیم و آن را بر پا بداریم و تشویق و تحریص بر آن کنیم.

پروردگارا ما را در زمره شیعه حسین علیه السلام محشور فرما. شفاعت حسین علیه السلام را بر ما روزی فرما. ما را موفق بدار تا شعائر حسین علیه السلام را زنده نگه داریم. شیفته به ذکر حسین علیه السلام بوده و حسین حسین حسین بگوئیم.  
و الحمد لله رب العالمین و الصلاة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرين.

۱. کامل الزیارات، باب ۴۰، (دعا رسول خدای صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه و ائمه علیهم السلام برای زوار حسین علیه السلام)، ح ۲

## انقلاب حسینی علیه السلام و نتایج آن<sup>۱</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خاتم الانبياء و المرسلين المبعوث رحمة للعالمين ابي القاسم محمد و آله الطيبين و اللعنة الدائمة على اعدائهم و شائثهم و ظالمهم الى قيام يوم الدين.

خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿إِنَّا أُعْطِينَاكَ الْكُوْثِرَ﴾<sup>۲</sup> مفسرین درباره کلمه کوثر اختلاف نظر دارند که مهم ترین آنها را ذکر می کنیم:

**قول اول:** مقصود از آن حوض کوثر است و این مشهورترین نظر است. لکن وقتی در روایات به جستجو می پردازیم اینکه لفظ کوثر درباره حوض کوثر استعمال شده باشد مگر چیز کمی. پس اغلب استعمال آن در اینجا مقارن با لفظ حوض می باشد.

بنابراین امکان ندارد که ملتزم شویم به اینکه کوثر به معنای حوض است، فضلاً بر اینکه مقصود از آن حوضی است که خداوند سبحان به رسول و اهل بیتش علیهم السلام و پیروانشان عطاء فرموده است، که این بعید است.

همچنین بنابر این تفسیر - یعنی تفسیر کوثر به حوض - تفسیر برای مضاف

۱. این سخنرانی در روز ۱۶ از ماه ذی الحجه سال ۱۴۲۶ ایراد شده است.

۲. سوره کوثر، آیه ۱

به مضاف‌الیه<sup>۱</sup> می‌باشد که این از عجائب است. بلی کلمه کوثر در اکثر موارد به حوض تفسیر شده است، اما عکس آن نادر است.

اما اینکه گفته می‌شود فرمایش خداوند **﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾** که در آن حذفی است و تقدیر آن چنین است **«أَنَا أَعْطَيْنَاكَ حَوْضَ الْكَوْثَرِ»** این تقدیری است که قرینه‌ای ندارد و تقدیر احتیاج به قرینه دارد همچنانکه در محل خود به آن اشاره‌ای کرده‌ایم.

**قول دوم:** اینکه مراد از کوثر ذریه رسول اعظم صلی الله علیه و آله است به قرینه مقابله با این آیه شریفه **﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾** و به فرمایش الهی: **﴿إِنَّ شَانِكَ هُوَ الْإِبْتَرُ﴾**<sup>۲</sup> و مؤید این قول آن است که در بعضی از اندیشه‌ها آمده که سبب نزول این سوره شریفه شده است<sup>۳</sup> که وقتی یکی از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت یا قبل از

۱. زیرا «حوض الکوثر» مضاف و مضاف الیه است و «الحوض» که مضاف و «الکوثر» مضاف الیه است. و علاقه، علاقه تفسیر و بیان است تا اینکه کوثر تفسیر کننده حوض باشد. بلکه آنچه وارد شده عکس آن است یعنی تفسیر کوثر برای حوض است.

۲. سوره کوثر، آیه ۳

۳. در تفسیر قمی ج ۲، ص ۴۴۵ آمده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مسجد شد که عمرو بن عاص و حکم بن ابی العاص در آنجا بودند. عمرو گفت: ای ابتر. در زمان جاهلیت مردی که بچه‌ای نداشت ابتر نامیده می‌شد. سپس عمرو گفت: ما کینه محمد را به دل داریم. پس خداوند بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل فرمود: **﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ \* فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ \* إِنَّ شَانِكَ هُوَ الْإِبْتَرُ﴾** یعنی اعتراض کنندگان بر تو که عمرو بن عاص باشد ابتر است یعنی نه دینی دارد و نه نسبی.

می‌گویم: این روایت مرسله است چنانکه نسبت دادن نصف دوم از تفسیر قمی به مرحوم قمی محل نظر است. علاوه بر اینکه روایات دیگری و قرائنی هست که تصریح می‌کند که این نسبت دهنده عاص بن وائل بوده است که در اینجا محل تحقیق نیست.

واحدی نیشابوری در اسباب النزول، ص ۲۲۳ در سبب نزول سوره کوثر آورده است این سوره درباره عاص نازل شده است چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله را دید که از مسجد بیرون می‌آید و او داشت وارد مسجد می‌شد در باب بنی سهم با هم برخورد کردند و با هم گفتگویی نمودند و گروهی از بزرگان قریش در مسجد بودند که وقتی عاص وارد مسجد شد به او صلی الله علیه و آله با چه کسی صحبت می‌کردی؟ گفت: با آن شخص ابتر، یعنی با پیامبر صلی الله علیه و آله. که قبل از آن عبدالله فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله که از حضرت خدیجه بود از دنیا رفته بود. کسی که فرزند پسر نداشت ابتر نامیده می‌شد. پس خداوند این سوره را نازل فرمود.



اینکه فرزندی برای آن حضرت به دنیا بیاید چنانکه اعتبارات و مقارنات تاریخی دلالت می‌کند که ولادت فرزند رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در مدینه منوره بوده است که آن ملعون حضرت را مورد خطاب قرار داد<sup>۱</sup> به اینکه ابتر است یعنی نسلی ندارد که در این هنگام سوره مبارکه نازل شد.

پس مقصود از آن عطاء کردن ذریه و نسل کثیر به رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است. قرینه هم همین است چنانکه گذشت. و همچنین مقابله با فرمایش خداوند متعال ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ که نسبت دهنده و کینه‌توزی، نبی اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را به ابتر توصیف کرده است این آیه شریفه آن شخص را وصف می‌کند که ابتر خود اوست.

**قول سوم:** کوثر همان خیر و عطاء زیاد است.<sup>۲</sup>

پس مقصود از کوثر شخصی مشخص غیر از رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ یعنی بنابراین قول، ما به شما خیر کثیر و عطاء کثیر عنایت کرده‌ایم.

این مشهورترین قول در تفسیر کوثر است.

از بعضی از روایات استفاده می‌شود که از جمله القاب امام سید الشهداء عَلَيْهِ السَّلَام

۱. درباره این نسبت دهنده ملعون اختلاف هست که بعضی گفته‌اند او عاص بن وائل سهمی بوده است، و بعضی گفته‌اند: عمرو بن عاص بوده است. و بعضی عقبه بن ابی معیط و بعضی نیز قریش را گفته‌اند.

۲. شیخ طوسی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در تفسیر البیان، ج ۱۰، ص ۴۱۷ گوید: کوثر چیزی از شانیت کثرت است، و کوثر خیر کثیر است. و قبل از این گفته می‌گوید: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ پس عطاء دادن چیزی بر کسی که آن را می‌گیرد و آن بر دو وجه است: عطاء به تملیک است و عطاء به غیر تملیک است. پس عطاء کثیر عطاء تملیک است مانند عطاء اجر و ثواب. و بعد از آن گوید: ... ابن عباس گفت: آن خیر کثیر.

طبرسی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۴۸ گوید: کوثر بر وزن فوعل از کثرت است و آن چیزی است که شانیت کثرت دارد، و کوثر خیر کثیر و زیاد است ...

بعد از به شهادت رسیدن امام حسن علیه السلام کوثر بود. این به خاطر کثرت جود و بخشش و عطاء و کرم امام علیه السلام بود.

بنابراین احتمال پس مقصود از کوثر سید الشهداء علیه السلام است.

بنابر همه اقوال و احتمالات که مقصود از کوثر حوض یا کثرت ذریه یا کثرت عطاء یا خصوص امام سید الشهداء علیه السلام باشد. همه این معانی به تالی برای امام حسین علیه السلام برمی گردد و مناسبت با آن حضرت دارد. پس اگر مراد از کوثر به کثرت ذریه تفسیر شود پس امام حسین علیه السلام اطلاق دهنده ذریه رسول اعظم صلی الله علیه و آله است چرا که اعظم ذریه آن حضرت از صلب امام ابی عبدالله الحسین علیه السلام می باشد.

اگر کوثر به کثرت عطاء و خیر تفسیر شود که آن از القاب امام علیه السلام است چنانکه گذشت.

و اگر مراد از کوثر، حوض کوثر باشد شکی نیست که سیدالشهداء علیه السلام مسیر سهل و وسیع را برای مسلمانان برای رسیدن به حوض کوثر از طریق انقلاب مبارکه و نهضتش آماده نمود.

پس امام سید الشهداء علیه السلام محور همه این معانی است که کلمه کوثر به آن تفسیر شده است. و علم نزد خداوند متعال و رسول و اهل بیتش (علیه و علیهم افضل الصلاة والسلام) است. و لکن می گوئیم این گفته ها به مقتضای بحث علمی و باز کردن ذهن هاست.

پس امام حسین علیه السلام محور این معانی و همه خیرها به وسیله انقلاب مبارکش می باشد. چرا که این انقلاب میمون باعث زنده شدن اسلام و دین گردید. برای اینکه بنی امیه در پی این بودند که از اسلام رهائی یابند و بلکه گمان می کردند که در جنگ با امام حسین علیه السلام از آن نجات می یابند، چرا که تعالیم اسلام و تلاش و کوشش پیامبران و رسولان از بین می رود خاصه تلاش و کوشش نبی اعظم صلی الله علیه و آله

به هدر می‌رود. مردم به دوره جاهلیت بر می‌گردند. یزید ملعون وقتی که بر کرسی حکومت می‌نشیند می‌گوید:

«قبیله هاشم حکومت را بازیچه نیل به مقاصد خود قرار دادند، و گر نه نه خیری از آسمان آمد و نه وحی نازل شد».<sup>۱</sup>

مانند اینکه رسالت و دین از بین رفته است که او تظاهر به انکار وحی و رسالت می‌کند و در جنگ احد به شعر ابن الزبیری استشهد می‌کند که: «ای کاش اشیاخ (اجداد) من که در بدر کشته شدند. ناله خزرچ را از درد نیزه شاهد بودند».<sup>۲</sup> تا آخر شعر که تکبر ورزیده و مورد تحقیر قرار می‌دهد.

یزید ملعون اینچنین گمان کرد و لکن اسلام تا این زمان زنده باقی ماند. الآن شهری نمی‌یابیم مگر آنکه در آنجا ذکر «اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان محمداً رسول الله صلی الله علیه و آله» هست. پس به تحقیق اسلام زنده و دائمی باقی ماند. در اینجا مطالبی را متذکر می‌گردیم:

### مطلب اول: انقلاب امام حسین علیه السلام از قبل مقدمه‌چینی شده بود

نهضت امام حسین علیه السلام ناخودآگاه ایجاد نشد یا در یک برهه زمانی که اقتضای نهضت به انقلاب مبارک باشد به وجود نیامد بدون اینکه از قبل آمادگی آن نبوده باشد. بلکه با تامل در مدتی که انقلاب مبارک به وجود آمد و آنچه که به آن ملحق شد بنابر اسباب و تمهیدات بود و دقیقاً از گذشته آماده شده بود.

و از آن است که در بعضی از روایات وارد شده که رسول اعظم صلی الله علیه و آله به بعضی از همسران خود مانند ام سلمه و غیر او محل کشته شدن حسین علیه السلام را

۱. ابن بیت را یزید ملعون هنگامی که حرم امام حسین علیه السلام و بچه‌هایش را با سر مبارکش و باقی سرهای مبارکه شریفه را نزدش آوردند گفته است، که مصدرش را در سطرهای گذشته آورده‌ایم.  
 ۲. سیره نبویه، ابن هشام، ج ۳، ص ۱۴۳؛ مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۵۸؛ الفتوح، ج ۲، ص ۱۸۲؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۴۴

خبر داده بود و همچنین به پدر و مادرش علیهم السلام<sup>۱</sup> به آنچه که اتفاق می افتد خبر داده بود.

و نهضت امام حسین علیه السلام قبل از نهضتش در زمان های طولانی نوشته شده بود. نمی دانم بنت الشاطی در کتابش «بطلة كربلا» از کجا آورده که امیرالمؤمنین علیه السلام به زینب علیها السلام درس قرآن می داد و قصه ای<sup>۲</sup> را بیان می کند، هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام داستان را فرمود بر زینب علیها السلام ترسید که این حادثه بر او اثر بگذارد و در این سن کم و نوجوانی نتواند تحمل کند. زینب علیها السلام به پدر گفت: پدرجان من آن قضیه را می دانم ... مادرم آن را به من خبر داد. که فردا چه چیزهایی می بینی؟!<sup>۳</sup>

ای برادران و فرزندانم تامل کنید وقتی که حضرت زهرا علیها السلام به آن حادثه به او

۱. آنچه در کامل الزیارات در باب «ما نزل به جبرئیل علیه السلام فی الحسین بن علی انه سیقتل» ح ۱ از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: هنگامی که جبرئیل علیه السلام خبر شهادت حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام را به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم رساند آن جناب دست امیر المؤمنین علی علیه السلام را گرفته و مقدار زیادی از روز را با هم خلوت کرده و هر دو گریستند، و از یک دیگر جدا نشدند مگر آنکه جبرئیل علیه السلام بر ایشان نازل شد و عرضه داشت: پروردگارتان سلامتتان می رساند و می فرماید: صبر نمودن را بر شما واجب و لازم نمودم. سپس حضرت فرمودند: هر دو صبر کرده و بی تابی نکردند. و باز در آنجا ح ۸ از امام علیه السلام روایت می کند که فرمود: حضرت فاطمه علیها السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داخل شده در حالی که چشمان آن جناب اشک بار بود. حضرت فاطمه علیها السلام از آن جناب پرسیدند: شما را چه می شود؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: جبرئیل علیه السلام به من خبر داده که اتم عنقریب حسین را می کشند. پس فاطمه علیها السلام به جزع آمده و جامه خود را پاره کرده. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که این حال را مشاهده نمودند به آن حضرت خبر دادند که یکی از فرزندان این مولود مالک امور گشته و انتقام از قاتلین خواهد گرفت. پس از این خبر حضرت فاطمه علیها السلام خشنود گشته و نفس مبارکش آرام گشت.

و غیر این روایت که زیاد است. به کتاب کامل الزیارات، امالی طوسی، مناقب آل ابی طالب، بحارالانوار، هدیة الکبری و دیگر کتاب ها نگاه شود.

۲. یعنی حادثه کربلا و آنچه که بر امام حسین علیه السلام و اهل بیت و اصحاب آن حضرت اتفاق افتاد.  
 ۳. نگاه کن به کتاب السیدة زینب عقیله بنی هاشم، ص ۳۲؛ دکتر عائشه عبدالرحمن (بنت الشاطی)، ط ۱۹۸۵ م، دارالکتاب العربی، بیروت.

خبر داد چند سالش بود؟ و ما می دانیم که امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام تزویج حضرت زینب علیها السلام شرط کرد شوهرش در رفتن حضرت زینب با حسین علیه السلام مانع نشود، و همچنین به آنچه که به خاطر رفتن به آن احتیاج دارد. و این یکی از شواهدی است که در انقلاب امام حسین علیه السلام ثبت شده است که از قبل تعیین و مشخص شده بود.

### مطلب دوم: بر پا داشتن ماتم و عزا

از ائمه علیهم السلام روایات زیادی در لزوم زنده نگه داشتن ذکر و یاد امام حسین وارد شده است. از جمله آن روایت امام باقر علیه السلام است. در حدیث زیارت امام الحسین علیه السلام از دور و نزدیک می فرماید: ... سپس برای امام حسین علیه السلام ندبه و گریه نموده و به کسانی که در خانه می باشند نیز امر نماید که برای آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و فزع بر آن جناب در خانه اش اقامه مصیبت نمایند و مواظب باشند هر گاه اهل خانه یکدیگر را ملاقات کردند با گریه باشند و لازم است برخی از آنها بعضی دیگر را نسبت به مصیبت حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام تسلیت دهند در صورتی که به این دستورهائی که داده شد عمل کنند من ضامن می شوم که حقتعالی تمام ثوابهائی که ذکر شد را به ایشان اعطاء فرماید. - یعنی ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار غزوه به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله - . راوی گوید: عرض کردم: فدایت شوم شما برای ایشان ضامن این ثوابها می شوید؟ امام علیه السلام فرمود: در صورتی که به دستورهائی داده شده عمل کنند البته من ضامن آن می باشم.<sup>۱</sup>

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۸ - ۳۹۹

۲. در اینجا بعضی از روایات وارده را می آوریم: امام رضا علیه السلام فرمود: هر که روز عاشورا کارهای خود را تعطیل کند خدا حوائج دنیا و آخرتش را برآورد، هر که روز عاشوراء را روز مصیبت و حزن و گریه خود کند خدای عز و جل روز قیامت را روز خرسندی و شادیش سازد و در بهشت

چشمش بما روشن شود و هر که روز عاشورا را روز برکت داند و برای خانه‌اش ذخیره‌ای نهد برکت ندارد و روز قیامت با یزید و عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد به درک اسفل دوزخ محشور گردد. نگاه کن به وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۴، ح ۱۹۶۹۶. و در امالی صدوق و عیون الاخبار مثل آن با همین سند آمده است.

ابراهیم بن ابی محمود گوید: امام رضا علیه السلام در حدیثی فرمود: ... بر مانند حسین باید گریست این گریه گناهان بزرگ را بریزد سپس فرمود پدرم را شیوه بود که چون محرم می‌شد خنده نداشت و اندوه بر او غالب بود تا روز دهم روز دهم روز مصیبت و حزن و گریه‌اش بود و می‌فرمود در این روز حسین کشته شد.

و باز از امام علیه السلام است که فرمود: محرم ماهی بود که اهل جاهلیت نبرد را در آن حرام می‌دانستند و خون ما را در آن حلال شمردند و حرمت ما را هتک کردند و ذراری و زنان ما را اسیر کردند و آتش به خیمه‌های ما زدند و آنچه اثاث در آن بود چپاول کردند و در امر ما رعایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نکردند، روز شهادت حسین علیه السلام چشم ما را ریش کرد و اشک ما را روان ساخت و عزیز ما را در زمین کربلا خوار کرد و گرفتاری و بلا به ما دچار ساخت، تا روز قیامت بر مانند حسین باید گریست این گریه گناهان بزرگ را بریزد. سپس امام علیه السلام فرمود: پدرم را شیوه بود که چون محرم می‌شد خنده نداشت و اندوه بر او غالب بود تا روز دهم روز دهم روز مصیبت و حزن و گریه‌اش بود و می‌فرمود در این روز حسین کشته شد. امالی صدوق، ص ۱۹۱، ح ۱۹۹

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در نزد او یادی از ماشود و چشمانش اشک‌آلود گردد اگر چه به اندازه بال مگسی باشد خداوند گناهانش را بیامرزد اگر چه به اندازه کف دریاها باشد. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۱، باب ۶۶، ح ۱

امام صادق علیه السلام به فضیل فرمود: آیا به دور هم می‌نشینید و از ما یاد می‌کنید؟ عرض کردم: آری، فدایت گردم! حضرت فرمود: براستی که من این گونه مجلسها را دوست دارم، بر شماست که یاد و خاطره ما را زنده نگاه دارید، خدا رحمت کند کسی را که امر ما را زنده نگه دارد، یا فضیل کسی که از ما یاد کند، و یا اگر از ما در نزد او نامی برده می‌شود به اندازه بال مگسی (برای ما) اشک بریزد، خداوند همه گناهان او را اگر چه از کف روی دریا هم افزونتر باشد، می‌آمرزد. مصدر سابق، ص ۳۹۱ - ۳۹۲، ح ۲

امام باقر علیه السلام فرمود: امام سجاده علیه السلام فرمود: هر مؤمنی که برای شهادت امام حسین علیه السلام اشک از دیدگانش فرو ریزد و بر گونه‌اش جاری شود، خداوند او را در منزلگاه‌هایی جای دهد که روزگاری دراز در آن سکنی گزیند و هر مؤمنی که برای آزارهایی که از دشمنان ما در سرای دنیا به ما رسیده، سرشک از دیدگانش فرو ریزد و بر گونه‌اش جاری شود، خداوند او را در بهشت در جایگاهی شایسته جای دهد و هر مؤمنی که در راه ما آزار ببیند و اشک از دیدگانش فرو ریزد و بر گونه‌اش جاری گردد، به سبب رنجی که در راه ما دیده خداوند حالت آزار و رنج را از رخسارش برگیرد و او را در روز رستاخیز از خشم خویش و دوزخ آسوده بدارد و امان دهد. مصدر سابق، ص ۳۹۲، ح ۳

روایت شده که ائمه علیهم السلام مجالس عزا بر پا می‌داشتند، گریه می‌کردند و به آن امر می‌کردند و با گفتار و عمل به آن تشویق می‌فرمودند.

به تحقیق روایت شده هر گاه در روز یادی از امام حسین علیه السلام نزد امام صادق علیه السلام می‌شد کسی آن حضرت را تا شب متبسم نمی‌دید، و می‌فرمود: حسین علیه السلام اشک چشم هر مؤمنی است.<sup>۱</sup>

روایت شده که غلام علی بن الحسین علیه السلام به صفه سر پوشیده‌ای که تعلق به آن حضرت داشت و آن جناب در آنجا پیوسته در حال سجود و گریه بودند نزدیک شد و به حضرت عرض نمود: ای آقای من، ای علی بن الحسین آیا وقت تمام شدن حزن و غصه شما فرا نرسیده است؟

حضرت سر مبارک از زمین برداشته و متوجه او شده و فرمودند: وای بر تو، یا فرمودند: مادرت به عزایت بنشیند به خدا قسم حضرت یعقوب در حادثه‌ای بس کمتر و واقعه‌ای ناچیزتر از آنچه من دیدم دید، شکایت به پروردگار نمود و اظهار کرد: ﴿يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ﴾<sup>۲</sup> (وا اسفا بر فراق یوسفم).

با اینکه ایشان تنها یک فرزندش را از دست داده بود ولی من دیدم که پدرم و جماعتی از اهل بیت من را در اطراف من سر بریدند.

راوی گفت: حضرت علی بن الحسین علیه السلام به فرزندان عقیل میل و توجه

امام رضا علیه السلام فرمود: هر کس مصیبت ما را یاد کند و گریه نماید و بگریاند چشم او در روزی که چشم‌ها گریان است نمی‌گرید، و در مجلسی بنشیند که امر ما را در آن مجلس زنده می‌کنند قلب او در روزی که قلب‌ها می‌میرد نمی‌میرد. مصدر سابق، ح ۴

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در راه ما بخاطر خونی که از ما ریخته شده، یا حقی که از ما به تاراج رفته، یا پرده آبرو و حیثیتی که از ما یا یکی از شیعیان ما دریده گشته قطره اشکی بریزد، بدین سبب خداوند متعال او را یکی حقب (که هشتاد سال است) در بهشت جای دهد. مصدر

سابق، ص ۳۹۵، ح ۱۱

۱. کامل الزیارات، باب ۳۶، ح ۲

۲. سوره یوسف، آیه ۸۴

خاصی داشتند. به حضرت عرض شد: چه طور به این فرزندان عمویان (اولاد عقیل) توجه و تمایل دارید نه به آل و فرزندان جعفر؟

حضرت فرمودند: یادم می‌آید از روزی که ایشان همراه ابی عبداللّه الحسین علیه السلام به چه مصیبت‌هایی گرفتار شدند پس به حالشان رقت می‌کنم.<sup>۱</sup>

ابوهارون مکفوف گفت: حضرت ابو عبد الله علیه السلام به من فرمودند: ای ابا هارون آیا شعری در مصیبت امام حسین علیه السلام برایم می‌خوانی؟ ابا هارون می‌گوید: برای آن حضرت شعری خواندم و آن جناب گریست.

سپس فرمودند: همان طوری که پیش خود شعر و مرثیه می‌خوانید برایم بخوان یعنی با رقت و لطافت، ابا هارون می‌گوید: پس این بیت را برای آن جناب با رقت و لطافت خواندم:

**فقل لاعظمه الزکیة**

**امر علی جدت الحسین**

یعنی: گذر کن بر قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام، پس به استخوانهای پاک و مطهرش بگو.

ابا هارون می‌گوید: امام علیه السلام گریست، سپس فرمود: بیشتر برایم بخوان. پس قصیده دیگر برای حضرتش خواندم.

ابا هارون می‌گوید: امام علیه السلام گریستند و صدای گریه اهل منزل را از پشت پرده شنیدم.

سپس ابا هارون می‌گوید: وقتی از خواندن فارغ شدم حضرت به من فرمودند: ای ابا هارون کسی که در مرثیه حسین بن علی علیه السلام شعری خوانده و خود گریه کرده و ده نفر دیگر را بگریاند بهشت بر ایشان واجب می‌گردد. کسی که در مرثیه حسین علیه السلام شعری خوانده و خود گریه کرده و یک نفر دیگر را بگریاند بهشت



برای هر دو واجب می‌شود. کسی امام حسین را نزدش یاد کنند و از چشمش به مقدار بال مگس اشک بیاید ثواب و اجر او بر خداست و خداوند برای وی به کمتر از بهشت اجر و ثواب نمی‌دهد.<sup>۱</sup>

می‌دانید که در اینجا راه‌های گوناگونی برای زنده داشتن شعائر حسین علیه السلام و اقامه کردن عزا هست پس سزاوار است هر کاری که تأیید کننده این امر است به شرط مباح بودن آن را انجام دهیم.

و شامل این می‌شود - یعنی آنچه که باعث زنده نگه داشتن شعائر حسینی می‌شود و انجام دادن آن سزاوار باشد - سینه‌زنی، زنجیرزنی و مانند اینها که شیعه اهل بیت علیهم السلام به آنها اقدام می‌کنند.

بلی هرگاه در منطقه‌ای مورد نفرت یا مورد قبول نبود و یا به خاطر جهلشان به ابعاد نهضت حسینی برای چیزی از وسائل و روش‌های یاد شده تعقل نداشتند، که باعث نفرت اهالی آن منطقه از مبدا قیام امام حسین علیه السلام گردد، واجب است که به خصوص از این روش‌ها دوری کرد و این‌گونه اعمال را فقط در آن منطقه نباید انجام داد تا مانع برطرف گردد.

از جمله شعائر سینه‌زنی، زنجیرزنی و قمه‌زنی می‌باشد. هرگاه شخصی اعتقاد داشته باشد یا گمان قوی داشته باشد که موجب هلاکش و از بین رفتن روحش یا از بین رفتن عضوی شود در این هنگام واجب است که آن را انجام دهد. اما اگر این اتفاقات مجرد احتمال باشد و به ندرت اتفاق می‌افتد واجب نیست که از آن اجتناب کند و حرام نمی‌شود بلکه با داشتن شرائط به عنوان زنده کردن نهضت امام علیه السلام مستحب می‌باشد و به خاطر عملش اجر و ثواب می‌برد.

### مطلب سوم: شبهه متوقف کردن از زنده کردن یاد عاشورا

شکی نیست دو گروه هستند که با زنده کردن یاد امام حسین علیهم السلام مقابله می‌کنند که عبارتند از:

#### گروه اول: دشمنان امام حسین علیهم السلام

مخفی نماند که این گروه امر به مقابله با زنده داشتن یاد امام حسین علیهم السلام و آنچه که مترتب بر آن است می‌کنند. اینها دوست ندارند که از حسین علیهم السلام یادی شود چرا که آنها در قلبشان بغض و دشمنی و کینه اهل بیت علیهم السلام را کاشته‌اند، اینها عملشان را به گناه و سیئه واداشته‌اند، نیت‌های خبیثشان بر دوستی با قاتلان امام حسین و تعصب در دفاع کردن از آنهاست. برای همین بر استمرار این مجالسی را که برای زنده داشتن یاد امام حسین علیهم السلام برپا می‌شود چیزی نمی‌بخشند، به درستی که در آن فوضیحتی برای بزرگانشان است که حقیقت آنها را آشکار می‌کند و کشف از باطن و کفر قاتلان امام حسین علیهم السلام و پیروان آنها می‌کند.

آنچه که به آن اشاره می‌شود حادثه‌ای است که عمویم شیخ خادم الحسین از کسی که به تحریم یاد حسین علیهم السلام روی منبر از طرف واعظ و خطیب فتوا داده بود نقل می‌کرد. صاحب فتوا علت آن را بعد از آنکه از سبب تحریم سؤال شده بود گفت: برای اینکه یاد حسین علیهم السلام سبب تعرض به عیب و ایراد بر بعضی از اصحاب می‌شود چرا که وقتی خطیب می‌گوید که حسین کشته شد، شنونده سؤال می‌کند که چه کسی حسین را کشته است؟ برای چه او را کشته است؟ و هنگامی که زیارت عاشورا را می‌خواند و وقتی مثلاً به جمله «اللهم العن اول ظالم ظلم

حق محمد و آل محمد...<sup>۱</sup> می‌رسد سؤال می‌کند این ستمکاران چه کسانی هستند.

هنگامی که یاد امام حسین ع زنده می‌شود، بر سر و صورت زده می‌شود، یقه‌ها پاره می‌گردد، بر روی آتش راه می‌روند و شیعیان می‌ایستند و گریه می‌کنند، مردم سؤال می‌کنند چرا اینها بر سر و صورتشان می‌زنند؟ چرا لباس‌هایشان را پاره می‌کنند؟ چرا گریه می‌کنند؟! و دیگر سؤالات که می‌پرسند.

هرگاه به سؤالها جواب داده شود مردم روشن می‌شوند که نهایت ظلم و ستم و انحراف و فساد یزید و معاویه و ابن زیاد که لعنت الهی بر آنها باد و غیر آنها از همپیمانان‌شان هستند.

در اینجا کسانی که ادعای اسلام - غیر شیعیان - دارند به وسیله اسلام مانع شعائر حسینی می‌شوند، با اینکه می‌دانند که این شعائر هست که اسلام را نگه داشته است و آن در خدمت دین است.

### گروه دوم: بعضی از نادانان شیعه

این گروه از مقابله‌کنندگان از شیعیان اهل بیت ع هستند با توجه به این با شعائر حسینی و زنده نگه‌داشتن آن مقابله می‌کنند. اینها نادانانی هستند که شبهه ایجاد می‌کنند، و تظاهر به تشیع می‌نمایند. در حالی که از دشمنان تشیع هستند و با اعتراضشان در قلوب شیعه شک و تردید ایجاد می‌کنند و آنها را از این شعائر

۱. در زیارت عاشورا قطعه‌های زیادی هست که تصریح به لعن بر قاتلین امام حسین ع و ظالمین بر آن حضرت و کسانی که راضی به عمل قاتلین و ستمکاران هستند می‌کند که از آن جمله است: «لعن الله امة اسست اساس الظلم والجور علیکم اهل البيت و لعن الله امة دفعتکم عن مقامکم...» و از آن است: «لعن الله امة قتلکم». و از آن است: «اللهم العن ابا سفیان و معاویه و یزید بن معاویه...». و از آن است: «اللهم انی اتقرب الیک بالبراءة منهم و اللعنة علیهم...» و غیر آن که تصریح به لعن بر آنها در زیارت عاشورا می‌کند.

دور می گردانند.

اینها می گویند گریه بر حادثه جانگداز کربلا با گذشت چهارده قرن کفایت می کند.

می گویند: زنده داشتن این شعائر موجب لعن بر صحابه و تابعین می شود و نتیجه اش تفرقه بین سنی و شیعه می شود، پس هنگامی که ما آن را ترک نکنیم چه وقت وحدت بین مسلمانان محقق می شود؟

می گویم: اگر ما از حق خودمان از زنده کردن یاد امام حسین به خاطر وحدت تو با غیر عقب نشینی کردیم آیا آنها هم از بعضی از مبادی شان به خاطر این هدف عقب نشینی می کنند؟

برای چه طرف دیگر کوتاه نمی آید؟! برای چه همیشه ما باید اقدام به عقب نشینی کنیم با اینکه زنده داشتن یاد امام حسین بر حساب دین و اعتقادات ما است؟

همچنین اگر تو به وحدت ترغیب می کنی پس برای چه منادی وحدت بین مسلمانان هستی؟ برای چه منادی وحدت بین همه بشریت مانند نصاری و یهود و هندو و ... نیستی که با این عمل همه بشریت با هم متحد می شوند؟

بعضی از نادانان بعضی از امور آنها را مغرور کرده و از آن تاثیر پذیرفته و برای همین در صفا قرار می گیرند که ضد زنده نگه داشتن شعائر هستند.

واجب است که به مبادی خودمان تمسک جوئیم که زنده نگه داشتن شعائر از آن مبادی است. این ادعاها و شعارهای دروغین و گمراه کننده بر ما تاثیر نمی گذارد و با وسائل گوناگون ممکنه مانند نوشتجات و خطابه و وعظ و خدمت کردن در هیئت ها و غیر آن با آن مقابله می کنیم تا ذکر و یاد امام حسین علیه السلام باقی بماند و بدون اینکه از چیزی از شعائر خودمان کوتاه بیائیم آن را در همه عالم منتشر می سازیم.

بدانید حدیث غدیری که هزاران نفر از مردم و بلکه ده‌ها هزار نفر آن را شنیدند بعضی‌ها سعی بر عدم نشر آن گرفتند، در مجالس و نوشته‌ها ادعا کردند که موجب تشمت و پراکندگی بین امت و تفرقه کلمه می‌شود. از ما می‌خواهند که درباره غدیر سکوت کنیم و از آن چشم‌پوشیم و خود را به جهالت بزیم. الآن هم می‌خواهند درباره شعائر حسینی و احیای آن سکوت کنیم، و لکن ما اگر خدا بخواهد در احیاء آن شعائر در تلاش و کوشش هستیم و از آن کوتاه نمی‌آئیم تا اینکه صاحب حق صلی الله علیه و آله ظهور کند و خون‌خواهی آن حضرت بکند.

در روایت وارد شده است که امام حسین علیه السلام روز محشر دوستان و شیعیانش را شفاعت می‌کند، ندائی می‌آید: ای شیعیان حسین بشارت باد که شماها آمرزیده شدید و به زودی وارد بهشت می‌شوید. می‌گویند: پروردگارا به شفاعت حسین علیه السلام وارد بهشت شویم، (ندا می‌آید) آیا دوست دارید که او را زیارت کنید؟

می‌گویند: ما در دنیا از دور و نزدیک آن حضرت را زیارت می‌کردیم، در مجالس خودمان او را یاد می‌نمودیم، آرزو می‌کردیم که با آن حضرت باشیم، چگونه زیارت و دیدارش را دوست نداشته باشیم؟؟ پروردگارا حبیب خودت و حبیب رسولت حسین علیه السلام را به ما نشان بدن تا صورت شریفش را ببینیم ...

روایت می‌گوید: حسین علیه السلام به امر خداوند ظاهر می‌شود، مردم به او نگاه می‌کنند، مدت زیادی می‌مانند، و به چیز دیگری غیر از آن حضرت نگاه نمی‌کنند. رضوان خازن بهشت می‌آید و می‌گوید: وارد بهشت شوید. می‌گویند: می‌خواهیم با حسین علیه السلام باشیم و به صورت شریف آن حضرت بنگریم.

حورالعین به نزد آنها می‌فرستند و می‌گویند: ما مشتاق شماها هستیم. اما آنها سرهایشان را بلند نمی‌کنند و به حورالعین نگاه نمی‌کنند و به خاطر سرور و کرامت و شادی که در محضر امام حسین علیه السلام به آنها می‌شود متوجه چیز دیگری

نمی‌شوند.

سپس ملادکه با نامه‌هایی از همسران و خادمانشان با کرامتی که به آنها اعطا شده می‌آیند، ولی اینها می‌گویند: ان شاء الله نزد شما می‌آئیم ... تا آخر.<sup>۱</sup>

۱. این روایت را حضرت آقا دام ظلّه نقل به معنا کرده و آن در کامل الزیارات، باب ۲۶، ح ۸ که طولانی است آمده که این روایت است: زراره گوید: حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرمودند: ای زراره آسمان تا چهل روز بر حسین بن علی علیه السلام خون بارید و زمین تا چهل روز تار و تاریک بود و خورشید تا چهل روز گرفته و نورش سرخ بود و کوهها تکه تکه شده و پراکنده گشتند و دریاها روان گردیده و فرشتگان تا چهل روز بر آن حضرت گریستند و هیچ زنی از ما اهل بیت خضاب نکرد و روغن به خود نمالید و سرمه نکشید و موهایش را شانه نزد تا وقتی که سر عبیدالله بن زیاد را به نزد ما فرستادند و پیوسته بعد از شهادت آن حضرت چشمان، اشک آلود بود و هر گاه جدّم یاد آن حضرت را می‌نمود محاسنش از اشک خیس می‌گشت بطوری که هر کس آن جناب را می‌دید به حالش ترخّم نموده و از گریه‌اش به گریه می‌افتاد و فرشتگانی که نزد قبر آن حضرت هستند جملگی می‌گریند و از گریه ایشان تمام فرشتگان در آسمان و زمین گریه می‌کنند، هنگامی که روح مطهر آن حضرت از کالبد شریفش خارج شد دوزخ فریاد و بانگی زد که نزدیک بود از صدای آن زمین منشق شود و زمانی که روح خبیث عبیدالله بن زیاد و یزید بن معاویه از بدن کثیفشان خارج گردید جهنّم جیغی کشید که اگر حق تعالی بوسیله فرشتگان حافظ دوزخ آن را کنترل و حبس نمی‌نمود تمام موجودات روی زمین از هیبت آن می‌سوختند و اگر آتش جهنّم از حق تعالی اذن می‌داشت هیچ جنبنده‌ای را روی زمین باقی نمی‌گذارد بلکه تمام را می‌بلعید منتهی مأمور و اسیر فرمان او است و بدون امر حق جلّت عظمتش حرکتی از آن صادر نمی‌شود و مع ذلک چند مرتبه بر نگهبانان طغیان کرده تا بالآخره جبرئیل در آنجا حاضر شد و بالش را بر آن زد تا ساکت گردید. ولی در عین حال از آن تاریخ به بعد بر حضرتش گریه و ندبه کرده و پیوسته بر قاتلین او زیانه می‌کشد و اگر حجّت‌های خدا روی زمین نمی‌بودند آن را واژگون مکرد و لرزش‌های زمین و زلزله‌ها زیاد نمی‌شود مگر صرفاً در وقت قیامت. و هیچ چشم و اشکی نزد خدا محبوب‌تر از چشم و اشکی نیست که بگرید و بر آن حضرت جاری گردد و هیچ گریه‌کننده‌ای نیست که بر آن جناب بگرید مگر آنکه گریه‌اش به حضرت فاطمه علیها السلام رسیده و آن بانو را یاری می‌کند و نیز گریه‌اش به حضرت رسول خدا صل رسیده و بدین وسیله حق ما را ادا کرده. و هیچ بنده‌ای نیست که روز قیامت محشور شود مگر آنکه چشمانش گریان است غیر از گریه‌کنندگان بر جدّم حضرت حسین بن علی علیه السلام چه آنکه ایشان در حالی که چشمانی روشن و باز دارند محشور می‌گردند و آثار سرور و شادی در صورتشان نمایان می‌باشد، مردم در فزع و ناراحتی بوده ولی ایشان از هر غم و محتنی در امان هستند، مردم متفرق و پراکنده و مضطرب بوده ولی ایشان در زیر عرش و سایه آن به یاد حسین علیه السلام بوده و در باره آن جناب به گفتن حدیث مشغولند، از ناملایمات و ناراحتیهای روز حساب هیچ خوف و هراسی ندارند. به ایشان گفته می‌شود: داخل بهشت شوید ولی آنها از ورود به بهشت امتناع نموده و مجلس ذکر حسین علیه السلام را اختیار می‌کنند،

باید زیاد درباره این آیه تفکر و تأمل کنیم که برای چه خداوند متعال می فرماید: ﴿وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤَهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ﴾<sup>۱</sup> و کسانی که تقوای الهی پیشه کردند گروه گروه به سوی بهشت برده می شوند؛ هنگامی که به آن می رسند درهای بهشت گشوده می شود و نگهبانان به آنان می گویند: «سلام بر شما! گوارایتان باد این نعمتها! داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید!»

برای چه به سوی بهشت برده می شوند؟ برای چه خودشان نمی روند؟ چه چیزی آنها را از وارد شدن به بهشت مانع می گردد تا اینکه برده می شوند؟ هنگامی که این روایت را خواندم مطلب را فهمیدم که حسین علیه السلام با صورت ملتفت آنها نمی شود و خودش را از آنها نمی گیرد، و فرشتگان می گویند: داخل بهشت شوید

خدایا ما را با حسین محشور کن، و قلب های ما قرار بده که به حسین حسین

فرشتگان و حورالعین به آنها پیغام می دهند که ما با ولدان مخلّد مشتاق شما هستیم ولی ایشان از فرط سرور و نشاطی که در مجلسشان دارند سرشان را بالا نکرده و به آنها نمی نگرند. دشمنان ایشان در آخرت دو گروه هستند: الف: کسانی که موی جلو سر ایشان را فرشتگان عذاب گرفته و آنها را روی زمین کشان کشان به طرف جهنم می برند. ب: آنان که از روی حسرت می گویند: فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَٰدِقٍ حَمِيمٍ. نه شفيعی داریم و نه دوستی که از ما حمایت کند. دشمنان ایشان مقام و منزل آنها را دیده ولی نمی توانند نزدیک ایشان شوند. فرشتگان از طرف همسرهای ایشان در بهشت و نگهبانان بر ایشان پیغام آورده که چه کرامت و عطایائی به آنها اعطاء شده. ایشان در جواب می گویند: ان شاء الله نزد شما خواهیم آمد و پس از این گفتار به نزد آنها بازگشته و وقتی همسرانشان به آنها خبر می دهند که در نزدیکی حضرت حسین علیه السلام می باشند شوقشان زیاد گشته و از شعف دل می گویند: حمد می کنیم حق تعالی را که ما را از فرع اکبر و وحشت های قیامت در امان داشت و از آنچه هراس داشتیم نجات داد. خداوند متعال به ایشان مرکب ها و اسب های نیکوئی که بر پشت آنها زین نهاده شده اعطاء فرمود و ایشان بر آنها سوار شده و در حالی که خدای مان را ستوده و حمد و ثناء گفته و صلوات بر محمد و آل محمد می فرستند حرکت نموده تا به منازل و جایگاه خویش می رسند.

گفتن گویا باشد.

خدایا شفاعت حسین را روزی ما گردان.

خدایا خدمت کردن بر حسین علیه السلام را بر ما توفیق بفرما.

خدایا بر کسانی که حسین را کشته و بر او ظلم و ستم کردند و کسانی که او

را خوار نمودند و یاریش ننمودند از امروز تا روز قیامت لعن کن.

حمد و سپاس بر پروردگار عالمین و صلوات و مورد و سلام بر بهترین

خلقش محمد و آل طاهرینش باد.

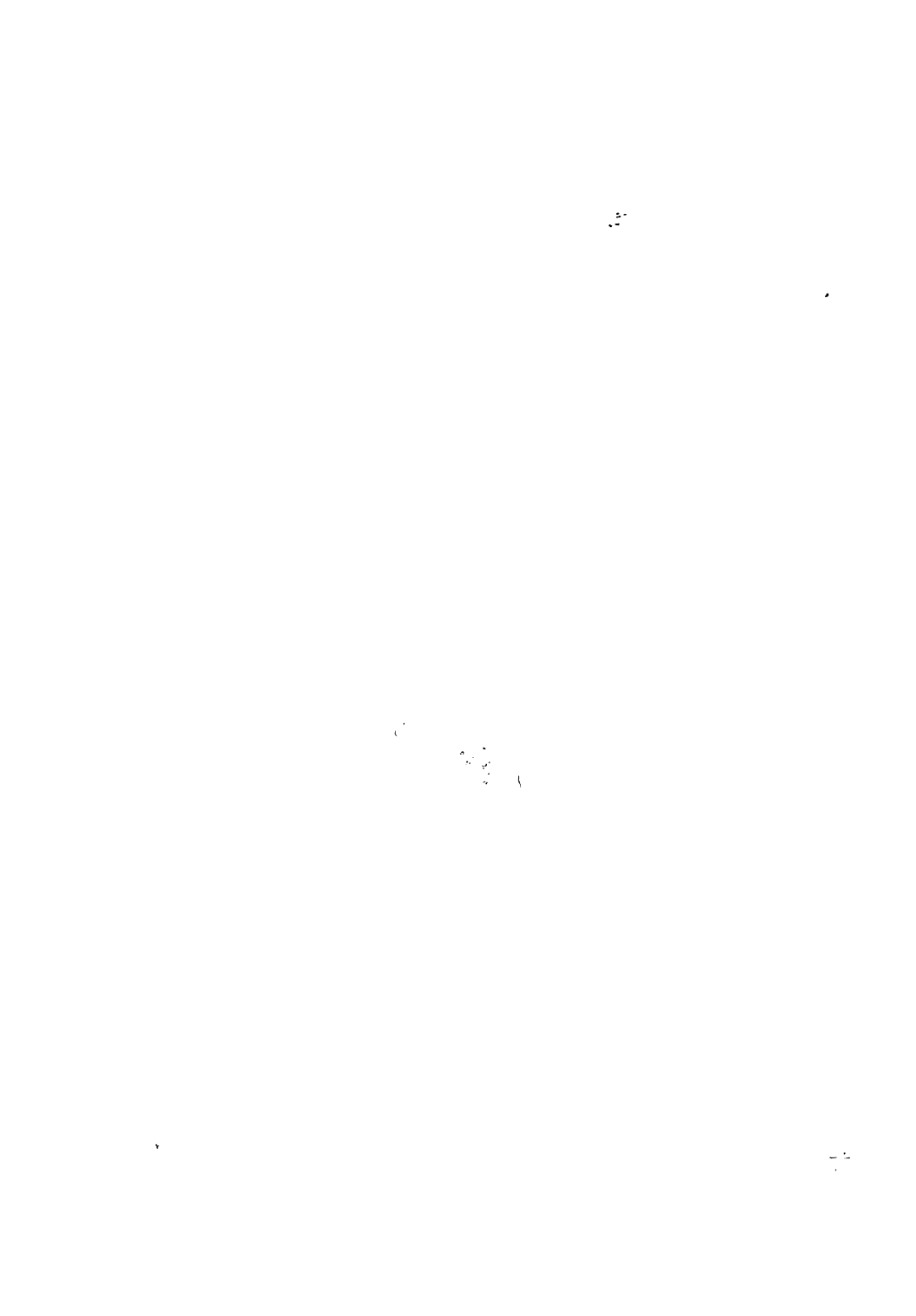
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.



## فصل دوم

### اعلامیه‌ها و بیانیه‌های

حضرت آقا دام ظلّه



## به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم الحرام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ<sup>۱</sup>

خداوند سبحان می فرماید: ﴿وَمَنْ يَعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾<sup>۲</sup>  
صدق الله العلي العظيم.

الحمد لله على هدايته للاسلام و ارشاده الى سبيل اوليائه و له الشكر على ما اولانا من نعمة التمسك بنبيه الاعظم و ولادته الائمة من ولده و الصلاة على خير خلقه محمد و آله الميامين و اللعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين.

ياد شهادت سرور پدران و الهام كننده قيام قيام كنندگان امام حسين عليه السلام بر ما مي گذرد. امت مسلمان در مصيبت پراكندي و آشتفتكي زندگي مي كنند. كار به جائي رسیده که بعضی از اشخاص اظهار درد و ناراحتی برای مسلمانان می کنند و اهتمام بر امور آنها می ورزند به اینکه سلاح در میان اهل دین و قبله و توحید می دهند و اهل لا اله الا الله و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله را با الحاد و شرک و خدمت به دشمنان اسلام نشان می دهند. به جان خودم سوگند که آن بزرگترین چیزی است که مسلمانان به آن مبتلا شده اند. ناله اسلام از درون در آمده است. این بلاها و مصیبت ها به اسم دین بر مسلمانان می رسد.

این بود اسبابی که یهود و دیگر طغیان گران و ستمگران عالم را در ریختن خون مسلمانان و بزرگان آنها به طمع می اندازد آشکار می سازد. به طوری که بر مسلمانان روزی نمی گذرد مگر آنکه از روز گذشته اش بدتر می شود و گروهی از

---

۱. اعلامیه حضرت آیت العظمی شیخ بشیر حسین نجفی دام ظلّه به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم

الحرام سال ۱۴۲۸ هـ

۲. سوره حج، آیه ۳۲

مسلمانان در جایی یافت نمی‌شوند مگر آنکه خداپرستان بی‌گناه و پاکان در آنجا کوبیده می‌شوند. تیرها بدن‌های امت رسول اعظم صلی الله علیه و آله را از هم پراکنده ساخته است. گروه‌های کوچک نفاق را می‌بینی که فساد را در طول و عرض می‌خواهند و با آن خون پاکان و خوبان و ازکیاء را می‌ریزند. در اینجا عراق طغیان‌گران و ستمگران که در عالم قدرتی دارند کوبیده شدن تمام مقدسات را جائز و کارهای حرام را مباح می‌دانند. می‌بینید که موحدان و یکتاپرستان را می‌کشند و صالحین را در کاظمین و کربلا و سامرا از بین می‌برند.

پروردگارا شکایت می‌کنیم به سوی تو از نبود پیامبرمان که صلوات و درود تو بر او و آلش باد، غیبت امام ما و زیادی دشمنانمان و کمی تعداد ما و شدت یافتن فتنه‌ها به سوی ما، آشکار شدن زمان بر علیه ما، پس بر محمد و آل او درود و صلوات بفرست، ما را به فتح و پیروزی از جانب خودت یاری فرما، ضرر و زبانی را که بر طرف می‌کند، یاری که عزت می‌بخشد، سلطانی که حق را ظاهر می‌کند، رحمتی از سویت که ما را به وسیله آن تجلیل کنی، عافیتی از سویت که ما را با آن با رحمت خودت پیوشانی ای رحم‌کننده رحم‌کنندگان.

برادران! سزاوار است که به خودمان ملتفت باشیم و عقل‌هایمان را محکم گردانیم، اختلافات را دور سازیم، شاید که خداوند بر ما رحم نماید و شر دشمنان را از ما دور گرداند.

می‌خواهم به مناسبت فرارسیدن ماه محرم الحرام به چند امور اشاره کنم که دین از ما می‌خواهد ملتزم به آنها باشیم.

اول: بر مؤمنان اجر و ثواب وعده داده شده بر زبان ائمه طاهرین علیهم السلام مخفی نماند، اشخاصی که بر امام حسین علیهم السلام اقامه عزاء می‌کنند و او را مطلقاً (دور و نزدیک) یا فقط در روز عاشورا و روز اربعین زیارت می‌کنند. امام حسن عسکری علیهم السلام زیارت امام حسین علیهم السلام در روز اربعین را از نشانه‌های مؤمن می‌شمارد. چنانکه از ائمه علیهم السلام وارد شده است که انبیاء و ملائکه با زیارت آن حضرت علیهم السلام خودشان را متبرک می‌سازند و ملائکه بر زوار آن حضرت دعا

می‌کنند.

روایت شده که هر کس زیارت امام حسین علیه السلام را به خاطر ترس ترک کند روز قیامت حسرت می‌خورد و آرزو می‌کند که ای کاش قبرش نزد امام حسین علیه السلام می‌بود. همچنانکه اجر و ثواب وعده داده شده بر انفاق به خدمت امام حسین علیه السلام و زوار آن حضرت، قدرش را نمی‌شناسد جز خداوند متعال؛ بر هر یک درهمی ده هزار شهر در بهشت به او اعطا می‌کند. خداوند سبحان حاجت‌هایش را برآورده می‌کند و مال و فرزندان را حفظ می‌کند. هر کس در مسیر زیارت امام حسین علیه السلام بمیرد ملائکه در غسل و تکفین او مشارکت می‌کنند و درهای بهشت را برایش باز می‌کنند.

بدانید هر کس در خدمت حسین علیه السلام تلاش و کوشش کند سیدالشهداء علیه السلام از او شفاعت می‌کند. روایت شده که بعد از شفاعت آن حضرت علیه السلام موفق به زیارت شخص امام علیه السلام می‌گردد.

پس ای شیعیان اهل بیت به آستان سیدالشهداء علیه السلام بشتابید و از آن زاد و توشه بردارید و آن حضرت را به وسیله اقامه عزا و ترتیب دادن هیئت‌ها یاری کنید که خداوند مولا و یاری کننده شما در تلاش‌هایتان هست.

دوم: باید هیئت‌ها و مجالس عزا به دور و خالی از مقاصد دنیوی و از شعارهای سیاسی باشد. چرا که دین را وسیله برای اغراض دنیوی قرار دادن زشت‌ترین عملی است که از اعمال منافقین می‌باشد.

سوم: در عصر حاضر صورت‌هایی از معصومین علیهم السلام متعارف است که سببی برای مسخره کردن و سبک شمردن آن انوار قدسی و صورت‌های نورانی می‌شود. بدانید که کشیدن هر صورت صاحب روحی اگر از طریق دوربین عکاسی نباشد نزد ما از محرّمات است. نسبت دادن این صورت‌ها به معصومین علیهم السلام دروغ و بهتان است و از گناهان کبیره‌ای است که اجتناب کردن از این عمل واجب است. چهارم: واجب است که از تشکیل دادن تمثیلات که واقعه کربلا را نشان می‌دهند و ستم‌ها و فجائع حادثه روز عاشورا را مجسم می‌کنند اجتناب کنند. اگر

چه قصد نیکو است ولی این تمثیلات جریان کربلا را بد نشان می‌دهد و از آن مضمّن می‌کند. مثلاً نقش معروفی که دارند این است که حضرت زینب دختر امیرالمؤمنین علی علیه السلام یا دیگر بزرگان این بیت شریف را بازی می‌کنند که ما در آن اسائه و طعن در عمق جریان امام حسین علیه السلام می‌بینیم.

پنجم: قمه‌زنی و زنجیرزنی را مباح می‌دانیم تا زمانی که مستلزم تنفر جاهلان از مبدئی که سیدالشهداء علیه السلام به خاطر آن نورافشانی کرد نباشد. در انجام آن به مرگ یا از کار افتادن عضوی از اعضا نمی‌باشد پس مقید به این ملاحظات بودن واجب است.

ششم: واجب است که هیئت‌های حسینی و مجالس عزا به نماز و غیر آن از واجبات اساسی در اسلام اهمیت داده و آن را اداء کنند، همچنانکه واجب است مردان و زنان از اختلاط دوری کنند که آن از مفاسد عصر و اعمال ننگین و شرم‌آور زمان است.

هفتم: به ما رسیده است بعضی از افرادی که شناختی از احکام دین ندارند یا نسبت به دین بی‌تفاوت هستند اقدام به ساختن شکل برای شهداء کربلا یا اسب (ذوالجناح) یا اسب ابالفضل العباس علیه السلام می‌کنند، سزاوار است دانسته شود که ساختن اینگونه تصاویر برای هر صاحب روحی که باشد از گناهان کبیره است و ملائکه بر آن خانه‌ای که در آن مجسمه و تصویر است وارد نمی‌شوند، بر مؤمنین واجب است از این عمل امتناع بورزند و باعث اسائه به مذهب و قضیه سیدالشهداء علیه السلام نشوند.

از خداوند سبحان می‌خواهم با توفیق و هوشیاری بر ما منت گذارد، و برادرانم را در نهان و آشکار به تقوای الهی توصیه می‌کنم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

بشیر حسین نجفی

## برای خطباء و مبلغین

بسم الله الرحمن الرحيم<sup>۱</sup>

الحمد لله الذي نزل الفرقان على عبده ليكون للعالمين نذيراً و الصلاة و السلام على خاتم المرسلين حبيب اله العالمين محمد بن عبد الله و على آله الغر الميامين و اللعنة على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين.

خداوند سبحان می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾<sup>۲</sup> به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند که: «نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است!

خداوند والا و بزرگ راست فرمود و به راستی و درستی به پیامبرش رسول کریم ابلاغ نمود، و ما بر آن از شاهدین و شکرگزاران هستیم، حمد و سپاس بر خداوندی که پروردگار عالمیان است.

ای برادران بزرگوار خطیب، شیر میدان خطابه، مجاهدان میدان مناظره، مدافعان از حریم دین و نهضت سیدالشهداء<sup>علیه السلام</sup>، و حمایت کنندگان از انقلاب

---

۱ . بیانیه دفتر حضرت آیت الله العظمی شیخ بشیر حسین نجفی دام ظلّه برای خطباء و مبلغین به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم الحرام ۱۴۳۱ هـ  
۲ . سوره فصلت، آیه ۳۰

حسینی علیه السلام و دعوت کننده به سوی خداوند، پراکنده کننده افرادی که در برابر گناه و پیشوایان ظلم و ستم خاضع هستند، کسانی که نفسشان را در مقابل قیمتی کم فروخته‌اند، کسانی که زیان دیده‌اند و در میدان علم و معرفت خوار و ذلیل شده‌اند، زمانی به خود می‌آیند که خودشان را از دشمنان خداوند و دشمنان رسولش می‌بینند. باعث افتادن توسلات از ثابت‌های اصلی مذهب می‌شوند، و تحت عنوان اینکه به سوی مصلحت مسلمانان و وحدت اسلامی در میان آنها دعوت می‌کنند و بر کارهایشان پرده‌پوشی می‌کنند.

شماها ای بزرگان منبر حسینی هر کسی که اهتمامش امر دین و سلامت شریعت غراء باشد، امروز بیشتر از هر روز دیگری در پی هوشیاری و بیداری مردم می‌باشید تا جلوی شیاطین را برای استفاده کردن و رسیدن به مقاصد خودشان از قضیه امام حسین علیه السلام بگیریید. یک بار این است که واجب است مظاهر معمولی نزد شیعیان امامی برای زنده نگه‌داشتن یاد فاجعه دردناک کربلا را کم کنند و نشانه‌هایش را تغییر دهند. پس داعی برای بر سینه و سر زدن محکم و رفتن به سوی قبر سیدالشهداء علیه السلام نیست، چرا که آن را تمدن غربی قبول نمی‌کند (مثل اینکه واجب است دین ما مورد رضای دشمنان باشد).

و یک بار دیگر هم اینکه مورد توجه فرهنگ و تمدن و شهرنشینی جدید نیست و آنها مجوز این را نمی‌دهند. و سوم اینکه بعضی از مدعیان علم و فقاقت راضی بدان نیستند.

ای برادران گرامی و عزیز پشت این اوهام و اباطیل، تمرد از دین و مذهب و روی گردانی از آن خفته است مگر به مقداری که برای دنیایشان جریان پیدا کند و به مقاصد دنیوی خودشان برسند که به آن چنگ می‌زنند و بیشتر از آن را رد می‌کنند.

به مثل اینها سیدالشهداء علیه السلام اشاره کرده و فرمود: «مردم بنده دنیا هستند، و



دین لقلقه زبانشان هست، مردم تا آن موقعی دیندار هستند که معیشت آنان تأمین شود، اما وقتی به وسیله بلاء مورد آزمایش قرار بگیرند دین داران قلیل و اندک خواهند بود.<sup>۱</sup>

مانند اینکه اینها به عبرت‌هایی که پیاپی و پشت سر هم از قضیه امام حسین علیه السلام می‌رسد اکتفا نمی‌کنند و از آنها عبرت نمی‌گیرند. آنچه که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود که: «چه زیاد است عبرت‌آموز و چه کم است عبرت‌گیر»<sup>۲</sup> صحیح است.

ای عزیزان گرامی بر همه ماست که به قضیه امام حسین علیه السلام اهتمام بورزیم، مردم را به سوی آن و به مسیر زنده نگه داشتن آن بکشانیم. تا شعله‌های برافروخته آن باقی بماند و راه‌های انقلابیون را در برابر منحرفین و گمراهان و طغیان‌گران نورانی نماید. مواضع و تعالیم امام علیه السلام تر و تازه باقی بماند و نیزه‌ای باشد که سینه دشمنان را سوراخ کند و تیری باشد که چشم دشمنانشان را کور نماید و با شدت تمام تار و پودشان را از هم بپاشد.

واجب است که بدانیم قضیه امام حسین علیه السلام چراغ هدایت و کشتی نجات است، که اسلام را زنده کرد، پس واجب است برای دعوت مردم به سوی اسلام از آن کمک بگیریم، آنها را تشویق کنیم که به احکام اسلام چنگ بزنند و ملتزم به تقوای الهی باشند، واجباتش را به پا دارند و از محرّماتش دوری نمایند.

واجب است که خطیب قبل از گفتارش با عملش تبلیغ کند و قبل از زبانش با سلوک و رفتارش؛ خشم و غضبش برای ذات خداوند باشد و در برابر سردسته خوارکنندگان دین به نرمی برخورد نکند چرا که این روش پیامبران و رسولان و ائمه طاهرین و کسانی است که تعالیم آن بزرگواران را به شرق و غرب عالم

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۳

۲. نهج البلاغه، ص ۵۲۸

حمل می‌کنند و تبلیغ می‌کنند. تشیع با تمام وجودش مماثل و مانند حقیقی در برابر مکلفین باشد و به وسیله آن بر همه اتمام حجت کنند ﴿لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ...﴾<sup>۱</sup> تا آنها که هلاک (و گمراه) می‌شوند، از روی اتمام حجت باشد؛ و آنها که زنده می‌شوند (و هدایت می‌یابند)، از روی دلیل روشن باشد.

بله واجب است که شعائر حسینی علیهم السلام را از هر چیزی که زلال آن را کدر می‌کند یا از مسیر صحیح منحرف می‌نماید پاک نمود. سزاوار است که مردم را از تمثیل ساختن برای واقعه کربلا به هر شکلی که باشد منع نمود چرا که در عموم مردم کسی پیدا نمی‌شود که امکان مانند ساختن برای یکی از بزرگان وحی یا توانائی حکایت گوشه‌ای حتی تَن صدای آنها را داشته باشند. همچنین زنی یافت نمی‌شود که توانائی این را داشته باشد که به مانند خانواده عفت و طهارت در بیاید. در اینجا اسباب فراوان فقهی و تاریخی دیگری است که ما را به منع آن دعوت می‌کند و ادله‌های فراوانی هست که این کارها را انجام ندهیم و از آن خودداری نمائیم.

ای بزرگواران بر همه ما واجب است متوجه و ملتفت به آنچه که در اطراف ما می‌گذرد باشیم. پنهانی تلاش‌هایی خبیث‌گونه می‌شود که مردم را از حوزه علمیه در نجف اشرف منصرف کنند و آنها را از تعالیم بزرگان و مراجع عظام که خداوند وجودشان را تحت کنف خود قرار دهد به وسیله راه‌های گوناگون و دروغ‌گوییها و تهمت‌های باطل دور گردانند تا مردم بدون سرپرست و حامی بمانند تا لقمه گورائی برای تحقق یافتن آرزوهایشان به سوی طالب دنیا باشد و آنها را به راحتی رام کنند، و برای مقاصد خبیثشان تسخیر نمایند. پس بر ما واجب است مردم را به سوی تمسک جستن به حوزه و اهتمام داشتن به

ارشادهای علمای بزرگوار و مراجع واداریم. خداوند علمای گذشته را رحمت کند و علمای زنده را حفظ نماید و برای خدمت کردن به دین یکتاپرستی یاری نماید.

همچنانکه بر همه ما سزاوار است مسئولین را در هر کجای وطن اسلامی عراق عزیزمان تشویق و علاقه‌مند کنیم تا بر مردم توجه داشته باشند، اهتمام به برآورده کردن حوائج و برطرف نمودن مشکلات آنها شوند و در خدمت کردن به مردم سعی و تلاش نمایند. چرا که مسئولیت‌امانتی در گردن آنهاست و حاکمان و سیاست‌مداران برای حمایت از حقوق مردم عراق و اصلاح شؤون آنها مسئولیت دارند.

همچنانکه بر ما واجب است حاکمان را برای از بین بردن ویرانی که عامه مردم عراق را در بر گرفته متوجه کنیم. در اینجا فساد اداری است، اموال مردم را بدون هیچ احساس مسئولیتی و بدون شعور و وجدان از بین می‌برند، گران‌فروشی و احتکار فلج‌کننده است. در اینجا نبود آثاری از خدمت به مردم واضح و آشکار است. در اینجا تلاش و همتی برای غارت اموال و نبود امنیت و برگشت ترس و وحشت هست.

ای بزرگواران شماها زبان حوزه علمی و حاملان رسالت هستید و با فکر و اندیشه در اوضاعی که کشور در آن به سر می‌برد مطالبه خواستگاه‌های آنها می‌باشید و اوضاع زندگی مردم را خواستارید. در پیش‌رو انتخابات مجلس را داریم که نقشه اقتصادی و سیاسی و فکری عراق را تصویب می‌کنند، بر ماست که مردم را برای شرکت در انتخابات تشویق کنیم. اینکه از میان نامزدهای انتخاباتی کسانی را برگزینند که غیرت دینی و روحی تلاشگر در وطن اسلامی عراق داشته باشند. اینکه لیاقت آن منصبی که برایش نامزد شده را داشته باشد. مردم را تشویق کنیم که به دام تبلیغات انتخاباتی که با تعبیرات توخالی انجام می‌دهند و ثمری از آن به دست نمی‌آوریم واقع نشویم. مسئولین در وزارت تربیت و تعلیم اصرار

دارند که برنامه آموزشی دوره صدام را در برنامه آموزشی مدارس رسمی پیاده کنند. اقتصاد ویران، گرانی و احتکار هلاک کننده، خرج کردن اموال مردم و بیت‌المال برای تحسین کردن موقعیت مسئولین بیداد می‌کند و با توجه به آن دوباره از مردم می‌خواهند که به آنها رای دهند. در اینجا اهمالی عمدی بر جوانان با فرهنگ هست که عرصه را به خاطر حوادث روزگار ترک کرده‌اند، بدون اینکه بعضی‌ها آمادگی تقدم علمی و کسب ترقی علوم در خارج را داشته باشند نامزد مسئولیت شده‌اند، در این مجال به تعداد کم اکتفا می‌کنند که با تمام تلاش و کوشش بر آنها سلطه پیدا کرده و آنها را محدود نمایند.

این همان ویرانی بر مردم عراق در آینده هست، و ممکن نیست این مفسد عالچ شود مگر اینکه امثال خود از افرادی امین را از طریق انتخابات آینده برگزینند.

از خداوند سبحان امید دارم که شماها را بر اداء وظیفه که به خاطر خدمت کردن به اسلام و خدمت کردن به نهضت امام حسین علیه السلام و حوزه علمیه و خدمت کردن بر مردم مظلوم و محروم عراق برمی‌گزینید موفق بدارد. بدانید که خداوند پشتیبان و یاور شماست: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُكَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾**<sup>۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گم‌هایتان را استوار می‌دارد. **﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾**<sup>۲</sup> و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.

والسلام

۱. سوره محمد صلی الله علیه و آله، آیه ۷

۲. سوره حج، آیه ۴۰

## بیانیه‌ای دیگر برای خطباء و مبلغین

بسم الله الرحمن الرحيم<sup>۱</sup>

الحمد لله رب العالمين بارئ الخلائق اجمعين و له الشكر علي هدايته لدينه و له  
المنة على ما دعا اليه من سبيله و الصلاة و السلام على سيد عباد الله الصالحين من  
الاولين و الآخرين محمد و على آله القادة الهداة الميامين.

خداوند سبحان فرمود: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾<sup>۲</sup> با

حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما!

ای برادران عزیز و خطباء بزرگ و شیران میدان منبر حسینی، همانا خداوند بر  
شما منت نهاد که بعد از فقها که نایبان امام منتظر علیهم السلام هستند به با شرف‌ترین  
وظیفه و بهترین عمل رو کنید که همان تبلیغ و موعظه کردن و ارشاد و هدایت  
مردم و دعوت آنها به سوی دین است. به تحقیق ائمه علیهم السلام هم قولاً و هم عملاً بر  
اهتمام داشتن به برپائی مجالس عزا حسینی در طول ایام سال تشویق می‌کردند و  
خصوصاً ایام محرم الحرام. این اهتمام آن بزرگواران علیهم السلام به خاطر داشتن ارتباط  
روحي و عاطفی با امام حسین علیه السلام نبود بلکه به جهت این است که نهضت  
سیدالشهداء علیه السلام زندگی را به دین برگرداند زمانی که کم مانده بوسیله فشار  
ظالمان و ستمگران و فاسدان و بوسیله شجره ملعونه‌ای که بر مقدرات امت دست  
یافت کهنه گردد و از بین برود. این شجره ملعونه ثمره آن انحراف بود که باعث

---

۱. بیانیه حضرت آیت الله العظمی، فقیه عصر، شیخ بشیر حسین نجفی دام ظلّه برای خطباء و  
مبلغین به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم الحرام ۱۴۲۸ هـ

۲. سوره نحل، آیه ۱۲۵

شد حکومت از مسیر ظاهری خود منصرف شود و از اهل آن دور گشته و به دست افرادی که در اقلیت و کم بودند بیفتند. پس نهضت حسینی علیهم السلام یک ضرورتی حتمی بود.

از خلال تامل در اتفاقات گذشته و ملحق به آن آشکار می‌گردد که اشاره رسول اعظم صلی الله علیه و آله به آن، حد و مرز را مشخص کرده برای اینکه نیاز دین به امری ضروری است چرا که امام علیهم السلام ناچار به این نهضت شد. برای همین ائمه علیهم السلام بر زنده نگه داشتن آن تشویق می‌کنند برای اینکه زنده کردن دین در زنده نگه داشتن قیام حسینی علیهم السلام است. تا شعله‌های برافروخته آن عواطف و اندوه‌ها را برافروزد و به پرداختن برای یاری دین و احیاء شریعت سید المرسلین صلی الله علیه و آله علاقه‌مند سازد. بنابراین ای خطباء عمل شما در همین قالب و در سلسله اعمال شهداء و کشته شدگان در راه اسلام است پس این منزلت و مقام بر شما گوارا باد.

اهمیت این عمل آن است که بر خود حتمی و لازم بدانیم متوجه به امور اساسی شویم که شیعه در عالم به طور عموم و در سرزمین عراق به طور خصوص زندگی می‌کنند، و آنها عبارتند از:

اول: سال‌ها و بلکه قرن‌ها بر عراق گذشته که از سلطه ظالمی آزاد نگشته مگر آنکه در قبضه ظالمی دیگر گرفتار آمده است. از زمان اضطراب امام حسن مجتبی علیهم السلام که با فرزند هند جگرخوار صلح کرد تا امروز دست‌های ستمگران بر عراق مجروح مسلط شده و به تحقیق آن قوا در ابعاد مختلف در تلاش و کوشش است که مردم را از دین و اهل بیت علیهم السلام دور سازند و لکن ائمه علیهم السلام و خدمتگزاران آنها از علما ابرار سعی و تلاش می‌کنند که مردم در باغ و گلستان دین باقی بمانند. حوزه علمیه نجف اشرف مواظب اتفاقات تازه است و با زمان گلاویز است و در طول دوران تاریخ در مسیر باقی ماندن شعله‌های دین در قلب‌های مردم سعی و تلاش می‌کنند.

دوم: بر خطیب است که عملش خالص برای خداوند سبحان باشد و در خلال

منبر حسینی علیه السلام مردم را تشویق بر پایبندی بر دین و در اطراف علما بودن و ارتباط داشتن با حوزه علمیه نجف اشرف که خداوند آن را از بلاهای دوران نگه دارد تشویق نمایند. واجب است که مردم را آگاه کنیم که در اینجا دست‌هایی کثیف و نفس‌هایی شریر هست که تلاش و کوشش می‌کنند مردم را از حوزه علمیه دور گرداند و دست آنها را از حوزه قطع نمایند تا مردم به راحتی در دست گرگانی باشند که آنها را هر طوری که خواستند بخورند و آنها را وسیله‌ای برای رسیدن به آمال و آرزوهایشان قرار دهند.

واجب است در هیئت‌های حسینی علیه السلام مردم را تشویق کنیم که در آن مشارکت نمایند همچنانکه واجب است خارج شدن هیئت‌ها به طرف کارهای پست و شعائری که از حدود شرعی بیرون می‌رود منع کنیم. واجب است بر متانت آن محافظت کنیم و به شبیه‌سازی که باعث گناه و زشت نشان دادن نهضت حسینی علیه السلام اجازه ندهیم می‌باشد. همچنانکه واجب است هیئت‌ها و مجلس‌های عزا از مقاصد سیاسی دوری کنند و احدی جریان امام حسین علیه السلام را وسیله‌ای برای مقاصد مادی و سیاسی خود قرار ندهد.

**سوم:** به ما رسیده است که شیاطین نشر افکار گمراه را شروع کرده‌اند مانند اینکه با امام منتظر علیه السلام ملاقات دارد و در هنگام ملاقات احکام را مستقیم از آن حضرت می‌گیرند و برای همین دیگر نیازی به تقلید کردن نیست. هر کس مثل این را ادعاء کند امام حجت علیه السلام او را قبل از اینکه از مادر متولد شود تکذیب می‌کند. اگر سیره اینها را بررسی کنی یقین به دروغ بودن ادعای آنها و فاسد بودن مسلکشان خواهی کرد. پس بر ماست که مردم را از آنها بر حذر کنیم و از چنگالشان رهائی بخشیم. که این حفظ کردن مردم از افتادن در چنگ شیاطین انسی و جنی مورد تقدیر الهی است.

**چهارم:** بر خطیب واجب است که روایات موثق را با استفاده از کتاب‌های معتبر برگزیند که شامل فضائل و مصائب اهل بیت علیهم السلام هستند. جائز نیست که

خطیب روایتی را نقل کند که در آن اسائه مذهب یا امام حسین علیهم السلام باشد. اولی این است که بگوید روایت را از کدام کتاب نقل می‌کند تا خودش را از مسئولیت نقل روایت دور نماید.

**پنجم:** خطیب باید اهتمام کند که ارتباط جریان کربلا و بعد از آن را با احکام دین مانند نماز و روزه و حج و زکات و خمس و جهاد از لای کلمات روایت شده از سیدالشهداء علیهم السلام و اصحاب آن حضرت و ائمه بعد از آن حضرت را کشف کند و برای مردم بیان نماید؛ مانند فرمایش امام علیهم السلام که فرمود: «آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌کنند، و از باطل باز نمی‌ایستند؟ باید انسان معتقد طرفدار حق، دل به لقاء الله بندد». تا آخر فرمایش آن حضرت علیهم السلام.

فرمایش امام علیهم السلام در کنار قبر جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که خواست با جدش وداع کند گفت: «پروردگارا من دوست دارم که امر به معروف و نهی از منکر کنم» تا آخر دعای آن حضرت.

ای برادران بدانید حکومت‌های فاسد در کوشش هستند که این مردم را از دین دور کنند، به طوری که میان آنها اختلاف اندازند و آنها را پاره پاره کنند تا به اولیات اسلام و مبادی اساسی و ضروریات احکامی که بر شخص مسلمان جائز نیست از آن غفلت بورزد جاهل بمانند پس بر شماست که اهتمام به این جنبه داشته باشید.

مسئولیت بزرگ و مهم و سخت بر عهده شماست، از خداوند می‌خواهم که شماها را بر اداء واجبات تان یاری فرماید و امکان به قیام به مسئولیت را بر شما عنایت نماید که آن وظیفه انبیا و رسولان است. خداوند یاری کننده شماست که او چه خوب مولا و چه خوب یاری کننده است.

والسلام



## بیانیه‌ای برای هیئت‌ها و خادمان دستگاه امام حسین علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم<sup>۱</sup>

الحمد لله رب العالمين و صلى الله علي خير خلقه محمد و علي آله الغر الميامين و اللعنة على شانسيهم من الاولين و الآخرين الى يوم الدين.

خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾<sup>۲</sup> این است (مناسک حج)! و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست.

ماه محرم در حالی به ما نزدیک می‌شود که مسلمانان عموماً و مردم عراق خصوصاً ناله‌شان زیر فشار ظلم و ستم از سوی استکبار عالم بلند است. بر آن ظلم و ستم و زیر یوغ بردن مسلمانان و ایجاد آشفستگی و کینه و دشمنی بین آنها کمک کنند. آن بر مستکبرین سهل و آسان است که با تهدید و زورگویی مسلمانان را بترسانند و اموالشان را به غارت ببرند. بدترین چیزی که مسلمانان به آن مبتلا هستند تکفیری‌هایی می‌باشند که از بقایای خوارج هستند که این اندیشه تکفیری را برای اهل قبله بنیان‌گذاری کرده‌اند. کسانی که اقرار بر شهادتین می‌کنند ولی آن را با عقل مستند نمی‌سازند و به نقاش‌بنا راضی نمی‌شوند و بر رکن

---

۱. بیانیه حضرت آیت‌الله العظمی فقیه عصر شیخ بشیر حسین نجفی دام ظلّه برای هیئت‌های حسینی و خادمان دستگاه امام حسین علیه السلام.

۲. سوره حج، آیه ۳۲

مورد مطمئن و اعتماد نمی‌کنند، پس بر مسلمانان عراق و خارج از عراق هست که هوشیار و بیدار باشند؛ همکاری را بین خودشان شیوع دهند و حقیقت آن را به وسیله همکاری با مخلصین بیان نمایند تا مردم را از شر ستمکاران حفظ نمایند. شایسته است متوجه اموری شویم که در اثناء برپائی شعائر دینی و مجالس حسینی ملتزم به آنها شویم که عبارتند از:

\* واجب است که به وسیله رفتن در مجالس حسینی علیه السلام ملتزم به اخلاص و تقرب به خداوند سبحان باشیم. واجب است که مجالس زنانه از مردانه جدا باشد.

\* واجب است که شعرها و قصائد و شعارها و نوآوری‌های دینی و حسینی پاک و خالص باشد. جائز نیست که این امور وسیله‌ای برای رسیدن به مادیات و احراز مکاسب سیاسی باشد، پس اگر کسی جریان حسینی علیه السلام را وسیله‌ای برای آرزوهای دنیوی قرار دهد جریان امام حسین علیه السلام را تباه ساخته و از مقدسات روی‌گردان است.

\* واجب است که برنامه‌های هیئت‌ها را طوری تنظیم کنند که با واجبات اساسی دین مانند نماز در تعارض نباشد. باید این مجالس را یا قبل از اوقات نماز بر پا نمود یا بعد از اوقات نماز. اگر عزاداری تا وقت نماز ادامه پیدا کرد بر گردانندگان هیئت است که نماز را در اول وقت در همان هیئت اقامه کنند تا مردم عمق این شعائر و غایت نهضت حسینی علیه السلام را بشناسند چرا که امام علیه السلام برای خاطر دین و بر پا داشتن شریعت سید المرسلین صلی الله علیه و آله آن همه سختی و مصیبت‌ها را تحمل کرد و آن همه قربانی را به پیشگاه الهی برد که خود آن حضرت علیه السلام به آن تصریح کرده و می‌فرماید: «آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌کنند، و از باطل باز نمی‌ایستند؟ باید انسان معتقد طرفدار حق، دل به لقاء الله بندد...». تا آخر کلام شریف آن حضرت. پس کسی که نماز را ضایع کند تحت هر عنوانی که باشد و لو آن ضایع کردن به خاطر شعائر حسینی علیه السلام باشد هرگز از خدمت کردن

به سیدالشهداء علیه السلام حظ و بهره‌ای نمی‌برد.

\* باید بدانیم که قمه‌زنی و زنجیرزنی از زیباترین شعائر حسینی است و سزاوار است که آن را استمرار داد ولی دو مورد از آن استثناء شده است:

۱- در دنیا منطقه‌هایی است که نسبت به اسلام و عمق نهضت امام حسین علیه السلام در جهل و بی‌خبری به سر می‌برند که هر گاه مناظر قمه‌زنی را ببینند از اسلام متنفر می‌گردند، پس این عمل در این صورت جائز نیست تا نقض غرض امام حسین علیه السلام از نهضتش لازم آید و زمانی که اراده کرده‌ایم به دین خدمت کنیم به آن زیان می‌رسانیم.

۲- هرگاه کسی به گفته‌ی طبیعی حاذق علم پیدا کند که قمه‌زنی مثلاً باعث مرگ او شده یا عضوی از اعضایش را از کار می‌اندازد، در این صورت نیز قمه‌زنی جائز نیست.

اما غیر این دو مورد قمه‌زنی برای نشر مظلومیت اهل بیت علیهم السلام خصوصاً حضرت سیدالشهداء علیه السلام و آشکار ساختن جنایت‌های دشمنان اهل بیت چیز نیکویی است و بر برانگیزنده این عمل اجر و ثواب بسیار می‌رسد.

\* برپا داشتن شعائر حسینی علیه السلام به هر نحو و روشی که باشد تا مادامی که در آن محذور شرعی نیست امری مرغوب و مطلوب است که ائمه علیهم السلام به آن تشویق می‌کردند. پس ای مسلمانان به سوی زنده نگه داشتن شعائر حسینی بشتابید که انبیاء، رسولان، ائمه علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام با ما مشارکت می‌کنند. ملائکه مقرب الهی نیز در این عمل زیبا با ما شرکت می‌کنند. بشتابید تا اینکه به صاحب امر علیه السلام تسلیم گوئیم. در این عمل زیبا مسیری بگسترانیم تا یاری کنندگان برای انقلاب عالم گیر امام منتظر علیه السلام بشتابند.

\* سزاوار است که از صورت‌های کشیده شده و منسوب به معصومین علیهم السلام دوری کرد چرا که کشیدن صورت را جائز نمی‌دانیم و نسبت دادن آن را به

معصومین علیهم السلام حرام می‌دانیم. سزاوار است که بدانیم منزّه کردن هیئت‌های حسینی علیهم السلام از شبه‌هائی که به جریان امام حسین علیهم السلام زیان می‌رساند واجب است. از خداوند سبحان می‌خواهم که بر مسلمانان به وسیله توفیق یافتن بر زنده نگه‌داشتن این نهضت و گرفتن درس و عبرت از آن منت گذارد؛ و سلام و درود بر عموم مسلمانان و بالخصوص بر خادمان امام حسین علیهم السلام باد.

والسلام

## زیارت امام حسین علیه السلام و لزوم ملتزم بودن به حجاب

بسم الله الرحمن الرحيم<sup>۱</sup>

الحمد لله الذي هدانا لهذا صراطاً سوياً، و الصلاة و السلام على المبعوث رحمة للعالمين محمد بن عبدالله و على آله الغر الميامين، و اللعنة على اعدائهم اجمعين من الاولين و الآخرين الي يوم الدين.

خداوند سبحان می فرماید: ﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾<sup>۲</sup> این است (مناسک حج)؛ و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست.

هیچ شکی نیست در اینکه به دست آوردن تقوا و آمیختن نفس و قلب با آن از واجباتی است که چشم پوشی از آن جائز نیست. تقوا روح هر عبادتی است. بدون تقوا، عبادت بدون محتوا و پوسته ای بدون مغز و جسدی بدون روح می باشد. خداوند سبحان می فرماید: ﴿إِنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾<sup>۳</sup> خدا، تنها از پرهیزگاران می پذیرد!

بزرگ داشتن شعائر مذهبی با میمنت و با برکت است که از جمله آنها زیارت عتبات مقدسه و مقید شدن به آن که امری مطلوب است. سزاوار است که هر

---

۱. این اعلامیه حضرت آقا دام ظلّه برای تشویق بر داشتن حجاب در اثناء به جا آوردن زیارت امام حسین علیه السلام در محرم الحرام ۱۴۳۳ هـ مصادف با ۲۷ / ۱۱ / ۲۰۱۱ م صادر شده است.

۲. سوره حج، آیه ۳۲

۳. سوره مائده، آیه ۲۷

مؤمنی از خداوند سبحان بترسد و برای داشتن تقوا و آراستن خود بر آن از خداوند کمک و یاری کند. برای همین در آن مشاهد شریفه محافظت کردن بر حدود شرعی واجب است. چرا که تخطی کردن از حدود شرعی عبادت را به معصیت و نافرمانی تبدیل می‌کند. آشکار کردن حدود شرعی ملتزم بودن به واجبات و ترک محرمات است. بر مؤمنین گرامی است که محافظت بر حدود شرعی کنند و بر عمل منافی دین خصوصاً در اثناء زیارت اقدام نکنند. همچنین است بر دختران مؤمنه اینکه محافظت بر واجبات کنند و حجابشان را حفظ نمایند و اهتمام شدید داشته باشند که از مخالفت دین امتناع نمایند. جائز نیست که حجاب را کنار گذاشته و با مردان بیگانه برخورد داشته باشند. همچنین جائز نیست به خاطر علاقه برای رسیدن به ضریح مقدس یا خواندن نماز در نزدیکی ضریح باعث ایجاد و مزاحمت برای دیگران کنند. بر دختران مومنه لازم هست که همه اندام خودشان را که نظر کردن بر آنها جائز نیست را بپوشانند. شایسته است که صدایشان را در حال خواندن دعا و زیارت و غیر آن بلند نکنند به طوری که بیگانه آن را بشنود. اگر محافظت بر حجاب کند یا ملتزم به عدم ایجاد مزاحمت به خاطر خواندن نماز در حرم یا نزدیک ضریح مقدس از برای دیگران نماید و نمازش را در مکانی دیگر بخواند مستحق این است که از جانب خداوند متعال به اجر وعده داده شده‌ای که برای خواندن نماز در نزدیک ضریح شریف وارد شده برسد. پس دختران مؤمنه بدانند اگر رغبت به اجر و ثواب دارند از نصیحت‌ها مخالفت نکنند.

نمی‌دانم برای چه زن مؤمنه بر تعرض کردن دشمنان بر دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله و هتک حرمت آنها و هتک کردن پوشش آنها گریه می‌کند و خودش نمی‌خواهد که ملتزم به پوشش واجب شرعی باشد. از این نحو است در ازدواج کردن که چیزی از دین در روش برخورد آنها نیست. نشان دادن صورت بدون

آرایش و دیگر زینت‌ها نزد بعضی از بزرگان مباح است ولی شکی نیست که احتیاط در پوشاندن صورت است. به تحقیق عقیده بنی‌هاشم یزید ملعون را به سبب کشف پوشش صورت دختران وحی را از برای بیگانگان به وسیلهٔ پاسبانان مورد لعن واقع شده توییح نمود.<sup>۱</sup> این سفارش‌های ما بر دختران مومنه است و بر اولیاء امور لازم است که آنها را بیدار کنند. از خداوند سبحان می‌خواهم به وسیله آن بر زنان و مردان مؤمن نفع رساند.

والسلام

---

۱. اشاره به خطبه‌ای از حضرت زینب علیه السلام در مجلس یزید ملعون است که فرمود: « آیا این از عدل است ای فرزند آزادشده‌ها که زنان و کنیزان تو در پس پرده باشند و دختران رسول الله اسیر؟! پرده‌هایشان را دیدی، و چهره‌هایشان را آشکار کردی، آنان را چونان دشمنان از شهری به شهری کوچانیده، ساکنان منازل و مناهل بر آنان اشراف یافتند، و مردم دور و نزدیک و پست و فرومایه و شریف چهره‌هایشان را نگریستند، در حالی که از مردان آنان حامی و سرپرستی همراهشان نبود». لهورف، سید ابن طاووس، ص ۱۰۵

1000

1



# فصل سوم

## استفتائات



## شعائر حسینی علیهم السلام

📖 مراسم عزای حسینی که الآن مرسوم است آیا در زمان ائمه معصومین علیهم السلام هم همین طور بوده است؟

بسمه سبحانه: فرزندم بدان که بعضی از این اعمال مانند مجالس و گریه بر امام علیهم السلام در آن زمان هم بود و چه بسا در خانه‌های معصومین علیهم السلام نیز بر پا می‌شد و همچنین است شعر و حدیث گفتن به فضائل اهل بیت علیهم السلام؛ که همه اینها در عصر ائمه علیهم السلام موجود بود. امامان معصوم علیهم السلام مردم را به انجام آن فرا می‌خواندند چنانکه در روایات آمده است و منعی از آن از جانب امامان صادر نشده است. چنانکه در شرع یافت نمی‌شود آنچه که بر هیئت‌ها و بر سینه زدن و شبیه در آوردن دلالت کند و همچنین ساختن شبیه اسب امام حسین علیهم السلام در شرع نهی و منع از آن هم اثبات نشده است. و اهل بیت علیهم السلام نیز از آنها منع نکرده‌اند. بدان که در هر زمان و مکان و در هر گروهی از بشر اسلوب و روشی خاص در زنده نگه‌داشتن یاد بزرگان‌شان از اهل دین و دنیا داشته‌اند. پس زنده نگه‌داشتن امر اهل بیت علیهم السلام تا زمانی که در آن نهی شرعی یا محذور شرعی نباشد آن عمل داخل در فرمایش امام علیهم السلام است که می‌فرماید: «امر ما را زنده کنید، خدا رحمت کند کسی

را که امر ما را زنده می‌کند». <sup>۱</sup> والله العالم.

### 📖 حکم ریاء در قضیه امام حسین علیه السلام چگونه است؟

بسمه سبحانه: ای فرزندم بدان شعائر حسینی علیه السلام را بنا بر جلالت قدر و علو شأنش برای دو غرض اساسی انجام می‌دهیم:

اول: زنده نگه داشتن یاد فاجعه کربلا تا تازه و پاکیزه باقی بماند و همچون نیزه‌ای در سینه دشمنان اهل بیت علیهم السلام و تیری در چشمانشان فرو رود. به خاطر باقی ماندن اسلام و دینی که رسول اعظم صلی الله علیه و آله به خاطر آن آمد و اندیشه کردن در اتفاقات دردناکی که قبل از آن یا بعد از آن پیش آمد. بعضی از تظاهر کنندگان به اسلام از این مظاهر دینی مانند نماز و روزه و حج و غیر آن را گرفته‌اند و به آن تمسک جسته‌اند تا از خودشان نام کفر را بعد از کشتن امام حسین علیه السلام دفع نمایند. و این مظاهر دینی را وسیله‌ای برای خواسته‌های دنیوی پستشان گرفته‌اند. پس آنها به خاطر آنچه که گفتیم به ظاهر دین تمسک جسته‌اند، پس زنده نگه داشتن واقعه کربلا ما و فرق دیگر را به سوی التزام داشتن به دین فرا می‌خواند پس به ناچار این شعائر باید استمرار داشته باشد. این غایتی است که با بر پا داشتن شعائر محقق می‌شود اگر چه خالی از قربت بوده و با ریاء (نستجیر بالله) آمیخته شود.

دوم: غایت دوم همان تقربت جستن به خداوند سبحان است و در این امر واجب است منزّه کردن عمل از هر چیزی که برای خداوند نیست. ریاء نوعی از شرک است و همانا خداوند از تقوا پیشگان قبول می‌کند پس این غایت با ریاء (نستجیر بالله) محقق نمی‌شود.

۱. انتصار، ج ۹، ص ۳۲؛ مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۶۸ اضافه بر آن دارد که «و به سوی یاد ما فرا بخواند». و حسین بن عبدالوهاب در کتاب عیون المعجزات، ص ۵

📖 معنای عام شعائر چیست و منظور از شعائر حسینی به نحو خاص چیست؟

بسمه سبحانه: شعائر جمع شعیره است و آن در لغت به معنی این است آنچه که انسان از چیز دیگری استفاده می‌کند و شعائر حسینی هر چیزی است که فی نفسه برای زنده نگه داشتن یاد سیدالشهداء علیه السلام و مصیبت‌های دردناک کربلا مباح می‌باشد است. والله الهادی.

📖 حکم کلی شرع برای شعائر حسینی علیه السلام چیست؟ آیا ما اختیار داریم هر وسیله‌ای که از خلال آن جزع و حزن و اندوه‌مان تعبیر می‌کنیم وارد در آن کنیم؟

بسمه سبحانه: آنچه که امید فائده دارد و بدان اشاره کردی را انجام بده به شرط اینکه مخالف شرع نباشد و اقتضای اسائه یا اهانت به معصوم علیه السلام یا بزرگان مقدس در آن بوجود نیاید. والله العالم.

📖 برای هر گروهی روشی است که در حزن و اندوه آن را به کار می‌برند مثلاً هندی‌ها حزن و اندوهشان بر امام حسین علیه السلام به وسیله راه رفتن بر روی آتش است، آن عادت است که در جمع ما نیست آیا بر ما جائز است که بدان ممارست نمائیم علی‌رغم اینکه در جمع ما ناشناخته است؟

بسمه سبحانه: احوط و اولی این است که تقید به عادات و رسوم مرسوم در هر منطقه با تقید به حدود شرعی باشد. والله الهادی.



## تاریخ شعائر حسینی علیه السلام

📖 مقصود از شعائر حسینی علیه السلام چیست؟

بسمه سبحانه: مقصود از شعائر حسینی علیه السلام هر عملی است که فی نفسه مباح باشد یا مستحب است که در آن ذکر و یاد مصیبت کربلا و اظهار عظمت امام حسین علیه السلام و عظمت نهضت و شأن و زیارتش باشد. والله العالم.

📖 نقش شعائر حسینی علیه السلام در زمان حال و آینده چیست؟

نقش شعائر این است که رابط انسان از لحاظ دینی و عاطفی و اعتقادی به امام حسین علیه السلام می‌باشد چرا که زنده نگه‌داشتن ذکر و یاد فاجعه کربلا به خصوص زنده نگه‌داشتن برای دین و استمرار بر آن و نشانه شیعه آن حضرت بودن است. والله الموفق.

📖 در قضیه عاشورا تاثیر بزرگی در زنده کردن امت و محافظتی بر اسلام پاک از کهنه شدن و از بین رفتن است، چگونه ممکن است این قضیه را به شکلی بزرگ در زمان خودمان انجام دهیم به حیثی که از نفس پر تحرک و تاثیر گذار محافظت کند؟

بسمه سبحانه: آن به وسیله عزاداری و مجالس تمام می‌شود، بر اینکه کلمات و خطبه‌ها بر وعظ و موعظه و روشنگری مردم و بیان هدف و عمق نهضت امام

حسین علیه السلام با رابطه دادن به وسیله عاطفه و تحریک مردم بر گریه و حزن و ابراز کردن حزن و اندوه باشد و تنظیم کردن مجالس و هیئت‌ها ضمن دلیری نشان دادن بر ملتزم بودن به دین مانند نماز که عمود دین ماست و همچنین تنظیم مجالس به نحوی که با اوقات نماز تعارض نداشته باشد. پس اگر در اثناء اقامه عزا و حرکت دادن هیئت‌ها وقت نماز رسید، واجب این است که هیئت را به خاطر اقامه نماز نکه دارند، هر کسی که در هیئت است نماز را بخواند چرا که انقلاب حسینی علیه السلام و استمرار داشتن آن در آینده به خاطر نماز است و انقلاب امام حسین علیه السلام به خاطر دین و نماز بود، و با خواندن نماز در هیئت‌ها سینه امام حسین علیه السلام آرام می‌گیرد و نفس قدسیه آن حضرت به آن چیزی که از ثمره قربانگاهش مشاهده می‌کند شاد می‌شود. پروردگارا ما را بر انجام آن یاری فرما. والسلام.

**📖 منبع و تاریخ منشا شعائر حسینی علیه السلام به این شکل فعلی کجاست؟ و به طور دقیق از چه زمانی آغاز شد؟**

بسمه سبحانه: این شعائر به تدریج به این شکل فعلی رسیده است و برای همین به طور دقیق مشخص کردن منشا آن برای کسی که به دنبال آن است سخت و دشوار است.

**📖 هدف امام حسین علیه السلام از نهضت مبارکش چه بود؟**

بسمه سبحانه: هدف و غایت همان است که خود امام حسین علیه السلام در وصیت خود هنگام وداع برادرش محمد بن حنفیه بدان اشاره کرده و فرمود: «من از سر شادی و سرمستی و تباهاکاری و ستمگری قیام نکردم، بلکه برای خواستار شدن



اصلاح در امت جدم به پا خاستم».<sup>۱</sup> تا آخر فرمایش شریفش. و در شب عاشورا فرمود: «آیا نمی بینید که به حق عمل نمی کنند، و از باطل باز نمی ایستند؟ باید انسان معتقد طرفدار حق، دل به لقاء الله بندد».<sup>۲</sup> و در اثناء معركة جنگ فرمود: «آگاه باشید! سوگند به خدا به هیچ یک از خواسته های آنها (دشمنان) جواب نمی دهم (و تسلیم اهداف شوم آنها نمی شوم) تا خداوند را در حالی که به خون خود رنگین هستم ملاقات نمایم».<sup>۳</sup> تا آخر فرمایش آن حضرت علیه السلام.

همه معانی در یاری کردن حق و جنگ با ظلم و ستم و بر ملا کردن به ناحق بودن حکومت بنی امیه و دعوت به اقامه کردن حکم خداوند عادل خلاصه می شود. والله العالم.

📖 آیا اداء کردن شعائری که اساس شرعی از قرآن کریم و سنت نبوت

مطهره نباشد جائز است؟

بسمه سبحانه: ای فرزند مانند اینکه در تخیلات هستی یا آن در خیال امثال تو پخش شده است، بدرستی که آنچه شیعه در این راه و در این مسیر قرنی بعد از قرنی در منظر انفاق کرده و آنچه که علماء ابرار و فقهاء مذهب اهل بیت علیهم السلام و مشارکت کردن آنها و در برپائی این شعائر شنیده شده خرج نموده اند، آن قدر زیاد است آیا همه اینها - پناه بر خدا - بدعت و بدون مجوز شرعی است. از خدا می خواهم که تو و هر کسی که این گونه افکار در ذهنش است را هدایت کند ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾<sup>۴</sup> «آنها که ستم کردند به زودی می دانند که

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹

۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲

۳. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۳

۴. سوره شعراء، آیه ۲۲۷

بازگشتشان به کجاست!». و عاقبت از برای پرهیزگاران است.

📖 این همه اهتمام ورزی آسمانی از برای عمق بخشیدن به فرهنگ

شعائر نزد مسلمانان از برای چیست؟

بسمه سبحانه: اولاً سزاوار است که علل احکام شرعی را بدانند که خداوند اراده نموده آن را حفظ نماید و کسی بر آن آگاه نشود مگر بعضی از خواص پیامبران مخلصش؛ تو نمی دانی که برای چه نماز مغرب سه رکعت است و نماز عشاء چهار رکعت؛ برای چه در هر رکعت یک رکوع و سجده دو تا است؟ برای چه دو دست را در نماز آویزان کردن واجب است؟ و برای چه به خاطر بیرون آمدن منی غسل واجب می شود ولی برای بیرون آمدن مذی و بول و نیز ... غسل واجب نمی شود.

بعید نیست که این اهتمام شدید برای زنده نگه داشتن فاجعه کربلا و شعائر حسینی علیهم السلام از جانب معصومین علیهم السلام برای استمرار دین، بیان زشتی ظلم و ستم، تعلیم و تمرین، محکم کردن برای مبدا برمقابله و برخورد با ظلم و ستم، و مبدا عدم خضوع برای غیر خداوند باشد. والله العالم.

📖 مسؤل تعریف شرعی نوع شعائر و ادامه دادن اسلامی آن کیست؟

بسمه سبحانه: این شعائر و همه اعمال مربوط به آن به شرع مقدس و مراجع عظام - که خداوند آنها را از بلاهای روزگار در امان دارد - بر می گردد و آنها مسؤل آن هستند اگر سؤال شود و مجالی برای کشف از حقایق یافتند و از شر دشمنان در امان بودند. والله العالم.

📖 گاهی سؤال می شود که این شعائر در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله نبود،

چه جواب می فرمائید؟

بسمه سبحانه: ای فرزند بدان اینکه فاجعه کربلا در زمان پیامبر ﷺ اتفاق نیفتاد اگر چه روایات دلالت می کنند که آن حضرت ﷺ بارها قبل از اتفاق افتادن این فاجعه گریه می کرد، سپس اینکه زیبایی و حرمت چیزی برای آن در چارچوب شرعی است که از شریعت رسول اعظم ﷺ و سنت و کلمات ائمه علیهم السلام استفاده شده است و در تفسیر قواعد استنباط شده از مصادر شرعی است پس آن را از آنچه سؤال کردی بی نیاز می کند. والله العالم.

📖 برای چه این شعائر و حزن و اندوه در وفات نبی اکرم ﷺ اقامه نمی شود؟

بسمه سبحانه: معانی که در جواب قبل بدان اشاره کردیم اینکه علل به دست خداوند متعال است و اینکه فاجعه کربلا اثری خاص در زنده داشتن شریعت و استمرار یافتن آن و برخورد کردن با ظلم و ستم و غیر آن است. - این معانی و غیر آن - همانا در فاجعه کربلا عنایتی بی رقابت است که نبی اعظم ﷺ و ائمه اطهار از اهل بیت علیهم السلام اهتمامی فراوان به این فاجعه، و فاجعه قتل امام حسین علیهما السلام داشتند، پس بر ماست که از اوامر آنها امثال کنیم. والله العالم.

📖 اهمیت این شعائر در محافظت کردن بر نشانه های روحی و سیاسی اسلام چیست؟

بسمه سبحانه: بدرستی که همه معانی قهرمانی و خرج کردن بدون حق و وقوف و آگاه بودن در وجه باطل تجسم پیدا می کند. محکم کردن رکن شریعت زیبا و محکم کردن پرچم اسلام عزیز که در سایه آن نجات بشریت است در آن شعائر است و آن تضمین سعادت برای همه بشریت و قیام حکومت حق است. والله العالم.



## گریه و بر پا داشتن عزا

📖 حضرت آقا دام ظلّه در کجا عاشورا را عزاداری می‌کند؟ و برای چه ایشان این مکان را برای عزاداری اختیار کرده است؟

بسمه سبحانه: از خداوند سبحان می‌خواهم که به ما امکان دهد و موفق بدارد که آن را در روشنائی روایات ائمه علیهم‌السلام احیاء بداریم؛ و موقعیت زنده نگه‌داشتن زیر قبه امام حسین علیه‌السلام بهتر و افضل است. پس در این حالت در احیاء آن شعائر که در مکتب ما خاص است به آن پناه می‌بریم. والله الموفق.

📖 چرا سوگواری بر امام حسین علیه‌السلام طولانی است؟ آیا آن دو ماه و هجده روز است یا از روز دهم تا دوازدهم است یا از اول محرم تا روز عاشورا می‌باشد؟

بسمه سبحانه: سزاوار است که عزاداری در ده روز اول محرم باشد، و اما ملتزم بودن به حزن و اندوه و سوگواری تا روز اربعین مستحب است. والله العالم.

📖 حکم گریه بر مصیبت امام حسین علیه‌السلام چیست؟

بسمه سبحانه: بر آن اجری فراوان و ثوابی زیاد است همچنانکه در روایات معتبره وارد شده است، و معصومین علیهم‌السلام نیز بر آن تشویق کرده‌اند. والله الموفق.

📖 برای چه بر امام حسین علیه السلام گریه می‌کنیم؟ آیا امام حسین علیه السلام الآن

نزد پروردگارش زنده نیست و روزی نمی‌خورد؟

بسمه سبحانه: در روایات از اهل بیت علیهم السلام وارد شده آنچه که از آن استفاده می‌شود گریه کردن بر امام حسین علیه السلام تشویق می‌کنند و اینکه کسی که بر حسین علیه السلام گریه کند بهشت بر او واجب می‌شود. علاوه بر آن گریه کردن بر امام حسین علیه السلام زنده نگه داشتن مسیر اهل بیت علیهم السلام است، بقاء اسلام به باقی ماندن قضیه حسینی علیه السلام است. علاوه بر آن فوائد فراوان علمی و نفسی بر گریه بر امام حسین علیه السلام است، و اضافه بر آن گریه کردن بر امام حسین علیه السلام تجدید بیعت با آن حضرت و رفتن در مسیر روشن آن بزرگوار و انکار کردن ظلم و ستم و استبداد و یاری کردن حق بر باطل است. والله الهادی.

📖 شیعیان زیادی ادعا می‌کنند که معصومین علیهم السلام در همه مجالس

عاشورا حاضر می‌شوند آیا این صحیح است؟

بسمه سبحانه: آن از بعضی از روایات استفاده می‌شود، و تو را نترساند افترا بستن بعضی‌ها به اینکه ممکن نیست یک شخص در یک زمان در مکان‌های متعددی باشد، برای اینکه آن اگر بخواهد حضور داشته باشد مقید به جسم مادی و عنصر طبیعی است، و اما اگر با وجود مجرد و برزخی باشد مقید به آن نیست و مانع‌های زمانی و مکانی نمی‌تواند از آن جلوگیری کنند. والله العالم.

📖 نظر حضرت عالی درباره خواندن اشعار در رثای امام حسین علیه السلام

وسط خواندن بعضی از دعاهای وارده مانند دعای ابو حمزه و دعای کمیل به حیثی که اختلال در دعا وارد می‌کنند چیست؟ یا اضافه کردن بعضی مطالب و گفتن داستان و اشعار و سپس دعا را کامل می‌کنند، و این اضافات به خاطر

تاثیرگذاری در شنوندگان است، آیا این عمل جائز است؟ آیا آن بهتر از خواندن دعاست؟ چنانکه وارد شده چیزی بر آن وارد نکند؟  
 و همچنین رای شریف شما در طریق احیاء شب‌های قدر چیست؟ مثلاً به التزام نبودن به آنچه که در کتاب‌های مخصوصه از اعمال احیاء داشتن و عوض خواستن از آن با اعمال دیگری یا اعمالی اضافی که وارد نشده است مانند نخواندن دعای جوشن و به جای آن خواندن دعای دیگری، آیا ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام که اخلال در اعمال مذکوره وارد می‌کند مستحب است یا اینکه بهتر است مستقلاً خوانده شود؟

بسمه سبحانه: ای فرزندم بدان متعهد بودن به روایات - برای کسی که متمکن به آن است و مزاحمت نداشتن آن با واجبات شرعی - افضل و بهتر است. اختیار کردن دعاهایی که از جانب معصومین علیهم السلام برای زمان‌ها و مکان‌های معین و مشخص وارد شده بدون اشکال افضل است، و اختیار کردن دعائی دیگر حرام نیست، اما ذکر مصیبت اهل بیت علیهم السلام نه به عنوان اینکه جزئی از دعای مروی است بلکه به خاطر اینکه در خواننده و شنونده ایجاد رقت و گریه کند اشکالی ندارد، در اینجا دو عمل هست یکی دعا است و دیگری گریه کردن بر مصیبت امام حسین علیه السلام. شکی نیست که گریه کردن بر سیدالشهداء علیه السلام در رقت کردن مردم نافع است و بر انسان گریه کردن از ترس خداوند را آسان می‌کند. والله العالم.

**📖** بعضی از مؤمنین برای زنده نگه داشتن مناسبات عزا بر اهل بیت علیهم السلام از طریق گردهم‌آئی در غم و اندوه، و هیئت‌ها اقدام می‌کنند، افرادی در مراسم بعضی قضایا را در عزا اضافه می‌کنند و بعضی دیگر اعتقاد دارند که او

علاقه‌ای به مصیبت ندارد و این محل اختلاف است، پس حکم به اضافه قضایائی که می‌آید چیست:

مراسم عزاء در مرگ مرجع یا عالمی، و عزاء به ذکر قضایای اسلامی مانند مصیبت‌هایی که بر شیعیان در عراق یا لبنان واقع می‌شود و اهتمام داشتن به احوال مسلمانان، و عزاء و ذکر رهبر یا مرجعی به بلند داشتن قدرشان و دعا کردن به حفظ آنها، و عزاء برای ذکر مقدسات اسلامی و آنچه که از درد و مصیبت به آن می‌رسد همچنانکه در نجف است، و عزاء و طلب و درخواست از خداوند بلا و گرفتاری برای ستمکاران و ظالمان و از بین رفتن آنها در این عصر مانند حکومت ستمگران یا حکومت صهیونیست که شیعیان اهل بیت را هدف قرار داده‌اند و دعا بر یاری شیعیان، با علم به اینکه همه این قضایا با قضایای امام مهدی علیه السلام و تعجیل به ظهور و یاری آن حضرت ارتباط دارد، و ذکر مواعظ در عزاء مانند دوری جستن از غیبت و تشویق نمودن بر صدقه و آنچه که شبیه آن است.

این از جمله گفتگوهائی است که بعضی‌ها آن را در مجالس عزاء خصوصاً در عزاء معصومین علیهم السلام ذکر می‌کنند آیا آن جائز است؟ حکم آن چیست؟

بسمه سبحانه: همه آنچه که در سؤال تو آمده اعمالی حسنه و نیک است و در آن دعوت‌های زیادی برای تمسک جستن به دین و اثرگذاری با اتفاقاتی که بین مسلمانان جاری است و آشکار کردن عاطفه‌ها با ستمدیدگان، و طبیعی است که آن مصداق عزاء بر اهل بیت علیهم السلام نیست و لکن برای آن دو خروجی شرعی است:

۱- اینکه این اعمال با ضمیمه عزاء بر اهل بیت علیهم السلام است همچنانکه خطباء برای دعا بر شیعیان اهل بیت علیهم السلام در عزاءها بر آن عادت کرده‌اند.

۲- اینکه آنچه بر شیعیان در عالم جاری می‌شود همانا به خاطر نسبت داشتن



آنها با اهل بیت علیهم السلام است پس مصیبت شیعه مصیبت اهل بیت علیهم السلام است. والله العالم.

📖 شخصی هست که از خدمت گذاران اهل بیت علیهم السلام بوده، در شادی‌ها و غم و اندوه آن بزرگواران تلاشی فراوان دارد، کسی است که بر واجبات روزانه خود و دیگر واجبات از روزه و غیر آن اهتمام می‌ورزد. دارای اخلاق حسنه است و لکن تنها مشکلی که دارد فیلم نگاه می‌کند و بارها آن را ترک کرده و باز ادامه داده است، هر وقت آن را نگاه می‌کند به شدت پشیمان می‌شود و لکن به سرعت به سوی آن بر می‌گردد به طوری که از ترک کردن آن عاجز است مگر اینکه موفق به ازدواج شود که او را از این حرام نگه دارد.

سؤال من این است که آیا برای این شخص گنهکار جائز است که خدمت گذار اهل بیت علیهم السلام باشد یا اینکه بر او حرام است و تا وقتی که مرتکب این گناه زشت می‌شود جائز نیست؟ آیا این شخص مستحق شفاعت اهل بیت علیهم السلام می‌شود؟ آیا واجباتش باطل است و مورد قبول واقع نمی‌شود؟ جواب سؤال را بدهید که خداوند به شما جزای خیر بدهد و شما را با محمد و آل محمد علیهم السلام محشور فرماید.

بسمه سبحانه: خداوند اجر کسی که عمل نیکوئی داشته باشد را ضایع نمی‌کند، و فرمود: ﴿مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ \* وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾<sup>۱</sup> پس هر کس هموزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند! و هر کس هموزن ذره‌ای کار بد کرده آن را می‌بیند!

و لکن قبولی اعمال نزد خداوند سبحان مشروط به داشتن تقوا است، خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾<sup>۱</sup> خدا، تنها از پرهیزگاران می‌پذیرد! در تفسیر آن می‌دانیم که بر سؤال کننده است که بر اداء واجبات و خدمت‌گذاری اهل بیت علیهم السلام استمرار داشته باشد، و باید نفسش را از هر حرامی باز دارد که آن جهاد اکبر است. اگر در تصمیم خودش صادق باشد و در آن کوشش و تلاش نماید به زودی خداوند او را یاری می‌کند، و بر اوست که از خداوند بر ترک آن یاری و کمک بطلبد و هر آنچه که انجام داده از خداوند طلب مغفرت نماید. والله العالم.

📖 مجلسی ماهانه به اسم امام حجت علیه السلام با مشارکت عده‌ای از زنان روستاهای اطراف در منطقه‌ای بر پا می‌شود، در آن مجلس عزای حسینی علیهم السلام و هر یک از چهارده معصوم علیهم السلام بر پا می‌شود ولی خالی از صحبت دربارهٔ صاحب الزمان علیه السلام است، امید جواب از حضرت آقا از این سؤالات فقهی دارم که:

۱- آیا مجالسی که مشترکاً فعالیت دارند و مبالغی را ماهانه از میان خودشان برای آن مجالس جمع‌آوری می‌کنند، آیا جائز است از آن مبالغ را در مراسمی دیگر خرج کنند؟

۲- بعضی از این مجالس مشترک است، گروهی از زنان با هم پیامک‌هایی را از طریق موبایل برای فعالیت مجالس‌شان و برپا کردن یک مجلس انجام می‌دهند، با علم به اینکه قیمت اشتراک آن مبلغی کم است که سالانه از سه دینار تجاوز نمی‌کند، که هر پیام گیرنده‌ای جداگانه بنابر اشتراکش در این

خدمت پرداخت می‌کند که این مبلغ به حساب شرکت مخابرات می‌رود نه برای خود مجلس ماتم.

سؤال این است: آیا جایز است مجلسی که این خدمت را انجام می‌دهد و در فعالیت با مجلس «الامام الحجة النسائی الموحد» مشترک است از این مجلس پیامی برای همه زنان بفرستد که هر بار مراسم فقط در همان مجلس برپا می‌شود، لکن مراسم همچنانکه که گفتم مشترک است به اینکه فعالیت هر بار یا در خود مجلس یاد شده یا در مجالسی دیگر برپا می‌شود و هزینه از همه گرفته می‌شود؟

۳- آیا بر صاحب مجلس جایز است قیمت خرید صندوق جمع‌آوری هدایا را از آن پول‌ها بپردازد، با اینکه می‌داند این صندوق به زودی ملک برای خود این مجلس می‌شود در حالی که پول‌ها برای مجلس «الامام الحجة النسائی الموحد» جمع‌آوری می‌شود، در حالی هر بار مجلس در آن اقامه می‌شود، و بر روی صندوق نوشته شده «محل جمع‌آوری برای مجلس الحجة النسائی الموحد» با علم به اینکه تمام عزاداری در مجلس مشترک است ولی پول‌های موجود در صندوق برای همان مجلس خاص می‌باشد.

۴- آیا بر صاحب مجلس جایز است که قیمت خرید اعلانات را از پول مشترک بپردازد، با علم به اینکه می‌داند این اعلانات ملک همان مجلس می‌شود چرا که هر بار بر دیوار همان مجلس آویخته می‌شود برای اعلان کردن از طرف مجلس «الحجة النسائی الموحد» مذکوری که - اعلانات برای آن مجلس گرفته شده - مشترک است در اقامه فعالیت این مجلس با بقیه مجالسی که اقامه عزا در آن برپا می‌شود یا در مجلسی دیگر؟

بسمه سبحانه: ۱- اگر مال صرف شده از باقی مانده وقفیاتی است که اختصاص به مجلسی معین داشته است جاز نیست که آن را در جهت غیر آن صرف کنند، اگر آن مال از همان مال جمع‌آوری شده باشد پس واجب است به آنچه که مال دهنده داده خرج شود. والله العالم.

۲- به جواب سابق رجوع کن. والله العالم.

۳- سزاوار است که وقف برای مردم توضیح داده شود به طوری که مال دهنده بداند که عاقبت مالی که می‌دهد و آن را در صندوق می‌اندازد چه می‌شود. والله الهادی.

۴- به جواب اول رجوع کن. والله الهادی.

📖 **مطلبی که هست این است که زنان برای حضور در مراسم عزاء از خانه‌ای به خانه‌ای دیگر و از خیابانی به خیابانی دیگر و احیاناً از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر برای زنده نگه‌داشتن ماه محرم و خواندن و بر سینه زدن می‌روند و در بعضی از خانه‌ها که حاضر می‌شوند مردها هستند که طبیعتاً صدا و حرکت آنها را می‌شنوند و می‌بینند. و هنگام با هم نشستن از چیزهایی که میان آنهاست گفتگو می‌کنند و بیشتر اوقات با هم شوخی می‌کنند، موهایشان را باز می‌کنند و بدون حجاب بر سر و سینه می‌زنند، و این عمل آنها در هر ماه محرمی تکرار می‌شود، حکم شرعی این حالت چیست؟**

بسمه سبحانه: سزاوار است اینکه دانسته شود زنده نگه‌داشتن یاد سیدالشهداء علیهم السلام و کسانی که با آن حضرت به شهادت رسیده‌اند و آنچه که به آل رسول صلی الله علیه و آله و شیعیان آن بزرگواران وارد شده از مردان و زنان امری مطلوب است. چنانکه ملتزم بودن به احکام شرعی و حجاب شرعی و چشم پوشیدن از آنچه که خداوند از نگاه کردن بر آن از زنان و مردان حرام کرده است مؤکداً

مطلوب است و ممکن نیست که یکی از دو امر را به حساب دیگری تضحیه کرد. بنابراین این اساس دختران مؤمن را توصیه می‌کنم که به حجاب التزام داشته باشند همچنانکه خداوند سبحان امر نموده است، و اینکه شرکت کردن آنها در عزای حسینی و برپا داشتن سائر شعائر با حفظ حجاب و محافظت بر سلوک شرعی باشد، از خداوند سبحان امید دارم که همه ما را به سوی مسیر حق هدایت بفرماید. والسلام.

📖 مراسم عزا برپا می‌داریم و بر خود سیلی می‌زنیم بدون اینکه خون بیاید، در عزا لباس‌هایمان را در می‌آوریم، آیا این عمل ما جائز است با اینکه هیئت ما در مسیری است که زنان عزاداران را که با این حالت هستند می‌بینند؟

بسمه سبحانه: بدان ای فرزندم زن با عفاف محببه‌ای که مقید به دین است بدون نیاز ضروری از خانه بیرون نمی‌رود. چنانکه بر مرد نگاه کردن بر نامحرم حرام است همچنین بر زن نیز نگاه کردن بر مرد نامحرم حرام است و حکم این است که زن از محل نگاه کردن بر بدن مرد نامحرم باید دوری کند. سزاوار است اینکه بدانی چنانکه بر زن نگاه کردن بر سینه لخت و بر پشت او بدون ضرورت شرعی حرام است، همچنین نگاه کردن بر صورت مرد نیز بر او حرام است. والله العالم.

📖 مطلبی که اینجا مطرح است این می‌باشد که جزع و حزن و اندوه امری فطری است که انسان آن را به وسیله اعمالی خودجوش که مصداق آن جزع و بی‌تابی است مصداق پیدا می‌کند، مقصود این است که امروز منظم می‌ایستند و بر سر و سینه می‌زنند، نظر حضرت‌عالی در این باره چیست؟ و

همچنین نظر حضرت عالی به اینکه بر صورت زدن یکی از وسائل باقی ماندن حماسه در دل‌ها برای باقی ماندن حرارت حسین علیه السلام در دل‌های مؤمنین است چیست به اضافه اینکه آن یکی از مصادیق جزع و بی‌تابی است؟

بسمه سبحانه: تا زمانی که بر صورت زدن موجب هلاک نشود یا عضوی از اعضای بدن را از کار نیندازد یا اینکه مکلف در مکانی باشد که اهل آنجا به خاطر جهل به عمق و مبدا قیام سیدالشهداء علیه السلام از اسلام تنفر پیدا می‌کنند، - مادامی که اینگونه نباشد - بلکه غرض مکلف از این اعمال جذب مردم به سوی مبدا حسین علیه السلام باشد و اظهار عاطفه با جریان امام علیه السلام و بیان کردن پستی دشمنانش، و در مقامی که گفته شد نباشد آن عملی مباح بلکه مورد پسند می‌باشد که بر انجام دهنده اش اجر و ثواب داده می‌شود و با خادمان امام حسین علیه السلام محشور می‌شود. والله العالم.

## هیئت‌ها و مجالس عزا

📖 با زیادی حمله‌های طائفه‌ای و بداخلاقی آنها آیا مصلحت می‌بینید که دوباره نقش هیئت‌های حسینی علیهم‌السلام را در این زمینه فعال کنیم؟  
بسمه سبحانه: دوری جستن از بر افروختن آتش طائفه‌ای، کوشش و تلاش در مهار هوا و هوس و تحریک کننده‌های فتنه واجب است چرا که از اینها خیری به احدی نمی‌رسد. والله العالم.

📖 آیا مناسب است که فعالیت هیئت‌های حسینی بر همان ظاهر مانند سر و صورت زدن و غذا دادن باشد یا بهتر این است که بر روشن‌گری‌های اجتماعی و مشارکت مردم در حل مشکلاتی که در توان آنهاست وارد شوند؟  
بسمه سبحانه: نظم بخشی بر هیئت‌ها امری مطلوب است، واجب است که از مقاصد سیاسی و غرض‌های پست دنیوی به دور باشد، همچنانکه اصلاحات سیاسی و روشن‌گری دینی و اخلاقی امری مطلوب است ولی نباید همه چیز به هم بریزد. والله العالم.

📖 چگونه ممکن که مسئولین هیئت‌ها و مردم را متوجه کنیم که غرض اساسی از شعائر زنده نگه داشتن دین و محافظت کردن بر حدود آن و حرام

بودن مخالفت شرعی و هر چیزی که مذهب آن را زشت می‌شمارد است؟  
 بسمه سبحانه: آن وظیفه سخنرانان است، چرا که آن تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر وارد می‌شود، پس هر کسی که امکان این را داشته باشد آن را انجام دهد واجب است که انجام دهد و از آن کوتاهی نکند. والله العالم.

📖 هیئت‌ها را به چه چیز نصیحت می‌کنید که بر آنها واجب شود در مراسم عزای اهل بیت علیهم السلام آن را رعایت کنند؟

بسمه سبحانه: شایسته است که هیئت‌ها و اجتماعاتی که به خاطر عزای اهل بیت علیهم السلام منعقد می‌شود شبیه به آن چیزی باشد که در نقش بنی هاشم و بیوت آل رسول صلی الله علیه و آله بعد از فاجعه کربلا منعقد شده است و تحت اشراف ائمه علیهم السلام باشد، جائز نیست که آن را وسیله‌ای برای کسب مال و جاهت یا علمی برای مسابقه‌های سیاسی قرار دهند. والله الموفق.

📖 بعضی از هیئت‌های حسینی در هنگام تعزیه با علم به اینکه بعضی از خیابان‌ها اصلی هستند و مسیر دیگری برای بیشتر اموری که اتفاق می‌افتد مانند انتقال مریض غیر آن نیست ایجاد مانع می‌کنند، آیا آن جائز است؟ حکم شرعی آن چیست؟ نظرتان را بفرمائید خداوند به شما جزای خیر دهد.

بسمه سبحانه: ای فرزندم شایسته و بلکه واجب است بدانی که پیش تو ارزش عزای حسین علیهم السلام از ارزش حرکت لشکر یا رد شدن مسئول بزرگی از خیابانی عمومی کمتر نباشد، گمان نمی‌کنم که تو از بسته شدن خیابانی برای حرکت لشکری یا مسئول بزرگی یا شخص سیاسی مهمی یا به خاطر اصلاح کردن خیابانی اشکال بگیری، لکن تو برای بسته شدن خیابان را به خاطر عزای



حسینی علیه السلام ایراد می‌گیری، آیا عزا بر حسین علیه السلام دائمی و همیشگی است؟ آیا انتقال مریض فقط منحصر به آن خیابان است؟ آیا امکان ندارد که از یک خیابان فرعی دیگر استفاده شود؟

ای فرزندم بدان توفیق یافتن بر اقامه عزا بر سیدالشهداء علیه السلام و شرکت کردن در آن از مهم‌ترین نعمت‌های الهی است که خداوند سبحان به وسیله آن بر ما منت گذاشته است، واجب است که آن را کم نشماریم تا از ما گرفته نشود چنانکه خداوند سبحان در سال‌های گذشته این کار را نسبت به ما کرد، و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم.

📖 آیا بیرون رفتن هیئت‌ها در مسیری که باعث ناراحتی برای دولت و سبب ازدحام می‌شود و مخل رفت و آمد طبیعی در شهر و مانع حالات انسانی می‌گردد حرام است؟

بسمه سبحانه: شایسته است که این‌گونه قضایا را به وسیله تفاهم با مسئولین مربوطه حل نمود چرا که به نحو احسن ملاحظه هیئت‌ها را کردن شرعاً مطلوب و مورد پسند است و همچنین مراعات مردم و حقوق آنها و پایبندی بر نظم و عدم ایجاد ناراحتی برای مردم نیز مطلوب است. والله الموفق و هو الهادی.

📖 برای چه آب را از قمه‌زنان منع می‌کنند، یعنی هرگاه هیئت قمه‌زنی عبور می‌کند بعضی از اشخاص به برداشتن ظرف‌های آب از جلوی قمه‌زنان اقدام می‌کنند؟

بسمه سبحانه: اگر این عمل بدون مجوز شرعی باشد کننده کار خودش را از اجری بزرگ محروم می‌سازد، چه بسا این عمل را به خاطر محذور شرعی انجام

می دهد که مانع آب می شود، و شاید مسأله نجس شدن ظرف است، ممکن است با وسعت مسیر آن هم حل شود، به تحقیق گفته می شود خدا ساقی آب را رحمت کند، که آن مضمون بعضی روایات است. امیرالمؤمنین علیه السلام مانع آب از لشکریان معاویه نشد چنانکه در قصه جنگ صفین آمده است. والله الهادی.

📖 در سال های اخیر خون دادن در روز عاشورا شایع شده است و بیشتر مؤمنین ادعا می کنند که آن از شعائر حسینی علیهم السلام است، آیا برای این گفته دلیلی هست؟ آیا خون دادن از شعائر حسینی شمرده می شود یا فقط یک عملی انسانی است؟

بسمه سبحانه: آن فقط عملی انسانی هست به شرط اینکه غرض خون دهنده یا کسی که تشویق به آن می کنند مردم را از شعائر حسینی علیهم السلام منع نکنند، که ما قمه زنی را مباح می دانیم. والله الهادی و هو العالم.

📖 آیا قمه زنی، زنجیر زنی و راه رفتن بر روی آتش و سینه خیز رفتن از شعائر حسینی علیهم السلام است و باعث وهن مذهب حق نمی شود، خصوصاً می بینیم که دشمنان مذهب به سبب این کارها مذهب شیعه را مذمت می کنند؟

بسمه سبحانه: مواردی که به آن اشاره کردی از شعائر بلکه از بزرگی و شکوه آن است، اگر بخواهی که دشمنان خدا و دشمنان رسولش و دشمنان اهل بیت را راضی کنی تا مادامی که در گلستان مذهب اهل بیت علیهم السلام هستی آنها راضی نمی شوند، آنها چنانکه آنچه را که ذکر کردی اعتراض می کنند، گریه بر اهل بیت علیهم السلام را نیز اعتراض می کنند، بر دوست داشتن تو اهل بیت علیهم السلام را نیز اعتراض می کنند، بر زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام نیز اعتراض می کنند، پس بر

توست که ملتزم به دین و به آنچه که از جانب اهل بیت علیهم السلام آمده داشته باشی. والله الهادی.

📖 نظر حضرت عالی برای مراسم و آدابی که ذکر خواهد شد،  
مراسماتی که آوازهٔ مذهب اهل بیت علیهم السلام را مشوه نشان می‌دهد چیست؟ مانند:

۱. قمه‌زنی؟

۲. تیغ بر پشت زدن به طوری که خون جاری می‌شود؟

۳. راه رفتن بر روی آتش؟

۴. قمه‌زنی زنان و اطفال؟

۵. سینه‌خیز رفتن بر روی زمین به خاطر زیارت امام حسین علیه السلام؟

۶. چیزی سنگین بر روی سینه گذاشتن به خاطر اینکه خون از بدن بیاید؟

بسمه سبحانه: در آنچه که ذکر کردی غیر آنچه که من می‌گویم نباشد اشکالی ندارد.

بدان کسی که اعمال یاد شده را می‌بیند اگر به خاطر کوچک شمردن یا شماتت نگاه می‌کند بر شخص عاقل سزاوار نیست که متهم به آن شود، پس اگر معتقد باشد که آن آوازهٔ مذهب را در نظر آنها - مانند مردم اروپا - مشوه می‌سازد، اگر در آنچه که این مردم به خاطر سرگرمی و تفریح و مباحثات کردن فقط انجام می‌دهند از کارهایی زشت است که انسان‌های پاک سرشت از آن مشتمز می‌شوند مانند فیلم‌های ترسناکی که میلیون‌ها و بلکه میلیاردها دلار صرف آنها می‌شود و بوکس، کشتی آزاد و انواع آن از بازی ... می‌دانی که اعتمادت بر مثل این‌گونه مردم که عقل سلیم آن را نمی‌پسندد، اما دربارهٔ قمه‌زنی اگر در مکانی نباشد که اهل آنجا نسبت به امام حسین علیه السلام و قیام آن حضرت نادان

هستند جائز است و اعتقاد داریم که قمه زدن در آن مکان باعث ایجاد تنفر از حسین علیهم السلام و قیام آن حضرت می شود. والله العالم و هو الهادی.

📖 آیا نصی بر روی آوردن مردم به سوی قبور اهل بیت علیهم السلام وجود دارد چنانکه بعضی از شیعیان انجام می دهند؟

بسمه سبحانه: این عمل به خاطر شدت دوستی است، شاید قسمتی از آن باشد که بعضی از افراد به خاطر آن بر شیعیان ایراد بگیرند به خاطر اینکه شیعه را از شعائر حسینی علیهم السلام منع کنند، پس اگر در اینجا محذور شرعی نباشد اشکالی ندارد. والله العالم.

📖 آیا رفتن در مسیر عزا با پای برهنه خصوصاً در روز عاشورا سنت است چنانکه بعضی ها می گویند، دلیل آن چیست؟

بسمه سبحانه: اگر راه رفتن همانطور باشد که در سؤال آمده که در عرف متداول است و در منطقه ای از مظاهر احترام به عزا و احترام به اصحاب عزا سیدالشهداء علیهم السلام شمرده می شود، پس شکی نیست که آن رجحان شرعی دارد و از لحاظ شرع امری مورد پسند است. اما اینکه از دلیل سؤال کردی ای فرزندم بدان اگر مجتهد هستی بحث از دلیل کن و سپس به مقتضای آن عمل نما، و اگر اهلیت آن را نداری پس به چه مجوزی از آن سؤال کردی؟ آیا به خودت اجازه می دهی از طیبی حاذق به خاطر نسخه ای که داده سؤال کنی این دوائی که داده ای آیا مختص به این مریضی هست یا نه؟ والله العالم و هو الهادی.

📖 از حضرت عالی امید دارم بیان شرعی و جواز عزای طویرج را که معمول است در روز دهم محرم برپا می دارند بیان بفرمائید، نظر حضرت عالی

در بر پا داشتن مسیر عزا که با دویدن است که به عزای طویریج نامیده می‌شود که نسبت به منطقه طویریج در نزدیکی کربلای مقدسه دارد که هروله کنان و دویدن و بر سر زنان می‌روند و می‌خوانند: (یا حسین)، (ابدو الله ما نسی حسیناه) ... و در مسیر نیز پابرهنه هستند چیست؟

بسمه سبحانه: این مسیر چه در کربلا باشد چنانکه در منطقه طویریج معمول است یا در مکانی دیگر که اگر مقصود از آن زنده کردن یاد سیدالشهداء علیه السلام و اظهار مظلومیت آن بزرگوار و افتضاح کردن دشمنان گذشته و الآن باشد شکی نیست که آن از شعائر دینی است، و کسی که در این معنی شک کند اگر مجتهد باشد پس اجتهاد کرده است، و اگر اهلیت اجتهاد ندارد بر اوست بر آن چیزی که در شأن او نیست وارد نشود. والله الهادی و هو العالم.

📖 نظر حضرت آقا شیخ بشیر نجفی حفظه الله نسبت به گفته یکی از معممین که گفته است دویدن طویریجی‌ها بدعت است چیست؟

بسمه سبحانه: درباره این حمله کننده بر شعائر حسین علیه السلام بیانیه‌ای صادر کرده‌ایم، در آنجا گفته‌ایم آنچه که این شخص گفته بوی دشمنی و عدوات به اهل بیت علیهم السلام از آن می‌آید، و در پشت پرده این جسارت دست دشمنان اهل بیت علیهم السلام است. والله العالم.

📖 در ایام عزای حسینی علیه السلام هیئت‌های ما در بحرین به خیابان‌ها و کوچه‌ها می‌آیند و هنگام برگشتن هیئت به حسینیه خادمان ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام همه سجاده‌های موجود در حسینیه را برای ورود عزاداران جمع می‌کنند تا آنها با کفش وارد حسینیه شوند و در داخل حسینیه بمانند،

حضرت عالی دربارهٔ با کفش وارد شدن بر حسینیه و آنچه که مشابه آن است در داخل حسینیه اقدام می‌کنند چیست؟ همیشه در خدمت صاحب الزمان (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) باشید.

بسمه سبحانه: این کار اگر در عرف متداول و رایج آنجا هتک حرمت حسینیه شمرده نشود اشکالی ندارد. والله العالم.

## وارد کردن قضایای سیاسی در هیئت‌های عزا

📖 آیا در مراسم عاشورا در شهر شیعی صحیح است که برای حزب معینی رای جمع‌آوری شود یا حزب سیاسی دینی خاصی ترویج شود؟  
بسمه سبحانه: واجب است که هیئت‌های حسینی علیهم‌السلام و همچنین مجالس عزا از همه آنچه که بیان کردی منزّه و به دور باشد. والله العالم.

📖 نظر حضرت عالی درباره مطرح کردن قضایای سیاسی در هیئت‌های عزا چیست؟ که آن قضایای سیاسی از سیره اهل بیت علیهم‌السلام گرفته شده است، خصوصاً قضایایی که به اسلام می‌رسد مانند بی‌ادبی کردن نسبت به حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و هجوم بر مقدس اسلامی و قضیه قدس و عراق، و محاربه کردن با اسلام و مسلمین در هر مکان، خصوصاً در هیئت‌ها که هزاران نفر در آن شرکت می‌کنند و افراد زیادی گوش فرا می‌دهند؟

بسمه سبحانه: واجب است که قضایای حسینی علیهم‌السلام را از مقاصد دنیوی و سیاسی و غیر آن به دور کنند، چنانکه واجب است این هیئت‌ها و شعائر و شعارهایی که گفته می‌شود درباره دعوت کردن مردم به مبدا و آغاز قیام حسینی علیهم‌السلام باشد که آن ملتزم بودن به دین و تقوای الهی است. والله العالم.

📖 آیا در خلال خواندن قصیده در هیئت‌های حسینی علیهم‌السلام وارد کردن

مسائل سیاسی بر آن جائز است؟ حکم وارد کردن سیاست در هیئت‌های حسینی علیه السلام چیست؟

بسمه سبحانه: واجب است که هیئت‌های حسینی علیه السلام از مقاصد مادی و سیاسی منزه کنند چرا که امام حسین علیه السلام پلی برای رسیدن ما به خواسته‌های نفسانی مان نیست. والله العالم.

📖 آیا مطرح کردن اتفاقات معاصر - سیاسی، اجتماعی و فرهنگی - جائز است؟ یعنی آنچه که در فضای امروزی ما به وسیلهٔ اموری با ارزش در عزای ابی عبدالله الحسین علیه السلام مصطلح می‌شود مانند ربط دادن بین حادثهٔ کربلا و اتفاقات معاصر را به هم، و نیز مانند تعزیت گفتن به صاحب الزمان به خاطر مصیبت‌های اتفاق افتاده در حال حاضر و الهام گرفتن عبرت از کربلای امام حسین علیه السلام؟

بسمه سبحانه: الهام گرفتن عبرت از قضایای امام حسین علیه السلام جائز است و لکن وارد کردن امور سیاسی در قضایای امام حسین علیه السلام جائز نیست. والله العالم.



## سینه‌زنی و زنجیرزنی

📖 آیا خونی که در اثنای عزاداری بیرون می‌آید جائز است یا نه؟  
بسمه سبحانه: اشکالی ندارد تا زمانی که ترس از مرگ یا از بین رفتن عضوی از اعضا نباشد. والله العالم.

📖 حکم سینه‌زدن به حدی که سینه سرخ یا سیاه شود چیست؟ حکم کسی که بر پشتش در ایام محرم زنجیر می‌زند به طوری که پشتش برای عزای بر امام حسین علیه السلام خونین می‌شود چیست؟ حکم بیرون رفتن هیئت‌ها در خیابان‌ها برای زنده نگه‌داشتن یاد فاجعه کربلا چیست؟

بسمه سبحانه: اگر غرض از آن زنده نگه‌داشتن یاد دردناک و جانسوز کربلاست و به خاطر این است که شعله‌های برافروخته عواطف در دل‌ها باقی بماند، مظلومان را به جوش و خروش بیاورد، تخت‌های ستمکاران را بلرزاند و آنها را از شمشیر عدالت بترساند که آن عملی مطلوب، مرغوب، محبوب و شرعی است. سزاوار است که از آن در اماکنی که اهل آنها به مبدا و عمق قیام امام حسین علیه السلام علم ندارند و به خاطر دیدن آن حرکات از اسلام و تشیع متنفر می‌شوند اجتناب شود. والله العالم.

📖 آیا سینه‌زنی در عزای سیدالشهداء ابی عبدالله الحسین علیه السلام بالخصوص

در دههٔ محرم الحرام جائز است؟ بر غیر مصیبت امام علیه السلام مانند به خاطر امری از امور سیاسی یا ذکر رموز سیاسی و رهبری گروه اسلامی، آیا مانند اینگونه امور نیز سینه‌زنی جائز است؟

بسمه سبحانه: اما از حیث حکم شرعی فتوایی به حرمت سینه زدن بر هر مصیبتی داده نشده است مادامی که باعث تلف شدن یا از بین رفتن عضوی از اعضا نشود. لکن سزاوار است بدانیم که جائز نیست قضایای امام حسین علیه السلام را وسیله‌ای برای آرزوهای مالی و سیاسی قرار دهیم؛ همچنانکه سزاوار است بین آداب و رسوم مذهبی و بین مقاصد سیاسی را مخلوط نکنیم. والله العالم.

## قمه زنی

📖 حکم قمه زنی چیست؟ آیا قمه زنی از مظاهر جزع و بی تابی بر  
ابی عبدالله علیه السلام به شمار می آید؟

بسمه سبحانه: اگر مکلف بداند که قمه زدن باعث هلاکت او یا از بین رفتن  
عضوی از اعضایش شود یا در مکان و زمانی باشد که اهل آنجا به خاطر جهل و  
نادانی به عمق و مبدا قیام سیدالشهداء علیه السلام از مشاهده قمه زنی از اسلام تنفر پیدا  
می کنند، در آن موقع قمه زنی جائز نیست و اگر مکلف به قصد توجه مردم به مبدا  
قیام امام حسین علیه السلام و اظهار کردن اینکه عواطف مردم با قضایای امام حسین علیه السلام  
مرتبط شود و کشف از قلبی بودن دشمنانش می کند و در آن مکانی که به آن  
اشاره کردیم نباشد عملی مباح بلکه مورد پسند است و بر انجام دهنده آن اجر و  
ثواب می رسد و جزء خادمان سیدالشهداء علیه السلام محشور می شود. والله العالم.

📖 رای شریف حضرت عالی به فتوای رئیس الفقهاء عظام و استاد  
مراجع شیخ نائینی رحمته الله به خصوص شعائر حسینی علیهم السلام چیست؟ برای ما فتوا بده  
که خداوند اجرت دهد.

بسمه سبحانه: نمی دانم کدام یک از فتوای استاد بزرگ نائینی رحمته الله است برای او  
دو فتوا است فتوای اولی درباره حکم نزدن قمه است، و فتوای دوم درباره جوائز

بودن قمه‌زنی است، که نسخهٔ اولی معتبر است، و من که خادم حوزهٔ علمیه هستم قمه‌زنی را مباح می‌دانم بلکه آن معتبر است و به خاطر سه شرط رجحان دارد که عبارتند از:

۱. برای تو اطمینان نباشد که به زودی باعث هلاک و مرگ یا از کار افتادن عضوی از اعضای بدنت شود.

۲. اینکه در زمان و مکانی نباشد که اهل آنجا به مبدا و عمق قربانگاه امام حسین علیهم السلام جاهل باشند و به خاطر قمه‌زنی از اسلام و مبدا امام حسین علیهم السلام تنفر پیدا کنند.

۳. اینکه در آن نیت مفتضح کردن دشمنان اهل بیت علیهم السلام و اظهار مظلومیت سیدالشهداء علیهم السلام باشد. والله العالم.

📖 نقل شده است که سید ابوالقاسم موسوی خوئی رحمته الله دربارهٔ قمه‌زنی گفته است: «قمه‌زنی حرام است چون در مرتکب شدن آن شرعاً به حق خود یا دیگری ضرر رسانی است و اینکه سبب می‌شود که به مذهب اهل بیت علیهم السلام بی‌ادبی و توهین کنند» آیا این نسبت دادن رای به آقای خوئی درست است؟

بسمه سبحانه: این گفتار از ایشان اثبات نشده است، و نقل صحیح از او - که رضوان الهی بر او باد - نشده است، اگر هم ثابت شود که از اوست پس آن با آنچه که ما ملتزم به آن هستیم در ضمن شروطی که بیان شد منافات ندارد.

📖 آیا اهل بیت علیهم السلام به قمه‌زنی بر امام حسین علیهم السلام می‌پرداختند؟

بسمه سبحانه: در جواز عملی یا احراز رجحان داشتن آن شرعاً مشروط بر این نیست که ثابت شود که معصومین علیهم السلام به آن عمل می‌پرداختند، ای فرزندم آیا برای اظهار حزن و فرح غیر محرم لباس‌ها و عاداتی که به آن می‌پردازیم آیا

معصومین علیهم السلام نیز این چنین بودند، سپس اینکه ای فرزندم اگر اهل استنباط و اجتهاد هستی پس این شرف و بزرگی بر تو گوارا باد و دیگر هیچ نیازی نداری که از دیگری از دلیل و روایت سؤال کنی، و اگر هم اهل استنباط و اجتهاد نیستی بر توست که به کسی که از او تقلید می کنی رجوع کنی و بعد از محرز شدن تقلید صحیح به فتوایش ملتزم باشی. والله الهادی.

📖 این سالها بعضی از جوانان در بحرین در هیئت قمه زنی در یاد شهادت امام علیه السلام بیرون می آیند، آیا قمه زنی در ماه مبارک رمضان جائز است، یا اینکه جواز قمه زنی فقط در ماه محرم است؟  
بسمه سبحانه: اگر قمه زنی جائز باشد بین ماه محرم و دیگر ماهها فرقی کند. والله الهادی.

📖 آیا کسی که در نتیجه قمه زنی می میرد خودکشی شمرده می شود؟  
بسمه سبحانه: هرگاه ضمن شروط معتبره ای که برای اباحه قمه زنی باشد خودکشی محسوب نمی شود.

📖 آیا زخمی کردن جسم مانند سر و سینه و پشت در ایام محرم از روی ریا حرام است؟

بسمه سبحانه: قمه زنی اگر به دور از خطر بر زندگی یا از کار افتادن عضوی از اعضای بدن باشد و باعث نشود که عموم مردم منطقه از مبدا قیام امام حسین علیه السلام تنفر پیدا کنند اشکالی ندارد، و لکن ریاکار را باید نصیحت کرد تا ریا را ترک کند تا مبدا اجر و ثواب را از بین ببرد. والله العالم.

📖 اغلب مراجع در عراق شعائر حسینی علیه السلام را حرام نمی دانند آنچنانکه

در جمهوری اسلامی آن را حرام می‌دانند یا مقیدش می‌کنند مانند قمه‌زنی یا آنچه که مشابهت به آن دارد علت آن چیست؟

بسمه سبحانه: به من نرسیده که یکی از علما مبرز شعائر حسینی علیه السلام را حرام کنند، اما مسأله قمه‌زنی و زنجیرزنی را بعضی از بزرگان اجلاء جوانب اجتماعی و تبلیغی را ملاحظه می‌کنند پس بعضی از قیودی که سزاوار است با دیده اعتبار اخذ شود را اضافه می‌کنند، نظر ما هم این است که این شعائر که در آن قمه‌زنی و زنجیرزنی است اگر باعث قتل نفس شود یا عضوی از اعضای بدن از بین برود یا اینکه اهل شهری به قضایای امام حسین علیه السلام جاهل و نادان باشند و این عمل باعث نفرت آنها از اسلام گردد پس در این دو صورت اجتناب کردن از آن واجب می‌شود، در غیر این دو صورت هرگاه مکلف توسل به این شعائر پیدا کند تا مظلومیت اهل بیت علیهم السلام ثابت بماند و جنایت‌های دشمنان آنها بیان شود، این عمل عملی مطلوب و مرغوب و شرعی است.

پس بر توست که با دقت متوجه این معانی بشوی تا مبدا احدی خیال کند که در اینجا میان آراء و نظرات بزرگان از علمای فرقه حقه تضارب آراست. والله العالم و هو المسدد للصواب.

📖 بعضی از اشخاص می‌گویند که یک روایت صریحی در استحباب قمه‌زنی و شرعی بودن آن پیدا نکرده‌اند، ادله‌ای که مؤید قمه‌زنی باشد وجود ندارد، بلکه آن الهام گرفته شده از بعضی‌ها است، پس آیا قمه‌زنی جائز است؟ بسمه سبحانه: ای فرزندانم اگر اهل استنباط و اجتهاد باشی پس این شرف و بزرگی بر تو گوارا باد، پس در این هنگام برای چه از روایت و دلیل سؤال می‌کنی؟! اگر اهل استنباط و اجتهاد نیستی پس ای فرزندانم بر توست که متعهد به فتوای کسی که بعد از احراز تقلید صحیح، از او تقلید می‌کنی باشی. والله الهادی.

📖 آیا قمه زنی برای امام حسین علیه السلام جایز است یا نه؟ اگر جایز است پس چرا اغلب علما یا مردان دینی را نمی بینیم که قمه بزنند؟ علاوه بر آن فائده قمه زنی برای اسلام چیست با توجه به اینکه - چنانکه می دانید - اذیت نفس و جان هست؟ نظرتان را بفرمائید که خداوند بر شما رحمت کند.

بسمه سبحانه: احدی از علما نگفته است که قمه زنی واجب است، بلکه مباح می دانند و فتوا به رجحان آن داده اند، پس بر تو و دیگران واجب نیست که اقدام به آن کنید، واضح است که هرکسی هم امکان این را ندارد که هر امر مستحبی را اداء کند، اینکه می گوئی در قمه زنی اذیت برای نفس است اگر قصد تو از آن بیان دلیل برای حکم آن است که اگر مجتهد هستی پس اجتهادت بر تو گوارا باد، و اگر مجتهد نیستی بر تو جایز نیست وارد در چیزی شوی که اختصاص به تو ندارد، و کدام یک از علما فتوا داده که اذیت کردن جسم مطلقاً حرام است؟ والله الهادی.

📖 هر سال از مقابله کنندگان با شعائر حسینی علیهم السلام گفته های عجیبی می شنویم که عجیب تر از سال قبل از آن است، یکی از آنها شخص معممی بحرینی است که به مراجع تقلید حمله کرده است، و طبعاً این روش دائمی آنهاست چرا که مالک گفته های خود نیستند، لکن آن چیزی که عجیب تر است این است که در خلال گفته هایش در تخطئه مراجع تقلید درباره صادر کردن فتوا به جایز بودن قمه زنی گفته است:

اما وجوب دیه بر شکافنده سر دیگری محل اجماع بین فقهاء است که کسی از آنها استثناء قائل نشده است - حتی آنها که فتوا به مشروعیت قمه زنی کرده اند در کتاب دیات خودشان آن را نوشته اند - که اگر کسی اقدام

به شکافتن سر یکی از مردم بکند جائز است و دیه از او ساقط می‌شود، و این ادله‌ای صریح بر اشتباه آنها در جائز دانستن قمه‌زنی است.

و همچنین گفت: کسی که اقدام به شکافتن سر دیگری می‌کند باید او را ملزم به دادن دیه کرد و ذمه او به صرف کسی که سرش شکافته شده راضی باشد بری نمی‌شود.

سرور بزرگوار نظر حضرت عالی در این گفته چیست، و به صرف نظر از آنکه هر طلبه‌ای درس کمی خوانده و بهره مختصری از علم دارد آیا توانائی این را دارد که آن را رد کند، لکن از حضرت عالی امید دارم که نظرتان را به شکلی مفصل بیان فرمائید که خداوند شما را در دفاع از شعائر حسینی علیهم السلام موفق بدارد.

بسمه سبحانه: آنچه که در گفته مذکور آمده سخنان بی سر و ته نیست مانند اینکه این گفته با آن منطبق می‌شود که: «چیزی را نگه‌داشتی و چیزهایی از تو پنهان ماند».<sup>۱</sup> والله الهادی.

📖 در این سرزمین اسلامی و در ایام عزای حسینی علیهم السلام بعضی از مهاجرین اقدام به قمه‌زنی بنا بر نحو متعارف در بعضی دیگر از سرزمین‌های اسلامی می‌کنند - یعنی زنجیر تیغ دار - و مخفی نماند که تعداد آنها نسبت به پیروان اهل بیت علیهم السلام در این شهر بیش از پنج درصد می‌شود، ولی با تأسف این عمل باعث می‌شود که فتنه‌ها تحریک شوند و سؤالاتی در اطراف عقلی بودن مذهب ایجاد شود، و متهم به تشبه به هندوها و غیر آن شوند که از تقید

۱. یکی از امثال گرفته شده از ابیات ابی‌نواس است:

فقل لمن يدعى في العلم فلسفةً حفظت شيئاً، و غابت عنك أشياء

به دیوان ابونواس، ص ۷ و تکلمة الفهرست ابن ندیم، ص ۲، ط مصر ۱۳۴۸ هـ نگاه شود.



به دور هستند، اعتقاد داریم آنچه که شاهد آن هستیم و در اجتماع ما بر پا می‌شود اگر این‌گونه که هست استمرار داشته باشد باعث می‌گردد که صورت مذهب اهل بیت علیهم‌السلام مشوه شود و آثار فرهنگی آن کم گردد و به تبع آن منجر شود که عمل تبلیغی اسلام در این سرزمین قرن‌ها به تعویق بیفتد یا تضعیف شود، از حضرت عالی استدعا داریم که نظرتان را در این باره بفرمائید و ما را به بهترین راه ارشاد فرمائید، که خداوند اجر و ثواب به شما عنایت فرماید.

بسمه سبحانه: آنچه که از مشوه کردن و زشت شمردن در کلمات دشمنان اسلام و تشیع می‌بینی از قبیل اشک تمساح است، آیا اینها مسابقهٔ بوکس و کشتی آزاد را زشت می‌شمارند، با اینکه این دو را از مسابقات مجاز جهان به حساب می‌آورند و همچنین فیلم‌های ترسناکی که میلیون‌ها دلار خرج آن می‌کنند و میلیون‌ها نفر آن را می‌بینند با توجه به اینکه نتیجهٔ خوبی برای این مسابقات و تماشاگران به دست نمی‌آید.

سزاوار است هر مکلفی در عملش رجوع به تقلیدش بعد از احراز تقلید صحیح در روشنائی احکام شرعی بکند، و امر به معروف و نهی از منکر کسی که ولایت فقیه را در مثل این امور می‌بیند حکمش بر او و بر مقلدینش نافذ است، واجب می‌شود که اختلافات را با دوری و عاقبت‌اندیشی و تفاهم معالجه کنند، بر مقلد جائز نیست - بر کسی که از قمه‌زنی منع می‌کند - اینکه منع کند یا معارضه و یا محاربه با مقلدین کسی که قمه‌زنی را جائز می‌داند بکند، شأن قمه‌زنی در آن مانند شأن باقی مسائل شرعی است. والله الهادی.

📖 در زمان‌های اخیر و با گفته‌هایی قوی منتشر می‌شود که قمه‌زنی چهرهٔ مذهب را زشت نشان می‌دهد، و این عصر زمان قمه‌زنی نیست، نظر حضرت عالی دربارهٔ این گفتار آنها چیست؟

بسمه سبحانه: ای فرزندم بدان به امثالی که اشاره کردی مانند این است در تاریکی دریا زندگی می‌کند و نمی‌بیند یعنی از کسی که ادعای تمدن و فرهنگ می‌کنند در مسابقه‌ای که متضمن ستمکاری و بی‌رحمی است مانند بوکس بازی و فیلم‌های ترسناک به حیثی که میلیاردها دلار در ساخت و پخش آن خرج می‌کنند، آیا این طور نیست که بعضی از جاهلان گذاشتن پیشانی‌ات را بر زمین و بلند کردن قسمت دیگری از بدن را در اثناء سجده برای نماز زشت می‌شمرند، پس اگر بناء را بر این بگذاریم که کاری را انجام دهیم که دشمنان خدا و دشمنان رسولش و دشمنان دینش راضی شوند پس بدان به اینکه خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ﴾<sup>۱</sup> هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، (تا به طور کامل، تسلیم خواسته‌های آنها شوی، و) از آیین (تحریف یافته) آنان، پیروی کنی. بلکه ما قمه‌زنی را در ضمن حدود و شرائطی معین مباح می‌دانیم. والله الهادی.

📖 یکی از خطباء در کویت در بالای منبر حسینی علیهم السلام بر قمه‌زنی و مراجعی که به جواز آن فتوا داده‌اند حمله کرد و گفت: بعضی‌ها بر شما می‌گویند که فلانی قمه‌زنی را جائز می‌داند، من می‌گویم: «اجتهاد فلانی را ثابت کن». حضرت آقا این شخص ادعای اجتهاد می‌کند و الآن مدعی است که خودش مرجع است، سؤال این است: نظر حضرت‌عالی درباره‌ی گفته‌ی او چیست؟ و آیا با توجه به گفته‌اش که بر مراجع حمله می‌کند از عدالت ساقط می‌شود؟

بسمه سبحانه: اگر شخص واقعاً مجتهد باشد پس اجتهادش بر او گوارا باد،

شک کردن در اجتهاد همه علماء و مراجع موجود و آنهایی که از دنیا رفته‌اند که رحمت الهی بر آنها باد، - مثل مرحوم نائینی رحمته الله و کسانی را که تربیت نمود - مانند شک کردن در وجود خورشید و آن هم در وسط روز می‌باشد، بعضی از مثال‌های آن مانند این است که در واقعه کربلا شک کنی و در جریان واقعه غدیر شک کنی، پس در سختی‌ها و مشکلات به سوی خدا شکایت می‌کنیم و از او یاری می‌جوئیم. والله الهادی.

📖 آیا خون دادن برای ثواب امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام جائز است؟ آیا آن از قمه‌زنی بهتر است یا جمع بین آن دو؟  
بسمه سبحانه: هرگاه در اینجا شخص مومنی باشد که نیاز به خون داشته باشد و خون دهنده‌ای پیدا نشود در این هنگام فقط خون دادن بر قمه‌زنی مقدم می‌شود. والله العالم.

📖 بعضی‌ها مسأله خون دادن به خصوص در روز عاشورا را در قبال قمه‌زنی مطرح می‌کنند، سؤال این است خون دادن جزء شعائر به شمار می‌رود؟ آیا امکان این را دارد که خون دادن عوض از قمه‌زنی باشد؟  
بسمه سبحانه: خون دادن عوض از قمه‌زنی در مفهوم و نتیجه نمی‌باشد، بله خون دادن برای حیات بخشیدن مؤمنی واجب کفائی بر دیگر مؤمنین در هر مکان و زمانی است و باعث نمی‌شود که خون دادن معارض با قمه‌زنی باشد که حدود این شعائر از شعائر الله است.

ای فرزندم بدان اینها عقیده‌شان به تشیع و مبادی - با اسباب زیادی - ضعیف است، و چیزی را گرفته‌اند که نسبت به آن شعور ندارند که از آن بیرون بیایند، بعضی‌ها در شیعه بودنشان احساس کمبود می‌کنند، و اگر در رفتار حال و گذشته

آنها تاملی کنی انحرافات زیادی را می بینی که از آنها صادر می شود که روح عقیده را سلب می کند، برای همین با علماء رو به رو نمی شوند بلکه به ایجاد فتنه در مجالس عمومی می پردازند، بعضی از آنها اجتهاد مورد ادعایشان را مقابل مردم مطرح می کنند، و بعضی ها هم نیز به مانند این گونه تصرفات به دشمنان شیعه تقرب می جویند، و بعضی ها هم به مثل مطرح کردن این گونه مطالب دنبال شهرت طلبی هستند.

اگر در نزد اینها مطالب علمی بود به نزد علما می آمدند و با آنها به بحث و مناظره می پرداختند، مردم را رها می کردند که به فتوای مجتهدشان عمل کنند، علمای بزرگوار ما معروف در انکار لذت ها هستند و اعتراف به خطایشان می کنند و خضوع واقعی دارند، من شخصی را می شناسم که می گفت: «هر کس خطای علمی مرا بیان کند و ارشاد نماید زیارت معصومی از معصومین علیهم السلام برای او در ذمه من است». خداوند سبحان می فرماید: ﴿فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾<sup>۱</sup> آنچه را مأموریت داری، آشکارا بیان کن! و از مشرکان روی گردان (و به آنها اعتنا نکن!) والله الهادی.

📖 در یکی از مناطق بحرین هیئت قمه زنی بیرون می آید و گروهی دیگر از شیعیان با آهن و چوب و سنگ به بهانه امر به معروف و نهی از منکر به آن هیئت حمله می کنند که این عمل در آن منطقه باعث فتنه شده است، آیا بیرون آمدن هیئت قمه زنی از مصادیق منکر است؟ و بنابر فرض اینکه از مصادیق منکر باشد آیا حمله کردن بر آنها جائز است؟ آیا بر علمای منطقه واجب شرعی است که حمله کنندگان بر هیئت های قمه زنی را باز دارند؟

بسمه سبحانه: واجب است که این گونه اتفاقات را به وسیله تفاهم و اندیشه و

تامل و ملاحظه احساس و حقوق و آراء درمان کنند، هرگاه کسی که اقدام به قمه زنی می کند از کسی تقلید می کند که آن را جائز می داند بر کسی که مرجع تقلیدش آن را جائز نمی داند با آنها معارضه کند، بر بزرگان منطقه هست که این گونه از مواضع را با حکمت و اندیشه درمان کنند. اما اصل قمه زنی را به شرائطی معین مباح می دانیم. والله العالم.

### 📖 حکم کسی که به قمه زنی اطفال اقدام می کند چیست؟

بسمه سبحانه: هرگاه پدر و مادر طفل برای طفل مصلحت ببینند مانند عادت کردن بر تحمل سختی و مشقت در راه زنده کردن یاد دردناک دائمی کربلا؛ اینکه در آن شروط معتبره برای مباح بودن قمه زنی تخلف نکند اشکالی ندارد. والله العالم.

📖 آیا بر پدر که ولایت بر بچه صغیر دارد می تواند سر طفلش را در روز عاشورا قمه بزند؟ جد بچه صغیر چگونه؟

بسمه سبحانه: هرگاه پدر و مادر طفل برای طفل مصلحت ببینند مانند عادت دادن بر تحمل سختی و مشقت در راه زنده کردن یاد دردناک دائمی کربلا، قمه زنی جائز است و لکن با شروطی که در فتواهای خود آن را بیان کردیم. والله العالم.

📖 بعضی از زنان سر بچه هایشان را که سن شان بین یک تا دو سال هست برای تسلی با ابا عبدالله الحسین علیه السلام قمه می زنند آیا این عمل آنها جائز است؟

بسمه سبحانه: هرگاه به خاطر تمرین دادن طفل و عادت دادن او بر تحمل اذیت در مسیر اهل بیت علیهم السلام باشد و از جهت دیگری برای طفل ضرر نداشته

باشد اشکالی ندارد چنانکه افراد صالح انجام می‌دادند امتثال به امر خداوند سبحان در تنبیه کردن طفل بر نماز و تمرین دادن آنها بر روزه. والله العالم.

📖 به زودی برای حضرت عالی وقائعی را ذکر می‌کنم که به سبب قمه زدن ضرر بر اسلام و مذهب اثبات شده است:

۱- در فلوریدا تلویزیون امریکا برنامه‌ای را از شیعیان به نام «حکومت ستمگرانه شیعی» پخش کرد، در این فیلم ادعا شده بود که شیعیان خون‌ریز هستند و در پی کشتن دشمنان می‌باشند، هنگامی که به دشمنی دست نمی‌یابند خودشان را با شمشیر می‌زنند تا با ریختن خون از سرشان بهره ببرند، سپس تلویزیون قسمت‌هایی از هیئت‌های قمه‌زنی را نشان می‌دهند. بنابر شاهدهی که آن را نقل می‌کرد.

۲- نقل می‌کنند که در بعضی از درس‌های دانشگاه کلام از مذهب شیعی است به خاطر اینکه موادی از درس تعلق به ادیان و مذاهب دارد و توصیف می‌کنند که شیعه ستمگر است چرا که وقتی دشمنی نمی‌یابند که او را بزنند با شمشیر به سرهای خودشان می‌زنند.

۳- در بعضی از دانشگاه‌های بیگانه فیلم‌هایی از هیئت‌های قمه‌زنی پخش می‌کنند و در این هنگام ترس و وحشت بین دانشجویان ایجاد می‌شود و از شیعیان به شکلی خاص و از اسلام به طور عموم تنفر پیدا می‌کنند.

۴- در ده روزهٔ محرم شبکه‌های ماهواره‌ای غربی و فرانسوی و شبکهٔ «سی ان ان» تلاش می‌کنند که به طور جد صورت اسلام و شیعه را در عالم خصوصاً در این مدت زشت جلوه دهند، به حیثی که تلاش و کوشش می‌کنند صحنه‌های نفرت‌انگیز و مشمئزکننده نزد عامهٔ مردم را نشان دهند و

صحنه‌هایی از هیئت‌های قمه‌زنی را برای زشت نشان دادن چهرهٔ مذهب حق در صفحهٔ تلویزیون می‌پردازند.

پس نظر حضرت عالی دربارهٔ قمه‌زنی چیست با توجه به اینکه بعضی از ماهواره‌ها هیئت‌های قمه‌زنی را نشان می‌دهند و برای هر کسی امکان این هست که این مناظر را نگاه کنند و نقض غرض شود؟

بسمه سبحانه: سزاوار است که ای فرزندم بیدار شوی و با این‌گونه امور فریب نخوری چرا که گمان نمی‌کنم قمه‌زنی در نظر کسی که قمه‌زنی را زشت می‌شمارد از مسابقهٔ مشت‌زنی و گاوبازی و اینکه مقابل گاو خشمگین فرار می‌کنند، و روز گوجه‌فرنگی در شهرهای غربی زشت‌تر باشد، سپس تو می‌خواهی از دینت آنچه را که کفار راضی نیستند را حذف کنی؟ آیا کفار راضی هستند که انسان در اثناء نماز پشتش را بالا گیرد و پیشانی‌اش را بر زمین بگذارد؟! ای صاحبان خرد عبرت بگیرید.

بدان که ما قمه‌زنی را به سه شرط مباح می‌دانیم:

- ۱- قمه‌زن قصدش از زدن قمه این باشد که قریباً الی الله مظلومیت امام حسین علیه السلام و اهلش را کشف کند، و از جرائم دشمنان پرده بردارد.
- ۲- اینکه بداند و لو به وسیلهٔ نسخهٔ طبیعی حاذق این عمل باعث مرگ یا از کار افتادن عضوی از اعضایش نمی‌باشد.
- ۳- اینکه قمه‌زنی در مکان و زمانی نباشد که باعث شود کسانی که جاهل به قضایای امام حسین علیه السلام هستند از اسلام و دین پاک متفر گردند، پس هرگاه این شروط حاصل شد قمه‌زنی افضل است. والله العالم و هو الهادی.

📖 درباره حرمت یا حلال بودن قمه‌زنی نزد پیروان مذهب اهل بیت علیهم السلام مجادلات فراوان و سؤالات بی‌شماری هست و زیاد شنیده‌ام که می‌گویند

قمه زنی جائز نیست و این احکام و فتاوا را به علمای بزرگوارمان نسبت می دهند، آیا این گفته ها اساس و پایه ای از صحت دارند؟

بسمه سبحانه: سزاوار است که بدانی واجب است آنچه که به علمای بزرگوار زنده یا مرده نسبت می دهند احتیاط کنی، چرا که دست هایی کثیف هست که افتراعاتی را نسبت به علما می دهند تا ایجاد فتنه کنند و مردم را از تحت رهبری آنها دور گردانند، آنچه که ما بدان فتوا می دهیم:

و آن اینکه قمه زنی را مباح می دانیم بلکه راجح هست و بر قمه زن اجر و ثواب می رسد به سه شرط:

۱- اینکه اطمینان نداشته باشی که باعث هلاک و مرگ یا از کار افتادن عضوی از اعضای بدنت شود.

۲- اینکه قمه زنی در زمان و مکانی نباشد که به مبدا قیام امام حسین علیه السلام و عمق قیام آن حضرت جاهل باشند که هنگام دیدن آن صحنه ها باعث نفرت آنها از اسلام و مبدا قیام سیدالشهداء علیه السلام می شوند.

۳- اینکه نیت از قمه زدن مفتضح کردن دشمنان اهل بیت علیهم السلام و اظهار مظلومیت سیدالشهداء علیه السلام باشد. والله الهادی.

📖 آیا بر ولی طفل یا بچه صغیر غیر ممیز جائز است که در هیئت قمه زنان او را قمه بزنند یا اینکه به خاطر سریان نداشتن ولایت در این امر جائز نیست؟

بسمه سبحانه: هرگاه پدر طفل برای طفل مصلحت ببیند مانند عادت دادن بر تحمل سختی و مشقت در راه زنده کردن یاد دردناک دائمی کربلا اشکالی ندارد، و قمه زنی با شروط سه گانه جائز است. والله العالم.



📖 به اعتبار اینکه یکی از معاصرین حضرت سید محسن حکیم رحمته الله هستید می‌خواهیم از حضرت عالی بشنویم که نظر سید محسن حکیم درباره شعائر قمه‌زنی چه بود؟ نظر تان بفرمائید که خداوند به شما اجر و ثواب دهد. بسمه سبحانه: من استفتائی درباره این موضوع از ایشان نکردم چرا که در آن زمان احتیاجی بدان نداشتم، لکن آنچه برای من نقل شده که اگر قمه زدن با قصد قربت باشد برای مفتضح کردن ظلم ستم‌کنندگان بر اهل بیت علیهم السلام و اظهار مظلومیت آنها باشد را منعی نمی‌کرد، و این عمل تا زمانی که محذور شرعی نداشته از آن منع نمی‌کرد. والله العالم.

📖 آیا کسی که بعضی از شعائر حسینی علیهم السلام را به صورت عام و قمه‌زنی را به صورت خاص حرام می‌داند از عدالت ساقط می‌شود؟ بیان بفرمائید که ماجور باشید والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. بسمه سبحانه: اگر حرام کننده مجتهد باشد آنچه که می‌گوید بر حسب ادله و بر حسب اجتهاد خودش است پس آن فقط باعث قیاس بر او نمی‌شود. والله العالم.

📖 آیا بر زنان جائز است که قمه و زنجیر بزنند و بر روی آتش راه بروند؟

بسمه سبحانه: اگر از حجاب و خودداری از بیگانه‌گان و اطاعت شوهر خارج نشود با شرائطی که درباره قمه‌زنی از برای مردان بیان کردیم اشکالی ندارد.

📖 بعضی‌ها دعوت می‌کنند که قمه‌زنی را به صورت علنی در مقابل دوربین ترک کنید نه اینکه معارضه با حکم فقیه داشته باشند و لکن از باب

اینکه قمه زنی صلاحیت این را ندارد که وسیله ای برای دعوت به سوی امام حسین علیه السلام و مذهب حق شود، برای همین سزاوار هست کسی که می خواهد قمه بزند به دور از دید مردم و در مکان هایی در بسته انجام دهد، آیا می بینید که قمه زنی در برابر مردم و شکافتن سر و ریختن خون وسیله دعوت باشد؟ ممکن هست که در خلال قمه زدن، بر مخالفین و غیر مسلمانان تاثیر بگذارد و آنها را به سوی مذهب اهل بیت علیهم السلام هدایت نماید؟

آیا آن مجرد عبادت است و مظهري از مظاهر شعائر حسینی علیه السلام است که سزاوار باشد در اتافی در بسته انجام شود تا باعث تنفر دیگران از تشیع نگردد؟

آیا به طور حتم قمه زدن عملی است که مورد پسند امام حسین علیه السلام است؟ بسمه سبحانه: بدان ای فرزندم قمه زدن بر خلقی که نزد کسی که امام حسین علیه السلام را ندا می کند و اعلان آمادگی و فداکاری به هر قیمتی عالی و باارزش به طوری که انسان آرام می گیرد را شامل می شود، و همه این معانی در عرصه دینی و اجتماعی و سیاسی امری مطلوب و مرغوب است.

بدان که دشمنان دیدن قمه زنی را زشت نشان می دهند همانا خود را به سختی انداختن است که سعی و تلاش می کنند وجود آن را کم ارزش کنند، این شعائر را پخش می کنند که دل هایشان را آتش بزند، که خداوند دل های آنها را با آتش دنیا قبل از آتش آخرت آتش بزند به حق حبیبش امام حسین علیه السلام. والله الهادی و هوالموفق.

## راه رفتن بر روی آتش و اذیت کردن نفس

📖 بعضی از مؤمنین عملاً در روز عاشورا بر روی آتش راه می‌روند، حکم آن چیست؟  
بسمه سبحانه: با شرائطی که در فتوهای خودمان برای این شأن بیان کردیم مباح است. والله العالم.

📖 از حضرت عالی امید دارم که به این سؤالاتم جواب دهید:

۱- نظر حضرت عالی درباره راه رفتن بر روی آتش در عزای امام حسین علیه السلام چیست؟

۲- نظر حضرت عالی درباره سینه‌خیز یا چهار دست و پا راه رفتن به احترام قبر امام حسین علیه السلام چیست؟


۳- آیا انسان به خاطر زیاد اذیت کردن نفس در عزای امام حسین علیه السلام به ثواب زیاد هم می‌رسد؟

۱- بسمه سبحانه: اگر مقصود مفتضح کردن جرائم دشمنان امام حسین علیه السلام و کشف از مظلومیت آن حضرت باشد با عدم اطمینان یا علم به اینکه عمل مذکور به زودی باعث هلاکت او یا از کار افتادن عضوی از اعضایش باشد، و در منطقه‌ای نباشد که اهل آن منطقه این عمل را زشت بشمارند که باعث تنفر آنها از

دین اسلام و از مبدا قیام امام حسین علیه السلام به خاطر جهلشان به قضایای امام علیه السلام نباشد اشکالی ندارد و سزاوار است که آنها به دور از مشاهد مشرفه باشد. والله العالم.

۲- بسمه سبحانه: با شرائطی که در جواب سؤال اول اشاره کردیم اشکالی ندارد. والله العالم.

۳- بسمه سبحانه: هرگاه ضمن شرائطی که به آن در سؤال اول اشاره کردیم باشد بعید نیست. والله العالم.


 مردم در هند به اسم امام حسین علیه السلام بر روی آتش راه می‌روند، به نظر حضرت عالی آیا این عمل در اسلام صحیح است؟

بسمه سبحانه: هرگاه مقصود از آن اظهار کردن مظلومیت اهل بیت علیهم السلام و مفتضح کردن دشمنانش و ضمن شروطی باشد که ذکر می‌شود اشکالی ندارد:

۱- اینکه انسان نداند که این عمل باعث مرگ یا از بین رفتن عضوی از اعضایش باشد.

۲- این عمل در منطقه یا زمانی نباشد که باعث تنفر جاهلان از قضایای حسین علیه السلام از مبدا قیام سیدالشهداء علیه السلام شود.

۳- اینکه مقصود از آن استوار ماندن عقیده اسلامی و خدمت بر مبدا قیام امام حسین علیه السلام قریبه الی الله باشد. والله العالم.

 امید داریم که جواب سؤالاتی را که درباره راه رفتن بر روی آتش است بفرمائید که:

۱- آیا راه رفتن بر روی آتش مستحب است؟


۲- آیا راه رفتن بر روی آتش از شعائر حسینی است؟

### ۳- آیا آن از مصادیق جزع و بی‌تابی است؟

۱- بسمه سبحانه: راه رفتن مذکور بی‌نفسه اگر ضرری بر بدن نزنند یا عضوی از اعضای بدن را از کار نیندازد امری مباح است، بله زمانی که آن مترتب بر یاری دین باشد و باعث ضرر بر اسلام و مسلمین نباشد در این هنگام ارجحیت دارد. والله العالم.

۲- بسمه سبحانه: هرگاه معانی در جواب سابق به آن اشاره شد در آن باشد از شعائر می‌شود. والله العالم.

۳- بسمه سبحانه: از مصادیق آن نیست. والله العالم.

 در زمان‌های اخیر در روز عاشورا راه رفتن بر روی آتش ظاهر شده

است، آیا این عمل را جائز می‌دانید؟

بسمه سبحانه: آنچه که در قمه‌زنی جاری می‌شود در آن هم جاری است، پس با شرائطی که در جواز قمه‌زنی و زنجیرزنی گفتیم جائز است. والله العالم.



## پوشیدن لباس سیاه و پاره کردن یقه

📖 حکم پوشیدن لباس سیاه در ایام فاطمیه با علم به اینکه ده روز طول می‌کشد و شب وفات در میان آن است چیست؟


بسمه سبحانه: اگر مقصود از آن تعظیم شعائر باشد اشکالی ندارد، چرا که آن اظهار غم و اندوه بر یگانۀ پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد، پوشیدن لباس سیاه در اکثر شهرها نشانه غم و اندوه و اظهار حزن است، بنابراین اعتبار شرعاً عملی نیک، مورد پسند و مطلوب است ان شاء الله. والله العالم.

📖 نظر حضرت عالی درباره پوشیدن لباس سیاه در مصیبت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام چیست؟

بسمه سبحانه: حزن و ابراز کردن آن بر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و سائر اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام شرعاً امری مورد پسند و مطلوب است، و پوشیدن لباس سیاه که متعارف است و بلکه ابراز کردن آن که نشان دادن حزن و اندوه می‌باشد، و کسی که این عمل را انجام می‌دهد به خاطر آنچه که ذکر کردیم مستحق اجر و ثواب از جانب خداوند سبحان است. والله العالم.

📖 آیا پوشیدن لباس سیاه برای اظهار حزن بر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در نماز بر مردان کراهت دارد؟

بسمه سبحانه: در صورت یاد شده کراهت ندارد. والله العالم.

 حکم پاره کردن یقه در مصیبت امام حسین علیه السلام چیست؟

بسمه سبحانه: این یکی از اظهار نشانه‌های درد و ناراحتی بر آن مصیبت عظمی است، این اظهار درد و ناراحتی شرعاً امری مطلوب است. والله العالم.



## مجسمه‌سازی، کشیدن عکس، تمثیل (نمایش)، شبیه

📖 از حضرت عالی می‌خواهم که حکم شرعی موضوعی که می‌آید بیان فرمائید و آن اینکه مردم به خاطر علاقه و دوستی و عقیده یا عاملی دیگر مجسمه‌هایی به شکل اسب امام حسین علیه السلام (ذوالجناح) می‌تراشند، چنانکه سر مبارک و بدن مذبوح امام علیه السلام را نیز درست می‌کنند، شخصیت‌هایی که در کربلا از یاران امام حسین علیه السلام بوده‌اند و از لشکر ستمگر عمر بن سعد که لعنت خدا بر او باد بوده‌اند را نیز می‌تراشند، حکم مجسمه‌سازی چیست؟ حکم مقدس شماردن این مجسمه چگونه است؟ خداوند حضرت عالی را برای حمایت از اسلام و مسلمین حفظ فرماید.

بسمه سبحانه: مجسمه‌سازی یاد شده حرام و مقدس شماردن آن هم حرام است. چنانکه نسبت دادن آن پیکرهای ساخته شده به اشخاص مقدس چون امام حسین علیه السلام و اصحاب آن حضرت هم حرام است. همچنین نسبت دادن آن مجسمه‌های ساخته شده به دشمنان امام حسین علیه السلام نیز حرام است، چرا که همه آنها از جهتی دروغ و افتراء است و از جهتی دیگر فعلی حرام می‌باشد، بر مردم واجب است با اهمتامی کامل از این منکر نهی کنند تا مبادا این آثار گناه در اجتماع پخش شود. والله العالم.

📖 در اثناء زیارت پیاده روی به سوی کربلای مقدسه مجسمه‌هایی

هست که بعضی از افراد هیئت‌های حسینی علیهم السلام یا بعضی از داوطلبان به ساختن سر مبارک امام حسین علیه السلام یا دست‌های حضرت عباس علیه السلام یا بچه‌ای شیرخوار که بر آغوش امام علیه السلام است و غیر آنها که در طول مسیر (نجف - کربلا) زیاد می‌بینیم و گاهی اینها را در جعبه‌های شیشه‌ای می‌گذارند که قابلیت پخش شدن سریع را هم دارد و حال سؤال این است:

ا - هرگاه جواب به جازز بودن آن باشد آیا اینجا خصوصیات مشخصی هست که واجب است در تمثال‌های ساخته شده رعایت شود؟

ب - آیا تبرک جستن به آن مثلاً به وسیله دست کشیدن جازز است؟

ج - آیا در این باره نصیحتی برای اعضای هیئت‌های حسینی و برای ما به خصوص بیان می‌فرمائید؟ خداوند حضرت عالی را برای اسلام و مسلمین حفظ فرماید.

ا - بسمه سبحانه: به جواب سابق رجوع کن. والله الهادی.

ب - بسمه سبحانه: تبرک جستن به آن حرام است چرا که فعل این عمل حرام است. والله العالم.

ج - بسمه سبحانه: ملتزم بودن به تقوای الهی و مقید بودن به احکام شرعی و دوری کردن از هر چیزی که خداوند حرام کرده واجب است، بر شماست که این هیئت‌ها را از تاخیر واجبات یا ترک آن مانند نماز باز دارید چرا که امام حسین علیه السلام به خاطر زنده نگه داشتن دین به شهادت رسید، و کسی که به هدایت امام علیه السلام هدایت نیابد استحقاق این را ندارد که از شیعیان آن حضرت شمرده شود. والله الموفق.

📖 در زمان‌های اخیر صورت‌های ائمه طاهرين علیهم السلام پخش شده است، برای چه این صورت‌ها علی رغم اینکه اهل سنت صورت‌های ائمه علیهم السلام را ظاهر نمی‌کند ظاهر می‌کنند؟ برای چه مانع این صورت‌ها که زشت نشان

دادن مذهب است نمی‌شوند؟ برای چه در مراسم عاشورا مانع طبل‌ها نمی‌شوند؟ اگر به پاکستان رفته باشی اسبی را در کنار حسینیه می‌بینی که مردم به آن تبرک می‌جویند، که اگر ما بخواهیم مذهب اهل بیت علیهم‌السلام را منتشر کنیم پس بر ماست که بعضی از عادت‌ها و مظاهری که هزاران سال است در مذهب ما وارد شده را ترک کنیم، چرا که با وجود اینگونه مظاهر ممکن نیست که این مذهب را به سهولت و آسانی نشر دهیم.

بسمه سبحانه: صورت‌های منتسب به معصومین علیهم‌السلام بارها گفته‌ام که ساختن آن و نسبت دادنش به معصومین علیهم‌السلام جائز نیست، و لکن جهلی قوی بر بیشتر مردم حاکم شده که باعث گردیده از اعمال آنها دفاع کنند. اما بعضی از عادت‌های دیگر بدان که ای فرزندم هر منطقه و ناحیه‌ای روشی خاص برای حزن و احترام در عزای بزرگان خود دارند، آیا مسیحیان شیبه صلیب را نمی‌سازند و به آن تبرک نمی‌جویند و حتی بزرگشان آن را از گردنش آویزان می‌کند. ای فرزندم آیا آن باعث شده که اهل سنت و تو آن را به سخره بگیری، با توجه به اینکه می‌دانیم عیسی علیه‌السلام کشته نشده و به صلیب آویخته نشده است.

بدان ای فرزندم روشنگری واجب است و لکن تو تمکن این را نداری که از همه افراد مردم عالم و فیلسوف درست کنی، از خداوند هدایت را برای همه می‌خواهیم. والله العالم.

**📖 حکم گذاشتن عکس‌های ائمه و حمل آنها در هیئت‌های حسینی علیهم‌السلام**

**و عزا چیست؟**

بسمه سبحانه: صورت‌های موجود در دست مردم جائز نیست که آنها را به معصومین علیهم‌السلام نسبت داده شود چرا که آنها صورت‌های خیالی هستند، چنانکه کشیدن صورت صاحب روحی هم جائز نیست. والله العالم.

📖 هرگاه نصب عکس‌های اهل بیت علیهم السلام که باعث هتک حرمت آنها شود حکمش چیست؟

بسمه سبحانه: عکس‌های عرضه شده و منسوب به اهل بیت علیهم السلام دروغ بستن بر آنهاست و نسبت دادن این صورت‌های خیالی را به آن بزرگواران جائز نیست، و ساختن آن نیز حرام است. والله العالم.

📖 آیا امکان دارد به گشندگان و سازندگان جواز کشیدن و ساختن داده شود که هر طور که می‌خواهند صورت برای اهل بیت علیهم السلام بکشند؟

بسمه سبحانه: سزاوار است به نحو احسن مانع آنها شد، همچنانکه بر آنها واجب است که از کشیدن این صورت‌ها خودداری کنند، و چاپ‌خانه‌ها هم از چاپ کردن آنها امتناع بورزند. والله العالم.

📖 اگر امر دائر شود به اظهار همدردی و تسلیت با اهل بیت علیهم السلام بدون اظهار عکس‌هایشان یا اظهار کردن آن با مسخره کردن مقابل؟ کدام یک ترجیح دارد؟

بسمه سبحانه: اظهار همدردی و تسلیت با اهل بیت علیهم السلام شرعاً از امور مطلوب است، و آن واجب است چرا که زیر عنوان مودت قرار دارد که قرآن بدان امر نموده است. و اما استهزاء و مسخره کردن در مورد سوال واجب است که از آن خودداری شود. اگر شیعه امکان این را بیابد که اظهار همدردی کند بدون اینکه عملش مورد استهزاء واقع شود بهتر است، و اگر امکان این را نداشت که از شر استهزاء کنندگان دوری کنند وجوب همدردی ساقط نمی‌شود پس ما هم آنها را مسخره می‌کنیم چنانکه آنها مسخره می‌کنند. والله العالم.

📖 آیا مسأله اظهار مظلومیت امام حسین علیهم السلام متوقف بر ابراز کردن آن بر مجسمه بدون سر یا بر سری که بالای نیزه هست می‌باشد؟

بسمه سبحانه: متوقف نیست، بلکه اگر اظهار جسدی بدون سر باعث مسخره شود یا باعث شود که جسدی ساخته شود که حرام است، و همچنین است اگر درست کردن سر بریده باعث اهانت شود نیز حرام است، بلکه احتیاط دوری کردن از این عمل است مطلقاً. والله العالم.

📖 زیاد مشاهده می‌کنیم که عکس‌هایی برای امام عباس علیه السلام کشیده‌اند که پری بر عمامه آن حضرت هست و همچنین بعضی از اهل بیت علیهم السلام، آیا این از اسرائیلیات است؟ جواب بفرمائید که خداوند جزای خیر به حضرت عالی بدهد.

بسمه سبحانه: بدان ای فرزندم اولاً عباس علیه السلام مولا و سرور من و هر مؤمنی است و امام نیست، و این اشتباهی هست که در بین مردم شایع شده است که لفظ امام را بر هر سیدی که دفن شده اطلاق می‌کنند مانند قاسم علیه السلام و غیر آن. بر ما واجب است که متوجه آن شویم.

و ثانیاً همه صورت‌هایی که به ابوالفضل العباس علیه السلام یا هر معصومی یا غیر معصومی نسبت داده می‌شود به اینکه صورت را با قلم می‌کشند سپس آن را چاپ می‌کنند جائز نیست، هر صورتی که باشد به هر شخصی که مرده باشد یا زنده نسبت داده شود، چرا که آن صورتی خیالی هست و با دوربین گرفته نشده است، کشیدن صورت را حرام می‌دانیم، و نسبت دادن آن به معصومین علیهم السلام دروغ و بهتان است و از گناهان کبیره می‌باشد، از من فتواهائی در این باره صادر شده است. والله العالم.

📖 آیا جائز است که واقعه کربلا را به صورت فیلم درست کنند که در عالم نشان داده شود، و شرائط دینی هم در آن مراعات گردد؟  
بسمه سبحانه: فی نفسه اشکال ندارد اما محذور در آن به دو جهت هست:

جهت اول: اینکه ممکن نیست آن را در تدوین و تنظیم سیناریو به نحو فنی مطلوب درآورد، و تدوین آن بر طبق مقتضیات تمثیل حتما باید برجستگی‌های روایات را تغییر داد، علاوه بر آن روایات حکایت‌کننده خصوصیات جریان کربلا مختلف، متناقض و متضاد هست، و در تنظیم سیناریو حتما باید یکی را بر باقی آنها ترجیح داد بدون اینکه از قواعد متعارف در مثل این موادی که فقط متخصصین آن را اعمال می‌کنند پیروی کنند.

جهت دوم: کسی را از زنان و مردان که نفس‌های پاک داشته و صلاحیت این را داشته باشند که به شکل آن بزرگواران در بیابند را نمی‌شناسیم، زنان و مردانی که در پیروزی واقعه کربلا تحت پرچم سیدالشهداء علیهم السلام مشارکت داشتند. و معضل دیگر کشف صورت است و تمثیل این صورت با صورت‌های شریف، بلکه مشکل وسیع‌تر از آن است به اینکه هیچ عضو از اعضای این افراد موجود صلاحیت تمثیل یعنی اینکه به عنوان عضوی از اعضای معصومین علیهم السلام نشان داده شود را ندارند، و صدای یکی از اینها هم صلاحیت این را ندارد که به عنوان تُنی از صدای آن بزرگواران ارائه شود.

به خاطر این دو محذور و غیر آن به شکل آنها در آمدن گناهی بزرگ است که متضمن دروغ بر خداوند و رسول و ائمه علیهم السلام است و چهره واقعه کربلا را زشت نشان دادن است، پس ای اندیشه‌های خردمند از خداوند بپرهیزید شاید که رستگار شوید. والله الهادی.

### 📖 آیا بر مردان جازز است که به شکل زنان یا بر عکس در آیند؟

بسمه سبحانه: اگر در غیر مورد واقعه کربلا باشد یا به آنچه که اختصاص به ائمه علیهم السلام و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله داشته باشد اشکالی ندارد، و اگر چه ترک آن بهتر است. والله الهادی.

### 📖 در مجالس حسینی علیهم السلام شبیه در می‌آوریم، آیا بر زن پرهیزکار جازز

است که نقش یکی از ائمه را داشته باشد مانند امام علی علیه السلام یا اطفالی که اطراف امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را می گیرند، نیت ما این است که ذهن ها را به فاحشه اهل بیت نزدیک کرده و تثبیت کنیم؟ نظرتان را بیان بفرمائید که خداوند شما را حفظ نماید.

بسمه سبحانه: تشبیه فاجعه کربلا و مصیبت اهل بیت علیهم السلام ابدأ و قطعاً جائز نیست، مصیبت ها و دردهای اهل بیت علیهم السلام در قلوب اجداد ما با ثبات تر بود نسبت به قلب های مردمان این عصر که فرزندان تلویزیون و ماهواره هستند، ای شیعیان علی علیه السلام از مثل اینگونه تصرفات به دور باشید، چرا که در مثل این تصرفات اهانت به معصومین علیهم السلام است. در این امور سختی های شرعی زیادی هست و ابراز کردن آن باعث می شود که مفاد روایت معین در نفوس مردم بماند و بدن آن کسی که تمثیل پیدا کرده است، متمکن نیست که سوگند بخورد که کدام یک از این روایت مطابق با واقع هست، و امکان این را ندارد که کدام یک از روایت را به معصوم علیه السلام نسبت بدهد و کدام یک را نسبت ندهد، از شیطان رانده شده به خداوند پناه می بریم. والله الهادی.

📖 در بعضی از کشورها می بینیم که شیعیان در روز عاشورا تابوتی بیرون می آورند و می گویند که آن جنازه امام حسین علیه السلام است و اهل سنت را می بینیم که بر آن می خندند، نصیحت حضرت عالی به کسانی که این کار را انجام می دهند چیست؟

بسمه سبحانه: اما خنده آنها، پس آنها به نماز و روزه و حج تو هم می خندند، سزاوار است که موضع تو چنان باشد که خداوند متعال می فرماید: ﴿إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ \* فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَجِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ﴾<sup>۱</sup> «اگر ما را مسخره می کنید، ما نیز شما را همین گونه مسخره

خواهیم کرد! بزودی خواهید دانست چه کسی عذاب خوارکننده به سراغش خواهد آمد، و مجازات جاودان بر او وارد خواهد شد!»

تو را احساسات نگیرد که عملت را بی‌اثر دانی و معتقد شوی که تو خدمتگزاری شکست خورده هستی. به خدا سوگند بدان تا مادامی که از روی گفتار و عمل بر سیره اهل بیت علیهم السلام باشی نزد خداوند متعال در دنیا از هر کسی به غیر معصومین علیهم السلام و کسی که آنها را می‌خوانند عزیز هستی.

و اما تابوت شاید ابتکار بعضی‌ها است نمی‌داند که حسین علیه السلام جنازه‌اش بالا برده نشد و تشیع نگردید مانند اینکه این افراد حسین علیه السلام را با پدر و برادرش علیه السلام قیاس کرده است که بدن آن دو بزرگوار بالا برده شد و تشیع گردید. والله الهادی.

📖 آیا مراسم تشبیه که در ماه محرم و صفر برای زنده نگه‌داشتن سیدالشهداء علیه السلام بر پا می‌شود مستحب است علی‌رغم اینکه علم قاطع داریم که مجالس وعظ و ارشاد و ماتم حسینی علیه السلام و مرثیه خوانی افضل است؟

بسمه سبحانه: تشبیه فاجعه کربلا به تمثیل معصومین علیهم السلام ابدأ و قطعاً جائز نیست. ای شیعیان علی علیه السلام شما را نصیحت می‌کنم که از مثل این تصرفات دوری کنید چرا که در مثل این تصرفات اهانت به معصومین علیهم السلام است و در اینجا مشکل شرعی و صناعت علمی زیادی هست. والله العالم.

📖 وسائل پخش و شماری از سایت‌های اینترنت در روز سه‌شنبه در تاریخ ۱۴ / صفر / ۱۴۳۰ برابر با ۱۰ / شباط / ۲۰۰۹ خبری تصویری مسلسل اطراف مولایمان امام حسین علیه السلام و یزید ملعون و همچنین شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام و معاویه لعنة الله را پخش کردند رای شرعی درباره این تمثیل چیست؟



بسمه سبحانه: فی نفسه اشکال ندارد اما محذور در آن به دو جهت هست: جهت اول: اینکه ممکن نیست آن را در تدوین و تنظیم سناریو به نحو فنی مطلوب درآورد، و تدوین آن بر طبق مقتضیات تمثیل حتماً باید برجستگی‌های روایات را تغییر داد، علاوه بر آن روایات حکایت کننده خصوصیات جریان کربلا مختلف، متناقض و متضاد هست، و در تنظیم سناریو حتماً باید یکی را بر باقی آنها ترجیح داد بدون اینکه از قواعد متعارف در مثل این موادی که فقط متخصصین آن را اعمال می‌کنند پیروی کنند.

جهت دوم: کسی را از زنان و مردان که نفس‌های پاک داشته و صلاحیت این را داشته باشند که به شکل آن بزرگواران در بیابند را نمی‌شناسیم، زنان و مردانی که در پیروزی واقعه کربلا تحت پرچم سیدالشهداء علیه السلام مشارکت داشتند. و معضل دیگر کشف صورت است و تمثیل این صورت با صورت‌های شریف، بلکه مشکل وسیع‌تر از آن است به اینکه هیچ عضو از اعضای این افراد موجود صلاحیت تمثیل یعنی اینکه به عنوان عضوی از اعضای معصومین علیهم السلام نشان داده شود را ندارند، و صدای یکی از اینها هم صلاحیت این را ندارد که به عنوان تنی از صدای آن بزرگواران ارائه شود. والله العالم.

📖 در حسینیه‌ها و مساجد در اکثر نواحی کشور خصوصاً در روستاها مراسم تشبیه به اعتبار اینکه قدیمی است در می‌آورند و احياناً آن اثر مثبت در نفوس مردم باقی می‌گذارد، حکم این مراسم چیست؟

بسمه سبحانه: اگر تشبیه مستلزم اهانت و خوار کردن بزرگان مقدس ما نباشد و محذور شرعی دیگری هم نداشته باشد اشکالی ندارد. والله العالم.

سزاوار است که بدانی امروز احدی در عالم پیدا نمی‌شود کسی که صلاحیت دارد تمثیل آن بزرگان مقدس معصومین علیهم السلام و غیر آنها مثل حضرت زینب علیها السلام و ابوالفضل العباس علیه السلام باشد و متولی این تشبیه گردد از طرف اشخاصی که لیاقت

این شخصیت‌های بزرگوار را ندارند اهانت به آنها می‌شود. والله العالم.

📖 ما مسلمانان شیعه از مهاجران تانزانیا و کنیا مقیم در کشور دبی هستیم، نزد ما مراسمی برای زنده نگه داشتن مراسم عزاء برای ائمه هست که سال‌هاست پشت سر هم از زمان اجداد و پدران ما آن را انجام می‌دهیم. و در ضمن مراسم عزاء مراسم حمل تابوت برای امام علیه السلام بعد از پایان مجالس هست که آن را در مجلس عزاء می‌چرخانند هنگامی که اینجا هستیم به ما اجازه نمی‌دهند که هیئت را بیرون از محدوده عزاء تنظیم کنیم و برای همین مجالس را در داخل محل عزاداری بر پا می‌داریم و علاوه بر آن مجالس هفتگی داریم که در شب‌های جمعه است.

و به حسب پیروی مدت طولانی ما نیز حمل تابوت‌های شبیه برای ائمه علیهم السلام از امام اول تا امام چهارم و امام هفتم و امام هشتم علیهم السلام به علاوه شهدای کربلا در ما محرم الحرام داریم. و تقریباً سیزده سال است که تابوت شبیه امام یازدهم علیه السلام نیز بر تابوت‌های یاد شده اضافه شده است. و دیگر اینکه فعالیت دینی ما در دبی محدود و فقط در مرکزی هست که معروف به «ماتم التنزانی» می‌باشد و به خاطر افزایش روح عزاء بعضی از برادران مؤمن قائل هستند که حمل تابوت‌ها (شبیه) برای بقیه ائمه که از امام پنجم تا دهم علیهم السلام است نیز ضرورت دارد و ما چند سالی است که شروع به حمل تابوت (شبیه) برای همه ائمه علیهم السلام کرده‌ایم و بعد از مدت کمی نیز شروع به حمل تابوت‌هایی برای ابوطالب و حضرت خدیجه و ام‌کلثوم و حضرت معصومه علیها السلام نموده‌ایم و آن نیز به خاطر پیشنهادهای برادران مؤمن و استقبال همه برادران و خواهران از این مراسمات بوده است.

و الآن همه تابوت‌ها تقریباً به ۲۷ تا ۳۰ تابوت رسیده است. رئیس هیئت

در مرکز و دوستش در اداره تصمیم گرفته‌اند از حمل تابوت‌ها جلوگیری کنند، آداب و رسومی که حدود ده سال است برپا می‌شود، و همه باید به قبل از آن برگردیم که این مراسم ایجاد جو تفرقه بین برادران هیئت و انجمن شده است که بعضی‌ها آن را تائید و بعضی دیگر مخالف آن هستند، آنهایی که تائید می‌کنند می‌بینند که حمل تابوت‌ها مکمل برای مراسم عزاست و علاوه بر آن دارای روحانیت هم هست، اما مخالفان می‌بینند که تعداد تابوت‌ها زیاد شده است اما با احترامات فراوان:

این عمل حدود بیست دقیقه وقت اضافی از حاضرین می‌گیرد، و با توجه به توضیحی که در بالا بیان شد از حضرت عالی امید دارم با جواب‌هایی که بر سؤالاتی که می‌آید می‌دهید ما را آگاه می‌فرمائید:

اول: آیا جائز است این مراسمات جزء شعائر الله نامیده شود؟

بسمه سبحانه: مقصود از شعائر آن اموری است که در هدایت ما به سوی خداوند و اولیائش کمک و یاری می‌کند و اگر چه به وسیله زنده نگه‌داشتن یاد آنها باشد، و تابوت‌های یاد شده از شعائر الله است. والله العالم.

دوم: آیا جائز است که رئیس هیئت و دوستش در اداره جلوی این مراسم را که زمان کمی هم نیست بگیرد، می‌داند که ما حسینیه دیگری برای این گونه مجالس عزا نداریم، آن پناه‌گاه ماست، و تنها مناسبتی است که برای زنده نگه‌داشتن یاد ائمه طاهرین علیهم‌السلام است به علاوه اینکه در ماه محرم الحرام نیز عزاداری می‌شود؟

بسمه سبحانه: بر رئیس هیئت است شعائری که برای دوستی اهل بیت علیهم‌السلام بر پا می‌شود احترام بگذارد. و اگر ملاحظه‌ای هم داشته باشد به وسیله حکمت به حل آن پردازد که مبادا ایجاد آشوب و بی‌نظمی و اختلاف شود. والله العالم.

سوم: آیا حمل تابوت‌ها (شبییه) از شأن و احترام ائمه علیهم السلام کم می‌کند؟  
بسمه سبحانه: گفتیم که آن از شعائر است. بر بزرگان هست که در اثبات معانی  
دوستی اهل بیت علیهم السلام سعی و تلاش کنند تا شعله‌های برافروخته باقی بماند، و  
عمده حل امور با حکمت و درایت است. والله الهادی.

چهارم: آیا جائز است که حمل تابوت‌ها را به بعضی از ائمه علیهم السلام وقف  
شود خصوصاً تابوت‌هایی که اشاره کردم در سال‌های اخیر ایجاد شده است،  
که بعضی از برادران این نظر را دارند؟

بسمه سبحانه: گفتیم که آن از شعائر است. بر بزرگان هست که در اثبات معانی  
دوستی اهل بیت علیهم السلام سعی و تلاش کنند تا شعله‌های برافروخته باقی بماند، و  
عمده حل امور با حکمت و درایت است. والله الهادی.

پنجم: آیا ممکن است مسأله اعتقادی مثل این مسأله اینکه به وسیله  
رای‌گیری میان برادران هیئت پایان داده شود؟

بسمه سبحانه: عقائد و قضایای عاطفی که ارتباط با دوستی اهل بیت علیهم السلام است  
دو جهت دارد:

جهت اول: جانب شرعی است، و گفتیم که حمل تابوت‌ها از شعائر است.  
جهت دوم: جانب اجتماعی است که ارتباط به اداره مثل این شعائر و مشورت  
و تفاهم و رای‌گیری از همه دارد، پس سزاوار نیست آنچه که ارتباط به جانب  
شرعی دارد درباره آن رای‌گیری شود همانا ارتباط به جانب اداری است. والله  
الموفق.

ششم: از ناحیه دینی آیا برای احیاء مراسمات حمل تابوت‌ها (شبییه) برای  
ائمه ما اجر و ثواب دارد؟

بسمه سبحانه: گفتیم که آن از شعائر به آن معنائی است که گذشت. والله العالم.

## دیدن زنان مردان را در هیئت‌های عزا

📖 حکم مشاهده زنان در عزای حسینی علیه السلام مردانی را که سینه‌هایشان را نشان می‌دهند فرقی نمی‌کند که مستقیماً باشد یا از وسائل اطلاع رسانی چیست؟

بسمه سبحانه: اما در مشاهده مستقیم بر آنهاست که اجتناب کنند، و همچنین از وسائل اطلاع رسانی از طریق صفحه تلویزیون هرگاه انفعال نفسی به وجود بیاورد، و دختران باید بدانند هر گوشه‌ای از بدن زن که بر مرد نامحرم نگاه کردن بر آن حرام است همچنین بر زنان نیز حرام است که به آن عضو از مردان نامحرم نگاه کنند. والله العالم.

📖 نظر شرع درباره خروج زنان دنبال هیئت‌های حسینی علیه السلام و نگاه کردن بر آنها چیست؟

بسمه سبحانه: چنانکه بر مردان نگاه کردن بر زن نامحرم بدون ضرورت و مواردی که استثنا شده حرام است، همچنین بر زن نامحرم حرام است که بر مردان نامحرم نگاه کنند مگر مانند نگاه کردن برای درمان و ضرورت مشقت‌آور استثناء شده است. والله العالم.

### 📖 آیا نگاه کردن به هیئت قمه زنی جائز است؟

بسمه سبحانه: چنانکه بر تو جائز است به برادرانت نگاه کنی هر گاه که خواستی بر آنها نگاه کن، آیا این طور نیست که در جواز نگاه کردن به هیئت‌های حسینی تشکیک می‌کنی و در حالی که در تلویزیون آنچه که می‌خواهی مشاهده می‌کنی؟ و شاید مقصودت نگاه کردن زنان به هیئت‌ها است، ای فرزندم بدان زنی که عقیف و محجبه و معتقد به دین است بدون حاجت ضروری از خانه بیرون نمی‌رود، و چنانکه بر مرد حرام است که به زن نامحرم نگاه کند همچنین بر زن حرام است که به مرد نامحرم نگاه کند. والله العالم.

## خطیبان و نوحه خوان ها

📖 آیا خواننده (مداح و خطیب) مجالس امام حسین علیه السلام می توانند مبلغی مشخص و ثابت برای مجلس خودش بگیرد؟  
بسمه سبحانه: این مسائل صورت‌هایی دارد که از آنهاست:

۱- اینکه خواننده مبلغی را برای رغبت خلق می‌گیرد که آن در نظر مستمعین اهمیت دارد و حضورشان بیشتر می‌شود فائده و استفاده از آن و استفاده از مردم هم زیاد می‌شود، پس بنابر این صورت جائز است و گرفتن مبلغ هم به او می‌رسد و برای گیرنده هم مباح است.

۲- اینکه خطیب مبلغی را می‌گیرد و آن را در راهی استفاده می‌کند مانند اجیر بر هر عملی مباح یا آنکه راجح هست مانند ساختن حسینیه یا مسجد یا یکی از مشاهد مقدسه اجیر می‌کند. در این صورت گرفتن مال برای او مباح است. و او اجیر است و واجب است که مال او را مانند حق اجیر بدهند. و لکن برای قاری جزء آنچه را که گرفته چیز دیگری نمی‌باشد. مگر آنچه چیزی از عمل در خدمت اهل بیت علیهم السلام زیاد کند که اضافه بر آنچه که اجیر شده باشد و برای او در همین زیاده ثواب هست، و برای او مال به مقتضای اجاره می‌باشد.

۳- پناه بر خدا اینکه قضایای امام حسین علیه السلام و قرائت بر حسین علیه السلام یا غیر آن از معصومین علیهم السلام را وسیله‌ای برای کسب آوازه و شهرت و هیبت در قلوب مردم

قرار دهند و با توجه به آن پناه بر خدا مردم توهم داشته باشند که او مخلص اهل بیت علیهم السلام است و به سوی آن بزرگواران علیهم السلام می خوانند، این عملی غیر جائز است و اجرتی که می گیرد محل اشکال است و احتیاط اجتناب از آن است. والله العالم.

📖 من هر سال مجلس عزائی برای امام حسین علیهم السلام بر پا می دارم و خطیبی از یکی از شهرهای نزدیک ما می آید و لکن نمی دانستم که از چه کسی تقلید می کرد و بعد از مدتی مشخص شد که از کسی که به غیر حق ادعای مرجعیت دارد و بعضی از ادعاهای باطل دیگری دارد تقلید می کند، او در میان مجالسش رای آن شخص را مطرح نمی کند بلکه فقط روضه امام حسین علیهم السلام را می خواند، نظر حضرت عالی درباره او چیست؟

بسمه سبحانه: باید خطابه خطیب اختصاص به اهل بیت علیهم السلام و آنچه که تعلق به آن از ارشادات مومنین - خداوند آنها را در دین و دنیایش محافظت نماید - دارد داشته باشد، و امر به معروف و نهی از منکر کنند. والله العالم.

📖 بعضی ها از خطبای منبر حسینی علیهم السلام و روضه خوانها شکایت دارند که در نقل وقایع عاشورا استناد به روایات ضعیف که دارای مضامین غربی است، و خواب و رؤیا نقل می کنند و در امور دینی و دنیائی به یکی از آن مصادر اعتماد می کنند، آیا اعتماد کردن بر این نوع از روایات و خوابها که اثر سلبی بر قضایای حسینی علیهم السلام دارد صحیح است؟

بسمه سبحانه: سزاوار است خطیب روایات را از کتابهای معتبر نقل کند، هرگاه صحت سند از منبعی که استفاده کرده نام ببرد، اما خوابها به عنوان دلیل از آن استفاده نکند و همانا برای معانی عاطفی و خطابی ذکر شود، و اگر آن را به عنوان مصدر برای حکم شرعی یا حجت شرعی نگیرد مشکلی ندارد. والله العالم.



📖 آیا هر وقت که خطیب روضه یا مصیبت امام حسین علیه السلام را می‌خواند، هرگاه به صدایش طنین بدهد یا کلمات را بکشد و در لحنش تفنن ایجاد کند حالت غناء پیدا می‌کند چنانکه اکثر خطباء این‌گونه هستند؛ نظر حضرت عالی دربارهٔ اینکه می‌گویند لحن آنها غنائی است چیست؟  
بسمه سبحانه: اگر عناصر غناء در آن باشد و مهم‌ترین آن اینکه دارای ترجیع و صلاحیت برای طرب باشد به تحقیق حرام است. والله العالم.

📖 بعضی از نوحه‌خوان‌های حسینی قصائدی را در هیئت‌های عزا در شب شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله یا یکی از اهل بیت علیهم السلام می‌خوانند، که این قصائد دارای نام‌های بعضی از مراجع گرامی است، و تجدید ولائی و رهبری یکی از علمای گرام می‌باشد، نظر حضرت عالی استفاده کردن از آن در عزای حسینی علیه السلام چیست؟

بسمه سبحانه: واجب است که هیئت‌ها و مجالس حسینی علیه السلام از همه آنچه که گفتمی خود را دور نگه دارند، و آن را خالص برای امام حسین علیه السلام قرار دهند، و سیدالشهداء علیه السلام را پلی برای مقاصد دنیوی قرار ندهند. والله العالم.

📖 ما دانشجویان دانشکدهٔ امام حسین علیه السلام برای خطابه هستیم، درس خطابهٔ عملی داریم که در آن مراسم مرگ و گریه است، استاد از ما می‌خواهد که مراسم مرگ و گریه را بر پا کنیم، اشکالی که داریم این است آیا این عمل جائز است یا نه؟ و هرگاه ناچار به آن شویم آیا فقط هنگام امتحان مراسم مرگ را اجرا کنیم یا نه؟ نظرتان را بفرمائید که از ما جورین باشید.

بسمه سبحانه: ناله کردن به خاطر مرگ کسی هرگاه با لحن غناء باشد به خاطر حرمت غناء حرام است، و اما اگر غیر غناء باشد و ناله کننده زنی باشد و منحصر

به شنیدن زنان نیز باشد اشکالی ندارد، آن جائز است بلکه اگر قصد قربت هم باشد اجر و ثواب هم دارد، و اساتیدی که مقید به دین هستند اگر واقعاً در خدمت اهل بیت علیهم السلام و بر اداره اساتیدی از کادر زنانه برای تدریس دختران اگر اراده دین را داشته باشند اجر و ثواب می‌برند. والله العالم.

### 📖 آیا نصیحتی بر خادمان قافله حسینی علیه السلام از خطباء و نوحه‌خوان‌ها و هیئت‌داران و عامه مردم دارید؟

بسمه سبحانه: واجب است که مقید به احکام شرع باشند، چنانکه واجب است مجالس و هیئت‌های حسینی علیه السلام خالص باشد، و جائز نیست که شعائر حسینی علیه السلام را نردبانی برای ترقی مقاصد سیاسی و مادی قرار دهند چرا که در آن بی‌ارزشی نسبت به امام حسین علیه السلام است، چنانکه واجب است از تثبیت کردن و آویختن عکس‌های خیالی امام حسین علیه السلام و یارانش دوری نمایند.

چنانکه واجب است خطیب و نوحه‌خوان ملتزم به دین باشند تا مبدا به امام حسین علیه السلام اهانتی شود، بر خطیب و نوحه‌خوان هست که قبل از گفتارش خود بدان عمل نماید، و بداند که مردم قبل از اینکه به گفتارشان نگاه کنند و یا آن را بشنوند به عملشان نگاه می‌کنند، و امام حسین علیه السلام به قیام در برابر یزید و ظلم و ستم اقدام نمود مگر به خاطر ارشاد و اصلاح مردم، و برای همین فرمود: «آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌کنند، و از باطل باز نمی‌ایستند؟»<sup>۱</sup>

چنانکه واجب است دختران مؤمن دائماً به حجاب مقید باشند خصوصاً در مجالس حسینی علیه السلام، بر خطیب نیز واجب است که مقید به این باشد که روایات معتبر بگوید، و اگر اعتبار روایاتی را احراز نکرد نصیحت این است آن روایات را که متضمن بی‌ادبی به قضایای امام حسین علیه السلام و پائین آوردن عظمت امام علیه السلام و

عظمت انقلاب آن حضرت است را ترک کند، و بر اوست که از تحمل مسئولیت آن روایات اجتناب نماید و مصدر آن را بیان نماید که از چه کتابی نقل می‌کند. والله الهادی.

**خطیب حسینی در نظر حضرت عالی که به منبر حسینی علیه السلام بیشتر از دیگران خدمت می‌کند و مردم را نصیحت می‌نماید کیست؟**

بسمه سبحانه: ای برادرم بدان برای هر درختی ثمری هست و برای هر میوه‌ای طعمی، در اینجا خطیبان زیادی هستند که نام بعضی از آنها را به عنوان مثال ذکر می‌کنم که از جمله آنهاست شیخ صالح دجیلی، شیخ احمد وائلی، سید جواد شبر و امثال آنها که خداوند به سعی و تلاش آنها اجر و ثواب دهد و جزء خادمان حسین علیه السلام محشور فرماید. والله الهادی.

**حضرت عالی چه راهنمایی و ارشادی بر خطبای حسینی علیه السلام دارید؟**

بسمه سبحانه: ای برادران عزیز و بزرگان خطباء و شیران میدان منبر حسینی علیه السلام همانا خداوند سبحان بر شما منت گذاشته که به اشرف‌ترین وظیفه و بهترین عمل بعد از وظیفه فقها که جانشینان امام منتظر علیه السلام هستند می‌پردازید که آن امر تبلیغ، موعظه، ارشاد، هدایت و دعوت کردن مردم به سوی دین است. اهمیت این عمل ما را ملزم می‌کند که متوجه به امور اساسی باشیم که عبارتند از:

اول: بر شخص خطیب لازم است که عملش خالص برای خداوند سبحان باشد و در خلال منبر امام حسین علیه السلام سعی و تلاش نماید که مردم را به التزام داشتن به دین و در اطراف علما بودن و ارتباط محکم با حوزه علمیه نجف اشرف که خداوند آن را از بلاهای زمانه محفوظ بدارد تشویق نماید.

دوم: به ما رسیده است که شیاطین نشر افکار گمراه کننده را آغاز کرده‌اند مثل دیدار با امام زمان علیه السلام و اینکه به طور مستقیم احکام شرعی را از آن حضرت می‌گیرند و برای همین دیگر نیازی به تقلید نیست، و هر کس مثل این ادعا را بکند حضرت حجت علیه السلام او را قبل از اینکه از مادر متولد شود تکذیب کرده است.

سوم: بر خطیب واجب است روایات موثق و مطمئن با استفاده از کتاب‌های معتبر که دارای بیان فضائل اهل بیت علیهم السلام و مصائب آنها هستند بیان کند، پس بر خطیب جائز نیست روایتی را نقل کند که بی‌ادبی نسبت به مذهب یا امام حسین علیه السلام باشد و بهتر این است مسؤولیت روایتی را که نقل می‌کند به کتابی که از آن نقل می‌کند بگذارد و منبع حدیث را نقل نماید و خودش مسؤولیت روایت بر عهده نگیرد.

چهارم: بر خطیب هست اهتمام شدید داشته باشد که بین اتفاقات کربلا و آنچه که بعد از آن به احکام دین هست مانند نماز و روزه و حج و زکات و خمس و جهاد از خلال فرمایشات روایت شده از سیدالشهداء علیه السلام و اصحابش و ائمه بعد از آن حضرت ارتباط برقرار نماید، مانند فرمایش آن حضرت که فرمود: «آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌کنند، و از باطل باز نمی‌ایستند؟ باید انسان معتقد طرفدار حق، دل به لقاء الله بندد».<sup>۱</sup> تا آخر فرمایش آن حضرت علیه السلام و فرمایش آن حضرت علیه السلام در کنار قبر جدش صلی الله علیه و آله هنگامی که خواست آن حضرت را وداع کند «پروردگارا من امر به معروف و نهی از منکر را دوست دارم...»<sup>۲</sup> تا آخر دعای آن حضرت علیه السلام.

از خداوند می‌خواهم که شما را بر ادای واجب‌تان یاری بفرماید و امکان قیام

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۶

۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۸

به مسؤولیت‌تان که همانا وظیفه و مسؤولیت انبیاء و رسولان هست بدهد. خداوند یاور شما باد که او خوب مولی و خوب یاری کننده است. و السلام علیکم.

📖 برای برانگیختن احساس و عاطفه مردم، بعضی از خطباء و نوحه‌خوان‌ها در اثناء بیان واقعه کربلا مطالبی کذب و مبالغه‌آمیز می‌گویند آیا آن جازز است؟

بسمه سبحانه: بدان ای فرزندم خطابه و همچنین نظم شعر درباره واقعه کربلا و غیر آن تکلم به زبان حال را طلب می‌کند، آنچه که از خطباء در نثر یا در نظم می‌بینی همانا توضیح به زبان حال است، خطیب به امام علیه السلام یا یکی از ائمه علیهم السلام نسبت نمی‌دهد و همانا آن توضیح برای واقعه‌ای قطعی است، مادامی که از حدود شرعی خارج نشود محذوریتی ندارد، آیا شعر شاعر اهل بیت علیهم السلام دعبل خزاعی رضی الله عنه را نشنیده‌ای:

وَ قَدْ مَاتَ عَطَشَانَا بِشَطِّ فِرَاتٍ	أَفَاطِمُ لَوْ خَلَّتِ الْحُسَيْنَ مُجَدِّلاً
وَ أَجْرَبْتَ دَمْعَ الْعَيْنِ فِي الْوَجَنَاتِ	إِذَا لَلَطَمْتِ الْخَدَّ فَاطِمُ عِنْدَهُ
نُجُومَ سَمَاوَاتِ بَأَرْضِ فَلَاةٍ	أَفَاطِمُ قَوْمِي يَا ابْنَةَ الْخَيْرِ وَ أَنْدِي

ای فاطمه اگر می‌دیدی حسین علیه السلام را که در سنگلاخ زمین کربلا افتاده و جان مبارکش از بدن پاکیزه‌اش مفارقت کرده به کنار شط فرات، در آن وقت هر آینه بر روی خود می‌زدی. فاطمه نزد او اشک چشم را بر رخسار مبارک روان می‌گردانیدی، ای فاطمه برخیز ای دختر خیر البشر پس ندبه و نوحه بر ستارگان اوج عزت کن که در زمین کربلا به خاک مذلت افتاده‌اند.

و قصائد دیگری که در نزد امامان معصوم علیهم السلام خوانده شده و امام علیه السلام نیز متعرض آن نشده است.

📖 در ماه صفر مجلس عزای می‌خوانم و مصیبت امام حسین علیه السلام را به طور کامل بیان می‌کنم یعنی اینکه سنگ انداختن به جانب آن حضرت، تیر سه شعبه به سینه آن حضرت اصابت کردن و بریدن سر مبارک را. یکی از اهل علم بلند شد و به من اهانت کرد و گفت: این عمل را علما در غیر روز عاشورا حرام دانسته‌اند، برای روشن شدن مسأله چند سؤال دارم که امید دارم جواب بفرمائید:

اول: آیا خواندن مصیبت سیدالشهداء علیه السلام به طور کامل و بدون کم و کاستی و ذکر کردن سنگ و تیر سه شعبه و بریدن سر و بر بالای نیزه رفتن، در غیر روز عاشورا از ماه محرم حرام است یا اشکال دارد؟ و اگر اشکال دارد آیا محل اشکال نزد شما ثابت شده هست، دلیل آن چیست؟

بسمه سبحانه: شرعاً اشکالی ندارد و به سند معتبر منعی هم از جانب اهل بیت علیهم السلام وارد نشده است، بلکه به خاطر بزرگی مصیبت مقابل آنچه که ذکر کردی اهل علم و معرفت تلاش نموده‌اند که آن در دل‌ها سبک شمرده نشود چنانکه تکرار آن در مناسبت‌های مختلف اقتضای آن را می‌کند، از جانب عقلاء و اهل خیره ملتزم هستند که این مصیبت بزرگ و عظمی را جزء در یک روز از سال نخوانند به خاطر حکمتی که به آن اشاره کردم. والله الهادی.

دوم: مصیبت امام حسین علیه السلام را در غیر روز عاشورا به طور کامل خواندم، شخصی بلند شد و در مقابل مردم به من اهانت کرد و گفت: این عمل را علما حرام دانسته‌اند، اگر فرض بر صحت این گفته داشته باشیم آیا این اشکال به حرمت بر اهانت کردن او، آن هم در مقابل مردم نمی‌رسد؟

بسمه سبحانه: نمی دانم کسی که بر تو اعتراض کرده قصدش اهانت بر تو بوده باشد، چه بسا قصدش اهانت نبوده است بلکه قصد همان بود که در جواب سؤال قبلی اشاره کردیم، پس بر تو آسان باشد ای برادر، اگر چه بهتر این است که در خلوت به آنچه که ذکر کرده‌ای بیندیشی، و شاید بزرگی مصیبت از آنچه که ذکر کردیم باعث شده که او غفلت کند، پس بهتر این است که از او در گذری و کارش را به وجه نیکو تحمل نمائی. والله الموفق.

سوم: آیا مانع مردم از خواندن مقتل کامل در غیر روز عاشورا شویم، و بگوئیم که مراجع بزرگوار ذکر سنگ و تیر سه شعبه و سر بریدن و سر بالای نیزه رفتن را آسان نمی‌شمارند؟

بسمه سبحانه: شرعاً اشکالی ندارد و به سند معتبر منعی هم از جانب اهل بیت علیهم‌السلام وارد نشده است، بلکه به خاطر بزرگی مصیبت مقابل آنچه که ذکر کردی اهل علم و معرفت تلاش نموده‌اند که آن در دل‌ها سبک شمرده نشود چنانکه تکرار آن در مناسبت‌های مختلف اقتضای آن را می‌کند، از جانب عقلاء و اهل خیره ملتزم هستند که این مصیبت بزرگ و عظمی را جزء در یک روز از سال نخوانند به خاطر حکمتی که به آن اشاره کردم. والله الهادی.

چهارم: کسی که نذر کرده مصیبت را به طور کامل بخواند چه کار کند؟ آیا منتظر بماند تا روز عاشورای دیگر بیاید تا مصیبت امام حسین علیه‌السلام به طور کامل و بدون کمی و کاستی بخواند و در آن جریان سنگ و تیر سه شعبه و بریدن سر و بر بالای نیزه رفتن آن را بخواند؟

بسمه سبحانه: اگر نذر اختصاص به غیر روز عاشورا داشته باشد او شرعاً ملتزم

---

به آن است، اگر تخصیص به آن روز دارد به تحقیق رجحان آن فقط در روز عاشورا ثابت شد، همچنانکه گفتم به حرمت آن در غیر روز عاشورا فتوا نداده‌ایم.  
والله العالم.



## روایت زدن حضرت زینب علیها السلام سرش را بر محمل

📖 نظر حضرت عالی دربارهٔ صحت سند روایتی که وارد شده حضرت زینب علیها السلام پیشانی‌اش را بر چوبهٔ محمل زد و خون از سرش بیرون آمد چیست؟ آیا این روایت در نزد حضرت عالی ثابت شده است.

علامهٔ مجلسی رحمته الله می‌فرماید: در بعضی از کتب معتبره دیدم از مسلم گچکار نقل شده که گفت: ابن زیاد مرا خواست تا دارالاماره کوفه را تعمیر نمایم. در آن حینی که من درها را گچکاری می‌کردم ناگاه شنیدم فریادهائی از اطراف کوفه بلند شد. متوجه خادم خود شدم و گفتم: چه شده که کوفه دچار ضجه گردیده است!؟

گفت: الساعه سر یکی از خارجی‌ها را که بر یزید خروج کرده است آورده‌اند.

گفتم: آن خارجی کیست!؟ گفت: حسین بن علی علیه السلام است. من صبر کردم تا خادم خارج شد و آن چنان سیلی به صورت خود زدم که ترسیدم چشمم کور شود، سپس گچها را از دست خود شستم و از پشت قصر فرود آمدم و وارد کناسه کوفه شدم.

در آن حینی که من ایستاده بودم و مردم در انتظار ورود اسیران و سر

شهیدان بودند ناگاه دیدم تعداد چهل هودج بر پشت چهل شتر نصب شده که زنان و دختران فاطمه زهرا علیها السلام در میان آنها جای دارند. ناگاه حضرت علی بن الحسین علیه السلام را دیدم که سوار بر شتر عریان و خون از رگهای گردنش روان بود و آن بزرگوار در حالی که گریان بود اشعاری را می فرمود:

يَا أُمَّةَ السَّوْءِ لَا سُقْيَا لِرَبِّعِكُمْ	يَا أُمَّةَ لَمْ تُرَاعَ جَدَّتْنَا فِينَا
لَوْ أَنْتَا وَرَسُولُ اللَّهِ يَجْمَعُنَا	يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ تَقُولُونَا
تُسَيِّرُونَا عَلَى الْأَقْتَابِ عَارِيَةً	كَأَنَّكُمْ نُشَيْدُ فِيكُمْ دِينًا
بَنِي أُمِّيَةَ مَا هَذَا الْوُقُوفُ عَلَى	بَلِّغْكَ الْمَصَائِبِ لَا تَلْبُونُ دَاعِيَنَا
تُصَفِّقُونَ عَلَيْنَا كَفُّكُمْ فَرَحًا	وَأَنْتُمْ فِي فِجَاجِ الْأَرْضِ تَسْبُونَا
أَلَيْسَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَيَلِكُمْ	أَهْدَى الْبَرِّيَّةِ مِنْ سُبُلِ الْمُضْلِينَا
يَا وَقْعَةَ الطَّفِّ قَدْ أَوْزَيْتَنِي حَزَنًا	وَاللَّهِ يَهْتِكُ أَسْتَارَ الْمُسَيِّئِينَا

۱- یعنی ای امت بد رفتار خدا شما را از باران رحمت خود سیراب نکند ای امتی که احترام جد ما را در باره ما مراعات نکردید.

۲- اگر روز قیامت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله را جمع کند شما در جواب ما چه خواهید گفت!!

۳- شما ما را بر پشت شتران بی جهاز می گردانید. گویا: ما آن افرادی نیستیم که پایه دین را برای شما محکم کرده باشیم!

۴- ای گروه بنی امیه! این چه توقفی است که شما در باره مصائب ما می کنید و جواب ما را نمی دهید.

۵- شما برای خوشحالی که دارید بر علیه ما کف می زنید و در زمین به ما ناسزا می گوئید!

۶- وای بر شما! آیا جد من پیامبر خدا نیست که بشر را از طریق گمراهی

به شاه راه هدایت راهنمایی کرد؟

۷- ای واقعه کربلا حقا که تو غم و اندوه را به ارث به من دادی. خدا پرده افرادی را که با ما بد رفتاری نمودند پاره خواهد کرد.

اهل کوفه به کودکانی که در میان محمل‌ها بودند خرما و نان و گردو می‌دادند. ولی ام کلثوم بر آنان فریاد زد و فرمود: «یا اهل الکوفة ان الصدقة علينا حرام» یعنی ای اهل کوفه صدقه بر ما حرام است. بعدا آن بانو آن نان و خرماها را از دست و دهان کودکان می‌گرفت و به روی زمین می‌ریخت. اهل کوفه با این جنایاتی که در باره آنان کرده بودند برای مصیبت ایشان گریه می‌کردند.

سپس ام کلثوم سر خود را از محمل خارج کرد و به اهل کوفه گفت: ای اهل کوفه! آرام باشید. مردان شما ما را می‌کشند و زنان شما بر ما گریه می‌کنند؟! خدا در روز قیامت بین ما و شما داوری خواهد کرد. در آن حینی که آن بانو آنان را مخاطب قرار داده بود ناگاه صدای ضجه بلند شد و سر شهیدان را که سر امام حسین علیه السلام در جلو آنان بود آوردند. سری بود نورانی، نظیر ماه، شبیه‌ترین مردم بود به رسول خدا صلی الله علیه و آله محاسن شریف امام حسین نظیر شبه مشکی و رنگ خضاب از آن رفته بود. صورت آن حضرت مثل ماه تابان و گرد بود.

نیزه سر و محاسن آن امام مظلوم را به طرف راست و چپ حرکت می‌داد. هنگامی که زینب علیها السلام متوجه سر مبارک امام حسین علیه السلام شد «فنطحت جینها بمقدم المحمل». یعنی پیشانی خود را به نحوی به جلو محمل زد که دیدم خون از زیر مقنعه آن بانو خارج شد. سپس با یک قطعه پارچه به سر امام

حسین علیه السلام اشاره کرد و این اشعار را می خواند:

يَا هَلَاكًا لَمَّا اسْتَمْتُمْ كَمَا لَأَ      غَالَهُ خَسْفُهُ فَأَبْدَأَ غُرُوبًا  
مَا تَوَهَّمْتُ يَا شَقِيقَ فُوَادِي      كَانَ هَذَا مَقْدَرًا مَكْتُوبًا  
يَا أَخِي فَاطِمَ الصَّغِيرَةَ كَلِمَهَا      فَقَدْ كَادَ قَلْبُهَا أَنْ يَذُوبًا

۱- ای ماه شب اول، اکنون که به سر حد کمال رسید خسوف او را به ناگهانی ربود و غروب او را ظاهر نمود.

۲- ای پاره قلبم! من گمان نمی کردم که این مصیبت عظمی مقدر و نوشته شده باشد.

۳- ای برادر من با فاطمه صغیره تکلم کن. زیرا نزدیک است که قلبش آب شود.<sup>۱</sup>

بسمه سبحانه: روایت در مقاتل و کتاب های سیر موجود و مرسل است، و صحت سند آن با موازینی مورد اعتماد که در علم داریه و رجال آمده سخت است، کسی که آن را می خواند به مصدرش ارجاع دهد، مصیبت هایی که بر اشرف زنان بعد از حضرت زهرا علیها السلام از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله جاری شد و بدان مبتلا گردید، و آنچه که درباره اتفاق افتاده روایت شده هیچ بعید نیست، و لکن آن جواز برای قمه زنی یا رجحان آن نیست، همانا قمه زنی را به مقتضای ادله فقهی دیگری مباح می دانیم و اینجا محل ذکر آن نیست. والله الهادی.

📖 آیا حضرت زینب علیها السلام عقیده طالبین بی صبر بود یا صابری شجاع، چگونه میان دو صفت جمع می شود که می گویند آن حضرت گریه کرد، بی صبری نمود، محزون شد و در جاهائی شجاع بود، این چگونه است؟

بسمه سبحانه: جاها مختلف است چرا که آن حضرت علیه السلام بلا شک شجاع بود بلکه او شیری از بیت هاشمی بود، آن مصیبت‌ها کوه‌ها را به اضطراب در می‌آورد، پس غلبه کردن حزن، اندوه، و رقت یافتن قلب از اقتضای طبع بشری است، پس گریه و حزن و مانند آن دو از اعمالی است که منافات با شجاعتی که متمثل با صبوری که خضوع را برای اوامر خداوند سبحان و عدم ذلت و خواری برای دشمنانش مجسم می‌کند ندارد. والله الهادی.

**صحیح** روایت که می‌گوید حضرت زینب علیها السلام هنگامی که سر مبارک امام حسین علیه السلام را دید سرش را بر چوب محمل زد طوری که خون از زیر مقنعه آن حضرت جاری شد، آیا استدلال به این روایت در حکم شرعی صحیح است؟

بسمه سبحانه: این روایت در کتاب‌های سیر هست، استدلال به آن روایت در حکم شرعی ممکن نیست، ای فرزندم مبدا خیال کنی که جواز قمه‌زنی و زنجیرزنی آن هست بلکه رجحان آن دو با شرائط مورد اعتماد در آن و در شرعیت آن که در محل خودش ذکر کرده‌ایم می‌باشد. والله العالم.



## دفن کردن امام سجاده علیه السلام بدن های شریف را

📖 آیا امام زین العابدین علیه السلام در دفن پدرش امام حسین علیه السلام در روز سیزدهم ماه محرم در کربلا حاضر شد و در دفن آن حضرت با بنی اسد شرکت نمود، یا اینکه حاضر نشد و امام حسین علیه السلام و اصحابش را بنی اسد دفن کردند؟ بنی اسد چگونه بدن مبارک حبیب بن مظاهر اسدی و علی اکبر و قاسم و عباس علیهم السلام و دیگر بدن ها را می شناختند با توجه به اینکه آن بدن ها بدون سر بود و آنها در معركة جنگ نبودند، و چگونه ترتیب دفن بدن ها در قبرها که الآن هست را شناختند؟

بسمه سبحانه: آنچه که معلوم هست این است که دفن بدن های مبارک با اشراف امام زین العابدین علیه السلام که به وسیله اعجاز از کوفه به کربلای مقدسه آمد بود. والله العالم.

📖 امام سجاده علیه السلام چگونه به کربلا رسید و امکان این را یافت که بدن های مطهره را دفن نماید؟

بسمه سبحانه: به وسیله اعجاز و قدرت الهی که به آن حضرت موهبت شد رسید و آن بزرگوار در آن لحظه برای تحقق دفن بدن های شریف آن را به کار برد. والله العالم.

۱۱ زیاد از خطبا می شنویم که آقای ما عبدالله رضیع حضرت علی  
 اصغر علیه السلام را امام حسین علیه السلام بین خیمه ها دفن نمود و بعد از آن دشمنان بدن  
 آن بزرگوار را بیرون آورده و سرش را بردند، آیا این گفته صحیح است؟  
 بسمه سبحانه: بدان ای فرزندم شناخت سندی مفصل برای اتفاقات دردناک  
 کربلا از طرق معتبر امری بسیار سخت و دشوار است و لکن آنچه که در بعضی  
 از کتابها موجود است امام علیه السلام آن طفل را با شهدای اهل بیت علیهم السلام گذاشت.  
 والله العالم.



## احکام متعلق به مراقب مقدسه

📖 از حضرت عالی مطالبی دیدم که فرموده بودید: مؤمن در نزد خداوند از کعبه مشرفه گرامی تر است بلکه کرامتش بیشتر از ستارگان و مجموعه شمسی است، حال سؤال این است آیا مؤمن نزد خداوند کرامتش بیشتر است یا ضریح ابی عبدالله الحسین علیه السلام؟

بسمه سبحانه: بر مؤمنین واجب است که با روح و مالشان از امام حسین علیه السلام و ضریح مقدسش دفاع کنند، و ما فدای ضریح امام حسین علیه السلام هستیم. والله العالم.

📖 فائده طواف در اطراف ضریح ائمه علیهم السلام و اینکه مردم بدن هایشان را بر ضریح می زنند چیست؟ چرا که ضرورتی در آن نمی بینم، و همچنین مردم در هر زمان که می ایستند «یا علی» و «یا حسین» می گویند و «یا الله» نمی گویند که آن شرک به خداوند هست و از گناهان کبیره است، که ائمه را عبادت می کنند، خداوند اجرت دهد در این باره نظرتان را بفرمائید؟

بسمه سبحانه: من از شما سؤال می کنم که فائده طواف کعبه چیست؟ آیا تو کعبه و دیوارهای آن را عبادت می کنی؟ پناه بر خدا آیا کعبه خداست؟ پناه بر خدا آیا بوسیدن حجر الاسود بوسیدن خداست؟ آیا دست کشیدن بر دیوار و ارکان

کعبه مسح کردن خداست؟ برای چه بر این گونه اعمال حکم به شرک نمی‌کنی؟ سپس بدان اینکه عبادت عبارت است از عبادت کردن خداوند و اظهار عبودیت می‌باشد، آیا شیعه‌ای دیده‌ای که یکی از معصومین علیهم السلام را - العیاذ بالله - خدا بداند، طواف در اطراف ضریح همانا اظهار دوستی و تعلق داشتن به امامی هست که در آنجا مدفون است، از اهل بیت علیهم السلام وارد شده که به بوسیدن ضریح اهل بیت علیهم السلام اذن داده‌اند، و ائمه علیهم السلام حکم نداده‌اند مگر به حکم جدشان رسول خدا صلی الله علیه و آله که از خداوند سبحان گرفته است. شرک آن است که برای خداوند سبحان نظیر و هم‌تائی قرار دهی، و برای غیر خداوند سبحان صفاتی را اختصاص دهی که مختص خداوند سبحان هست، اگر مجرد بوسیدن شرک باشد پس انسان در بوسیدن فرزندان و اهلش مشرک می‌شود، ای صاحبان خرد عبرت بگیرید، و اینجا جزوه‌ای «نور علی الدرب» برای عموم خادم حسین جعفری هست که نسخه‌ای از آن در اینترنت در سایت ما هست، آن را بخوان شاید خداوند تو را به راه راست هدایت کند. والله الهادی.

**📖 سرورم آیا جائز است بعضی از اشیاء قدیمی حرم امام حسین علیهم السلام و حضرت عباس علیهم السلام را مانند سجاده و چراغ و غیر آن که کار کرده و دست دوم هستند را در مساجد و حسینیه‌ها و هیئت‌های حسینی مورد استفاده واقع شود؟ با علم به اینکه اینها وسائلی هست که بعد از آماده کردن وسائل جدید و تازه دیگر نیازی به آن نیست؟ نظرتان را بفرمائید که خداوند اجرتان بدهد.**

بسمه سبحانه: اینها اشیائی هستند که شرعاً برای استفاده حرم داده شده است، و اگر ممکن نباشد که آنها را در داخل حرم یا داخل صحن مورد استفاده قرار داد امکان این را دارد که در بیرون از صحن برای زواری که قصد حرم شریف را دارند مورد استفاده واقع شوند، اگر به فرض اینکه نشود در مکانی نزدیک و یا

دور از حرم برای خدمت زوار استفاده کرد که جداً فرضی بعید است واجب است واجب است که اوامر تولیت حرم را امتثال کنند و سزاوار است که از حاکم شرع هم اذن بگیرند. والله العالم.

📖 **خدامان حرم مقدس زائرین را از عزاداری در اماکن معین اطراف ضریح مانع می‌شوند، یا آنها را از خواندن تعزیه نزدیکی ضریح امام علیه السلام یا اماکنی که نزدیک به آن هست مانع می‌گردند، و نیز از خوردن در صحن شریف منع می‌کنند، آیا خادمان می‌توانند در این گونه موارد مانع شوند؟ آیا زائر آزادی کامل دارد در هر جائی که مناسب ببیند مثل نماز هر جا که اراده کند بخواند، و همچنین حق خوردن و خوابیدن دارد؟ هرگاه که خادمان زوار را از این گونه کارها مانع می‌شوند آیا این برخورد جائز است؟ آیا بر آنها جائز است که اجرتی بگیرند؟**

بسمه سبحانه: هر عملی که با قداست مکان و نظم حفظ حرم و سلامت زائرین منافات نداشته باشد جائز است، و هر چیزی که غیر اینها باشد از آن مانع می‌شود. والله العالم.

📖 **هرگاه زنی که چادر یا جوراب ندارد آیا جائز است که از وارد شدن او بر مشهد مقدس امام علیه السلام مانع شوند، آیا مقابل این عمل که داخل نشود مستحق اجر و ثواب می‌شوم؟ یا من از اینکه مانع او شده‌ام گناهکار هستم؟**

بسمه سبحانه: در صورت امکان و بدون ایجاد فتنه و آشوب با اخلاقی خوش و برخوردی نیک و رفتاری مناسب با زائرین، از وارد شدن این گونه زنها به داخل اماکن مقدسه مانع شوید. والله العالم.

📖 در اثناء تفتیش بدنی در مشهد مقدس امام علیهم السلام بعضی از حالات حرامی را ملاحظه می‌کنم، مثلاً لاک ناخن زنها یا جوراب نازکی که پوشیده‌اند یا عدم پایبندی به حجاب صحیح، آیا فقط اکتفا به تفتیش خود بکنم و او را به تقید داشتن و ملتزم بودن به ضوابط شرعی از باب امر به معروف و نهی از منکر نصیحت نکنم و گناه را تحمل کنم؟  
بسمه سبحانه: امر به معروف واجب و ترکش گناه است. والله العالم.

📖 نظر حضرت عالی به برخورد با زائرین چیست؟ فرمایشات و نصایح شما در این خصوص چیست؟

بسمه سبحانه: سزاوار است که بدانیم زائر مهمان امام علیهم السلام و خادمان آن حضرت است، سزاوار است که ملتزم به آداب اسلام و اخلاق مورد پسند شرع و رفتاری نرم در تطبیق احکام شریعت مقدس باشد، شایسته است خادم مشهد امام علیهم السلام سعه صدر و رفتاری نیکو داشته باشد و با عمل خود به سوی خداوند و دین الهی فرا بخواند نه با گفتارش، سزاوار نیست که در عمل و گفتارش تناقض داشته باشد، و اینکه در خدمت مشهد و زائر آن حضرت قصد قربت به خداوند را داشته باشد. والله ولی الموفق.

📖 آیا بر خادم حرم مقدس جائز است که در اوقات فراغت زیارت و دعا بخواند؟  
بسمه سبحانه: هرگاه با وظیفه‌اش تراحم و تعارض نداشته باشد جائز است. والله العالم.

📖 آیا بردن مهر تربت حسینی علیهم السلام را از مکانی به مکانی دیگر جائز

است؟ مثلاً از داخل حرم مطهر به صحن شریف یا اتاق‌های تفتیش ببرند؟  
بسمه سبحانه: هرگاه مانع از جهت وقفی نداشته باشد اشکالی ندارد. والله  
العالم.

📖 آیا نماز بچهٔ ممیز در کنار مادرش در قسمت زنانه که برای زائرین  
حرم امام علیه السلام هست باعث بطلان نماز مادر و دیگر زنان زائر که محاذی با او  
هستند می‌شود؟ آیا خادمان حرم مقدس مکلف هستند مانند این را که دیدند  
از آن جلوگیری کنند؟ و اگر چیزی نگفتند گناه کرده‌اند؟ در این هنگام تکلیف  
شرعی چیست؟ آیا از حیث واجب تکلیفی یا از حیث واجب شرعی مستحق  
اجر و ثواب هست؟

بسمه سبحانه: واجب است که در نماز مرد از زن جلوتر باشد، و این مسأله  
اختلافی است، احتمال دارد زنی که نماز می‌خواند مقلد کسی باشد که آن را  
واجب نمی‌داند پس متوجه کردن او واجب نیست، اگر خادم بفهمد که او از کسی  
تقلید می‌کند که آن را جائز نمی‌داند از باب امر به معروف واجب است که او را  
آگاه کند، که اگر امر به معروف نکند گناه کرده است، و علاقه‌ای برای او در عمل  
به وظیفه نیست مگر زمانی که داخل در ضمن آن باشد، و اجر بر وظیفه‌ای است  
که مستحق آن می‌شود. والله العالم.

📖 حکم شرعی تفتیش پسر بچهٔ ممیز از طرف زن چیست؟ حکم کسی  
که شک در ممیز بودن بچه دارد چیست؟ آیا با او هم برخورد بچهٔ ممیز بکند  
یا نه؟

بسمه سبحانه: با اختیار جائز نیست. والله العالم.

📖 هرگاه بچه‌ای پوشک نشده باشد، و امکان دارد که در اثنای وارد شدن به صحن امام علیهم السلام یا حرم شریف نجاستی از او سر بزند، آیا شرعاً جایز است زن همراه او را از وارد شدن بر حرم مانع شد؟

بسمه سبحانه: واجب است که از مشاهد مقدسه محافظت شود، بر زائرین هم لازم هست که به نصایح و گفته‌های خادمین حرم که حدود شرعی را می‌گویند ملتزم باشند، پس هرگاه زائری ملتزم نشد بر ناظمین زیارات است که حرمت و کرامت و مقدس بودن مشاهد مقدسه را تضمین کنند. والله العالم.

📖 آیا جایز است که مقداری از مال موجود در ضریح را به عنوان حق امام و حق هاشمیون خارج کنند؟

بسمه سبحانه: اموال هدیه داده شده به صاحب ضریح شرعاً مخصوص اوست، پس اگر مشهدی زیر نظر حاکم شرع اداره شود بدون اجازه او به آن دست نمی‌زنند. والله العالم.

📖 بنا بر نظر حضرت عالی حکم وارد شدن شخص حائض یا جنب به صحن امام علیهم السلام چیست؟ آثار مترتبه بر وارد شدن به نسبت به کسی که داخل آن است چیست؟

بسمه سبحانه: اما وارد شدن بر صحن اشکالی ندارد، ولی نباید به ضریح داخل شود. والله العالم.

📖 اخیراً شنیدم که شروع به ساختن ضریح دومی برای امام حسین علیهم السلام در شهر مقدس قم شده است که در بزرگی مشابه به ضریح فعلی امام علیهم السلام هست، آیا انجام دادن آن جایز است؟ آیا زیارت این ضریح و قصد کردن و

تبرک به آن جازز است؟ یا اینکه مردم را از مقصد حقیقی شان پراکنده می کند؟  
نظرتان را بفرمائید که خداوند اجرتان دهد.

بسمه سبحانه: زیارت امام علیه السلام در کربلا امری مستحب و مورد پسند است و همچنین است سائر تعهدات مالی که مطلوب است، کامل کردن ضریح هم امری مطلوب و مورد پسند است و جازز نیست در حال تعهدات آنها مستحب را بر واجب مقدم نمود.

سپس اگر مقصود از آن ضریح این است که به کربلا بفرستند تا در جای ضریح قدیمی بگذارند این امری زیباست، و اگر چه مقصود و گذاشتن آن در هنگام ساختن مانند شبیه به ضریح امام حسین علیه السلام باشد مانع ندارد، و لکن بر آن احکام ضریح امام حسین علیه السلام جاری نمی شود، والله العالم.

📖 برای زیارت دو امام مظلوم عسکرین علیهما السلام ایستاده بودم ملاحظه کردم که زائرین از خاک های ساختمان موجود در آنجا برای تبرک بر می دارند، آیا این عمل آنها جازز است یا این خاک ها وقف شده است و بر ما واجب است که آن را به جای خودش برگردانیم؟

بسمه سبحانه: اگر مقداری کمی برای تبرک برداشته شود اشکالی ندارد به شرطی که امکان اینکه در ترمیم دو قبه شریف مورد استفاده واقع شود را نداشته باشد. والله العالم.





## وقف و تولیت آن

📖 در شهر و منطقه‌ای مشخص وقفیاتی به اسم امام حسین علیه السلام و حضرت عباس علیه السلام هست که در همین شهر و منطقه موردی برای استفاده آنها نیست آیا جائز است آنها را در جائی دیگر مصرف نمود؟

بسمه سبحانه: جائز است، و لکن سزاوار است که در راه امام حسین علیه السلام و آنچه که اختصاص به آن حضرت دارد، و در راه حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و آنچه که اختصاص به آن بزرگوار هست مصرف شود، مانند برپا داشتن عزاداری و صرف آن بر زوار قبر آن دو بزرگوار. والله العالم.

📖 از بعضی از مؤمنین شنیده‌ام که جائز نیست وسائل موقوفه برای امام حسین علیه السلام را در مناسباتی که ارتباط به امام حسین علیه السلام ندارد استفاده نمود، حتی در مناسباتی که برای سائر معصومین علیهم السلام هست یا در مناسبت‌های عمومی، هرگاه آنچه که شنیده‌ام صحیح باشد پس واقف را به چه چیز نصیحت می‌فرمائید؟

بسمه سبحانه: واجب است موقوفات را در جائی به کار ببندند که در همان جهت وقف شده است، و اگر بالفرض از برای سیدالشهداء علیه السلام وقف شده باشد جائز نیست که آن را در معصومی دیگر به کار برد و بالعکس.

اما نصیحت به نسبت به انشاء جدید وقف نفع برده می شود اما وقف سابق واجب است در همانی که وقف شده مورد استفاده شود، و نصیحت ما به وقف کنندگان این است که وقف به خاطر وفا به نذر است مثلاً شخصی نذر می کند که اگر خداوند به زودی به او فرزندی روزی کرد فلان چیز را برای خدمت سیدالشهداء علیه السلام وقف می کنم، پس در این صورت واجب است که به نذر خود مقید شود، و اگر وقف ارتباطی به نذر ندارد پس افضل این است جهت وقف شده شامل همه معصومین علیه السلام باشد تا خدمت گذاران اهل بیت علیهم السلام در حیرت و سرگردانی واقع نشوند و در برخورد با موقوفات به حرج و سختی نیفتند. والله العالم.

📖 آیا در تصرف و در اختیار گرفتن عزاداری از جانب گروهی جائز است با توجه به اینکه صاحب عزاداری و وصی او موجود هست؟ آیا می توان محل عزاداری را بعد از تصرف غصب کنند یعنی شبانه قفلش را تغییر دهند بدون اینکه وصی و رئیس متوجه آن شود؟ آیا بر پا داشتن شعائر دینی در آن محل جائز است؟ آیا بر زنان جائز است که در آنجا مراسم شادی بر پا کنند در حالی که وقف برای مردان شده است، مستنداتی هست ثابت می کند که چنین هست؟

بسمه سبحانه: واجب است که از موقوفات ضمن شرایط وقف محافظت کنند، جائز نیست که بر واقف و بر متولی شرعی تعدی کنند مادامی که متعهد و توانا به اداره آن وقف را در ضمن شروطش دارد، سپس بدان ای فرزندانم واجب است این نزاعها و دعواها را که اشاره کردی به وسیله تفاهم و مصالحه و از طریق صاحب نفوذان منطقه حل نمود تا فتنه از بین برود. والله الهادی.

📖 در منطقه‌ای که الآن هستم اختلاف شدیدی دربارهٔ محل عزاداری هست که این محل وقف بر منطقه شده است، و بیشتر از شصت سال است که خانواده‌ای آن را اداره می‌کردند، نمی‌دانم سرپرستی آنها حقیقتاً ثابت بود یا نه، و لکن ادارهٔ امور این محل و باز کردن در آن و حساب دخل و خرجش همه به دست آنها بود، پنج سال هست که افرادی در منطقه بلند شده‌اند و این خانواده را متهم می‌کنند که آنها از این محل برای اغراض شخصی خود بهره می‌برند یعنی اینکه این خانواده بر وقف و ولایت آن تعدی می‌کنند، و اقدام به تعویض قفل کرده‌اند و آن خانوادهٔ یاد شده را از تصرف در هر چیز محل عزاداری منع نموده‌اند.

سؤال من این است آیا وارد شدن بر محل عزاداری جائز است یا بنا بر فرض ولایت آن خانوادهٔ یاد شده آن محل غصب شده است یا اینکه چون محل عزاداری وقف شده است بنا بر مسألهٔ ولایت و اداره تأثیری در وارد شدن و خارج شدن ندارد؟

بسمه سبحانه: تولیت و ولایت بر وقف از سوی واقف در هنگام وقف و انشاء صیغهٔ آن معین و مشخص شده است، اگر تولیت این‌گونه محقق نشود پس لازم است که حاکم شرع متولی و کسی که در آن تصرف کند و محافظت نماید معین کند، اگر از دست‌رسی به حاکم شرع عذر داشتند، از مؤمنین منطقه کسی را مشخص می‌کنند که ادارهٔ وقف و محافظت کردن از آن را تا هنگام دست‌رسی به حاکم شرعی یا وکیلش بر عهده بگیرد.

مؤمنین را نصیحت می‌کنم که این مسأله را به وسیلهٔ تفاهم حل کنند و اینکه اختلاف و پراکندگی آنها باعث نشود که موجب مسخرهٔ مخالفین و شماتت دشمنان واقع شوند، والله العالم و هو الموفق للخیر و الصلاح.

📖 آیا جائز است در محلی که اختصاص به عزاداری هست تنیس بازی

کنند؟

بسمه سبحانه: اگر مکان وقف بر اقامه عزاء و مانند آن شده باشد جائز نیست.

والله العالم.

## ندورات و اطعام کردن

📖 برای امام حسین علیه السلام قربانی ای را نذر کردم و مشخص کردم که اگر مطلب معین من تحقق پیدا کند در داخل روستا ولیمه ای بدهم، هنگامی که حاجت من محقق شد آن را به یک هیئت حسینی علیهم السلام دادم آیا اشکال دارد؟ اگر اشکال دارد حل آن چیست؟

بسمه سبحانه: اگر هیئت در محل نذر باشد اشکالی ندارد. والله العالم.

📖 یکی از برادران مؤمن، متعهد به اقامه عزای حسینی علیه السلام شده است، قربانی ای را در آن ذبح می کند و در هر سال در خانه خودش آن عزا را بر پا می کند، ولی امسال آن را به یکی از هیئت های حسینی علیهم السلام داد که در میان زوار حسین علیه السلام توزیع گردد، آیا آن اشکال دارد یا نه؟

بسمه سبحانه: بنا بر فرض سؤال اشکالی ندارد مگر اینکه نذر شرعی بر عهده او بوده باشد که به این صورت انجام دهد در این هنگام تقید داشتن به نذر واجب است. والله العالم.

📖 بعضی از افراد هیئت ها در یکی از مناسبات دینی به خاطر زیادی غذا که نیاز همه زائرین برطرف شده و اضافی آمده است، آن غذاها را می برند

و به خانواده‌های فقیر و نیازمند می‌دهند، آیا در این عمل آنها زنده نگه‌داشتن شعائر امام حسین علیهم السلام هست؟

بسمه سبحانه: هرگاه از زائرین و برپاکندگان عزا چیزی اضافه آمده باشد موردی ندارد، عملی نیکوست که به خانواده‌های مؤمن فقیر و تنگدست بدهند، کننده این کار نیز اجر و ثواب می‌برد. والله المسدد للصواب.

📖 حکم اموال زیادی که بعضی از اشخاص برای احیاء شعائر امام حسین علیهم السلام می‌دهند ولی نه خمس می‌دهند و نه زکات چیست؟  
بسمه سبحانه: واجب است خمس آن مالی که برای احیاء شعائر داده جدا شود. والله العالم.

📖 آیا نذر و کمکی که کسی در ماه محرم می‌دهد ولی خمس نمی‌دهد را قبول کنند؟ و آیا گرفتن آن اشکال دارد؟  
بسمه سبحانه: نذرها را قبول کنند و خمس آن در ذمه نذر دهنده باقی می‌ماند. والله العالم.

📖 بعضی از موادی که بعضی از مؤمنین برای مراسم عزاداری می‌دهند هدیه هست نه وقف یا نوعی هدیه برای برپا داشتن مراسم عزاست، و احیاناً نذر باشد، و احیاناً عرفاً برای تقرب جستن به اهل بیت علیهم السلام هست، و همچنین عکس و صورت‌های گوناگونی هم که می‌دهند، حال سؤالم این است چیزهایی که آن قدر زیاد می‌شود و روی هم انباشته می‌گردد که به حد تلف می‌رسد حکم آن چیست مانند:

أ- اینکه اضافه بر نیاز و باقی ماندن آن با گذشت زمان باعث تلف آن

می شود به خاطر اینکه مورد استفاده واقع نمی شوند پس غیر نافع برای به کار بردن برای آن کاری که اختصاص دارد می شود.

ب- اینکه اضافی آمده و برای مراسم هم استفاده نمی شود به خاطر زیادی که آمده است و محدوده زمانی هم برای استفاده کردن دارد که بعد از آن از بین می رود مانند طعام.

ج- احياناً مراسم عزا از اساس احتیاجی به آن ندارد و مورد احتیاج مراسم یا برطرف کردن حوائج آن نیست؟

بسمه سبحانه: به اموالی که اشاره کردی از صاحبانش گرفته شود و تصریح کنند که اگر چیزی اضافه آمد و از تلف شدن و از بین رفتن آن ترسیدند به هیئت دیگری که احتیاج دارد هدیه می کنند یا آن را می فروشند و قیمتش را نگه می دارند برای مراسمی که در همین امسال بر پا می شود یا در سال های آینده مورد استفاده قرار می گیرد.

و اگر در نزد شما این گونه اموالی هست و نمی دانید که چه کسی آن را داده است با اجازه حاکم شرع آن را آن گونه که گفتم تصرف کنید به اعتبار اینکه او ولی امام غائب علیه السلام است. والله العالم.

**حکم اسراف در توزیع خوردنی ها و آشامیدنی ها که مانند برکت هستند و بیشتر این اسراف ها درباره برنج است که به اشغال دانی می ریزند چیست؟**

بسمه سبحانه: سزاوار است در حفظ آنچه که پخته می شود احتیاط شود و در میان فقرا توزیع گردد. بله اگر بدون قصد باشد زیانی در آن نیست چنانکه چه بسا آن عادتاً در خانه ها و بین خانواده ها اتفاق می افتد. والله العالم.

1

2

3

4

5

6



## وسعت پیدا کردن زمانی روز عاشورا

📖 آیا وسعت زمانی برای روزی مانند روز کربلا هست که وسعت پیدا کند چنانکه ارباب مقاتل بر کشته شدگان به دست اهل بیت علیهم السلام مطرح می‌کنند، از روی قواعد زمانی در این نیست که امام علیه السلام آنچه که در مقاتل نقل شده تعدادی را بلکه بیش از آن را بکشد، و لکن در محض آن وقت آیا وسعت پیدا می‌کند مثلاً هزار نفر را در یک وقت بکشد - و بنا بر اقل تعدادی را بکشد -، کسی از آن سؤال جواب داد که شیخ دربندی صاحب کتاب اکسیر العبادات جواب داده که خداوند در آن روز زمان را نگه داشت که کشتن این تعداد سهل و آسان شود، و الا اگر آنچه را که کتاب‌های مقاتل از تعداد کشته شدگان مطرح کرده‌اند نیست مگر اجتهاد از جانب خود مؤلف، نظرتان را بفرمائید که خدا اجرتان دهد.

بسمه سبحانه: بدان ای فرزندم روایاتی که فاجعه کربلا را برای ما حکایت می‌کند حق با باطل در آمیخته است، چنانکه سزاوار است بدانی که توان بشری و قدرتی که بر قتال در جوانان امروزی ما از کم به زیاد نزد آن زمان بوده است، و الا اگر در این شک باز شود به جنگ‌های رسول صلی الله علیه و آله هم سرایت می‌کند، چنانکه سزاوار است بدانی که فقهای زنده یا آنهایی که از دنیا رفته‌اند به صحت همه روایات حکم نداده‌اند. خطباء را به آنچه که بیان می‌شود توصیه می‌کنم:

۱. از ذکر روایاتی که اهمیت واقعه را نزد عقلاء سبک می‌کند اجتناب کنند.

۲. از روایاتی که با قدسیت امام و عصمت آن حضرت تناسب ندارد اجتناب

نمایند.

۳. اینکه هر چیزی که روایت شده تا زمانی که سند معتبر نداشته باشد با جزم و اطمینان نگویند، و با عدم جزم به صحت، آن روایت را به مصدری که از آن نقل می‌کند نسبت دهد تا خودش را از دروغ گفتن باز دارد.

۴. اخبار صحیح در این باره جداً محدود است.

۵. بعید نیست که سبب در زیادی کشته‌ها برخورد لشکریان با همدیگر باشد به خاطر حمله بر آنها از جانب یکی از مجاهدین از یاران امام حسین علیه السلام و همچنین هنگامی که امام علیه السلام خودش می‌رفت، و آن بعید نیست به حیثی که برخورد مردم را در هنگام ازدحام آنها مشاهده می‌کردند و اینها آنها را دور می‌کردند که موجب کشتارشان می‌شد چرا که هر یک از آنها مجهز به شمشیر و تیر و نیزه و ابزار جنگی بوده‌اند.

۶. به تحقیق آنچه که با خیالشان می‌بافند با روایات در آمیخته‌اند، یعنی هر آنچه را که از خطباء شنیده‌اند آن را به طور جزم به مرثیه در آورده‌اند، سزاوار است گفتاری را که می‌شنویم طوری نباشد که کرامت امام و عظمت نهضتش را از بین ببرد، و چنانکه اشعاری را که می‌شنویم بر انگیزنده عاطفه و حزن و اندوه در دل‌ها باشد که غایتش گریه بر امام علیه السلام است، به خاطر اینکه شعله‌های نهضت حسینی علیه السلام در دل‌ها برافروخته گردد برای اینکه بر این معنی ائمه ع علیهم السلام ندبه کرده‌اند، به درستی که این نهضت در دل‌ها زنده باقی مانده است ارتباط با عواطف دارد که با روح مؤمنین یکی شده است، و در آن ضمانت استمرار دین است، چنانکه آن بر کشف جنایت‌های دشمنان دین کمک می‌کند، ستمکاران را خوار و ذلیل می‌کند، تخت و عظمت آنها را به لرزه در می‌آورد، و برای همین می‌بینید که آنها از استمرار انقلاب حسینی در دل‌ها می‌ترسند، و الا گریه مؤمن در خانه یا در خیابان یا به خاطر امام حسین علیه السلام بر سینه زدن چه ضرری بر ظالم و ستمکار دارد، در حالی که آن زدن بر صورت شخص ظالم که نیست.

بدان اینکه امام حسین علیه السلام چراغ هدایت و کشتی نجات است و آن وسیع‌ترین کشتی‌ای است که خداوند سبحان برای نجات مؤمنین آماده کرده است. والله العالم.

## اعمال شب و روز عاشورا

📖 حکم روزه عاشورا را با احادیث روایت شده نزد فریقین به طور

کامل بیان بفرمائید تا بتوانم مخالفین را رد کنم؟

بسمه سبحانه: بدان ای فرزندم اگر تو حکم آن را می‌خواهی که به آن عمل کنی پس فتوا که از روایات نقل شده فقط از طریق خاصه است و آن مختلف است با گوناگونی آن در سایه قواعد اصولی، رای ما بر حرمت روزه روز عاشورا است، بله انسان اگر خوردن و آشامیدن را از طلوع فجر تا عصر ترک کند اجر و ثواب می‌برد و بعد از عصر چیز کمی بخورد و از غذاهای لذیذ و خوشمزه اجتناب نماید، و رفتارش رفتار مصیبت زده باشد، روایات موجود در کتاب وسائل الشیعه ج ۷ از چاپ بیست جلدی و روایاتی دیگر در کتاب «کامل الزیارات» محمد بن قولویه است که به آن دو کتاب رجوع کن که هدایت کننده و راهنمایی کننده است.

و اگر قصد شناخت روش مناظره و مجادله با مخالفین است ای برادر بدان که آنها روایات گوناگونی از طرق مختلف دارند که بنی امیه و پیروان آنها ساخته‌اند و به دروغ و بهتان به رسول اعظم ﷺ نسبت داده‌اند و به آن روایات استدلال می‌کنند که روزه کامل روز عاشورا مستحب است، اگر خواستی به کتاب‌هایشان رجوع کن، و لکن قبل از اینکه زمینه علمی، اصولی، فقهی، لغوی، روائی و درائی

با استواری مبادی آن علم مانند نحو و صرف، منطق، فنون سه گانه بلاغت و رجال نداری از آن پرهیز کن، تو را از خواندن کتاب هایشان قبل از اینکه زمینه علمی داشته باشی بر حذر می دارم، چرا که برای مؤلفین روشی در فریفتن و دروغ بافی هست که اگر کسی زمینه علمی نداشته باشد از آن آگاه نمی شود، از اینکه اندازت کردم عذر می خواهم. والله الهادی الی الصواب.

**📖 حکم کار کردن در روز عاشورا چیست؟ اگر کسی مجبور به کار کردن شود چگونه کار کند؟**

بسمه سبحانه: بله بر تو جائز است، در روز عاشورا به خاطر اظهار حزن و اندوه بر سیدالشهداء علیهم السلام در محل کسب و دکان ها را ببندی، در این روز بد یمن سعی و تلاش کردن برای کسب مال کراهت شدیدی دارد، اگر مجبور یا مضطر به کار کردن شدی به مقدار همان، کراهتش از بین می رود. والله العالم.

**📖 آیا کار کردن در روز عاشورا حرام است یا کراهت دارد؟**

بسمه سبحانه: هرگاه در آن قصد تبرک جستن در این روز را نداشته باشد همچنانکه میوه درخت ملعونه - بنی امیه - در قرآن چنین می کنند حرام نیست، و لکن کراهت شدید دارد، و در آن روز هر چه کسب کرده خداوند برکت نمی دهد. والله العالم.

**📖 حکم باز کردن در محل های تجاری و اماکن عمومی مانند**

**تفریح گاه ها در روز و شب عاشورا چیست؟**

بسمه سبحانه: کراهت کسب کردن در روز عاشورا فقط ثابت شده است. والله العالم.

**📖 بعضی از کارمندان روز عاشورا یا روز آخر از عملش به خاطر**

حضور در مراسم یا غرض دیگری نمی‌آید، و چه بسا نیامدنش بدون عذر است، سپس این کارمند به یکی از مراکز درمانی می‌رود و از طبیب نوشته‌ای و کاغذی می‌گیرد که ایشان مریض بوده در حالی که چنین نبوده است، پزشک هم در مقابل پولی کم یا به خاطر آشنائی برای او یک روز یا دو روز می‌نویسد که در همان روز مریض بوده است تا دلیلی برای غیبت خود برای گرفتن حقوق آن روز داشته باشد، ولی واقع این است که او مریض نبوده بلکه به خاطر مراسم عزا نیامده بوده یا می‌خواسته که در آن کار کند، حکم آن چیست؟ و حکم کاری که طبیب می‌کند چیست؟

بسمه سبحانه: دروغ جائز نیست و از گناهان کبیره است، خیانتی که طبیب کرده نیز جائز نیست اگر مؤمن از خصم مرخصی می‌گرفت که آن برایش افضل و اشرف و برای دینش بهتر بود و مریض امام حسین علیه السلام بود. والله العالم.



## زیارت

📖 حدود زمانی شب و روز برای زیارت مخصوصه معصومین علیهم السلام چیست؟ زیارات روزانه و شبانه برای امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام و برای امام حسین علیه السلام به اعتبار این زیارات مخصوصه کدام است؟

بسمه سبحانه: احتیاط این است که زیارت روز و قتش از طلوع خورشید تا غروب است، اما زیارت شبانه و قتش احتیاطاً از غروب خورشید تا طلوع فجر است، اما بیان زیارات روزانه و شبانه در کتاب‌های مخصوص مانند مفاتیح الجنان شیخ قمی رحمته الله موجود است که به آن رجوع کن. والله الهادی.

📖 آیا زیارت معصومین علیهم السلام از دور مخصوص امام حسین علیه السلام است و مقدار از دور چیست؟

بسمه سبحانه: هر کسی که توانائی زیارت ائمه معصومین علیهم السلام را از نزدیک نداشته باشد یا برایش مشقت داشته باشد و همچنین هست رسول اعظم صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام ولی توانائی زیارت آنها را از دور دارد از همان دور هم اجر و ثواب و ان شاء الله قبولی آن حاصل می‌شود، برای دوری حدی از حیث مسافت نیست، بلکه هر کسی که نمی‌تواند کنار امام علیه السلام و نزدیک ضریح و زیر قبه بایستد به حیثی که امکان بوسیدن ضریح و گذاشتن گونه‌اش بر آن را نداشته باشد او دور است. والله العالم.

📖 آیا زیارت امام حسین علیه السلام یا توسل به آن حضرت علیه السلام برای طلب

عفو و بخشش، همه گناهان را می‌آمرزد؟

بسمه سبحانه: زیارت با معرفت امام از روی حتم باعث بخشش گناهان می‌شود همچنانکه در روایات وارد شده است، و لکن زائر باید تصمیم بگیرد که گناه را بعد از زیارت ترک کند. والله الهادی.

📖 آیا صحیح است که در حیات یکی از ائمه علیهم السلام در خلافت حکومت

عباسی زیارت کربلا ممنوع بود، و فرزندان و نزدیکانشان را برای اداء زیارت تقدیم می‌داشتند؟ هرگاه این صحیح باشد آیا ممکن است که مصدر آن را بیان کنی و هنگام تقدیم نزدیکان عکس‌العمل امام چه بود؟ والسلام.

بسمه سبحانه: ائمه علیهم السلام در هر حالی احدی را از زیارت امام حسین علیه السلام منع نکردند بلکه روایات دلالت می‌کند که بر زیارت با حال ترس هم تشویق می‌کردند، از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: «به خاطر خوف و ترس زیارت قبر امام حسین علیه السلام را ترک مکن زیرا کسی که زیارت آن حضرت را ترک کند چنان حسرتی بخورد که آرزو نماید قبر او نزد قبر آن حضرت باشد و بتواند زیاد به زیارتش برود ...»<sup>۱</sup> آنچه که از فجائع ذکر کردی در زمان متوکل عباسی اتفاق افتاده که دستور داد قبر امام حسین علیه السلام را شخم بزنند و افراد مسلحی را برگزید که به هر وسیله‌ای ولو به کشتن زوار از زیارت آن حضرت شوند. والله الهادی و هو العالم و الیه المشتکی.

📖 چنانکه در نزد ما معروف است اینکه تقیه از ضروریات مذهب

است، و از اهل بیت علیهم السلام وارد شده که تقیه یک سوم دین است، و همچنین از

۱. کامل‌الزیارات، ص ۲۳۰، ح ۳۳۸؛ بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۹



امام صادق علیه السلام وارد شده که تقیه دین من و دین آباء من است، و لکن در مقابل می بینیم که متوکل در زمان امام هادی علیه السلام از زیارت امام حسین علیه السلام منع می کند و به جایی می رسد که دستی را قطع می کرد یا تهدید به قطع کردن دست زوار حسین بن علی علیه السلام می نمود و در مقابل می بینیم که امام علیه السلام اجازه رفتن به زیارت می دهد و لو بر قطع شدن دست، قطع شدن دست ضرری جبران ناپذیر است چرا که قطع شدن عضو مهمی از بدن انسان است، پس چگونه بین ضرر و اجازه امام علیه السلام ربط دهیم؟

بسمه سبحانه: بر ناظر و ناقد واجب است که به حکم شرعی و دلیل آن در تفسیر و توضیح همه اساس و قواعد فقهی و اصولی بنگرد، بدان ای فرزندانم اینطور نیست که تمام احکام به خاطر تقیه تعطیل شود، آیا نمی بینی که ترک جهاد و دفاع به خاطر تقیه جائز نیست، با توجه به اینکه در جهاد از بین رفتن نفس و اموال و چه بسا آبرو هست. بدان احکامی که مبتنی بر ضرر هست همه آن به خاطر تقیه برداشته نشده است، زیارت سیدالشهداء علیه السلام بلکه از اساسی که نهضت مبارک بر آن اساس بر پا شده بنا بر مبارزه و جنگ با ستمکار و ستمکاران شده است، برای همین وارد شده که ترک زیارت امام حسین علیه السلام و لو از روی خوف و ترس یکی از حسرت انگیزترین حال در روز قیامت است و در آن حالت حسرت آرزو می کند اگر قبرش کنار قبر امام حسین علیه السلام بود برای او با ارزش تر و با شرف تر بود. والله العالم.

📖 آیا ثوابی معین برای زیارت حضرت زینب علیه السلام هست یا آن ثوابی عام است؟ اعمال مجربی که برای حاصل شدن اجابت در کنار ضریح مقدس آن حضرت علیه السلام باشد چیست؟

بسمه سبحانه: خداوند سبحان به هر مؤمن و مؤمنه‌ای - خصوصاً مؤمنه‌ای که در تقوا خویشتن‌داری و اخلاص به مرتبه‌ای برسد مانند شیرزن بنی هاشم نوۀ ابوطالب - حق شفاعت در قضای حوائج مؤمنین در دنیا و آخرت اعطاء می‌کند، ای فرزند پس این مظلومه را زیارت کن و به وسیله زیارتش به خداوند تقرب بجو، و به حق آن بی بی به خداوند سبحان توسل کن و از آن بزرگوار بخواه تو را نزد خداوند سبحان شفاعت نماید، بدان که قبولی هر عملی ارتباط به تقوای الهی دارد. والله العالم.

📖 بهترین زیارتی که به وسیله آن امام حسین علیه السلام را زیارت کنیم کدام است؟

بسمه سبحانه: اما در میان زیارت‌های مخصوصه سزاوار است که زیارت روایت شده در آن روز مخصوص را بخواند، و اما در غیر آن ایام بهترین زیارات زیارت وارث است، و ممکن است که به وسیله زیارت «امین الله» هم زیارت شود و لکن به حذف جمله «السلام علیک یا امیرالمؤمنین» چرا که این لقب مختص به امام امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام دارد و اطلاق آن بر غیر آن حضرت حرام است. والله العالم.

📖 آیا جائز است که زیارت یکی از ائمه علیهم السلام یا اولیای صالح مانند ام البنین علیها السلام مثلاً به غیر آنچه که در کتاب‌های زیارت و ادعیه از اهل عصمت علیهم السلام وارد شده زیارت کنند؟

بسمه سبحانه: بهتر این است که آنچه از ائمه علیهم السلام روایت شده از آن پیروی شود، و هر گاه الفاظ دیگری را به کار بردی جائز نیست که آن الفاظ را به معصوم علیه السلام نسبت دهی. والله العالم.

دوست داشتنی ترین اعمال از لحاظ مقام و منزلت، و بزرگ ترین اعمال نزد خداوند و محمد ﷺ و آل طاهرین معصومین (صلوات الله و سلامه عليهم) چیست؟

بسمه سبحانه: بهترین اعمال بعد از ولایت نماز است چرا که آن نزدیکی هر شخص پرهیزکار به خداوند متعال است، سزاوار است که به نمازهای واجب و مستحب ملتزم بود، سپس بعد از آن اعمالی است که متعلق به خدمت کردن به اهل بیت ﷺ و آنچه که تعلق انسان به آنها را کشف می کند مثل زیارت سیدالشهداء ﷺ می باشد، و نشانه های شخص محب هم کمک کردن به فقرای شیعه و خدمت کردن به حوزه علمیه و غیر آن است. والله العالم.

دوست طائفه حق که خداوند آنها را حفظ فرماید مسلم است زیارت امام حسین ﷺ مستحبی مؤکد است حتی بعضی از علما فتوا به وجوب آن داده اند.

و لکن کسی که می خواهد به زیارت برود در معرض کشته شدن یا غارت و چپاول یا ضررهائی برایش حادث می شود آیا در این حالت سزاوار است که مکلف از مرجع خودش استفتاء بکند یا اذن زیارت از او بگیرد، یا اینکه زیارت امام ﷺ احتیاجی به اذن مرجع حتی در زمانهائی که مشقت و سختی هست ندارد اگر چه منجر به کشته شدن او گردد؟

بسمه سبحانه: بدان ای فرزندم احکامی که مبتنی به ضرر هستند همه به خاطر تقیه برداشته نمی شوند، زیارت سیدالشهداء ﷺ نهضت بابرکتی برای آن بر پا شده که مبارزه و جنگ با ستمکار و ستمکاران است، برای همین وارد شده که ترک زیارت امام حسین ﷺ و لو از روی خوف و ترس یکی از حسرت انگیزترین حالت در روز قیامت است و در آن حال حسرت آرزو می کند اگر قبرش کنار قبر

امام حسین علیه السلام بود برای او با ارزش تر و با شرف تر از ترک زیارت بود. والله العالم.

📖 از حضرت عالی درخواست دارم حکم زیارت ائمه علیهم السلام به خصوص سیدالشهداء امام حسین علیه السلام در مواقع خوف و ترس یا علم به ضرر را بیان بفرمائید؟

بسمه سبحانه: بدان ای فرزندم من حتی یک روایت ندیدم که از زیارت امام حسین علیه السلام در مواقع خوف و ترس منع کند بلکه روایاتی داریم که دلالت می کند بر اینکه اگر کسی زیارت امام علیه السلام و لو از روی ترس و خوف ترک کند روز قیامت پشیمان می شود و آرزو می کند که ای کاش زیارت آن حضرت را ترک نمی کرد اگر چه در هنگام به جا آوردن آن کشته می شد و در زمین کربلا دفن می گردید. والله الهادی.

📖 صحت سند زیارت جامعه چیست؟

بسمه سبحانه: زیارت جامعه به طریق شیخ صدوق رحمته الله سندش معتبر است چنانکه در اول آن آمده است. والله العالم.

📖 نظر حضرت عالی درباره زیارت جامعه چیست؟ بعضی ها می گویند سندش ضعیف است و در آن غلوهایی در حق اهل بیت علیهم السلام آمده است و همچنین مخالف با وحدت مسلمانان هست به حیثی که بعضی ها ما را به این کلمات سرزنش می کنند و به خاطر عدم جواب به آن شبهات باعث شده که افراد زیادی از خواندن آن امتناع بورزند.

بسمه سبحانه: سند زیارت شریفه معتبر است هر شخص وارد در سند آن را می داند، و اما در مضامین موجود در آن غلو نیست اگر شخص عاقلی آن را بفهمد. والله الهادی.

## زیارت عاشورا

📖 آیا سند زیارت عاشورا صحیح است؟

بسمه سبحانه: سند آن معتبر است که از طریق علمی آن را ثابت کرده‌ایم و به آن نیز ملتزم هستیم، از مردم هم می‌خواهیم که به طور کامل به آن ملتزم باشند. والله الموفق.

📖 صحت زیارت عاشورا از ناحیه سند و متن چیست؟ صحت این

جمله آورده در زیارت «اللهم العن الاول و الثاني ...» از جمله‌های ساختگی زیارت هست، از خلال جستجو تاریخی نسخه‌هایی که زیارت در آنها وارد شده است، به حیثی که وجود آن و بعضی دیگر از جمله‌های آن ثابت نشده است، به وسیله بعضی از متاخرین در حاشیه آن نوشته شده است و در نسخه‌ای که نزد سید ابن طاووس بود که از شیخ طوسی این زیارت را نقل می‌کند و دیگر از علمای قدامت نیامده است.؟

بسمه سبحانه: زیارت عاشورا معتبر است، آن را به وسیله علمی ثابت کرده‌ایم، و به آن ملتزم هستیم و از مردم نیز می‌خواهیم به آن جمله‌های مذکور ملتزم شوند، این جمله‌ها را در نسخ قدیمی کتاب «مصباح المتهجد» شیخ طوسی که تاریخ آن قدیمی‌تر از آن نسخه‌ای هست که ادعا می‌کنی این جمله‌ها در آن

نیست، چنانکه این جمله‌ها در کتاب «کامل الزیارات» محمد بن قولویه هست که آن قدیمی‌تر از شیخ طوسی است که در سال ۳۶۸ هـ از دنیا رفته است ولی شیخ طوسی در سال ۴۶۰ از دنیا رفته است و سید بن طاووس هم در ذی‌القعدة سال ۶۶۴ از دنیا رفته است. والله العالم.

📖 آیا تاکید خاصی برای خواندن زیارت عاشورا در هر روز وارد شده است یا آن مخصوص در روز عاشورا است، از بعضی از برادران شنیدم که خواندن زیارت فقط مخصوص به روز عاشورا است به دلیل عبارتی که در زیارت آمده است «اللهم انّ هذا يوم تبرکت به بنو امیه و ابن آكلة الأکباد ...» تا آخر، آیا خواندن این زیارت فقط مخصوص روز عاشورا است؟  
 بسمه سبحانه: خواندن آن در همه روزهای سال و همچنین زیاد خواندنش جایز است، همچنین از سیره علماء در طول قرن‌ها این استفاده می‌شود.

📖 آیا صحیح است که زیارت عاشورا حدیثی قدسی می‌باشد؟ اگر چنین باشد چرا عبارات آن به زبان مخلوق است نه خالق؟ مانند «بأبي انت و أمي» و «اللهم العن أول ظالم» و «ولا جعله الله آخر العهد مني لزیارتکم» و غیر آن که زیاد است، نظرتان را بفرمائید که خداوند خیر دنیا و آخرت به شما عنایت بفرماید.

بسمه سبحانه: بدان ای برادرم همه زیاراتی که از معصومین علیهم السلام به ما رسیده است بعد از ثابت شدن آن، معانی آنها از خداوند سبحان هست مانند روایات احکام، تعبیر و لفظ آن از معصوم علیهم السلام می‌باشد، آنها به امر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله کیفیت تعبیر از آن معانی را به ما یاد داده‌اند و خداوند ما را از طریق آنها تعلیم داده است که چگونه ائمه‌مان را مورد خطاب قرار دهیم و چگونه خداوند متعال

را در نزد قبرهایشان بخوانیم. والله الهادی.

📖 در زیارت عاشورا جمله «اللهم العن بني أمية قاطبة» آمده است در حالی که بعضی از خطباء ذکر می‌کنند که بچه یزید که نامش معاویه بود کسی بود که با یزید معارضه کرد و بعد از او خلافت را رها کرد، آنچه که بعضی از خطباء ذکر می‌کنند او از مؤمنین یا از صالحین بوده است، پس چگونه بین این دو مطلب ارتباط برقرار کنیم؟

بسمه سبحانه: در بعضی از کتاب‌های تاریخ هست که معاویه بن یزید بعد از یزید ملعون حکومت را قبول نکرد، این کار اگر چه عملی خوب و رستگاری در امتحان خانواده‌ای هست، و لعن ذکر شده در زیارت عاشورا و غیر آن شامل امثال این پاکان نمی‌شود اگر چه از آن درخت ملعونه باشند، و آن مناسب با حکم و موضوع است و این مرد از این حکم خارج می‌شود. والله العالم.

📖 در مرکز اسلامی منچستر برای امام حسین علیه السلام اقامه عززا می‌کنیم، گروه جوانان از دوستان امام حسین علیه السلام می‌خواهند زیارت عاشورا بخوانند ولی هیئت مرکزی مانع خواندن آن می‌شوند و می‌گویند این خلاف است و به سبب لعنی که دارد در روایات غیر متعارف است، نظر حضرت عالی چیست؟

بسمه سبحانه: آن معتبر است و به طرق فنی و علمی آن را ثابت کرده‌ایم و ملتزم به آن هستیم، و از مردم هم می‌خواهیم که ملتزم به آن شوند به آنچه که در آن لعن دشمنان خدا و رسول صلی الله علیه و آله و دشمنان اهل بیت علیهم السلام هست. والله الهادی و هو العالم.

📖 نظر حضرت عالی در جواب سید فضل الله که گفته است زیارت

عاشورا که آن از لحاظ سند و متن ضعیف است و جمله‌ای از مناقشات را نیز در اطراف این معنی ذکر می‌کند چیست؟

بسمه سبحانه: تاسف این است که مثل این شخص که بضاعت علمی ندارد متصدی این موضوع و شأن شده است، طبیعی است نتیجه‌اش آن می‌شود که می‌بینی، او عاجز است از اینکه بین توثیق و تضعیف را و بین آنچه که موثق نیست تمیز بدهد، به خداوند شکایت می‌بریم و در سختی و آسایش از او کمک و یاری می‌جویم، ای فرزندم از کسی که اعتقاد دارد العیاذ بالله اگر رحمت و عفو الهی در روز قیامت شامل علی بن ابی‌طالب علیه السلام نشود مستحق خشم و غضب و عذاب الهی می‌شود،<sup>۱</sup> و از تمیز دادن بین لعن و سب عاجز می‌شود؟! و شاید بروز مثل این سخنان در ناحیه از ذلت و خواری دنیا از جانب خداوند سبحان باشد، و آنچه که در سند زیارت شریفه ذکر شده از آنچه که تعلق به سند و متن دارد کفایت می‌کند که از او و امثالش اعراض کنیم و ترک نمائیم تا با حضرت زهراء علیها السلام و پدر گرامی‌اش سرور رسولان صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و فرزندان اطهارش علیهم السلام روز قیامت روبرو گردند هنگامی که خداوند می‌فرماید: ﴿وَقَفُوهُمْ إِنْهُمْ مَسْئُولُونَ﴾<sup>۲</sup> آنها را نگهدارید که باید بازپرسی شوند! و لا حول و لا قوة الا بالله العلی‌العظیم و السلام علی من اتبع الهدی.

📖 نظر حضرت عالی درباره زیارت عاشورا چیست که بعضی‌ها می‌گویند آن مخالف وحدت و اتحاد کلمه بین مسلمانان است، و بعضی دیگر می‌گویند که من از لعن و سب خودداری می‌کنم که آن از عادت و روش اهل بیت علیهم السلام نیست، و بعضی دیگر نیز مردم را به نخواندن آن امر می‌کنند؟

۱. به کتاب «فی رحاب دعاء کمیل» محمد حسین فضل الله، ط ۳ مراجعه شود.

۲. سوره صافات، آیه ۲۴



بسمه سبحانه: اگر لعن بر ستمکاران موجب تفرقه بود پس بدرستی که خداوند ستمکاران را لعن کرده و دستور به لعن آنها را هم داده است، در آیه مباهله به پیامبر امر می‌کند که بر دروغ‌گویان لعن کند، و سزاوار است که بین لعنی که آن عبارت از دعا به محروم بودن ملعون از رحمت خداوند است و بین سب و دشنام که معنایش بر هر صاحب عقلی مخفی نیست مخلوط و ممزوج نشود، در زیارت عاشورا چیزی نیست که به تفرقه بین مسلمانان فرا بخواند، آیا همه مسلمانان ستمکاران را هر کس که باشد لعن نمی‌کنند؟ بله بر احدی جائز نیست که مجملات در زیارت عاشورا را به مقتضای رای و نظرش تفسیر کند، چرا که آن تصرف در زیارت است و سزاوار نیست که چنین عملی از شخص عاقل صادر شود. والله الهادی.

📖 نظر حضرت عالی درباره عمر بن عبدالعزیز چیست؟ چرا که بعضی‌ها به دلیل اینکه او سب و دشنام بر امیرالمؤمنین علیه السلام را برداشت راضی هستند و در حالی که در زیارت عاشورا وارد شده که پروردگارا بر همه بنی امیه لعن کن.

بسمه سبحانه: عمر بن عبدالعزیز شاخه‌ای از آن درخت ملعونه شناخته شده است و ثابت نشده که او مردم را از سب و دشنام امیرالمؤمنین علیه السلام به خاطر آن حضرت منع کرده باشد، بلکه با اندیشه در آن زمان به دست می‌آید برای سیاستی بوده است برای اینکه مردم انقلابی بر ضد بنی‌امیه نکنند، اگر فرض کنیم که عمل او برای دفاع از امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است چرا وقتی که به حکومت رسید همان راه ستمکاران و مستکبرین را ادامه و همین امر کفایت می‌کند که او مستحق لعن است. والله الهادی.

📖 آیا زیارت عاشورا تماماً تا «اللهم خصص انت اول ظالم باللعن مني ...» سندش صحیح است؟ اگر قسمت آخر صحیح نباشد آیا خواندنش حرام است؟ آیا آن با اخلاق اهل بیت علیهم السلام منافات دارد؟

بسمه سبحانه: زیارت عاشورا معتبر است و به طریق فنی و علمی آن را ثابت کرده‌ایم و به آن ملتزم هستیم و از مردم هم نیز می‌خواهیم به آن ملتزم شوند و وجود لعن آن را ضعیف نمی‌کند، آیا خداوند ستمکاران را در کتابش لعن نکرده است؟ آیا سوره «تبت» از قرآن نیست؟ آیا جرأت این را داری آنچه را که در حق اهل بیت علیهم السلام گفتی در حق کتاب خداوند عزیز هم بگویی؟! آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله آن ملعونی را که آن حضرت را هجو می‌کرد لعن نکرد؟! آیا شیطان را لعن نمی‌کنی؟! به خدا سوگند در تاریخ بر احدی مانند اهل بیت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ظلم و ستم وارد نشده است، پس کسی که بر ستمکاران دلسوزی کند به زودی با ستمکاران محسور می‌شود و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم.

📖 در زیارت عاشورای معروفه آیا صد بار خواندن «اللهم العنهم جميعاً» کفایت از «اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ، اللَّهُمَّ الْعَنْ الْعَصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتْ الْحُسَيْنَ علیهم السلام وَشَايَعَتْ وَبَايَعَتْ وَتَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً» می‌کند؟ و صد بار خواندن قسمت «السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ» نیز کفایت از سلام کامل می‌کند؟ آیا زیارت عاشورا به این کیفیت صحیح است؟

بسمه سبحانه: آنچه که در کتاب‌های معتبر ثبت شده است تکرار کردن آن به طور کامل، آن‌گونه که در زیارت معروفه آمده است می‌باشد، و گفتن «اللهم العنهم جميعاً» کفایت نمی‌کند، همچنین قسمتی که متضمن تحیت و سلام هست. والله العالم.

📖 آیا جازز است هنگام خواندن زیارت عاشورا ذکر لعن و سلام فقط یک بار بگوئیم و بعد بگوئیم به نیت صد بار یا ۹۹ بار؟  
بسمه سبحانه: خواندن آن از جهت زیارت کامل، اداء نمی‌شود. والله العالم.

📖 در زیارت عاشورا سلام صد بار و لعن نیز صد بار وارد شده است، آیا خواندن این جملات بدون این عدد بدعت یا تصرف در زیارت است که از آن نهی شده است؟

بسمه سبحانه: در روایتی غیر معتبر برای کسی که مجال گفتن تمام عدد آن را ندارد جازز می‌داند، و لکن نزد ما ثابت نشده است، تا زمانی که این اختصار به معصوم علیه السلام نسبت داده نشود اشکالی ندارد، و لکن زیارت ناقص می‌باشد. والله العالم.

📖 نظر حضرت عالی درباره لعن وارد شده در زیارت عاشورا چیست و با توجه به حدیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله که می‌فرماید من لعن کننده مبعوث نشده‌ام آن را چگونه می‌خوانید؟

بسمه سبحانه: اولاً این حدیث سندش غیر معتبر است، ثانیاً معارض با کتاب خداست، آیا خداوند ستمکاران را لعن نمی‌کند؟ آیا کسی که ستمکاران را لعن می‌کند مدح و ستایش نمی‌کند؟ آیا آیه مباهله دلالت نمی‌کند بر تعهد نبی صلی الله علیه و آله به امر خداوند سبحان به اینکه دروغ‌گویان را لعن کند؟ آیا آیات شریفه زیادی نیست که متضمن لعن هستند؟ آیا انبیاء گذشته ستمکاران قوم‌شان را لعن نمی‌کردند که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾<sup>۱</sup> کافران بنی اسرائیل،

بر زبان داوود و عیسی بن مریم، لعن (و نفرین) شدند! این بخاطر آن بود که گناه کردند، و تجاوز می نمودند.

آیا در روایت معتبر در کتاب «کافی» نیست که رسول اعظم صلی الله علیه و آله لعن و بدگوئی کردن و بهتان زدن بر شخص بدعت کننده را تایید کرد و آمین گفت. ای فرزندم بدان گفته بعضی از افراد که به وحدت اسلامی فرا می خوانند بر ثابت های مذهب و دین اسلامی تو را فریب ندهد، و هرگاه آنها به حکومت برسند همه مقدسات را منکر می شود، خداوند شر آنها را تو کفایت کند و شرشان را از سر همه مسلمانان کفایت نماید، والله الهادی و هو العالم.

📖 این روزها تشکیک درباره زیارت عاشورا و سند آن و وارد شدن لعن در آن منتشر شده است، پس بین انکار کننده آن و سندش و بین کسی که می گوید صحت لعن در زیارت عاشورا دروغ و غیر صحیح است بلکه خواندن آن حرام است، نظر حضرت عالی در این باره چیست؟ خداوند به شما جزای خیر دهد و به وسیله طول عمرتان به ما نفع رساند.

بسمه سبحانه: زیارت معتبره آن است که در آن لعن و تحیت و سلام است. والله العالم.

📖 نظر حضرت عالی در این گفته که لعن وارد شده در زیارت عاشورا زیادی است یا اینکه راوی یا نسخه بردار آن را اضافه کرده است چیست؟

بسمه سبحانه: از این گفتار به خداوند پناه می بریم، زیارت به نحو معروف و مشهور در کتاب های معتبر روایت شده است، و مصیبتی بزرگ تر از مصیبت جهل و وارد شدن در اموری متخصص که باید صاحبان تخصص وارد شوند غیر متخصصین وارد می شوند نیست. والله الهادی.

📖 در زیارت عاشورا «وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَبَّبْتُكُمْ فِيهَا» آمده است که درباره این عبارت دو سؤال دارم:

أ- مقصود از مقام و مراتب در اینجا چیست؟

ب- چگونه اهل بیت علیهم السلام از مقامشان دفع می‌شوند و از مراتبشان دور می‌گردند؟

أ- بسمه سبحانه: کلام واضح است مثلاً سیدالشهداء علیه السلام که او بعد از برادرش امام حسن علیه السلام امام است، پس یزید و قبل از او معاویه که به حکومت رسید با نیرنگ امام علیه السلام را از حق و حکومتی که حق او بود محروم کرد، و همچنین وقتی که معاویه بر حکومت دست یافت و همچنین کسی که بعد از یزید آمد با وجود امامی که از جانب خداوند سبحان تعیین شده بود را حقش را غصب کرد و حکومت را در دست گرفت. والله العالم.

ب- بسمه سبحانه: به جواب سابق رجوع کن. والله الهادی.

📖 بعضی از کسانی که در مساجد و حسینیه‌ها زیارت عاشورا و غیر آن را می‌خوانند برای برانگیختن عواطف عباراتی را اثناء خواندن وارد می‌کنند و ابیاتی را در رثای امام حسین علیه السلام و ذکر مصیبت‌های آن حضرت و لعن بر دشمنان اهل بیت علیهم السلام می‌خوانند، ما می‌دانیم که آن از اصل زیارت نیست، آیا این عمل آنها جائز است؟

بسمه سبحانه: اگر آن را نسبت به معصوم علیه السلام ندهد و از آن رقت قلب و حزن و اندوه بر اهل بیت علیهم السلام را قصد کند اشکالی ندارد. والله العالم.



## پیاده‌روی از جهت زیارت

📖 در زیارت‌ها شرعیت رفتن به نجف و کربلا چیست؟  
بسمه سبحانه: مستحب است، و اجر و ثواب عظیمی در روایات نسبت به آن  
وارد شده است. والله العالم.

📖 اهل عراق عادت کرده‌اند که برای زیارت امام حسین علیه السلام پیاده بروند  
و صدها کیلومتر در روزهای زیادی مواظبت به آن می‌کنند و حال سؤال این  
است:

۱. حکم فقهی این عمل چیست؟
۲. کسی که توانائی دارد آیا پیاده‌روی بهتر است یا سواره؟
۳. درباره کسی که در طول مسیر به این زوار خدمت می‌کند و اموال  
زیادی را خرج می‌کند چه می‌فرمائید؟
۴. کسی که این عمل را بر ما ایراد می‌گیرد چگونه رد کنیم و آن را برای  
واکنش دهندگان و متخلفین توصیف نمائیم؟
۵. آیا به ما نصیحتی در این باره می‌فرمائید؟ خداوند شما را برای ما ننگه  
دارد.

۱. بسمه سبحانه: آن عملی مستحب و مؤکد است که در کتاب‌های معتبر و

روایاتی که از امامان علیهم السلام وارد شده بدان تشویق نموده‌اند، از خداوند می‌خواهیم که این عمل را از مؤمنین قبول فرماید و تمسک جستن به اهل بیت علیهم السلام را زیاد کند، و از خود گذشتگی در دفاع از قیام امام حسین علیهم السلام باقی بمانند. والله الموفق.

۲. بسمه سبحانه: پیاده رفتن به زیارت امام حسین علیهم السلام برای کسی که تمکن آن را دارد بهتر است، با توجه به اینکه با اهمیت شرعی آن تعارضی وجود نداشته باشد. والله العالم.

۳. بسمه سبحانه: آن عملی خوب است و به زودی جزای آن را در آخرت و در دنیا ان شاء الله خواهند دید. والله العالم.

۴. بسمه سبحانه: آنها را به تأمل و اندیشه در روایاتی که در این باره وارد شده دعوت می‌کنم و آنها را تشویق می‌کنم که بر فوائد روحی و دینی‌ای که مترتب بر این عمل هست متوجه باشند، شاید که خداوند آنها را به مسیر درست هدایت فرماید. والله الموفق.

۵. بسمه سبحانه: سزاوار است که اصرار و مواظبت بر این موضوع شود، چنانکه سزاوار است همیشه به واجبات شرعی متعهد شوند و از محرمات دوری جویند خصوصاً در این مسیر مبارک که برای زیارت قبر امام حسین علیهم السلام است، سزاوار نیست که زیانمان را از طلب مغفرت کردن برای شیعیان اهل بیت علیهم السلام و خودمان و صلوات بر پیامبر و آل او و خواندن مرثیه و قصائد برای قضایای امام حسین علیهم السلام باز داریم، و مهم‌ترین آن محافظت داشتن بر نماز جماعت است و نماز فرادی اگر نماز جماعت نباشد.

بدان آن عملی است که خداوند و رسولش آن را دوست می‌دارد، مؤمنین را شاد و کافرین و منافقین و کسانی که خودشان را به شکل مؤمنین در آورده‌اند ولی وجودشان از محتوای ایمان خالی است از آن شاد نمی‌گردند. والله الموفق.



📖 در کتابی درباره فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام یا امیرالمؤمنین علیه السلام با پای پیاده می خواندم، می خواهم درباره مفهوم زیارت با پای پیاده سؤال کنم، آیا از آن آماده سفر شدن و تحمل سختی و مشقت راه رفتن با پای پیاده به مسافت طولانی فهمیده می شود یا مقصود از آن مثل این روایت است که می فرماید: «مَنْ مَشَى إِلَى الْمَسْجِدِ كَمْ يَضَعُ رِجْلَهُ عَلَى رَطْبٍ وَكَأَيَّاسٍ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ الْأَرْضُ إِلَى الْأَرْضِينَ السَّابِقَةِ» یعنی هر کس به سوی مسجد گام بردارد قدمش را روی هیچ خشک و تری نمی گذارد مگر آنکه زمین تا طبقه هفتم برای او تسبیح می گوید.

آیا روایاتی داریم که با پای پیاده به زیارت ائمه علیهم السلام رفتن را آن هم به مسافتی طولانی تشویق نماید چنانکه در این زمان بعضی از شیعیان انجام می دهند و در اربعین امام حسین علیه السلام از شهرهای دور مانند نجف به کربلا پیاده می روند؟

حکم کسی که مسافتی طولانی را با پای پیاده راه می رود با توجه به اینکه دسترسی به وسائل نقلیه دارد چیست؟

بسمه سبحانه: با پای پیاده به زیارت امام حسین علیه السلام رفتن مستحب است همچنانکه با سواره مستحب است ولی در پیاده ثوابی عظیم و اجری بسیار هست. والله العالم.

📖 آیا چیزی هست که تعداد زیادی از افراد با پای پیاده برای زیارت خارج شوند، از منظر عقل قاصر می گویم که برای آنها بهترین راه برای رسیدن به زیارت امام علیه السلام با ماشین هست چرا که در اینجا سختی های زیادی

هست که از حدود عقلی تجاوز می‌کند، در اینجا عقل فقط مشغول به خداوند عزوجل هست و چیزی به غیر از رسیدن به امام علیه السلام را درک نمی‌کند، از شما علمای بزرگوار امید دارم دربارهٔ مسألهٔ خروج زنان از خانه‌هایشان و ترک کردن مسجدی که خداوند آن را برای زنان اراده فرموده که در آنجا بمانند توضیح بفرمائید، آیا اینجا چیزی هست که فقط مانع پیاده رفتن زنان باشد؟

بسمه سبحانه: بدان ای فرزندم پیاده رفتن به زیارت عتبات مقدسه خصوصاً زیارت امام حسین علیه السلام شرعاً برای مردان و زنان امری نیکو و مورد پسند و مرغوب است، و اما خروج زن از خانه واجب است که با حدود شرعی باشد فرقی نمی‌کند، پیاده رفتن برای زیارت باشد یا سواره، بر همهٔ خانواده‌های فرهیخته واجب است که بر تعهدات دینی در داخل خانه و خارج آن در ماشین یا هنگام راه رفتن محافظت نمایند، آیا نمی‌دانی مفاسدی که در ماشین‌ها به خاطر فقدان تعهدات دینی به وجود می‌آید جداً بیشتر از پیاده‌روی است؟ بله ماندن زن در خانه بهتر است حتی بعضی‌ها گفته‌اند خانهٔ زن مسجد اوست و لکن آن به این معنا نیست که زن مطلقاً از خانه بیرون نرود، هرگاه با رعایت مسائل دینی باشد اشکالی ندارد. نمی‌دانم چرا دربارهٔ زنان مؤمنه‌ای که برای زیارت با پای پیاده می‌روند و با حفظ شریعات از خانه خارج می‌شوند فکر می‌کنی، چرا فکر نمی‌کنی در آنچه که در بازار و دانشگاه و اجتماع و دانشکده‌ها جاری است یا نمی‌دانی نسبت به خانواده‌هایی که دخترانشان را به مدارس و دانشگاه و دانشکده می‌فرستند اینها جداً عالی هستند، امیدوارم که این سؤال تو برخواسته از این نباشد که مردم را از زیارت امام حسین علیه السلام با حجتی که برای تو ذکر کردم مانع شوی که در این هنگام مصداق فرمایش امام علی علیه السلام می‌شوی که می‌فرماید:

«کلمه حقی که از آن باطل اراده می‌شود»<sup>۱</sup> والله العالم.

📖 زواری که پیاده به مرقد‌های مقدسه می‌روند در بعضی از امور مانند درد پشت و پا و سنگینی وسائل و غیر آن سختی می‌کشند، اگر اینجا تحقیق کنندگان که اهل خبره هستند بررسی کنند و برای حل این مشکلات بکوشند به عنوان نمونه کمربندی سبک برای کمر درد و وسیله‌ای سهل و آسان برای بردن وسائل و غیر آن درست کنند، نظر حضرت عالی در این باره چیست؟

بسمه سبحانه: از جهت خیریه کسی که امکان برایش هست به آن اقدام نماید، و از خداوند می‌خواهم به خیرین برای قیام به یاری پیاده‌روندگان به صورتی بهتر و افضل موفق بدارد. والله الموفق.

📖 در زیارت خاصه مانند زیارت اربعین امام حسین علیه السلام و زیارت روز عاشورا و وفات امام موسی کاظم علیه السلام تعداد زیادی از مردان و زنان می‌آیند و اختلاط بین اینها حاصل می‌شود آیا بر زنان جائز است که به آن زیارت‌ها نروند؟

بسمه سبحانه: نمی‌دانم برای چه از رفتن زنان به حج و طواف و سعی سؤال نمی‌کنی، ازدحام مختلط آنجا کمتر از ازدحام در زیاراتی که به آن اشاره کردی نیست، چنانکه نمی‌دانم چرا اهتمام را متوجه برای اختلاط حاصل از بازار و دانشکده و دانشگاه‌ها نمی‌کنی و برای چه اختصاص به زیارت داده‌ای؟ بدان اینکه ممکن نیست از اختلاط مطلقا مانع شوی و آنچه که ممکن هست این است که

۱. نهج البلاغه، خطبه ۸۲؛ آن از کلمات ماندگاری هست که امام علی علیه السلام به وسیله آن خوارج را هنگامی که شنید می‌گویند «لا حکم الا لله» بیان فرمود.

---

دین و فرهنگ دینی و شرعی را نشر دهی تا شاید آنچه که انجامش جائز نیست اتفاق نیفتد. والله الهادی.

## بر پا کردن شادی و تولدها در حسینیه و مساجد و ...

📖 بر پا کردن شادی و تولدها در حسینیه و مساجد و ... در میان زنان زیاد هست که در اثناء خواندن سوگنامه و مصیبت شهادت حسینی که دست بر دست می‌زنند، آیا این عمل آنها جائز است؟

بسمه سبحانه: بدان ای فرزندم عادات و آداب و رسومی برای ابراز شادی یا حزن و اندوه در اینجاست و همچنین روش‌هایی برای تحریک دیگران که برای آن قصد و غرض آن آداب و رسوم اشکالی ندارد مادامی که محذور شرعی نداشته باشد، آنچه از آداب زنان را ذکر کردی امری راجح است که همه آن را می‌دانند - خصوصاً کسانی که در عراق زندگی می‌کنند - و آن از نظر عقلاء اشکالی ندارد. والله العالم.

📖 حسینیه‌ای داریم که در آن مناسبات سوگواری و شادی اهل بیت علیهم‌السلام برگزار می‌شود، در مناسبات فرح و شادی مداحی که شعری را با لحنی مشخص می‌خواند و بعضی از مؤمنین طبق همان لحن دست می‌زنند، بعضی از افراد حسینیه دست زدن را حرام می‌دانند یا از روی اجتهاد - به کسی که مطلقاً آن را حرام می‌داند رجوع می‌کند یا در خصوص حسینیه‌ها و مجالس

اهل بیت علیهم السلام - یا تشخیصی است - وارد شدن مثل این حرکات در بعضی اوقات تحت عنوان هتک حرمت می‌بینند - و بعضی از آنها رجوع به کسی می‌کنند که فتوا به وجوب ترک این اماکن می‌دهند تا زمانی که دست زدن را متوقف نکنند - برای همین گردانندگان حسینه حل این حالت را ضروری می‌دانند از حضرت عالی می‌خواهیم به این چند سؤال جواب بفرمائید:

۱. آیا بر گردانندگان حسینه جازز است به خاطر مراعات برادرانی که آن را اشکال شرعی در خصوص حسینه‌ها یا برای حفظ حرمت این اماکن مقدسه از هتک حرمت احتمالی می‌دانند از دست زدن جلوگیری کنند؟

۲. آیا مثل این مانع شدن برای بقیه مؤمنین هم الزام آور هست؟

۳. فرمایشات حضرت عالی برای زنده کردن شادی‌های اهل بیت علیهم السلام که به

شکلی مورد رضای آن بزرگواران علیهم السلام باشد چیست؟

(۱ و ۲). بسمه سبحانه: واجب است این‌گونه امور را به وسیله تفاهم، تانی، تامل و اندیشه، و با ملاحظه کردن احساسات و حقوق و آراء حل شود، هرگاه کسی که کف می‌زند و مقلد کسی هست که کف‌زدن را جازز می‌داند بر کسی که از مرجعی تقلید می‌کند که کف‌زدن را جازز نمی‌داند جازز نیست که از آن جلوگیری کند، بر سرشناسان و بزرگان منطقه هست که مثل این‌گونه مسائل را با حکمت و ریش سفیدی حل کنند. همچنین جازز نیست کسی که از روی اجتهاد یا تقلید آن را جازز می‌داند کسی را که آن را جازز نمی‌داند با او بر خورد کند، همچنین حضور داشتن یا ماندن در اثنای کف‌زدن این برخورد اهانت‌آمیز را داشته باشد. همچنین مراعات رای او یا رای کسی که از او تقلید می‌کند که از ایجاد فتنه جلوگیری شود و حقد و کینه حاصل نشود. نصیحت می‌کنم مادامی که کسی قائل به حرمت، در مجلس هست جازز دانندگان آن مجلس را خلوت کنند. والله العالم.

۳. بسمه سبحانه: کفزدن اگر چه حرام نیست مگر اینکه آن امری سبک است، آن از فرهنگ غرب است و از غرب برای احترام و شادی به ما رسیده است مانند دیگر عادات و آداب و رسومیات که از نظر متعهدان به وقار و سنگینی زشت و ناپسند است، بر تو است که آغاز کننده فرح و شادی در مناسبات دینی به تکبیر و تهلیل و صلوات بر پیامبر ﷺ و بلند کردن لفظ جلاله مثل «یا الله» باشی چنانکه در حال شنیدن قرائت قرآن با صدائی زیبا و نیکو آن را می گوئی. والله العالم.

📖 یک مسأله را با چند وجه خدمت حضرت عالی تقدیم می دارم و امید دارم که جواب آنها را عنایت بفرمائید:

۱- مکانی در احساء داریم که در آن مراسمات شادی و سوگواری برای اهل بیت علیهم السلام بر پا می شود و لکن اداره کنندگان این مکان با روشی زشت و تند با مؤمنین رفتار می کنند بلکه با مؤمنینی که با برنامه شان مخالف آنها هستند، و بارها تلاش می کنند شخصیت یکی از طلبه های علوم دینی و وکلاء کسانی که این گونه رفتارها را از آنها نمی پسندند را در نظر بعضی از مردم ساقط کنند؛ و میان بعضی از مردم و بین این طلبه با الفاظی که مناسب شان نیست در پشت سر آنها به کار می برند، تکلیف عموم مؤمنین با برخورد کردن با این مکان و گردانندگان آن چیست، همچنانکه برای حضرت عالی بیان کردیم آیا امر به معروف لازم هست یا بدون اینکه امر به معروف کنند در آن مکان حضور نیابد؟

۲- در حال اقامه در این مکان یا غیر آن به مناسبت میلاد یکی از ائمه هدی و مصابیح الدجی علیه السلام و جد بزرگوارشان صلی الله علیه و آله تکلیف مومنین با کفزدن که خارج از معمول در این مکان هست چیست؟ آیا تکلیفشان امر به معروف

هست یا اینکه آن مکان را ترک کنند؟ و در هر صورت آیا ترک کردن آن مکان ترجیح دارد؟

۳- برای اجرای مراسم عزاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرینش علیهم السلام در بعضی اوقات طبل و بوق می‌زنند تکلیف مؤمنین از شنیدن آن چیست؟ با علم به اینکه به کار بردن این‌گونه وسائل در عزاء در عرف منطقه ما احساء معمول نیست؟

۱- بسمه سبحانه: واجب است که به وسیله امر به معروف و نهی از منکر و با اخلاق نیکو در اصلاح آن سعی و تلاش شود، خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾<sup>۱</sup> با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! پروردگارت، از هر کسی بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است؛ و او به هدایت‌یافتگان داناتر است.

و اما دوری جستن از مکان و نرفتن به آنجا فضیلتی ندارد چرا که آن باعث قطع شدن رابطه و ایجاد کینه و دسته دسته شدن مؤمنین می‌شود. والله العالم.

۲- بسمه سبحانه: کف‌زدن اگر چه عملی مباح هست مگر آن که به دور از وقار و سنگینی باشد، و اما نرفتن به این مکان‌ها بهتر نیست به خاطر آنچه که اشاره کردیم. والله العالم.

۳- بسمه سبحانه: به جواب سابق رجوع کن. والله العالم.

📖 بعد از اینکه مردمان زیادی را در زنده کردن شعائر اهل بیت علیهم السلام در



زمینه غم و اندوه و شادی، بعضی از تصرفات به دور از وقار و سنگینی ملاحظه می‌کنیم، سخن این است که در این فرح و شادی‌ها گاهی کار به مخالفت‌های شرعی که واضح و روشن است می‌رسد که آن نتیجه عدم واقف بودن مردم به شرع است، مردم گمان می‌کنند هر کاری که برای اهل بیت علیهم‌السلام انجام می‌دهند جائز و بلکه ترجیح دارد.

این ظواهر ما را بر آن داشت که استفتائاتی از حضرت عالی بکنیم:

۱- روش صحیح که واجب باشد مؤمنین از علما یا خطبا یا عامه مردم برای زنده کردن این شعائر روشن کند چیست؟

۲- در اینجا بعضی از تصرفات هست، حکم آن چیست؟

أ- حکم آهنگ‌های دینی به نام موالید - چنانکه در عراق هست - با علم به اینکه بسیاری از آن با کیفیت لهوی و مشابه روش غنائی است و قریب به الحان اهل فسق و فجور می‌باشد چیست؟ حکم خریدن نوارها و سی دی‌های این آهنگ‌ها چیست؟ آیا نظم شعر غزلی و خواندن آن در حق ائمه اهل بیت علیهم‌السلام جائز است؟ چگونه می‌توان این آهنگ‌ها را جمع کرد؟

ب- حکم کف‌زدن در جشن‌های شادی که به مناسبات ولادت ائمه علیهم‌السلام بر پا می‌شود چیست، با علم به اینکه کف‌زدن که یکی کف‌زدن آرام است و یک نوع دیگر آن کف‌زدن شدید که مناسب مجالس لهو می‌باشد اشکال دارد؟

ج- حکم دست زدن در مرقد ائمه علیهم‌السلام و نزد ضریح آنها یا در مساجد چیست؟ حکم هلله کردن زنان در آن اماکن مقدسه یا غیر آن از اماکنی که به گوش مردان می‌رسد چیست؟

د- حکم رقص دبکه یا رقصی که اهل لهو و فسق انجام می‌دهند در این

## مجالس چیست؟

- ه- حکم استفاده از موسیقی خصوصاً از طبل در این مجالس چیست؟
- ۳- آیا عنوان بدعت به بعضی از این امور صدق می‌کند؟ با علم به اینکه آنها در میان مردم به اسم دین و به اسم اهل بیت علیهم السلام انجام می‌شود؟
۱. بسمه سبحانه: تقید داشتن به تقوای خداوند و اجتناب از محرّمات واجب است چنانکه از اعمالی که وقار و سنگینی ندارند مانند کف‌زدن بهتر است که اجتناب شود، و واجب است در مکانی که مدیحه و مصائب اهل بیت علیهم السلام را می‌خوانند از غنا اجتناب شود. والله العالم.
  ۲. ا- بسمه سبحانه: غناء حرام است ولو در تلاوت کردن قرآن باشد. بله شرعاً مباح است اگر خواننده زن باشد و شنوندگان هم منحصر در زنان باشد و غناء نیز به دور از فسق و فجور و گفتار و رفتار غیر مباح باشد. اما درباره تغزل معنای آن را در اینجا نمی‌دانم، آیا شیعه علی بن ابی طالب علیهم السلام را می‌شناسی که به علی علیهم السلام تغزل کند؟! یا قصد به کار بردن کلمات عشق و دوستی و مودت و اشتیاق و علاقه و مانند آن از کلمات و معانی در مقام مدح برای افراد خانواده محمدی تغزل مذموم نامیده نمی‌شود. که مثل این معانی در قصائدی که بعضی‌ها در محضر معصومین علیهم السلام می‌خواندند وارد شده است چنانکه در بعضی از روایات آمده است. والله العالم.

ب- بسمه سبحانه: به جواب اول رجوع کن. والله العالم.

ج- بسمه سبحانه: در جواب‌های متعددی از ما صادر شده که کف‌زدن عملی بدون وقار و سنگینی هست و بهتر است که از آن اجتناب شود، هر گاه در نزد عقاء کف‌زدن موجب اهانت به صاحب ضریح شود در نزد ضریح جائز نیست، اما هلهله کردن زنان، بر زنان جائز نیست که بدون مجوز شرعی صدایشان را در

بین بیگانگان بلند کنند، و بودن آنها در شادی‌های اهل بیت علیهم‌السلام مجوز شرعی بر آن نیست، این قیاس نسبت به زنانی هست که از کار نیفتاده‌اند و امید ازدواج با آنها هست، نباید نزد بیگانگان کاری کنند که باعث خودآرائی و زینت و تحرک عواطف منجر شود. والله العالم.

د- بسمه سبحانه: اما رقصی که از رفاص بروز می‌دهد که جاهائی از بدنش را به حرکت در می‌آورد و حرکاتی می‌کند که غریزه را به هیجان می‌آورد که متناسب با اهل فسق است جائز نیست مگر زن برای شوهرش یا شوهر برای زنش یا با هم. اما رقص شعبیه (دبکه) که در میان بعضی از طائفه‌های عراق و غیر آن هست حکم آن حکم آن رقصی است که از آن منع کرده‌ایم. و اما هوسه عادتی هست که از آن اظهار تکریم یا غم و اندوه یا تحدی قصد می‌شود تا وقتی که برای این مقاصد باشد جائز است. والله العالم.

۳. بسمه سبحانه: اگر یکی قصد کند که این اعمالی را که از کف زدن و هلله کردن ذکر کردی مورد پسند شرع است در این هنگام فقط عنوان بدعت صدق می‌کند، اما اگر کسی آن را به جا بیاورد به حیثی که به اعتبار مشتاق بودن به شادی و ابراز سرور برای اهل بیت به عنوان مباح جائز است از این لحاظ مانعی ندارد و بدعت نیست. والله العالم.

**📖 حکم دست زدن در مولودی‌های ائمه علیهم‌السلام چیست و از آن بزرگواران وارد شده که فرموده‌اند: «عیدهای ما ماتم‌های ماست»؟**

بسمه سبحانه: دست زدن در مولودی‌ها حرام نیست مگر آنکه امر به دور از وقار و سنگینی باشد. والله العالم.

7

8

9

10

11

12

13

14

15

16

17

18

19

## به کار بردن طبل و بوق و موسیقی در عزا

📖 آیا به کار بردن طبل و سنج و بر شیپور دمیدن در حسینیه‌ها جائز است؟

بسمه سبحانه: هرگاه این عمل در نظر عرف بزرگداشت واقعه به شمار آید و برای برانگختن عواطف مفید باشد اشکالی ندارد، چرا که برای هر قوم و منطقه و مردمی روشی برای بر پا داشتن به مثل این اعمال هست. والله العالم.

📖 حکم به کار بردن زنجیر و طبل و مزمار و غیر آن از وسائل در شعائر حسینی علیهم‌السلام چیست؟

بسمه سبحانه: مانعی ندارد تا زمانی که موجب ضرر بر احدی نداشته باشد و سزاوار است از آن در مکان‌هایی که اهل آن به مبدا قیام امام حسین علیهم‌السلام جاهل هستند و با مشاهده آن از اسلام و تشیع تفر پیدا می‌کنند اجتناب شود. والله العالم.

📖 دربارهٔ به کار بردن وسائل و دستگاه‌های موسیقی در اغراض دینی سؤال‌هایی دارم که در ذیل می‌آید:

- ۱- آیا به کار بردن دستگاه اورگ جائز است؟
- ۲- چنانکه می‌دانیم وسائلی که از مشترکات هست به کار بردن آن جائز

است و لکن معیار و حدود آن چیست؟

۳- وسائل محرمه‌ای که در مجالس لهو و فسق به کار برده می‌شود آیا جایز است که آنها را برای اغراض دینی به کار برد؟

۴- آیا به کار بردن موسیقی در آهنگ‌های اسلامی و مراثی و موالید جایز است؟ حدود مباح آن چیست؟

۵- آیا به کار بردن وسائل موسیقی حلال در بیرون آمدن صدا و نغمات همسان با وسائل موسیقی محرمی که بیرون می‌آید جایز است؟

۶- آیا به کار بردن ناله‌ها و فریادها جایز است یا نه؟

با تشکر فراوان از حضرت عالی

بسمه سبحانه: ای فرزندم بدان که موسیقی انواعی دارد:

یک نوع از آن نشانه و رمزی برای پخش اخبار و مانند آن است.

یک نوع از آن موسیقی جنگی است که برای برانگیختن روح حماسه در لشکر و سربازان به کار می‌رود.

یک نوع از آن موسیقی تصویری است که غالباً در هنگام نشان دادن تصویر در تلویزیون و مانند آن برای تحت تاثیر قرار دادن به حالتی مشخص در هنگام مشاهده پخش می‌کنند.

یک نوع موسیقی محزون هست که برای درمان بعضی از امراض به کار می‌برند، یا موسیقی که برای آرامش اعصاب است که بعضی از پزشکان برای معالجه مریض عصبی از آن استفاده می‌کنند که همه اینها جایز است.

اما موسیقی که مرتب و منظم بر طراز غناء و غالباً همطراز آهنگ و ترانه است، واجب است از آن اجتناب شود.

اما موسیقی که همطراز با رقص است اگر چه رقص مباح باشد مانند رقص زن

برای شوهرش یا هر دو با هم، یا اینکه شوهر برای همسرش می‌رقصد که مانعی ندارد، و اما رقص حرام - که آن مورد مذکور نیست - پس موسیقی که مرتبط با آن باشد حرام است.

و اما سائلی که در موسیقی به کار می‌برند اگر چه مشترک باشد به این معنی که ممکن است از آن در مباح و محرم به یک حد استفاده شود نگاه‌داشتن و خرید و فروش و تجارت آن اشکالی ندارد. اگر غالباً آنها را برای محرمات به کار می‌برند و به کار بردن آن در مباح آن قدر کم باشد که انگار در مباح مورد استفاده واقع نمی‌شود نگاه‌داشتن آن جائز نیست چنانکه تجارت کردن آن حرام است و واجب است که آن را از بین ببرند. والله العالم.

📖 نظر شرع در بعضی از شعائر دینی که با بعضی دیگر در معارض هست و می‌گوید که آن باعث ناراحتی است مانند طبل‌زدن در هیئت‌های زنجیرزنی در آخر شب، آیا این عمل وقتی که باعث ناراحتی دیگران شود حرام است؟ اگر کسی بگوید که صدای بلندگوهای سوگواری هم آنها را اذیت و ناراحت می‌کند؟ اگر این عمل شرعاً جائز نباشد روزی می‌آید که به زودی همه شعائر دینی تعطیل شود حتی هیئت‌های عزا، زیرا یکی پیدا شود بگوید که حرکت عزا سرگردان کننده و باعث هرج و مرج و بی‌نظمی می‌شود؟

بسمه سبحانه: ای فرزندانم بدان کسی که این شعارها را بلند می‌کند با کلمه حق برای از بین بردن حق استفاده می‌کند و آن در حدی است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «کلمه حقی که از آن باطل اراده می‌شود»، سزاوار است که در این هنگام گفته شود که شعائر حسینی که در آن قه‌زنی هست و آنچه که موافق آن با مستلزمات تشویق‌کننده برای قه‌زنان و غیر آن هست مورد پسند است، و

محافظت کردن بر راحتی مردم نیز مطلوب است و لکن سزاوار است که بدانیم همچنانکه قمه زدن ناراحت کننده است و همچنین صدای اذان صبح چه بسا بعضی از مردم را ناراحت می کند پس کسی که از آن ناراحت می شود و نمی تواند خودش را ننگه دارد مکان دور از این صداها را برای خودش در ایام عزاداری انتخاب کند یا در خانه اش را ببند تا نفسش آرام گیرد و دلیران شیعه را به حال خودش رها سازد تا شعائر حسینی را از قمه زدن و غیر آن را به شکی زیبا زنده کنند. والله العالم.

### 📖 نظر حضرت عالی درباره وارد کردن موسیقی بر نوار ضبط صوت در

خواندن «لطمیات» چیست؟

بسمه سبحانه: بارها گفته ام که موسیقی انواعی دارد، یک نوع از آن موسیقی نظامی هست که برای برانگیختن روح حماسی استفاده می کنند، یک نوع از آن تصویری است تا تقرب برای ذهن بیننده تلویزیون آنچه را که مشاهده می کند باشد که یا او را به نگاه کردن تشویق کند یا خیال کند که آنچه را می بیند در ذهن خودش ترسیم نماید به شرطی که منافی با دین نباشد، در اینجا موسیقی هست که برای نشانه و رمزی برای تلویزیون و پخش اخبار به شمار می رود، این نوع از موسیقی مباح است.

و اما موسیقی که باعث تحریک رغبت جنسی شود یا بر لحن غناء یا رقص باشد جائز نیست که این قسم حرام بوده و اجتناب از آن واجب می باشد مگر برای زن در برابر شوهر یا با همدیگر و یا بالعکس. والله العالم.



## ترتت حسینى ﷺ

📖 آیا استشفاء کردن با ترتت حسینى ﷺ به اندازه نخود یا بیشتر از آن جائز است؟ آیا خوردن ترتت کربلا به خاطر دوستى و علاقه به حسین ﷺ نه برای استشفاء جائز است؟ آیا مراد از ترتت مطلق ترتت کربلا است یا مراد موضعى خاص از آن است؟

بسمه سبحانه: مجاز شرعى برای جواز خوردن احتیاطاً مقدار نخود کوچک است آن هم به خاطر استشفاء؛ فقط و همه خاک کربلا اعتبار ترتت شفاء را ندارد، شکی نیست که خاک کربلا مورد احترام و مبارک و میمون هست لکن جواز خوردن شرعى مشروط به شرائطى است که حد امکان هر چه نزدیک تر به محل دفن سیدالشهداء ﷺ باشد، چنانکه خواندن دعای وارد شده از جانب معصومین ﷺ نیز در آن معتبر هست. والله الهادى.

📖 آیا مداوا کردن به ترتت حسینى ﷺ به اندازه نخود یا بیشتر جائز است؟

بسمه سبحانه: به قصد استشفاء کمتر از نخود جائز است. والله العالم.

📖 آیا استشفاء مخصوص به ترتت امام حسین ﷺ است یا شامل باقى

معصومین علیهم السلام و ذراره آنها هم می شود؟

بسمه سبحانه: روایات وارده از طریق معتبر خصوص تربت امام حسین علیه السلام است. والله العالم.

📖 حکم تربت حسینی که در نزد ماست و در نمازهایمان بر آن سجده می کنیم چیست؟ آیا آن همان تربتی است که در روایات به قدسیت و وجوب تطهیر آن در صورت نجس شدن شده است؟ آیا احترام آن واجب است مانند اینکه از قبر شریف گرفته شده باشد؟ محدوده معتبر برای برداشتن از خاک کربلای مقدسه تا قبر چقدر است؟

بسمه سبحانه: سزاوار است که تربت از نزدیک ترین منطقه به قبر شریف برداشته شود. و ممکن است که از غیر مکان آن گرفته شده و آن را در نزدیک قبر گذاشته باشند و بعد از آن تربت به شکل مهر و غیر آن بسازند، هر گاه آن چنانکه ذکر کردیم برداشته شود احکام بر آن جاری می شود جز جواز خوردن آن به خاطر استشفاء که بر آن حکم جاری نمی شود مگر اینکه از خود قبر برداشته شود یا خاک را بر قبر گذاشته باشند سپس از آن بردارند با دعائی خاص که در مفاتیح الجنان و غیر آن آمده است بخورند. والله العالم.

## توضیحی بر بعضی روایات

📖 می‌خواهم معنای: «حسین منی و انا من حسین؛ حسین از من است و من از حسن»<sup>۱</sup> را بدانم، چگونه می‌شود که رسول خدا ﷺ یک بار جزئی از حسین علیه السلام می‌شود و بار دیگر حسین علیه السلام جزئی از رسول خدا ﷺ می‌گردد؟! می‌خواهم باطن این عبارت مشهور را بشناسم، که بارها آن را در مجالس ابی‌عبدالله علیه السلام شنیده‌ایم و از شناخت حقیقت و باطن آن محروم مانده‌ایم؟

بسمه سبحانه: به تحقیق شخصیت انسان فضل و کمالی را کسب می‌کند که به وسیله آن از دیگران شناخته شود و همچنین چه بسا شخصیت انسان به سبب گناهان و زشتی‌ها توصیف بارز و آشکاری را کسب کند که به زشت‌ترین حالت مبدل گردد. گروه اول عنوان هر خیر و کمال را دارا می‌شود به حیثی که مشخصات او تکوینی و اضافاتش دارای علامت و نشان و مشخص شده و در وسعت عالم خودش در فضل و کمال شناخته می‌شود، و هرگاه گفته می‌شود فلانی مانند اینکه نزد متکلم و شنونده دارای همه کمالات در حد بالائی است.

همچنین گروه دوم هر گاه در آن مکان وارد شود در قبح و انحراف و زشتی

---

۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۱۷۲؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۴، ح ۳۸۶۴؛ المستدرک حاک نیشابوری، ج ۳، ص ۱۷۷؛ تحفه الاحوذی، مبارکفوری، ج ۱۰، ص ۱۹۰؛ الادب المفرد بخاری، ص ۸۵، ح ۳۶۹؛ صحیح ابن حبان، ج ۵، ص ۴۲۸؛ معجم الکبیر طبرانی، ج ۳، ص ۳۳، ح ۲۵۸۹؛ و نیز در معجم طبرانی، ج ۲۳، ص ۲۷۴

وارد شده است، شخصیتش عنوانی را می‌گیرد که جمیع انحرافات و فساد را در خود جمع می‌کند، ممکن است که شیطان به این و امثال او ممثل شود مانند یزید بن معاویه و حجاج بن یوسف ثقفی و مجموعه ستمکاران فاسد اموی و عباسی.

اگر خواستی از کسی بحث شود که صلاحیت این را داشته باشد که از مصداق گروه اول باشد و ممکن است که کسی که به او ممثل شود که رسول اعظم صلی الله علیه و آله باشد را آشکار کرد، پس در این هنگام از آن شخص به مقدس که اسمش میمون و پربرکت است تعبیر می‌شود. پس بگویم محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله مانند اینکه به شخص و به اسم او از ذاتی تعبیر کردی که دارای جمیع صفات کمالیه غیر از آنچه که مختص به باری تعالی است می‌باشد. پس شأن رسول اعظم این است. و بعد از مندرس شدن تلاش‌های پیامبران گذشته پس رسول صلی الله علیه و آله یعنی خلق، کمال، رفعت، مبارزه کننده با ظلم و فساد، ... و در نتیجه محتاج به آن نیستیم که آن را طول دهیم بلکه آن را در یک کلمه می‌آوریم و آن یعنی «محمد صلی الله علیه و آله»، و این عظمت در سختی‌ها و گرفتاری‌های امور مسلمانان در معرض زوال بود که امام حسین علیه السلام به آن عظمتی که ملکش رسول اعظم صلی الله علیه و آله بود دوباره جان بخشید، پس بقای عظمت پیامبر صلی الله علیه و آله مرهون حسین علیه السلام است، و هر یک از آن دو از دیگری است. والله الهادی.

📖 این کلمات زیبایی که از سیدالشهداء امام حسین علیه السلام است مرا به اندیشه واداشته که می‌فرماید: «خُطُّ الْمَوْتُ عَلَىٰ وَوَلِدِ آدَمَ مَخَطُ الْقَلَادَةِ عَلَىٰ جِبَدِ الْفِتَاةِ وَمَا أَوْلَهُنَّ إِلَىٰ أَشْلَافِي أَشْتِاقُ يَعْقُوبَ إِلَىٰ يُوسُفَ»<sup>۱</sup> یعنی: مرگ و هجرت از این سرای فناپذیر به سرای ماندگار برای فرزندان انسان بسان گردنبندی است

که بر گردن دختران جوان آویخته و آراسته است، و راستی که مرا به دیدار نیاکانم شور و شوقی وصف ناپذیر بر سر است؛ درست همان شور و اشتیاقی که یعقوب به دیدار یوسف داشت.

چگونه امام علیه السلام این عبارت را خصوصاً عبارت «خَطُّ الْمَوْتِ عَلَيَّ وَوَلِدِ آدَمَ مَخَطُّ الْقِلَادَةِ عَلَيَّ جِدِّ الْفِتَاةِ» را قصد می‌کند؟ آن را بفرمائید تا بفهمم. از حضرت عالی کمال تشکر را دارم.

بسمه سبحانه: آنچه که ممکن است این است که مقصود امام علیه السلام از آن عبارت این باشد که مرگ بر فرزند آدم احاطه دارد و زینت برای اوست مانند گردنبندی که در گردن دختران جوان هست، و اینکه مرگ انسان را بر سعی و تلاش برای بعد از مگر تحریک می‌کند چنانکه دختر جوان هنگامی که با گردنبندی خود را زینت می‌بخشد بوی رسیدگی از او استشمام می‌شود و خودش را برای تشکیل خانواده بعد از آنچه که خداوند زوج هم کفوی را قسمت کرد آماده می‌کند. والله العالم.

📖 سید و مولایمان امام صادق علیه السلام می‌فرمود: نزد من حدیثی از کربلا هست که اگر از آن بر شما خوف نداشتم که از شنیدن آن بمیرید آن را برای شما بیان می‌کردم. آیا اینجا اسراری غیر از شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش در کربلا هست؟ و آیا علما که خداوند نگهدارشان باشد این اسرار را می‌شناسند؟

بسمه سبحانه: ای فرزندم بدان آنچه که از این فاجعه دردناک رسیده کمترین کمترها از آن زیادی است که رسیده است و معصومین علیهم السلام آن را می‌دانند، برای اینکه بنی‌امیه راه‌ها و دهان‌ها را برای نقل این فاجعه دردناک را بسته بودند تا

تفصیل آن نقل نشود. والله العالم.

📖 سؤال من از گفته «یا لیتنا کننا معکم» است لازم است که بگوئیم «یا لیتنا کننا معکم»، سؤال من آن است که آیا اگر بگوئیم: «یا لیتنا کننا معهم» صحیح است یا اشتباه؟

بسمه سبحانه: هر تعبیری در جای خودش صحیح است هنگامی که یکی از معصومین علیهم السلام را یا یکی از یاران امام حسین علیه السلام را مورد خطاب قرار دهی سزاوار است که از تعبیر «معکم» بکنی، و هرگاه در حال خطاب نباشد پس تعبیر «معهم» می باشد، و حاصل اینکه در هنگام به کار بردن آن تعبیر در حدودش حکم می شود. والله العالم.

📖 سید ابن طاووس در کتابش «فرحة الغری» روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که حضرت علی علیه السلام را مورد مخاطب قرار داده و می فرماید: «و جمعی از اراذل مردمان و بدترین خلق خدا سرزنش کنند زیارت کنندگان شما را به سبب زیارت، چنان که سرزنش می کنند زناکاران را به زنا؛ این جماعت بدترین امت منند؛ ایشان را شفاعت نخواهم کرد و در حوض کوثر بر من وارد نخواهند شد»<sup>۱</sup>.

چند سؤال از این روایت دارم:

- ۱- اعتبار متنی و سندی این روایت چیست؟
- ۲- بعضی ها آن را به خاطر یکی از راویان ضعیف دانسته است، و لکن آیا از نظر شما این روایت معتبر است؟

۱. فرحة الغری، سید بن طاووس، ص ۱۰۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۸۲؛ تهذیب، ج ۶، ص ۲۲؛ ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۴۴۱؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۰

۳- آیا اینجا روایات معتبری هست که افاده خود معنی را بکند، امیددارم که ما را به آن راهنمایی فرمائید؟

۴- آیا روایات مفیدی در این باره هست؟

۱. بسمه سبحانه: این روایت از روایات نقل شده در کتاب‌های معتبر است، سید بن طاووس از بزرگان علمای مبرز و مقدس نزد امامیه هست، و متن روایت آن را تصدیق می‌کند که آن از بزرگی واقع شده است که از دست ناصبی‌ها در امان مانده است. والله العالم.

۲. بسمه سبحانه: در تصدیق این روایت منطبق مضمون آن به آنچه که ذکر کردیم کفایت می‌کند. والله العالم.

۳. بسمه سبحانه: روایات با این مضمون هست، و اینجا روایات زیادی هست که دلالت بر فضیلت زیارت ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ خصوصاً سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَامُ دلالت می‌کند. والله العالم.

۴. بسمه سبحانه: به کتاب «کامل الزیارات» محمد بن قولویه رجوع کن، که اکثر روایات وارده در شأن زیارت عتبات مقدسه را جمع کرده است. والله الهادی.

📖 معنای عبارت وارده در زیارت ناحیه مقدسه «قَبْرَزْنٍ مِنَ الْخُدُورِ نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ لَطِمَاتِ اللَّوْجُوهِ سَافِرَاتِ وَالْبَعُولِ دَاعِيَاتِ؛ از پرده بیرون آمدند موی بر روی ریخته و پریشان کرده و سیلی بر رخسار زنان و روی‌ها گشاده شیون کنان» چیست؟

بسمه سبحانه: معنی لغوی هر یک از کلمات آن واضح و روشن است و اشکال از جهت حجاب است، پس بنابر فرض صحت سند زیارت اشکال حل می‌شود به اینکه این فجائع بعد از سوختن خیمه‌ها اتفاق افتاده است. والله العالم.

## 📖 در زیارت وارث «السلام علیکم و علی اجسامکم و علی اجسادکم»

وارد شده است، فرق بین جسم و جسد چیست؟

بسمه سبحانه: جسم به طول و عرض و عمق تفسیر شده است و اجزاء جسم از اجسام جسمی طبیعی خارج نمی‌شود مگر آنکه قطع شود و تکه تکه گردد. اما جسد پس ظاهر از بعضی از بزرگان علم لغت مانند خلیل فراهیدی رحمته الله بنابر آنچه که از او نقل شده است که جسد از جسم اخص تر است، جسد برای غیر انسان از خلق مانند زمین و مانند آن به کار برده نمی‌شود، و همچنین جسد آن است که دارای رنگ است و جسم که برای آن رنگی نیست مانند آب و هوا. والله العالم.

## 📖 آیا در جمله وارد شده در زیارت جامعه «وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَ

حِسَابُهُ عَلَيْكُمْ؛ و بازگشت خلق بسوی شما و حسابشان بر عهده شماست»<sup>۱</sup> محذور شرعی است یا با قرآن ﴿إِنَّا إِنَّمَا إِنبَاءُهُمْ \* ثُمَّ إِنَّا عَيْنًا حِسَابُهُمْ﴾<sup>۲</sup> یعنی: به یقین بازگشت (همه) آنان به سوی ماست، و مسلماً حسابشان (نیز) با ماست! تناقض دارد؟

بسمه سبحانه: بین جمله ذکر شده از زیارت با آنچه که در کتاب عزیز آمده تناقضی نیست، چرا که خداوند سبحان افعال بعضی از بندگان را به خودش منتسب می‌کند هر گاه آن افعال از آنها صادر بشود که به وسیله وکالت و وظیفه از خداوند متعال است، خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾<sup>۳</sup> یعنی: و این تو نبودی (ای پیامبر که خاک و سنگ به صورت آنها)

۱. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۴۴

۲. سوره غاشیه، آیه ۲۵ - ۲۶

۳. سوره انفال، آیه ۱۷



انداختی؛ بلکه خدا انداخت!

و در حق مجاهدین فرمود: ﴿فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ﴾<sup>۱</sup> یعنی: این شما نبودید که آنها را کشتید؛ بلکه خداوند آنها را کشت!

آنچه که معلوم است در اعطا ثواب و نعمت‌های بهشت و عذاب قیامت در آتش به فعل ملائکه بدون واسطه می‌باشد و با توجه به آن خداوند همه آنها را به خودش نسبت می‌دهد. آن شفاعت بود و تمیز دادن بین مومن از منافق، و محق از مبطل روز قیامت به امر خداست و بدون واسطه از معصومین علیهم‌السلام، پس نسبت آن به مقتضای قاعده به خداوند سبحان است چرا که آن به امر خداوند سبحان به آنهاست، ممکن است که مقصود از جمله زیارت «وَايَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُ عَلَيْكُمْ» و بازگشت خلق بسوی شما و حسابشان بر عهده شماست «مودت ائمه علیهم‌السلام و طاعت و ولایت آنها باشد که آن علت رستگاری است و برای آن تعبیر شده از آن به آنچه که در زیارت وارد شده است. والله العالم.

📖 گفته می‌شود که هنگام تولد امام حسین علیه‌السلام جبرئیل علیه‌السلام در مسیر نزول یا صعودش به یکی از ملائکه عبور کرد این ملک از او خواست که از خداوند بخواهد که به برکت امام حسین علیه‌السلام او را ببخشد، حسب آنچه که در قرآن آمده است ملائکه که گناه نمی‌کنند، پس آن چگونه است؟

بسمه سبحانه: آنچه از آن ملک صادر شده بود معصیت نبود بلکه اولی به انجام دادن بوده تا ترکش، که از آن در کلمات علما تعبیر به «ترک اولی» می‌شود و این اتفاق در کتاب‌های معتبر موجود است و با عصمت منافات ندارد. والله العالم.

صحیح آنچه که به اهل بیت علیهم السلام در این جمله زیارت «وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُ عَلَيْكُمْ»؛ و بازگشت خلق بسوی شما و حسابشان بر عهده شماست<sup>۱</sup> نسبت می دهند چیست؟ با توجه به اینکه این کلام با قرآن کریم در سوره غاشیه ﴿إِنَّا إِنَّمَا إِنبَأْنَهُمْ \* ثُمَّ إِنَّا عَرَّبْنَاهُمْ﴾<sup>۲</sup> یعنی: به یقین بازگشت (همه) آنان به سوی ماست، و مسلماً حسابشان (نیز) با ماست! تعارض دارد؟

بسمه سبحانه: این قسمت در کتاب‌های معتبر وارد شده است و به قصد دعا خواندن آن اشکالی ندارد. بدان که در اینجا احکامی مختص به خداوند سبحان هست، و اعمالی هم هست که خداوند سبحان بعضی از بندگانش را مکلف به آن کرده است، مثلاً وارد شده که خداوند سبحان دو ملک را مامور هر انسانی کرده که یکی حسنات و نیکی‌ها را می‌نویسد و دیگری گناهان را، و مؤمنین در روز قیامت به رهبری ائمه اطهار علیهم السلام محشور می‌شوند چنانکه خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ﴾<sup>۳</sup> روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم! و شیعه هر امامی در ظرف وجود او و به رهبری او محشور می‌شود، و او آن کسی است که از آنها شفاعت می‌کند، و اینها به سوی او برای رهائی از عقاب الهی رجوع می‌کنند، این همان معنای مقصود است و برای بحث طولانی و عمیق مجالی دیگر می‌طلبد. والله العالم.

معنای طلقاء در کلام عقيلة بنی هاشم حضرت زینب علیها السلام با یزید

چیست؟

۱. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۴۴

۲. سوره غاشیه، آیه ۲۵ - ۲۶

۳. سوره اسراء، آیه ۷۱

بسمه سبحانه: به حسب ظاهر حضرت زینب علیها السلام به روز فتح مکه اشاره می‌کند که رسول اعظم صلی الله علیه و آله همه ستمکاران و کسانی که باعث هجرت آن حضرت شده بودند را جمع کرد و از آنها پرسید که من امروز با شما چگونه رفتار کنم؟ گفتند: برادر کریم و فرزند برادر کریم هستی. حضرت صلی الله علیه و آله به آنها فرمود: بروید که شماها آزاد شده هستید. پدر یزید و جدش و سائر خانواده این درخت ملعونه از زن و مرد به غیر از حبیبه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه بودند، و حق شرعی رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که آنها را به عنوان برده بگیرد و لکن آنها را آزاد کرد چنانکه بیان شد. والله العالم.

📖 از بعضی از روایات و قصص ظاهر می‌شود که آل‌البیت علیهم السلام جزع و بی‌تابی کرده‌اند و زنان بدون پوشش و حجاب از خیمه‌ها بیرون آمدند و این شایسته و مناسب آنها و به قوت و نیروی ایمان‌شان نیست.

بسمه سبحانه: بدان ای فرزندم اگر چه این عمل به اختیار زنان مؤمنه و علویات و قرشی مناسب و شایسته حال آنها نیست، و آنچه که باعث شد این عمل را انجام دهند مانند آتش زدن خیمه‌ها و گرفتن پوشش‌های آنها بود چنانکه در روایات وارد شده است، پس وجه اشکال کجاست؟ والله الهادی.

📖 نتیجه تحقیقات حضرت عالی در خصوص جمله «کل یوم عاشوراء و کل ارض کربلا» چیست؟ حکم شرعی آن چیست؟ آیا تفقهی با نظر بعضی از علما که می‌گویند این عبارت از ترویج بنی‌امیه است کرده‌اید؟

بسمه سبحانه: این عبارت آنچه را که بر اهل بیت علیهم السلام و پیروان آنها در گذشته جاری شده را آشکار می‌کند، و در زمان حاضر بر آنها جاری نمی‌شود، نسبت دادن این الفاظ به معصومین علیهم السلام نیاز به ثبوت سند دارد. هر گاه تاملی داشته

باشیم بر آنچه که بر اهل بیت علیهم السلام بعد از واقعه کربلا و بر فرزندانشان و شیعیان آنها از کشتار و نابودی و ویرانی جاری می‌شد و آنچه که بر پیروان آنها و بلند کنندگان پرچم‌های اهل بیت علیهم السلام و کسانی که شعائر امام حسین علیه السلام در هر زمان و مکانی اقامه می‌کردند جاری می‌کردند مقتضای انطباق این عبارت هست.

📖 معنای فرمایش امام حسین علیه السلام چیست که می‌فرماید: «فَإِنْ نُهَزِمَ فَهَزَامُونَ قَدَمًا \* وَإِنْ نُهَزِمَ فَغَيْرُ مَهْزَمِينَا»<sup>۱</sup> یعنی: اگر ما دشمن را شکست دهیم از قدیم الایام این افتخار را داشته‌ایم. و اگر شکست بخوریم فرار نخواهیم کرد. بسمه سبحانه: امام علیه السلام می‌فرماید: - که خدا عالم هست - اگر پیروزی در این جنگ در ظاهر برای او باشد این جای تعجب ندارد چرا که پدر و جدش نیز در گذشته بر کفار و منافقین غلبه کردند. و اگر مغلوب شود و کشته گردد و این غلبه ظاهری برای دشمنان هست و این فرار از جنگ و ترس برای او به شمار نمی‌آید چنانکه در بیت بعد به آن اشاره می‌فرماید: «وَمَا إِنْ طِينًا جُبْنٌ وَ لَكِنْ \* مَنَائِنَا وَ دَوْلَةٌ آخِرِينَا»<sup>۲</sup> یعنی: هیچ وقت ترس و بیم عادت ما نبوده. ولی مرگ ما باعث دولت دیگران گردیده است.

خدا عالم است، همانا شکست حقیقی آن است که انسان به مقصود خود در جنگ و مبارزه و اگر چه در غیر جنگ و کشتار باشد نرسد، بدرستی که سیدالشهداء علیه السلام قصدش را احراز کرد و با خون پاکش اسلام را سیراب نمود و تا روز قیامت باقی ماند و یزیدی که در از بین بردن اسلام سعی و تلاش نموده بود شکست خورد. والله العالم و هو ولی التوفیق.

۱ . بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۹

۲ . بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۹

📖 در زیارت موجودی که با آن حضرت معصومه علیها السلام را زیارت می‌کنیم جمله‌ای هست که اطمینان از صحت کتابت آن ندارم و من فهم کم خود معتقد هستم که مخاطب در زیارت همان حضرت علیها السلام هست و لکن ضمیر در زیارت اشاره به مخاطب مرد می‌کند، آیا این عبارت صحیح است: «أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِحَبْجِكُمْ وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالتَّسْلِيمِ إِلَى اللَّهِ رَاضِيًا بِهِ غَيْرَ مُنْكَرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَعَلَى يَقِينٍ مَا أَتَى بِهِ مُحَمَّدٌ وَبِهِ رَاضٍ نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي اللَّهُمَّ وَرِضَاكَ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ يَا فَاطِمَةَ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّانِ»<sup>۱</sup>

پس کلمه «یا سیدی» به مرد گفته می‌شود در حالی که خطاب آن حضرت است، پس اگر صحیح باشد از حضرت عالی می‌خواهم که معنای آن را برایم شرح فرمائید، و اگر صحیح نباشد احتیاج به تصحیح لفظی دارد.

بسمه سبحانه: بدان ای فرزندم که عبارت «رَاضٍ نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي» توجه به خداوند سبحان هست و به حضرت معصومه علیها السلام نیست. والله الموفق.

📖 معنای فرمایش امام علیه السلام در زیارت «السلام عليك يا ثار الله و ابن ثاره» چیست؟

بسمه سبحانه: معنی آن این است که او و پدر و مادرش علیهم السلام قاتلشان یا کسی که سعی در کشتن آن دو دارند قصاص نمی‌کنند، خداوند هست که متولی آن در دنیا یا در آخرت یا در هر دو است. والله العالم.

📖 «اللهم تقبل منا هذا القليل القربان؛ پروردگارا این قربانی کم را از ما قبول فرما»<sup>۲</sup> آنچه که بر این عبارت دلالت می‌کند عکس آن در نقش زنان در

۱. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۶۶۷

۲. شجره طوبی، محمد مهدی حائری، ج ۲، ص ۳۹۳

## این کشتار و جنگ است؟

بسمه سبحانه: این جملات نماد عملی عزم بر قربانی و خضوع مطلق در برابر اوامر الهی و صبر و شکیبائی بر مصائب و انحراف بزرگی که از جاده‌ای که خداوند سبحان در خلال شرع مقدس اسلامی ترسیم کرده بود هست، چنانکه نهایت نماد این جملات به خاطر انقلاب سیدالشهداء علیه السلام است که به عظمت اسلام و شریعت کالبدی دوباره بخشید، که آن از هر چیزی با قیمت‌تر و با ارزش‌تر است به حیثی که سیدالشهداء علیه السلام بزرگ‌تر از آن چیزی که بنده در راه خداوند تقدیم می‌کند تقدیم نمود. چنانکه آن حضرت واضح و روشن نمود آنچه که امام حسین علیه السلام برای آن قیام نمود و آنچه که به زودی آن حضرت علیه السلام بدان اقدام می‌کند همه آنها در یک قالب که همان قربانی شدن در راه اسلام است می‌باشد. و آشکارا در مقابل یزید لعین آن را کشف کرد چنانکه روایت شده که آن حضرت علیه السلام فرمود که معنایش این است: «ای پسر کسانی که جدمان (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) در فتح مکه) اسیرشان کرد و سپس آنها را آزاد نمود، آیا از عدالت است که تو زنان و کنیزان خود را پشت پرده بنشانی و دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به صورت اسیر به این سو و آن سو بکشانی ... هر نیرنگی خواهی بزن و هر اقدامی که توانی بکن و هر کوشش که داری دریغ مدار، که سوگند به خدا نه نام ما را می‌توانی محو کنی و نه نور وحی ما را خاموش نمایی ...»<sup>۱</sup> تا آخر خطبه. پس حضرت زینب دختر علی علیه السلام فصل مهمی در ثبت کردن نهضت حسینی علیه السلام دارد. والله الهادی.

۱. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۲ - ۱۳۳؛ از خطبه حضرت زینب علیه السلام در مجلس یزید ملعون.

## شخصیت‌ها و حوادث مرتبط با جریان کربلا

📖 در زمان‌های اخیر ملاحظه می‌شود که بعضی از گروه‌های مردمی مراسم جشن زفاف حضرت قاسم و حنابندان و شب عروسی در شبی که برای قاسم بن حسن علیه السلام است را بر پا می‌دارند، با توجه به اینکه روایات عروسی ضعیف و غیر موثق است، آیا تشویق کردن مردم بر به پا داشتن مثل این اعمال در یکی از شب‌های محرم با اینکه بعضی از مردم آن را یکی از وسائل تاسی به امام حسین علیه السلام معتبر می‌دانند جائز است؟

بسمه سبحانه: هرگاه این عمل خالی از آنچه که منافات با شرع دارد داشته باشد و در منطقه‌ای که نزد عقلاء آن عمل زشت شمرده نمی‌شود مجوزی برای منع آن نیست، اما تشویق کردن مردم به برپا داشتن مثل این مراسم‌ها از ما صادر نمی‌شود. والله العالم و هو الهادی.

📖 درباره بعضی از شعائر حسینی علیه السلام که از آن جمله هست مراسم عروسی حضرت قاسم علیه السلام چه می‌فرمائید که در آن طبق‌ها می‌گذارند، شمع‌ها است، شیرینی‌جات پخش می‌کنند، چراغ‌ها روشن می‌کنند و خطیب بعضی از اشعار را که دلالت بر عروسی هست را می‌خواند؟ آیا ازدواج حضرت قاسم علیه السلام سندش نزد شما ثابت شده است؟

بسمه سبحانه: این روایت را در کتاب معتبر به سند معتبر نیافتیم. والله العالم.

📖 از حضرت عالی درخواست دارم برای ما سبب یا علت اسناد هر روز به صاحب مناسبتی در ده روز اول محرم را بیان فرمائید، مثلاً روز هفتم را به ابوالفضل علیه السلام و همچنین از اول روز و حتی روز نهم را به آن حضرت نسبت می‌دهند. خداوند جزای خیر به شما دهد.

بسمه سبحانه: ای فرزندم بدان در بعضی از روایات غیر معتبر روایت شده که ابوالفضل علیه السلام در روز هفتم برای آوردن آب نقش دارد، و حضرت علی اکبر علیه السلام در روز هشتم برای آوردن آب نقش دارد، و برای بعضی از اصحاب مانند بُریر همدانی در شب دهم نقشی هست، مگر اینکه چنانکه گفتیم روایات سندش ضعیف است، خطباء که خداوند اجرشان بدهد آن روایات را وسیله‌ای برای پخش مصائب در روزهای یاد شده کرده‌اند، و معلوم است که اگر خطیب همه مصائب را در یک روز می‌خواست بیان کند امکان آن را نداشت مگر آنکه به نحو اجمال و تلخیص. چنانکه شیخ عبدالزهره کعبی رحمته الله انجام می‌داد و همچنین سید عبدالرزاق مقرر و غیر آن دو. معلوم است که پخش کردن آن در جان‌ها اثر می‌گذارد و مجالی وسیع برای بیان مصیبت‌ها است. والله العالم.

📖 معروف این است که سر مبارک امام حسین علیه السلام در کربلا موجود است، پس ضریح موجود امام علیه السلام در مصر چیست؟

بسمه سبحانه: قضیه مسیر سر مبارک امام حسین علیه السلام محل اختلاف است، معروف و مشهور اینکه محققین به آن اعتراف می‌کنند این است که سر مبارک آن حضرت علیه السلام از شام به کربلا انتقال یافت، روایاتی هم داریم که مخالف آن است، و به تحقیق سید ناقد و بصیر عبدالرزاق در کتابش مقتل الحسین علیه السلام که مهم‌ترین



مصادر است را در این باره جمع کرده و ایشان قائل به ملحق شدن سر مبارک شریف به بدن مطهر بود. والله العالم.

📖 خطبای منبرهای حسینی علیه السلام ذکر می کنند که سر مبارک شریف امام حسین علیه السلام در مجلس یزید - که لعنت الهی بر او باد - این آیه کریمه ﴿أَمْ حَسِبْتَ أَنْ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا﴾<sup>۱</sup> یعنی: آیا گمان کردی اصحاب کهف و رقیم از آیات عجیب ما بودند؟! را خواند، صحت آن تا چه حد است؟ اشکال ما درباره سخن گفتن امام علیه السلام نیست و این در شأن آن حضرت کم است، و لکن موضوع این است که تاثیر آن در آن قوم به اعتبار اینکه معجزه بود چه بود؟

بسمه سبحانه: سخن گفتن سر شریف یا بیرون آمدن صدا از سری که بدنش نیست یا از روی کرامت است یا مبارزه طلبی است یا اقامه حجت است، روایت شده که سر شریف به آیه شریفه تکلم نمود در مجلس یزید نبود بلکه در جایی دیگر بوده است. بله در بعضی از روایات روایت شده که در مجلس یزید هنگامی که دستور قتل سفیر را داد که مسلمان شده بود سر مبارک کلمه «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» را گفت. همچنین روایت شده که سر مبارک هنگامی که بر عبیدالله بن زیاد و جاهای دیگر وارد شده سخن گفته است، مگر اینکه این روایات ضمن روایات تاریخی هست که حکم فقهی با استناد به مصدر آن مترتب نمی شود.

📖 آیا در مسیر اسراء حسینی علیه السلام جایگاهی برای امام باقر علیه السلام ذکر می شود؟

بسمه سبحانه: امام باقر علیه السلام در آن زمان در سن شیرخوارگی بوده است و تاریخ برای ما موضعی به غیر از مبتلا شدن پدر و مادرش چیز دیگری نقل نمی‌کند. والله العالم.

📖 آیا حضرت عباس علیه السلام جزء معصومین علیهم السلام به شمار می‌رود؟ یا اینکه او عبد صالح است؟ آیا کلمه امام بر او اطلاق می‌شود؟ با علم به اینکه به اینک از معصومین نه گانه نیست؟ و اگر این چنین است برای چه؟ با اینکه فاطمه دختر امام موسی کاظم علیه السلام و خواهر امام رضا علیه السلام معصومه هست، و عباس برادر امام حسین علیه السلام و علی علیه السلام فرزند امام علیه السلام و همچنین حضرت قاسم علیه السلام و علی اکبر علیه السلام معصوم هستند؟

بسمه سبحانه: اثبات عصمت به معنای معتبر برای پیامبر و امام علیهم السلام است که راهی برای احراز آن جز از جانب خداوند سبحان نیست. آن امری باطنی است، و دلیل بر نبوت و امامت شخص دلیل بر عصمت او نزد عدلیه است چرا که در نزدشان برای امام و پیامبر معتبر است، و عصمت برای حضرت زهرا علیها السلام با آیه شریفه ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾<sup>۱</sup> خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد، ثابت می‌شود.

اینجا معنای دیگری برای عصمت است و اینکه ثابت شود که شخص اصلاً معصیتی را مرتکب نمی‌شود، چرا که او در معرفت و تزکیه نفس به جایی رسیده که مرحله قبح واقعی محرمات را شناخته است. پس انجام معصیت از او به مقتضای ادراک و عقل و عمل و عرفانش غیر معقول است. ذوات مقدسه‌ای که

در سؤال ذکر کردی این چنین بودند. چه بسا از این معنای دوم عصمت تعبیر به عصمت صغری می‌کنند. پس مثلاً در زیارت ابوالفضل العباس علیه السلام وارد شده آنچه که از معصوم روایت شده: «السلام عليك ايها العبد الصالح المطيع لله و لرسوله...» تا اینکه می‌فرماید: «و الحقك الله بدرجة آبائك...»<sup>۱</sup> تا آخر. پس شهادت امام علیه السلام اطاعت از خداوند بود و او به زودی از اجر و کرامت روز قیامت آنچه که به پدران گرامی اش می‌رسد به او هم به خاطر عدم صدور معصیت از او می‌رسد. در حق علی اکبر علیه السلام هم وارد شده که او شبیه‌ترین خلق به رسول خدا صلی الله علیه و آله در خلق و خلُق بود یعنی رسیدن به مرتبه علیا مانند عمویش عباس علیه السلام. و همچنین جمله‌ای از این پاکان که از آنهاست علویة طاهره حضرت معصومه علیه السلام که در قم مدفون است.

اما امامت که آن منصب الهی است هر کجا که خواست قرار می‌دهد و به مقتضای نص و روایت منحصر به ائمه دوازده‌گانه است. والله العالم.

📖 ملاحظه می‌کنیم که حضرت عباس علیه السلام را تا به درجه امام حسین علیه السلام در مکانت و مرتبت تعظیم و تقدیس می‌کنند، در اینجا از فرزندان امام حسین و از آل بیت علیهم السلام کسی در کربلا کشته شده که به آن مرتبه نمی‌رسد. لطفاً توضیح بفرمائید که خداوند اجرتان دهد.

عذر می‌خواهم که روش من متناسب با روش شیعیان نیست چرا که من از مستبصرین هستم که به تازگی این مذهب را پذیرفته‌ام.

بسمه سبحانه: عظمت ابوالفضل علیه السلام در تعامل با سیدالشهداء علیهم السلام مانند حامل پرچم او بودن در معركة جنگ روشن و آشکار می‌شود. و برگزیدن آن بزرگوار را

۱. مصباح المتجهد، ص ۷۲۶ - ۷۲۷؛ جمله‌هایی از زیارت‌نامه ابوالفضل العباس علیه السلام

برای این منصب از میان همه نزدیکانش کشف از عظمت او می‌کند. مانعی ندارد از میان شهدای هاشمی و غیر آنها در کربلا از اهل فضل و کمال باشد و ابوالفضل از همه شهدا به غیر از امام حسین علیهم السلام افضل باشد. سزاوار است که شهدای کربلا بر دیگری تفضیل داده نشود - غیر از سیدالشهداء علیهم السلام که سرور و آقای همه آنهاست - برای اینکه تفضیل واقعی متوقف بر احاطه داشتن بر همه خصوصیات مثبت به فضل و کمال است و راهی به آن نیست. پس روایات در دست ما غرض ما را بر آورده نمی‌کند چرا که آن در بیان فضائل برای بعضی از شهدا است. والله العالم.

📖 ما می‌دانیم که فرزندان امام حسین علیهم السلام با آن حضرت شهید شدند که در کتاب‌های سیر ذکر شده است، لکن فرزندان ابوالفضل عباس علیهم السلام در کتاب‌های مقاتل و سیر ذکر نشده است، آیا آنها با حضرت عباس علیهم السلام بودند آیا آنها را در کربلا گذاشت؟ لطفاً توضیح بفرمائید.

بسمه سبحانه: در کتاب «نورالعین فی مشهد الحسین علیهم السلام» آمده است که حضرت عباس علیهم السلام فرزندی به اسم قاسم داشته است که او بعد از شهادت پدرش در مقابل عمویش امام حسین علیهم السلام به شهادت رسید، در زیارتی که صحابی جلیل القدر جابر بن عبد الله انصاری با آن زیارت کرده بدان اشاره کرده است، و گفته‌اند که فرزند دیگرش به نام «محمد» در مقابل عمویش به شهادت رسید، این نظر را برادر جلیل سید حسین بحر العلوم در حاشیه کتاب «مقتل الحسین» پدرش که رضوان الهی بر هر دوی آنها باد در صفحه ۴۱۵، چاپ اول، سال ۱۳۹۸ هـ آورده است. والله العالم بالصوب.

📖 آنچه که بین ما بر حسب اعتقادمان معروف است اینکه دفع ضرر

واجب است. لکن هنگامی که بر تاریخ واقعه کربلا آگاه شدم در آن روایاتی برای اصحاب مقاتل یافتیم که امام حسین علیه السلام در روز عاشورا هنگامی که برای بچه شیرخوارش درخواست آب نمود می دانست که آن طفل به زودی کشته می شود، چگونه طفل غیر مکلف را مقدم کرد در حالی که امام علیه السلام می دانست به زودی می میرد؟ تفسیر شما برای این مطلب چیست؟ خداوند جزای خیر به شما عنایت فرماید.

بسمه سبحانه: بدان ای فرزندم امام معصوم حجت الهی است نمی پرسند که چرا این کار را انجام داد، چرا که او کاری را جز به فرمان الهی انجام نمی دهد، آنچه که امام حسین علیه السلام انجام داد به خاطر امتثال امر پروردگارش بود، آیا عزرائیل از روز خلقت ارواح صالحین و انبیاء و غیر آنها را نمی گیرد، عذر او در این کار چیست مگر اینکه مامور از جانب خداوند سبحان است. بعید نیست که امام علیه السلام می دانست که فرزندش به هر حال کشته می شود، چنانکه طفلی برای آن حضرت علیه السلام در روز عاشورا به دنیا آمد و کشته شد - بنا بر بعضی از روایات - که تیری از طرف دشمنان آمد و سیدالشهداء علیه السلام در حالی که مشغول به اذان و اقامه گفتن در گوش او بود به او اصابت کرد، سیدالشهداء علیه السلام عبدالله رضیع را برای اتمام حجت برد با اینکه او به هر حال کشته می شد. والله العالم.

📖 آیا صحیح است که مسلم بن عقیل علیه السلام در راه فال بد زد؟

بسمه سبحانه: این مطلب در بعضی از روایات آمده است و لکن به نحو جزم و حتمی ثابت شده نیست. والله العالم.

📖 سؤالی دارم درباره سخنی که شخصی در محفلی مطرح نمود و

گمان می کرد یزید که خداوند لعنتش کند از خون سید و سرور ما امام

حسین علیهم السلام بری است و او به یکی از کتاب‌های ما به عنوان «مصریر شمر الضبابی و الخزی الذی لحق به» صفحه ۷۰ استدلال می‌کرد؟

بسمه سبحانه: اعمال مشهور و معروف در نامه به یزید - که لعنت لعن کنندگان بر او باد - و نامه‌هایی که بین او و عبيدالله بن زیاد رد و بدل شد اینکه با خانواده امام حسین علیهم السلام و اسراء چگونه رفتار کند، همه آنها شواهدی هست که یزید مسؤول شهادت امام حسین علیهم السلام است و تشکیک در آن از جانب ناصبی‌ها و طرف‌داران دشمنان اهل بیت علیهم السلام است. والله الهادی.

📖 آیا ام‌البنین علیها السلام در واقعه کربلا زنده بود یا در اثناء آن از دنیا رفت؟

بسمه سبحانه: به طریق معتبر زنده بودن او تا آن روز ثابت شده نیست، اگر چه مشهور در زبان‌ها به زنده بودن او هست، بلکه سید مقرر توقف بر آن دارد. والله العالم.

📖 در اینترنت با یکی از برادران در موضوع فرق بین اصحاب امام

حسین و بین انصارش یا عدم وجود فرق بحث و مناظره می‌کردم، به آنها گفتم فرق موجود این است که انصار ۷۲ نفر هستند که با امام حسین علیهم السلام شهید شدند و اصحاب اعم از زنان و اطفال و مردان هست به دلیل اینکه به اطفالی که با امام حسین علیهم السلام بودند انصار الحسین علیهم السلام گفته نمی‌شود بلکه اصحاب امام حسین علیهم السلام گفته می‌شود، چنانکه در خواب یکی از خواهران به او فرمود که از اصحاب حسین علیهم السلام است و فرمود که از انصار او است، و به آنچه که تفصیل قاطع به شرکت آنهاست، فرق بین اصحاب و انصار را به آنها گفتم، و همچنین گفتم که مراد از خواب این است مانند اینکه او به منزله اصحاب امام حسین علیهم السلام است، لذا از حضرت عالی خواهشمندم به سؤالم

جواب بفرمائید که آیا بین اصحاب امام حسین علیه السلام و بین انصارش فرقی هست؟ تفسیر خواب چیست؟ خداوند جزای خیر به شما دهد.

بسمه سبحانه: اما خواب دلیلی نیست که از معصوم علیه السلام است. اما فرق بین انصار و صحابی از حیث لغت بر کسی پنهان نیست، ناصر کسی است که امام علیه السلام را مطلقاً یاری می‌کند یا در خصوص مشخصی مانند جنگ و دفاع، و شرط نیست که آن یاری کردن با شمشیر باشد به هر نحوی که باشد جزء انصار است، اما صحابی از حیث لغت هر شخصی که با او همنشین باشد، لکن آنچه متعارف است هر کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام علیه السلام را با ایمان دیده باشد، و بعضی‌ها هم قید دیگری اضافه کرده‌اند اول هر کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله را با ایمان دیده باشد از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می‌رود و دوم از اصحاب امام علیه السلام، و همچنین استثناء متعارف شده فرزندان و نزدیکان کسی که عنوان اصحاب را دارد که در لغت به آن صدق می‌کند. والله العالم.

📖 در روز عاشورا آیا مصدري برای آب در خیمه‌های امام حسین علیه السلام

بود؟

بسمه سبحانه: در بعضی از روایات در شب عاشورا آب به خیمه‌ها رسید، و با توجه به آن روایات تاکید دارند که امام حسین علیه السلام با لب تشنه به شهادت رسید. والله العالم.

📖 چه کسی شاهد جنگ کربلا بود و چه کسی آن را به تفصیل روایت

کرده است؟

بسمه سبحانه: ای فرزندانم به کتاب‌های مقاتل و سیر رجوع کن که در آنها راویان جنگ را خواهی یافت. بر توست که کتاب «مقتل الحسین علیه السلام» سید

عبدالرزاق مقرر و کتاب «مقتل الحسین» سید محمد تقی بحر العلوم و کتاب «مقتل الحسین» خوارزمی را مطالعه کنی. والله الموفق.

### 📖 حقیقت داستان اربنب چیست؟ صحت و اعتبار آن تا چه حدود

است؟

بسمه سبحانه: آن داستان‌های مختلفی دارد که دشمنان امام حسین علیه السلام آن را به وجود آوردند تا نهضت امام حسین علیه السلام را مشوه ابراز کنند و اظهار نمایند که نهضت امام حسین علیه السلام نهایتاً به خاطر آن بوده است تا آن را کم ارزش جلوه دهند، بله این قضیه در کتاب‌های شیعه یافت می‌شود بنابر تقدیر صحت آن، جائز نیست که نهضت امام حسین علیه السلام را به آن ربط داد. والله الهادی.

### 📖 برای چه محمد بن حنفیه برادر امام حسین علیه السلام در واقعه کربلا

شرکت نکرد؟

بسمه سبحانه: در تاریخ اسباب زیادی برای آن گفته شده، یکی این است که مریض بود، و شاید علت آن مهم‌تر از آن باشد که در وصیت سیدالشهداء علیه السلام که به برادرش محمد بن حنفیه نوشته، آمده باشد که مضمون آن این است: ای برادرم در مدینه بمان و چشم ما در آن باش، سپس سزاوار است که بدانی شرف شهادت با امام حسین علیه السلام کرامتی از جانب خداوند متعال است که به هر یک از بندگان بخواید اختصاص می‌دهد و بر هر کسی که نخواهد محروم می‌کند چنانکه من و تو ای فرزندم محروم شدیم که در آن نهضت میمون مشارکت کنیم که باعث دائمی بودن اسلام شد، و به ما برخورد با ظلم، طغیان‌گری را یاد داد. سلام بر حسین، سلام بر علی بن الحسین، سلام بر فرزندان حسین، سلام بر اصحاب حسین، پدر و مادرم فدایتان باد، پاک بودید و در آن زمینی که دفن شدید نیز پاک



گردید و رستگار شدید که رستگاری بزرگ برای خداست پس ای کاش با شما می‌بودم و با شما رستگار می‌شدم. والسلام.

📖 برای چه ابن عباس و محمد بن حنفیه بر خروج امام حسین علیه السلام اعتراض کردند و به امام علیه السلام گفتند به عراق نرو با توجه به اینکه امام علیه السلام معصوم بود و آن دو نفر آن را می‌دانستند؟

بسمه سبحانه: آنها واجب‌شان را اداء کردند، مانند رعیت برای امام علیه السلام بودند، از واجبات رعیت این است که مشورت صحیح و درست بدهد، چنانکه خداوند به اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله امر نمود که از فرمایش الهی در آیه **﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾** استفاده می‌شود. که آن از حقوق امام بر رعیت است همچنانکه از رساله حقوق امام سجاد علیه السلام استفاده می‌شود. والله العالم.

📖 نظر حضرت عالی درباره ازدواج حضرت قاسم علیه السلام چیست؟

بسمه سبحانه: این مطلب در کتاب‌های معتبر ذکر نشده است، چنانکه با ملاحظه وضع گرفتاری‌های کربلا در آن زمان وجداناً قابل اتفاق نیست، بله آن در بعضی از کتاب‌های غیر معتبر وارد شده است، و برای همین بر خطیب بهتر است که از ذکر آن خودداری نماید. والله العالم.

📖 دلیل اینکه ام‌لیلی مادر حضرت علی اکبر علیه السلام در کربلا بود چیست؟

و دلیل اینکه در کربلا نبود چیست؟

بسمه سبحانه: بدان ای فرزندم بودن او در کربلا احتیاج به دلیل دارد و نبودنش احتیاج به دلیل ندارد، بعضی از اهل سیر بودن او در کربلا را ذکر کرده‌اند. والله العالم.

📖 برای چه امام حسین علیه السلام با توجه به اینکه آنچه از کشتار و اسارت در کربلا اتفاق می افتاد را می دانست باز زنان و بچه ها را با خود برد، و برای چه خداوند آنها را در لباس اسارت خواست؟

بسمه سبحانه: اول: بر کسی نیست که بر امام علیه السلام اعتراض کند یا شک در صحت عمل امام علیه السلام یا هر معصوم دیگری بکند و بگوید که وظیفه امام علیه السلام چه بود، آیا از خودت سؤال کرده ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای چه خانواده اش را در مکه ترک کرد و به تنهائی هجرت نمود و امیرالمؤمنین علیه السلام را به خاطر دادن امانات مردم آنجا گذاشت؟ برای چه خانواده (دختر و ربیبه هایش) را در مکه ترک کرد در حالی که مکه همه از کفار و دشمنان رسول خدا صلی الله علیه و آله بود؟ گفتیم که اعتراض بر معصوم علیه السلام اشتباه است چرا که توانائی این را نداری که بتوانی بعد از چهارده قرن اتفاقات آن زمان را بشناسی.

دوم: اینکه امام علیه السلام در جاهای مختلفی اشاره به بعضی از حکمت های آن اشاره می کند که به ابن عباس وقتی از امام علیه السلام علت بردن زنان سؤال کرد - نقل به مضمون - فرمود: «آنها امانت های رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند از احدی بر آنها ایمن نیست و آنها از من جدا نمی شوند»<sup>۱</sup> آنچه در شأن حکومت اموی که دارای

---

۱. روایت شده است امام حسین علیه السلام قبل از آنکه می خواست به طرف کوفه حرکت کند نزد قبر جدش و نماز زیادی خواند، وقتی که نمازش را تمام کرد عرض کرد: «پروردگارا این قبر پیامبرت و من پسر دختر او هستم، اتفاقی برای من پیش آمده که از آن آگاهی، می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم، از تو به حق صاحب این قبر می خواهم امری را برای من اختیار کن که رضای تو و رسولت در آن است». راوی گوید: امام حسین علیه السلام گریه می کرد و توسل می جست، و تا طلوع فجر کنار قبر جدش از خداوند درخواست می نمود، که آن حضرت را چرت برد. جدش را در خواب دید. که گروهی از ملائکه در سمت راست و چپ آن حضرت را فرا گرفته اند. امام حسین علیه السلام را به سینه اش چسباند و میان دو چشمانش را بوسید و فرمود: ای حبیبم حسین! به زودی تو را می بینم که به خونت آغشته گشته ای، و سرت را از پشت بریده اند، محاسنت به خون سرت رنگین شده است، و تو در سرزمین کربلا میان گروهی از امت من تنها و بی کس هستی، فریاد رسی می خواهی ولی کسی به فریادت نمی رسد. در آن حال تشنه هستی آبت نمی دهند. آنها

دشمنی و کینه دیرینه بود این بود که دست از خانواده امام علیه السلام بر نمی داشتند همچنانکه با همسر صحابی عمرو بن حمق خزاعی هنگامی که او را داخل زندان کردند انجام دادند (آنچه که نقل شده است).<sup>۱</sup> والی مدینه مروان بن حکم دشمن

تجاوز به حریمت را جائز می شمارند و بچه شیرخوارت را ذبح می کنند و با این حال امید شفاعت از من را دارند. روز قیامت شفاعت من به آنها نمی رسد. ای حبیب حسین! پدر و مادر و برادرت نزد من آمده اند و مشتاق دیدار تو هستند. برای تو در بهشت درجه عالی هست. به آن درجه نمی رسی مگر با شهادت پس بشتاب به سوی درجات. امام حسین علیه السلام در کنار قبر جدش در خواب گریه می کرد. و می گفت: «ای جد بزرگوام مرا نیز بگیر و با خودت ببر که نمی خواهم به دنیا برگردم. و پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود: باید به دنیا برگردی تا شهادت روزی تو شود. تا به آنچه از سعادت برایت نوشته شده به آن برسی. که به زودی من و پدرت و برادرت و مادرت تو را خواهیم دید. و با هم محشور خواهیم شد. راوی گوید: امام حسین علیه السلام هراسان از خواب بیدار شد و خوابش را برای اهل بیتش گفت. آن روز شدیدترین غم و اندوه و گریه بر اهل بیت علیهم السلام بود. راوی گفت: امام حسین علیه السلام متوجه ابن عباس شد و به او فرمود: چه می گویی درباره قومی که فرزند دختر پیامبرشان را از وطن و خانه و قبر جدش بیرون کردند؟ و او را با ترس و اندوه ترک نمودند که جانی برای آرام گرفتن ندارد، می خواهند او را بکشند و خونس را بریزند، در حالی که نه به خدا شرک ورزیده و نه مرتکب منکر و گناهی شده است. ابن عباس گفت: فدایت گردم ای حسین! اگر ناچاری که به کوفه بروی خانواده و زنان را با خودت نبر. امام علیه السلام به او فرمود: ای پسر عمو! رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم، مرا به امری دستور داد که توانائی خلاف آن را ندارم، به من دستور داد که آنها را نیز با خودم ببرم. و در نقلی دیگر هست که فرمود: ای پسر عمو آنها امانت‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند، از کسی بر آنها در امین نیستم و آنها نیز از من جدا نمی شوند. ابن عباس بعد از این جملات امام علیه السلام صدای گریه‌ای را از پشت شنید که می گفت: ای ابن عباس به بزرگ و سرور ما می گویی که ما را اینجا بگذارد و خودش به تنهایی برود بلکه به خدا سوگند با او می رویم و با او نیز می میریم، آیا ما می خواهیم بعد از او در لحظه‌ای در دنیا باقی بمانیم؟! ابن عباس گریه شدیدی کرد و می گفت: ای پسر عمو به خدا سوگند جدائی از تو بر من خیلی سخت است. سپس امام حسین علیه السلام بر گشت. ابن عباس به امام علیه السلام اشاره کرد که به مکه برود و با بنی امیه صلح کند. امام حسین علیه السلام فرمود: هیاهات هیاهات ابن عباس این قوم مرا رها نمی کنند، آنها مرا طلب می کنند هر کجا که باشم، حتی اگر با آنها علی رغم میل خود بیعت کنم باز مرا می کشند. به خدا سوگند اگر در سوراخی پنهان شوم باز مرا پیدا کرده و می کشند. به خدا سوگند آنها به حق و حریم من تجاوز می کنند همچنانکه یهود به روز شنبه تجاوز کردند. من بنا بر دستور جدم هستم همانطور که امر نمود. انا لله و انا علیه راجعون. نگاه کن: مدینه المعاجز، ج، ص ۴۸۳ - ۴۸۵.

۱. ابن عساکر در شرح حال آمنه دختر شریک و همسر عمرو بن حمق از میمونه نقل می کند که گفت: آمنه همسر عمرو بود که معاویه او را گرفت و مدتی در زندان انداخت، تا اینکه سر عمرو

سرسخت امام حسین علیهم السلام بود که والی قبلی را بر کشتن امام علیهم السلام تحریک می‌کرد، اگر امام علیهم السلام خانواده و زنان را در مدینه می‌گذاشت اتفاقی می‌افتاد که عاقبت پسندیده‌ای در پی نداشت. والله العالم.

سزاوار است همچنین بدانی اسباب طبیعی و اوضاعی که مسلمانان در آن برهه از زمان زندگی می‌کردند که دارای دشمنی و کینه و دوران سخت بر آل رسول صلی الله علیه و آله و شیعیان آنها بود، اقتضا می‌کرد که اگر در جریان کربلا خانواده‌ای نمی‌بود خون حسین علیهم السلام و اصحاب و اهل بیتش به هدر می‌رفت، و بنی امیه توانائی این را داشتند که خون آن حضرت را پنهان کنند و مردم را از حقیقت گمراه سازند چنانکه سعی در آن و در از بین رفتن قربانی‌ها در ظلمات تاریخ انجام دادند. والله العالم.

### 📖 می‌خواهم بدانم که یزید بن معاویه چگونه مرد؟

بسمه سبحانه: روایت موجود در کتاب‌های معتبر این است که او به مرضی مبتلا شده و به هلاکت رسید، و لکن هر آنچه در روایات تاریخی می‌آید خالی از سند معتبر است. والله العالم.

### 📖 آیا امام زین العابدین علیهم السلام در طول زمان واقعه کربلا حتی بعد از

بن حلق را آورده و به نزدش انداختند، از آن ترسید، سپس آن سر را برداشت و در دامن خود گذاشت و دستش را بر پیشانی او گذاشت و دهانش را پاک کرد و گفت: مدت زیادی تو را از من دور کردند، بعد از آن مدتی تو کشته به نزدم آوردند، خوش آمدی. ابوالحسن علی بن محمد کاتب معروف به شابشتی گوید: عمرو بن حلق هنگامی که کشته شد سرش را برای معاویه بردند. و در اسلام آن اولین سری بود که از شهری به شهری دیگر برده می‌شد. آمنه دختر شریک همسر او در دمشق بود. هنگامی که سر همسرش را به او دادند آن را در دامن خود گذاشت و دست بر آن می‌کشید و می‌بوسید و می‌گفت: خوش آمدی که هرگز فراموش نمی‌کنم، به معاویه بگو: خداوند بچه‌هایت را یتیم کند، و خانواده‌ات از تو به وحشت بیفتند، و گناهانت آمرزیده نشود ... نگاه کنید به تاریخ مدینه دمشق، ج ۶۹، ص ۴۰ - ۴۱

شهادت امام حسین علیه السلام و رسیدن اسراء به شام بیمار بود؟  
 بسمه سبحانه: این مطلب در کتاب‌های معتبر از جمله کتاب ارشاد<sup>۱</sup> شیخ مفید رحمته الله آمده است. والله العالم.

📖 هنگامی که حضرت عباس علیه السلام به آب رسید و امکان این را داشت که به اندازه‌ای آب بنوشد که تا بر دشمنان قوی شود چرا ننوشید؟  
 بسمه سبحانه: حضرت عباس علیه السلام می‌دانست که شهید می‌شود و از جانب امام علیه السلام در شب عاشورا به آن آگاه شده بود. برای حسین علیه السلام یاری کننده‌ای غیر آن حضرت با وجود دشمنان زیاد و اصرار آنها بر کشتن امام علیه السلام باقی بماند، برای خود گوارا ندید که با تشنه بودن امام حسین علیه السلام و فرزندانش آبی بنوشد، ای برادر آیا در این اشکالی می‌بینی؟ اینکه عمل حضرت عباس علیه السلام مصداق آیه شریفه است که خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾<sup>۲</sup> و آنها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند؛ کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده‌اند رستگارند! والله العالم و هو الهادی.

📖 تعداد کسانی که با امام علیه السلام قبل از اینکه از او جدا شوند چقدر بود؟  
 آیا نمونه‌ای برای ما ذکر می‌فرمائید که چند نفر امام را رها کردند؟ آیا اینجا کسی هست که امام علیه السلام را ترک کرده و به لشکر عمر بن سعد ملعون ملحق شود؟

بسمه سبحانه: برای دست‌رسی به این معانی به کتاب «مقتل الحسین علیه السلام» سید

۱. ارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۲۹ که شیخ مفید بارها به آن اشاره می‌کند.

۲. سوره حشر، آیه ۹

عبدالرزاق مقرم و کتاب «مقتل الحسین علیهم السلام» محمدتقی بحرالعلوم رجوع کن. مصادر صحیح به تعداد آن تعرض نکرده است، چنانکه تاریخ از اینکه چند نفر از یاران آن حضرت که بین مکه و کربلا بوده‌اند جدا شدند و به دشمنانش ملحق گردیدند را ذکر نکرده است، بله زیاد است که امام حسین علیهم السلام نامه می‌فرستاد و کسی را به یاری کردن خویش فرا می‌خواند و سوگند می‌داد و به دست سفیرش مسلم بن عقیل علیهم السلام بیعت کند ولی بعداً جزء جنگ کنندگان با آن حضرت شدند و در لشکر ابن سعد قرار گرفتند. والله العالم.

📖 چه تعداد با مسلم بن عقیل علیهم السلام بودند؟ نمونه‌ای از آن را ذکر

بفرمائید؟

بسمه سبحانه: هزاران نفر با او بیعت کردند، روایات در تعداد آن اختلاف است که به مقتل الحسین علیهم السلام عبدالرزاق مقرم و مقتل الحسین علیهم السلام سید محمدتقی بحرالعلوم رجوع کن، اینهایی که با او بودند بیعت را نقض کردند و جزء دشمنان امام حسین علیهم السلام گردیدند و در کشتن آن حضرت شرکت کردند جز تعداد کمی که بر بیعت خود باقی ماندند مثل مسلم بن عوسجه که رضوان الهی بر او و امثال او باد. والله العالم.

📖 عاشقان و شیعیان آل علی علیهم السلام در کف العباس علیهم السلام چه دیده‌اند که در

نزدشان این همه تقدس دارد؟

بسمه سبحانه: آن دست در یاری امام علیهم السلام و یاری دین و در دفاع از اسلام قطع شد و آن دست ولی‌ای از اولیاء الهی است. والله العالم.

📖 شبهه‌ای که دشمنان مذهب اهل بیت علیهم السلام پخش کرده‌اند و آن این

است که قاتلان امام حسین علیهم السلام از شیعیان کوفه بوده‌اند، آنها بودند که امام

حسین علیه السلام را به کوفه دعوت کردند، آنها بودند که قیام به قتل مسلم بن عقیل کردند و در قتل امام حسین علیه السلام شرکت نمودند.

خلاصه اینکه آنها پخش کرده‌اند که قاتلان امام حسین از اهل کوفه بودند و کوفه معروف به تشیع آل البيت علیهم السلام بود، پس شیعه کسانی هستند که حسین علیه السلام را کشته یا در قتلش شرکت نمودند.

در مقام رد این اشکال و آنچه که تعلق به اهل کوفه هست چه می‌فرمائید؟  
بسمه سبحانه: آنهایی که در کوفه بودند - مگر عده کمی از آنها - کسانی بودند که اعتقاد داشتند علی بن ابی طالب علیه السلام خلیفه چهارم است پس چگونه حکم می‌کنید که آنها شیعه بودند، عده کمی از آنها کسانی بودند که اعتقاد داشتند علی علیه السلام خلیفه اول بود ولی چهارمین نفر است که به خلافت رسید چرا که آن خلافت را در سقیفه از او گرفتند. سزاوار است که بدانیم و همه می‌دانند که یزید - که لعنت لعن کنندگان بر او باد - پرده از الحاد خودش برداشت هنگامی که گفت:

لَعِبْتَ هَاشِمٌ بِالْمُلْكِ فَلَا      خَبْرٌ جَاءَ وَكَأَوْحِي نَزَلَ  
يَقُولُونَ: إِنَّ اللَّهَ خَالِقُ جَنَّةٍ      وَنَارٍ وَتَعْذِيبٍ وَغُلٍّ يَدِينُ

هاشم (نیای اعلای پیامبر، و در اینجا منظور خود پیامبر است) با ملک و حکومت بازی کرد زیرا نه خبری رسیده و نه وحیی نازل شده است. من از دودمان خندف نباشم که اگر از آنچه فرزندان احمد کرده‌اند، انتقام نگیرم!  
می‌گویند: خداوند بهشتی را آفریده است و آتشی و شکنجه‌ای و دست بند زدنی را.

و این کشف از الحاد امثال او می‌کند پس بر همه مسلمانان واجب است از همه آنها برائت بجویند.

📖 آیا اصحاب امام حسین علیه السلام ناخودآگاه به آن حضرت رسیدند و به

خاطر دوست داشتن آن حضرت علیه السلام با او ماندند یا علت دیگری داشت؟

بسمه سبحانه: حالت اصحاب امام حسین علیه السلام مختلف است که عده‌ای از آنها با آن حضرت برای یاری امام علیه السلام خارج شدند بلکه بعضی از آنها از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بودند که به تحقیق از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده بودند که حسین علیه السلام در زمین کربلا کشته می‌شود پس هر کس او را درک کرد یاری‌اش نماید. بعضی دیگر را امام علیه السلام فرا خواند و او هم اجابت کرد. بعضی دیگر را نیز خداوند سبحان به وسیله مواعظ امام حسین علیه السلام و کراماتش هدایت فرمود مثل حر بن یزید ریاحی و وهب کلبی و زهیر بن قین و گروهی که در شب عاشورا از لشکر عمر بن سعد به آن حضرت پیوستند و در جهت یاری امام علیه السلام نیز به شهادت رسیدند. و همچنین بعضی از اهل بصره نیز این چنین بودند. والله العالم.

📖 حضرت زینب علیها السلام بعد از این مصیبت چگونه زندگی کرد؟ کجا

زندگی کرد؟ بعد از آن واقعه چه مدت در مدینه ماند؟ عمرش چقدر بود؟

بسمه سبحانه: ای فرزندم به کتاب «زینب الكبرى من المهد الى اللحد» سید محمد کاظم قزوینی رجوع کن که مؤلف قلمش را در خدمت شیران بنی هاشم و عقیده آنها به تعب و خستگی واداشت، و به کتاب «مرقد العقيلة زینب» شیخ سابقی مراجعه کن آنچه را که می‌خواهی و آنچه را که نمی‌خواهی در آن دو کتاب خواهی یافت. والله العالم.



## تعیین مکان‌های مقدس در کربلای معلا

📖 آیا نقشه موجود که امروز هست در مشخص کردن اماکن مانند تل زینیه و خیمه‌ها و غیر آن نزد شما ثابت شده است، آیا آنها اماکن تاریخی صحیح است که در آنجا وقایع اتفاق افتاده است؟

بسمه سبحانه: آنها بدون استناد به روایتی معتبر بنا شده است، آن رمزی خالص و پاک است غیر از جاهای قبرها که همان است که بوده غیر از قبر حبیب بن مظاهر اسدی رضی الله عنه که آن جداً بعید است مدفن حبیب باشد، زیرا با از بین بردن دیوار بین قبر او و قبر امام حسین رضی الله عنه پاهای حبیب نزدیک سر امام حسین رضی الله عنه می‌باشد، و معلوم است که این مانع‌ها و بناها در هنگام دفن نبوده است. والله العالم.

📖 مکان حقیقی نهر علقمه کجاست؟ آیا امروز برای آن اثری مانده است؟

بسمه سبحانه: این نهر نزدیک قبر ابوالفضل عباس رضی الله عنه بوده است که به مرور زمان و بعد از جنگ و به فعل بعضی‌ها کهنه شده و از بین رفته است، کتاب‌هایی در این باره تالیف شده است که به آن رجوع کن. والله الهادی.

📖 روایت شده که امام حسین رضی الله عنه در شب عاشورا به یکی از اصحابش

فرمود: «فلانی بین دو کوه یا این کوه برو و خودت را نجات بده» امروز این کوه کجاست که امام حسین علیه السلام آن را قصد نمود؟

بسمه سبحانه: بعید نیست که مقصود امام علیه السلام از دو کوه دو تل بلند بوده است چرا که زمین در آن زمان دارای تل و تپه و بلندی بوده است، و احتمال داده می شود که دو کوه را تغییر داده باشند که این از احتمال اول بعیدتر است. والله العالم.

۱. امام حسین علیه السلام شبی از خیمه ها بیرون آمده و دور شد، نافع نیز شمشیرش را برداشت و فوراً به دنبال حضرت رفت دید که آن حضرت پشت خیمه ها را بررسی می کند امام حسین علیه السلام متوجه او شد فرمود: کیستی؟ نافع هستی؟ گفت: بله فدایت گردم ای فرزند رسول خدا. فرمود: ای نافع چه چیز باعث شده که این موقع شب بیرون آئی؟ گفت: سرورم بیرون آمدن شما به سمت این ستمکاران مرا ناراحت کرد. فرمود: ای نافع بیرون آدمم تا اینجاها را بررسی کنم از هجوم لشکر از پشت خیمه نگرانم. گفت: سپس امام علیه السلام برگشت سمت چپ مرا گرفت و می فرمود: آن آن به خدا سوگند وعده ای است که خلافتی در آن نیست. سپس فرمود: ای نافع آیا نمی خواهی میان این دو کوه بروی و خودت را نجات دهی. نافع خودش را به قدم های امام علیه السلام انداخت و آنها را می بوسید و گریه می کرد و می گفت: در این هنگام ای نافع مادرت بر تو بگرید، سرور من این شمشیرم به هزار و اسپم نیز به همین قیمت می ارزد، به خدا سوگند که در این مکان بر من منت گذارده ای اباعبدالله هرگز از شما جدا نمی شوم تا به خونم آغشته گردم. مجالس الفاخره فی مصائب العتره الطاهره، ص ۲۳۰ - ۲۳۱ سید شرف الدین.

## بعضی از حوادث روز عاشورا

📖 بعضی از خطبای منبر حسینی علیه السلام می گویند اصحاب امام حسین علیه السلام و اهل بیت آن حضرت آن قدر زیاد از دشمنان کشتند که تعدادشان به هزاران نفر می رسید، آیا این ارقام صحیح است؟

بسمه سبحانه: در این باره اولاً به کتاب‌های سیر مراجعه شود، ثانیاً از مسیر جنگ ظاهر می شود که وقتی پنجاه نفر از صالحان اصحاب امام علیه السلام در حمله اول به شهادت رسیدند نظر امام علیه السلام و اصحاب بر این قرار گرفت جنگ به وسیله همه اصحاب نباشد چرا که آن باعث می شود که جنگ به سرعت به پایان برسد و این چیزی بود که امام علیه السلام آن را نمی خواست چرا که می خواست اهدافش را برای دشمنان آشکار نماید و آنها را هدایت کند که با این روش عده زیادی را هدایت کرد، و همچنین مطلوب زیاد کشتن از لشکر ابن سعد بود که آن در حد امکان پاک کردن روی زمین از مجرمان بود، همچنین ایجاد کراهت در سلطه ستمگر بود چرا که حکومت ستمگر رعایت حال زنان و یتیمان کشته شدگان لشکرشان را نمی کرد که آن هدف شریفی بود، و همان وقت هدف سیاسی بزرگان لشکر بود، و از اینجا بود که یک یا دو نفر وقتی به میدان می رفتند عده زیادی از دشمنان را می کشتند به طوری که بعضی از روایات می گویند اصحاب امام حسین علیه السلام اکثر لشکر ابن سعد را کشتند، روایت شده که حضرت علی

اکبر علیه السلام به تنهائی دویت نفر را کشت و با این بیان روشن می شود که آن بر شخص نقد کننده سخت و دشوار است که تعداد را به دقت معین و مشخص کند برای اینکه دست یافتن به آن بر حسب موازین شرعی سخت و دشوار است. والله الهادی و هو العالم.

### 📖 کتاب های معتبر درباره مقتل امام حسین علیه السلام کدام ها هستند؟

بسمه سبحانه: بدان ای فرزندم بر توست که از کتاب «بحار الانوار» کتاب «مقتل الحسین علیه السلام» سید جلیل عبدالرزاق مقرر و همچنین کتاب «مقتل الحسین» سید محمدتقی آل بحر العلوم استفاده کنی چرا که آنها هر آنچه در کتاب های معتبره بوده را جمع کرده اند و به مصادری که یافته اند راهنمایی نموده اند. والله الهادی.

📖 عده زیادی از مردم خصوصاً خطباء در ماه محرم تلاش می کنند که قضیه ازدواج حضرت قاسم علیه السلام را که در روز عاشورا اتفاق افتاده به تصویر بکشند، اینها اعتماد بر کتاب های زیادی می کنند که در آنها امام حسین علیه السلام بنا بر وصیت برادرش امام حسن علیه السلام یکی از دخترانش را به قاسم بدهد و لذا امام علیه السلام اقدام به ازدواج حضرت قاسم علیه السلام نمود و از مردم هستند که نماد شخصیت امام حسین علیه السلام و قاسم را درست می کنند که به خاطر تاسی به مصیبت بزرگ و فاجعه عظمی قلبها را بسوزاند و اشکها را جاری سازد، آیا نزد حضرت عالی به اثبات رسیده که این عمل از جانب امام حسین علیه السلام صادر شده است؟

بسمه سبحانه: این خبر اگر چه در بعضی از کتابها هست اما از طریق معتر ثابت نشده است. والله العالم.

📖 اصحاب امام حسین علیه السلام چگونه جنگ می کردند؟ آیا هر کدام آنها

به تنهایی به جنگ می رفت؟

بسمه سبحانه: بدان ای فرزندم اثبات کردن جزئیات فاجعه کربلا با روایات معتبر بر حسب قواعد علم درایه و رجال سخت و دشوار است چنانکه هر کسی که دستی طولانی در این دو علم دارد با اطلاع به مصادر واقعه کربلا آن را می داند، اما در کل یک حالت جنگی در آنجا نبوده است، و آنچه که از روایات استفاده می شود این است که یک بار دو لشکر همه با هم جنگ کردند، یک بار تک به تک با هم مبارزه می کردند و یا یک نفر با یک لشکر به جنگ می پرداخت. والله العالم.

📖 هنگامی که حضرت علی اکبر علیه السلام به جنگ رفت آیا کس دیگری هم

با او بود؟

بسمه سبحانه: در مصادر چیزی که آن را اثبات کند نیافتم، بلکه آنچه از مصادر معتبر به دست می آید این است که آن حضرت به تنهایی به میدان جنگ رفت.

📖 برای چه امام حسین علیه السلام و اصحابش با هم و یک مرتبه به جنگ

نرفتند؟

بسمه سبحانه: با تامل و اندیشه در اتفاقات آن فاجعه هدف امام حسین علیه السلام و یارانش این بود که تا حد امکان جنگ را به درازا بکشاند، و برای این هدفها بود که در حد ممکن تعداد زیادی از دشمنان کشته شدند، و هدف دیگر این بزرگواران این بود که اسلام و دین و هدایت را به آن اشقیاء به خاطر اتمام حجت عرضه نمایند تا هر چند نفر که ممکن هست از آن شقاوت رهائی یابند. از بعضی مصادر استفاده می شود که امام حسین علیه السلام تمکن رهائی بعضی از افراد را داشت

چنانکه تمکن این را داشت که جنگ را از روز اول تا روز عاشورا به تاخیر بیندازد و در این مدت با رفتار امام علیهم السلام گروهی از لشکر ابن سعد به لشکر امام علیهم السلام پیوستند، از جمله آنها حر بود که یکی از چهار مهتر و بزرگ کوفه و یکی از فرماندهان لشکر عبیدالله بن زیاد و شناخته شده بود. سپس بدان ای فرزندم تعیین مرز و حدود برای تصرف در این واقعه احتیاج به اطلاع بر همه جوانب دارد، سپس جرات پیدا کنی که بر تصرف امام علیهم السلام اعتراض نمائی در حالی که او امام معصوم هست که بر ما لازم هست هر چه از او ثبت شده تسلیم آن شویم. والله العالم و هو الهادی.

## مسیر اسراء

📖 آل امیه چه زمان اسرای کربلا را از شام آزاد کرد؟

بسمه سبحانه: از بعضی مصادر استفاده می‌شود که آنها روز اربعین به کربلا رسیدند، و در اینجا روایاتی هست که کشف از حالات ذریهٔ رسول خدا ﷺ در زمان اسارت می‌کند. و آن حالت اقتضا می‌کند که بر حسب موازین عادی باید مدت طولانی در زندان بوده باشند، برای همین بعضی‌ها احتمال می‌دهند که برگشت اسرا به کربلا در اربعین اول نبوده است بلکه در اربعین سال بعد بوده است. والله العالم.

📖 بر امامیه اشکال می‌کنند که چگونه اسراء در روز اربعین به کربلا

رسیدند در حالی که می‌دانیم آنها بر پشت شتران سوار بودند و بعد از واقعهٔ کربلا به کوفه رفتند و مدتی در آنجا ماندند و سپس به سوی شام رفتند و مدتی نیز نزد یزید - که خداوند لعنتش کند - ماندند به طوری که گفته می‌شود مدت طولانی در زندان بودند، فرمایش حضرت عالی برای کوتاه شدن مدت بعد از تمام شدن جنگ و رفتن آنها به کوفه و شام و برگشتن‌شان به کربلا چیست؟ آیا روایت صحیحی هست که آنها در روز اربعین با جابر بن عبدالله انصاری ملاقات کردند؟

بسمه سبحانه: بدان ای فرزندم نظرها در این مورد اختلاف دارند، بعضی‌ها احتمال می‌دهند که آنها همان سال اربعین به کربلا برگشتند - چنانکه در جواب سؤال گذشته به آن اشاره کردیم - و مشهور هم همین هست. اما مسافت دور نبود، چرا که راهنمای راه‌ها مسیر کوتاه بین شهرها را می‌شناختند، در تاریخ ذکر شده که مامون شخصی را برای گرفتن بعضی از بزرگان بنی امیه فرستاد و مدتی را معین کرد که رفت و برگشت از عراق تا سوریه (دمشق) از ده روز بیشتر نباشد، و بعضی از فضلا به این معنا برای حل موضوع تعرض کرده‌اند که به عنوان مثال به کتاب «اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات» فاضل دربندی رجوع کن. والله العالم و هو الموفق.

📖 آیا کاروان حسینی علیه السلام در اربعین امام حسین علیه السلام با جابر بن عبدالله انصاری ملاقات کردند؟

بسمه سبحانه: بله، در کتاب‌های معتبر وارد شده است. والله العالم.



## اهداف و اسباب انقلاب حسینی علیه السلام

📖 برای چه امام حسین علیه السلام تا زمانی که معاویه زنده بود قیام نکرد؟  
بسمه سبحانه: امام علیه السلام به این سؤال در بعضی از فرمایشات و نامه‌هایش به بعضی از شیعیانش جواب داده است. معنای آن این است که بین امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام عهدی با معاویه بود و تا مادامی که معاویه ستمگر زنده بود آن عهد باقی بود چنانکه رسول اعظم صلی الله علیه و آله در صلح حدیبیه عمل کرد. علاوه بر آن ما معتقد هستیم که امام علیه السلام معصوم است کاری نمی‌کند مگر آنکه شرع به آن امر کرده باشد، همچنین برای نهضت مبارکش اسباب زیادی هست، امام علیه السلام در حکومت یزید می‌دانست که کشته می‌شود اگر چه در مدینه یا در مکه به پرده کعبه آویزان باشد، و دعوت اهل کوفه هم حجت برای رفتن آن حضرت به آنجا شد، در حالی که این اتفاقات در زمان معاویه نیفتاد، و امام علیه السلام به معاویه فرمود: من به خاطر قیام نکردن در برابر تو از خداوند عذر می‌خواهم. و این معانی در جملاتی از نامه آن حضرت که صاحب کتاب «تحف العقول» و دیگران آن را ذکر کرده‌اند به دست می‌آید. والله العالم و هو الهادی.

📖 بعضی‌ها بر ما اشکال می‌کنند که اگر امام حسین علیه السلام ریشه ظلم و استبداد را کننده بود امروز برای چه حکومت‌های استبداد و حاکمان ستمکار را در بیشتر کشورهای مسلمانان ملاحظه می‌کنیم؟

بسمه سبحانه: وقتی که می‌گوئیم امام حسین علیه السلام ریشه ظلم و طغیان‌گری را

کند یعنی اینکه امکان یافت که پایه و اساس دین را ثابت نگهدارد که به وسیله کارهای بنی امیه و پیروانشان به لرزه در آمده بود، یزید بن معاویه سعی و تلاش در محو کردن و از بین بردن اسلام داشت چنانکه در گفته خبیثش آمده است:

لَعِبَتْ هَاشِمٌ بِالْمُلْكِ فَلَا خَيْرَ جَاءَ وَكَأَ وَخِي نَزَلَ

هاشم (نیای اعلای پیامبر، و در اینجا منظور خود پیامبر است) با ملک و حکومت بازی کرد زیرا نه خبری رسیده و نه وحیی نازل شده است. من از دودمان خندف نباشم که اگر از آنچه فرزندان احمد کرده‌اند، انتقام نگیرم!

ولی اسلام تا امروز باقی ماند و ان شاء الله به دست امینان نیز باقی خواهد ماند. با توجه به همه آنها یکی از ثمرات انقلاب امام حسین علیه السلام سیطره اهل بیت علیهم السلام بر قلوب هست و این همان است که مانع تحقق اراده یزید ملعون و امثال او از محو کردن دین شد، سپس امام حسین علیه السلام اساسی را پایه‌گذاری کرد که قبل از آن شناخته نمی‌شد مگر به فعل انبیاء و رسولان که آن یاری کردن دین با قربانی کردن است، و برای همین انصار امام حسین علیه السلام تا امروز بر سر زبان‌ها ماندند، و ما در روشنائی حدود شرعی ثابت ماندیم. والسلام.

📖 آیا امام حسین علیه السلام هنگام خروجش به جانب عراق می‌دانست که به زودی کشته می‌شود و اگر چنین است آیا این خود را به هلاکت انداختن نیست؟

بسمه سبحانه: آنچه امام حسین علیه السلام انجام داد به امر خداوند سبحان بود، چرا که او امام معصوم هست و کاری را انجام نمی‌دهد مگر آنکه مطلوب شرع باشد، اگر کار امام حسین علیه السلام - العیاذ بالله - غیر پسندیده بود، هر مجاهدی به سوی کشتن می‌رفت و او می‌دانست که به زودی می‌میرد و این فعلش حرام بود. چه تعداد از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله برای جهاد می‌رفتند و از آن حضرت صلی الله علیه و آله درخواست دعای شهادت و مرگ در راه خدا را طلب می‌کردند. والله العالم.

📖 **واقعه کربلا همه ابعاد رسالتی و ضمیمه شدن همه قسمت‌های اجتماعی و مجسم شدن زیبایی‌های قربانی و فداء شدن در آن را شامل می‌شود و از جانی دیگر زشت‌ترین صورت‌ها که از حدود انسانیت خارج شده بودند در آن آشکار شد، در خلال این اتفاقات عاشورا نقش زنان در این نهضت ابدی چیست؟**

بسمه سبحانه: واجب است که زنان از این فاجعه بدانند - چنانکه بر مردان هست که بدانند - چگونه به حق تمسک جوئیم و به شرع شریف مقید شویم. چگونه بر ساز و برگ استعداد دائمی برای قربانی شدن در مسیر محافظت از شریعت و سعی و تلاش در تطبیق احکام آن باشیم. پس بدرستی که دلیری و شجاع بودن زن در واقعه کربلا در عقیده بنی هاشم و شیرزن آل ابی‌طالب و زنان‌های فاضله و مؤمنه از خلال متعهد بودن بر نماز و حجاب و اطاعت از امام و تقدیم داشتن فرزندان و شوهران و فرستادن عزیزانشان برای یاری حق مجسم می‌شود. همه اینها مسیر صحیح را برای زن مشخص می‌کند. پس بر زن هست که در خدمت شوهر، تربیت اسلامی بچه‌ها، ملتزم بودن به شریعت و حجاب که اساس و پایه برای زن مؤمنه هست، متعهد بودن به واجبات و عبادات باشد. تا آن مدینه فاضله و خانواده فاضله در اسلام محقق گردد. والله الموفق.

📖 **صورتی که اسلام برای زن ترسیم می‌کند از جهت اهمیت رسالت او در بُعد اصلاح دینی و اجتماعی چیست؟**

بسمه سبحانه: سزاوار است که بدانی زنان نصف اجتماع ما است، بلکه هرگاه نقش آنها را دانستیم و شناختیم مبالغه نکرده‌ایم اگر بگوئیم آنها تمام اجتماع هستند، پس صلاح اجتماع با صلاح آنها و فساد اجتماع با فساد آنهاست. به تحقیق زن جایگاه والا و مقام بلند خودش را نمی‌داند که مانند عنصری اساسی برای اجتماع هست، مع‌الأسف در اکثر اجتماعات وسیله‌ای برای اشباع

خواستگاری حیوانی مردان می‌باشد و وسیله‌ای برای تجارت در چیزهای مباح و حرام می‌گردد. زن در همه عمرش نقشش به سه دوره تقسیم می‌گردد:

اول: نقش دختر که در ضمن خانواده هست.

دوم: نقش همسر در خانه شوهر که عنصر اساسی بر تکوین و پیدایش خانواده جدید است.

سوم: نقش مادر برای بچه‌ها.

که در نقش اول یاد می‌گیرد، تربیت می‌شود، معانی شریفه و اوصاف یک زن فاضله را کسب می‌کند، و به سرشت طفولیت و عاطفی بودنش در قلب پدر و مادرش جای می‌گیرد. که حضرت زهرا علیها السلام بهترین مثال برای آن برهه تاریخی هست و برای همین به «ام ابیها» ملقب گردید.

در نقش دوم رفیق و همنشین برای زندگی شوهر و آرامش او می‌گردد، در زندگی بازویش می‌شود و در تمام مراحل زندگی دست شوهر را می‌گیرد که حضرت زهرا علیها السلام بهترین مثال در آن است. که هر آنچه یک شوهر از همسرش آرزو می‌کند را برای علی بن ابی‌طالب علیه السلام به وجود می‌آورد، شاید برای همین خداوند سبحان در زمان حیات آن حضرت علیها السلام اختیار کردن همسر دیگری را بر علی علیه السلام حرام کرده بود.

اما نقش سوم که هیچ زنی توانائی تربیت کردن بچه‌ها مانند حضرت زهرا علیها السلام نیست. آن حضرت علیها السلام عملی را وضع کرد که اساس یک مادر موفق و پیروز است. اگر گفته شود که امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام دو امام معصوم بودند و از جانب خداوند سبحان تربیت روحی می‌شدند در جواب می‌گوئیم اگر چه امر این چنین است تربیتی مانند زینب عقیله علیها السلام بهترین شاهد بر تربیت و تعلیم نیکو است. پس طفلی که با شیر پاک و طاهر مانند شیر حضرت زهرا علیها السلام و مهر و محبت مادری که طاهر و پاک و لالائی بچه‌هایش با آیات قرآنی و دعاها و اشعار در مدح اهل بیت علیهم السلام بود تا طفل با تکان‌های منظم با آیات قرآن شریف بخوابد

پس مانند این طفل در سلوک و سرشت و روح با بچه‌ای که در دامنی که این معانی را نمی‌شناسد و با الحان فاسد و آواز حرام برایش لالائی می‌خواند و پاکی و نجاست را در خوردن و آشامیدن طفل ملاحظه نمی‌کند مختلف و گوناگون است، و این تجارب فرق بین این تربیت و آن تربیت زهرائی اثبات می‌کند.

📖 **علاقه بین حضرت زینب علیها السلام و برادرش امام حسین علیه السلام چگونه بود؟**  
 بسمه سبحانه: آن علاقه فقط منبعث از ارتباط مادی و یکی بودن پدر و مادر نبود، گر چه علاقه این چنینی هم دارای عظمت و نیکو است، علاقه بین این دو محکم‌تر از آن بود که آن علاقه دوست داشتن برای خدا و عزم و تصمیم بر قربانی و فدا و قیام به واجب شرعی بود. والله الموفق.

📖 **مرحوم آقای سید ابوالقاسم خوئی رحمته الله می‌فرماید حضرت زینب علیها السلام در دفاع از اسلام و جهاد در راه خداوند با برادرش امام حسین علیه السلام شریک هست، حقیقت این شراکت که حضرت آقا به آن اشاره می‌کند چیست؟**  
 بسمه سبحانه: این شراکت در قیام آن حضرت علیها السلام به نحو مطلوب در آنچه که اسلام و برادرش سیدالشهداء علیه السلام ترسیم کرده بود مجسم پیدا می‌کند، همچنین امام زین‌العابدین علیه السلام مسیر او را برایش ترسیم کرده بود. والله الهادی.

📖 **در آوردن امام حسین علیه السلام زنان مطهره را بر سرزمین کربلا با علم به اینکه آنها اسیر می‌شوند، آیا هدف امام علیه السلام از این عملش عمق بخشیدن عاطفی بر قلوب امت بود یا ارشاد آنها به نقش زنان در ساختن مجد و بزرگواری و محافظت از خط رسالت بوده است؟**

بسمه سبحانه: اولاً کسی حق ندارد که بر فعل امام علیه السلام متعرض شود چرا که امام کاری را بدون امر خداوند سبحان انجام نمی‌دهد، و خداوند سبحان به نتیجه اوامرش، و به اسباب آشکار و پنهان و نهفته در اوامر و نواهی‌اش دانا است، و بر

ماست که خضوع مطلق به امام علیه السلام و از خلال آن خضوع به خداوند سبحان داشته باشیم.

و اما از جانب تحلیلی فعل امام حسین علیه السلام اسباب زیادی دارد که آن حضرت علیه السلام به بعضی از آنها اشاره فرموده است، هنگامی که فرمود: من از احدی بر آنها در ایمن نیستم، اشاره می‌کند به اینکه عادت بنی امیه بر این است که آبرو و حیثیت مردانی را که می‌خواهند تسلیم دستوراتشان نشوند اسیر خود کنند، چنانکه برای امام حسین علیه السلام هدف دیگری بود و آن فعل حضرت زینب علیه السلام بود بعد از آنکه به عنوان اسیر گرفتند عبیدالله بن زیاد را مفتضح نمود و شرف خود و اسیران خود را بیان کرد و خبائت و نجاست خانواده ابن زیاد را خصوصاً مادرش را که شناخته شده از برای همه بود را به یاد او آورد. چنانکه همین کار را با یزید بن معاویه ملعون انجام داد. یزید و پیروانش با توجه به قدرت و داشتن همه امکانات مادی و غیر آن توانائی تغییر مسیر انقلاب امام حسین علیه السلام را با تلاش‌های حضرت زینب علیه السلام و کسانی که با او بودند را نداشتند. والله العالم.

**📖 توصیه‌های حضرت عالی به مردم در ماه محرم چیست؟ مردم چگونه به امام اقتدا کنند و از آن حضرت درس بگیرند به طوری که غیر مسلمانان نیز از امام حسین علیه السلام درس می‌گیرند؟**

بسمه سبحانه: بر همه ماست که از نهضت امام حسین علیه السلام درس بگیریم، و چراغی از معانی آن، روشی برای مقابله با ظلم و ستم و انحراف و فساد از خود و دیگران قرار بدهیم. والسلام.

## رویارویی با شعائر حسینی علیهم السلام

📖 عالمی از ذریه آل رسول اعظم به طور ناگهانی می آید و کسی را که بر زیبایی شعائر حسینی دلیلی بیاورد که ما بر آن ممارست داریم را به مبارزه می طلبد (که این کار غلط و اشتباه است)، این امر باعث شبهه بزرگی در مجالس ما شده است، خداوند اجرت بدهد بفرمائید تکلیف ما و موضع شما در مقابل آن چیست؟

بسمه سبحانه: آن گمراهی و ضلالت است که از آن بوی دشمنی با حق استشمام می شود و دست ناصبی پشت این افکار احساس می شود، از خداوند می خواهم که مؤمنین را از شر آنها کفایت نماید. والله الهادی.

📖 حضرت آیت الله العظمی مجدد حوزه شیخ بشیر نجفی - دام ظلّه - ما گروهی از خادمان منبر حسینی از اصحاب هیئت های حسینی می باشیم، امسال گرفتار سخنی شده ایم که می گویند تنها چیزی که در اقامه شعائر حسینی مشروعیت دارد گریه کردن بر امام حسین علیه السلام است، و آرام بر سینه زدن اشکالی ندارد و غیر آن بدعت است که آغازگر آن فارس ها و ترک ها بوده اند، مهم این است که این سخن در میان بعضی از طلبه های حوزه علمیه هم متداول شده است و ترویج می کنند که اعمالی غیر از گریه کردن بر امام

حسین علیه السلام بدعت است، نظر تان را بفرمائید که خداوند اجر تان دهد.

بسمه سبحانه: با تاسف و خجالت کسانی مثل این امور و فتوا دادن و حکم به بدعت را در دست گرفته‌اند که اهلیت آن را ندارند، معارضین با قضیه امام حسین علیه السلام عبرتی از عاقبت کسانی که با امام علیه السلام و شعائر آن حضرت در تاریخ از بنی امیه و از بنی عباس و ملحقین به آنها مانند ستمکار عصر صدام به معارضه برخواسته‌اند نگرفته‌اند، اگر از این خزعبلات گفتن دست برندارند خداوند سبحان با هیبت امام حسین در کمین گاه آنهاست و خداوند به زودی انتقام حبیبش حسین علیه السلام را از آنها می‌گیرد، بدانید که ما فتوا داده‌ایم که هیئت انوعی دارد اگر آن چیزی که برای امام حسین علیه السلام نیست در آن وارد نشود امری مطلوب است، قمه‌زنی و زنجیرزنی با آن شرائطی که در اطراف آن دو گفتیم نیز مورد پسند است.

از خداوند سبحان امید دارم اینها را هدایت بفرماید اگر اهلیت هدایت را داشته باشند و خادمان امام حسین علیه السلام را از اتفاقات روزگار نگهدارد، و عنایت خاصه از جانب خداوند سبحان به وسیله رحمت و از جانب سیدالشهداء و جد و پدر و مادرش علیه السلام به وسیله شفاعت شامل خود بفرماید. والله الهادی و هو العالم.

بار خدایا لعنت نما اولین ستمگری را که با گرفتن حق محمد و آل محمد به ایشان ظلم و ستم نمود و آخرین کسی که از این ستمگران در گرفتن حق ایشان تبعیت کرد، خداوند لعنت نما گروهی را که حسین علیه السلام را انکار کرده و آن جناب را نپذیرفته و دشمنان حضرت را تبعیت کرده و با آنان بیعت نموده و بر قتل آن حضرت و کشتن یارانش با ایشان هم قسم شدند، خداوند همگی آنان را لعنت نما و از رحمت دورشان بگردان. و از زمان حال و آینده لعنت کن کسی که دشمنان امام علیه السلام را یاری نماید به هر طریق و به هر روشی که باشد.



📖 نظر حضرت عالی با مجموعه‌ای که می‌خواهد مانع هیئت‌های حسینی شود و آن را در میدان و ناحیه‌های معین و کوچک قرار می‌دهد که گاهی بر هیئت‌ها یا بر حضور مردم در آن آنجا سخت و دشوار است، اما در جایی دیگر تعدادی از می‌خانه‌ها و سینماهایی که در آن فیلم‌های مبتذل به نمایش می‌گذارند افتتاح می‌کنند، همچنین مراسمات رقص در هتل‌های پایتخت با حمایت حکومت بر پا می‌شود. بعضی از این مراسم‌ها را در خیمه‌هایی که در خیابان‌ها ساخته‌اند بر پا می‌کنند در حالی که مانع حضور هیئت‌ها در خیابان‌ها می‌شوند، ترس از این داریم بعضی از این مجموعه‌ها نام اسلامی بر خود گذاشته و مردم بگویند که اینها تائید شده هستند؟

بسمه سبحانه: معارضه با شعائر حسینی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ جایز نیست، بلکه هیئت‌های حسینی سزاوار است که منظم باشند تا در مکان‌هایی که مراسم بر پا می‌شود بی‌نظمی پیش نیاید.

اما آنچه از منکرات که ذکر کردی در اسلام رد شده است مصدرش از هر کجا که باشد. نمی‌دانم کجاست آن حکومت اسلامی که وجود آنها را در عراق ببیند؟! آیا قاضی‌ها به احکام اسلامی حکم می‌کنند؟! آیا حکومت اسلامی است که غیر مرجع آن را می‌چرخاند؟! بلکه چه بسا مسؤولی به خاطر غرض و خواسته‌ای می‌آید که آن بر هر شخص عاقلی مانند تو مخفی نیست، سزاوار است که بدانی امروز حکومت تشکیل شده از قاصر و مقصر است که بر جاسوسان یا بر گروه‌های مسلح نظامی اعتماد می‌کنند و بعضی از آنها آزادی‌ها را به دروغ و بهتان به مراجع نسبت می‌دهند. ما مدام و همیشه آنها را نصیحت می‌کنیم که در خدمت مردم باشند. والله الهادی.

آیا واجب است اشکال پراکنده شعائر حسینی را ترک کنیم، هر گاه که از جانب بعضی ها با حجت به این که می گویند به سبب آن دشمنان بر علیه شما زیاد می شود، و ممارست داشتن به آن موجب تشویش اسلام و مسلمین می گردد؟

بسمه سبحانه: خداوند سبحان می فرماید: ﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ﴾<sup>۱</sup> هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، (تا به طور کامل، تسلیم خواسته های آنها شوی، و) از آیین (تحریف یافته) آنان، پیروی کنی.

اگر شیعه ای بود که آمادگی این را داشت شعائر حسینی را برای رضای دشمنان اهل بیت علیهم السلام ترک کند بدون اینکه در آن شعائر چیزی باشد که اسائه ای برای دیگر مذاهب باشد نمی دانم مثل این شخص چگونه معتقد هست که شیعه است؟ بله هیچ داعی برای اعمالی که واجب نیست نداریم و اهل سائر مذاهب آن را اسائه به خودشان می دانند، و هیچ داعی برای به جا آوردن آن اعمال مقابل دیگران برای دور کردن فتنه و حفظ خون و مال و آبروی شیعیان نداریم. والله العالم.

نظر شما درباره قمه زنی و زنجیرزنی چیست؟ برخورد شما با کسی که با این شعائر مقابله کند چیست؟ اینها به اموری چند احتجاج می کنند که از جمله آنها این است که باعث می شود ما از جانب غریبان تحقیر شویم؟

بسمه سبحانه: گفتیم که قمه زنی و سینه زنی مباح است بلکه موجب اجر و ثواب هم می شود با داشتن شرائط خاصی که در جواب های گذشته ذکر کردیم.

اما آنچه که شخص متعرض ذکر می‌کند چیزی عجیب و غریب است اینکه مسلمان دربارهٔ نتیجهٔ عمل شرعی‌اش را به غیر مسلمان رجوع کند، آیا اینجا احساس نقص و کمبود شخصیتی نیست؟ چنانکه او از دور به عدم قناعتش به دین اسلام اشاره می‌کند ولی غافل است از کاری که به عنوان تمدن و فرهنگی انجام می‌شود و به سوی لهُو و لعب فرا می‌خواند مانند بوکس‌بازی، کشتی آزاد، فیلم‌های ترسناک، گاوپازی و خروس‌بازی. در بعضی از دولت‌های اروپائی برای جرح و اهانت مراسم می‌گیرند و غیر آن از عادت‌های سخیفی که از فرهنگ تمدن آنها به شمار می‌رود، ای وای از ذلت و خواری! آیا این شخص متعرض گمان می‌کند یکی از اروپائیان ملحد و غیر آنها از نماز ما راضی هست و اینکه انسان - زن یا مرد - پیشانی‌اش را بر زمین می‌گذارد و پشتش را بلند می‌کند، آیا اینها طواف دور خانه‌ای که با سنگ بنا شده راضی هستند، آیا راضی هستند که برای زنده نگه‌داشتن سنت خلیل الرحمان سنگ بیندازند، آیا آنها به سعی بین صفا و مروه از زن و مرد راضی هستند؟ چنانکه گفتم این مرد با کمبود شخصیت و نقص و جهل به دین زندگی می‌کند، و مانند اینکه دین در نزد مانند او مثل کسی هست که دینی برای او نیست ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾<sup>۱</sup> آنها که ستم کردند به زودی می‌دانند که بازگشتشان به کجاست! والله الهادی.

11/11/2011

11/11/2011

11/11/2011

11/11/2011

11/11/2011

11/11/2011

11/11/2011

## فهرست مطالب

مقدمه.....	۵
تقریظ.....	۷

### فصل اول

سخنرانی‌های حضرت آقا دام ظلّه.....	۱۱
زنده نگه داشتن شعائر حسینی <small>علیه السلام</small> .....	۱۳
انقلاب حسینی <small>علیه السلام</small> و نتایج آن.....	۳۹

### فصل دوم

اعلامیه‌ها و بیانیه‌های حضرت آقا دام ظلّه.....	۵۷
به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم الحرام.....	۵۹
برای خطباء و مبلغین.....	۶۳
بیانیه‌ای دیگر برای خطباء و مبلغین.....	۶۹
بیانیه‌ای برای هیئت‌ها و خادمان دستگاه امام حسین <small>علیه السلام</small> .....	۷۳
زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small> و لزوم ملتزم بودن به حجاب.....	۷۷

## فصل سوم

- استفتائات ..... ۸۱
- شعائر حسینی علیه السلام ..... ۸۳
- تاریخ شعائر حسینی علیه السلام ..... ۸۷
- گریه و بر پا داشتن عزاء ..... ۹۳
- هیئت‌ها و مجالس عزاء ..... ۱۰۳
- وارد کردن قضایای سیاسی در هیئت‌های عزاء ..... ۱۱۱
- سینه‌زنی و زنجیرزنی ..... ۱۱۳
- قمه‌زنی ..... ۱۱۵
- راه رفتن بر روی آتش و اذیت کردن نفس ..... ۱۳۱
- پوشیدن لباس سیاه و پاره کردن یقه ..... ۱۳۵
- مجسمه‌سازی، کشیدن عکس، تمثیل (نمایش)، شبیه ..... ۱۳۷
- دیدن زنان مردان را در هیئت‌های عزاء ..... ۱۴۹
- خطیبان و نوحه‌خوان‌ها ..... ۱۵۱
- روایت زدن حضرت زینب علیها السلام سرش را بر محمل ..... ۱۶۱
- دفن کردن امام سجاده علیه السلام بدن‌های شریف را ..... ۱۶۷
- احکام متعلق به مراقد مقدسه ..... ۱۶۹
- وقف و تولیت آن ..... ۱۷۷
- نذورات و اطعام کردن ..... ۱۸۱
- وسعت پیدا کردن زمانی روز عاشورا ..... ۱۸۵
- اعمال شب و روز عاشورا ..... ۱۸۷
- زیارت ..... ۱۹۱
- زیارت عاشورا ..... ۱۹۷

- ۲۰۷ ..... پیاده‌روی از جهت زیارت.....
- ۲۱۳ ..... بر پا کردن شادی و تولدها در حسینیه و مساجد و .....
- ۲۲۱ ..... به کار بردن طبل و بوق و موسیقی در عزا.....
- ۲۲۵ ..... تربت حسینی علیه السلام.....
- ۲۲۷ ..... توضیحی بر بعضی روایات.....
- ۲۳۹ ..... شخصیت‌ها و حوادث مرتبط با جریان کربلا.....
- ۲۵۷ ..... تعیین مکان‌های مقدس در کربلای معلا.....
- ۲۵۹ ..... بعضی از حوادث روز عاشورا.....
- ۲۶۳ ..... مسیر اسراء.....
- ۲۶۵ ..... اهداف و اسباب انقلاب حسینی علیه السلام.....
- ۲۷۱ ..... رویارویی با شعائر حسینی علیه السلام.....